

جلد دوم

# سینا حاکمی

دکتر سید محمد بی هاشمی

جایگاه دعا در باورد است ممدوی

سرشناسه: بنی‌هاشمی، محمد، ۱۳۳۹  
عنوان و پدیدآور: مناجات منتظران / سید محمد بنی‌هاشمی  
مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۶.  
مشخصات ظاهری: ۲۹۶ ص.  
شابک: ۱-۰۶۹-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا.  
موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. غیبت.  
موضوع: مهدویت، انتظار.  
موضوع: دعا‌های امام زمان (عج).  
رده‌بندی کنگره: ۸ م ۹ ب / ۴ / ۲۲۴ BP  
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷ / ۴۶۲  
شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۶۹۷۶۳



شابک ۱-۰۶۹-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸ ISBN 978 - 964 - 539 - 069 - 1

## مناجات منتظران

مؤلف: دکتر سید محمد بنی‌هاشمی  
ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر  
حروفچینی: شبیر  
نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۶  
تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه  
چاپ: پدیده گوتنبرگ / صحافی: دیدآور

وب سایت: <http://www.monir.com>  
پست الکترونیک: [info@monir.com](mailto:info@monir.com)

تهران، خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹ تلفن و فاکس: ۷۵۲۱۸۳۶ (خط ۴) / ۷۵۲۱۸۳۶ (۰۹۳۵)

دیگر مراکز پخش: نشر نیک‌معارف: ۶۶۹۵۰۰۱۰ \* نشر آفاق: ۲۲۸۴۷۰۳۵  
نشر رایحه: ۸۸۹۷۶۱۹۸ \* نمایشگاه کتاب اعراف: ۲۲۲۰۸۵۲۹ \* پخش آینه: ۳۳۹۳۰۴۹۶

دوره دو جلدی ۶۸۰۰ تومان

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## فهرست جلد دوم

### بخش دوم

### دعا در حق حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الیوم

فصل ۱ - انگیزه ها و محتوای دعا برای امام زمان <small>علیه السلام</small>	۲۳۵
انگیزه های دعا برای دیگری	۲۳۵
۱- دعای شفقت و رحمت برای امام زمان <small>علیه السلام</small>	۲۳۷
۲- دعا برای امام عصر <small>علیه السلام</small> به خاطر تلافی کردن احسان ایشان	۲۴۲
۳- دعا در حق امام عصر <small>علیه السلام</small> از روی امید به احسان ایشان	۲۴۷
۴- دعا برای امام زمان <small>علیه السلام</small> به انگیزه های تعظیم و تجلیل ایشان	۲۴۹
۵- دعا در حق ولی عصر <small>علیه السلام</small> در پاسخ به التماس دعای ایشان	۲۵۱
برخی مضامین دعا برای امام عصر <small>علیه السلام</small>	۲۵۳
۱- دعا برای دفع شرور از امام زمان <small>علیه السلام</small>	۲۵۳
۲- دعا در جهت حفظ امام <small>علیه السلام</small>	۲۵۳
۳- دعا برای دوستان و علیه دشمنان امام <small>علیه السلام</small>	۲۵۴
۴- دعا برای شادی امام <small>علیه السلام</small> به خاطر رعیتش	۲۵۵
۵- دعا برای تعجیل فرج امام <small>علیه السلام</small>	۲۵۶

فصل ۱ - ضرورت دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام ..... ۲۵۷

- ۲۵۷ ..... الف - رفع بلاى غیبت به وسیله‌ی دعا
- ۲۵۷ ..... تذکر به بلا و مصیبت غیبت
- ۲۵۸ ..... احساس نیاز به دعا برای تعجیل فرج
- ۲۵۹ ..... سستی نکردن در مورد این دعا
- ۲۶۰ ..... اطمینان به نزدیک شدن ظهور
- ۲۶۱ ..... یقین به اجابت دعای تعجیل فرج
- ۲۶۲ ..... تأثیر اعتقاد به خدایی بودن امر ظهور در کیفیت دعا برای آن
- ۲۶۳ ..... ب - امثال امر امام علیه السلام به اکتار دعا
- ۲۶۴ ..... معنای دقیق عبارت توقیع امام علیه السلام
- ۲۶۵ ..... ضرورت اهتمام به امثال امر امام علیه السلام

فصل ۲ - آثار و فوائد دعا در حق حضرت ولی عصر علیه السلام ..... ۲۶۷

- ۲۶۷ ..... الف - فوائد دعاهاى ما برای امام عصر علیه السلام
- ۲۶۷ ..... عدم احتیاج امام زمان علیه السلام به دعاهاى ما
- ۲۶۸ ..... فایده بخش بودن دعای ما در حق امام علیه السلام به برکت خود ایشان
- ۲۷۲ ..... فایده‌ی اول: رفع و دفع بلا یا از امام عصر علیه السلام به دعای ما
- ۲۷۴ ..... فایده‌ی دوم: بالا رفتن مقام امام زمان علیه السلام به دعای ما
- ۲۷۵ ..... فایده‌ی سوم: جلو افتادن ظهور امام علیه السلام به دعای ما
- ۲۷۶ ..... مشروط بودن تعجیل فرج به انجام عمل بنی اسرائیل
- ۲۸۰ ..... گریه و ضجّه بنی اسرائیل برای تعجیل فرج
- ۲۸۱ ..... وجدان عذاب بودن غیبت امام عصر علیه السلام
- ۲۸۳ ..... حال گریه و ضجّه: نشانه‌ی عمق معرفت امام زمان علیه السلام
- ۲۸۵ ..... لزوم اهتمام بیشتر به تعمیق معرفت مؤمنان در زمان غیبت
- ۲۸۷ ..... آیا ممکن است جلو افتادن فرج امام زمان علیه السلام محبوب مؤمن نباشد؟
- ۲۸۸ ..... تعجیل فرج یا تعجیل در آنچه خداوند به تأخیر انداخته است؟
- ۲۹۲ ..... لزوم تفکیک دو جهت در مقتضای عدل الهی
- ۲۹۴ ..... تقاضای سطح بالا در دعای توقیع امام علیه السلام

## فهرست مطالب \* پنج

۲۹۵	نفی استعجال در مورد ظهور امام عصر <small>علیه السلام</small>
۲۹۷	ب- آثار دعا در حق ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف برای دعا کننده
۲۹۷	۱۰۲ فایده‌ی دعا در حق امام زمان <small>علیه السلام</small> برای دعا کننده
۲۹۹	فرج دعا کننده به سبب دعا و احسان امام عصر <small>علیه السلام</small>
۳۰۲	فرج دعا کننده به خاطر یاری کردن امام زمان <small>علیه السلام</small>
۳۰۴	فرج دعا کننده از طریق صبر بر دینداری در زمان غیبت
۳۰۶	اکتار دعا بر تعجیل فرج: فرجی بزرگ برای دعا کننده
۳۱۱	حصول تقوی: فرج دیگری برای دعا کننده

## فصل ۳۱ - چگونه دعا برای امام محمدی علیه السلام

۳۱۳	۱- یأس کامل از خلق
۳۱۶	۲- اقبال قلبی در دعا اولین عامل مؤثر در اقبال قلبی: مهم بودن تعجیل فرج امام عصر <small>علیه السلام</small> برای دعا کننده
۳۱۷	دومین عامل مؤثر در اقبال قلبی: اعتقاد عمیق به تأثیر دعا
۳۱۸	در تعجیل فرج امام زمان <small>علیه السلام</small>
۳۲۰	۳- رقت قلب مواقع پیدایش رقت قلب در انسان
۳۲۲	استفاده از حال رقت قلب در دعا برای تعجیل فرج
۳۲۴	۴- تحصیل تقوی و تهذیب نفس
۳۲۵	پرهیز از گناه به خاطر مستجاب شدن دعا در حق امام زمان <small>علیه السلام</small>
۳۲۸	۵- بر عهده نداشتن حق الناس
۳۳۱	۶- معرفت به امام عصر <small>علیه السلام</small> و شکر نعمت وجودی ایشان
۳۳۲	۷- الحاح و اصرار و دوری از سستی
۳۳۳	عوامل مؤثر در پیدایش حالت اصرار در دعا
۳۳۴	نمودهای مختلف اصرار در دعا
۳۳۶	توسل به اهل بیت <small>علیهم السلام</small> در دعای عبرات
۳۴۱	۸- بکاء، ضجّه، تضرع و ابتهاج

- ۳۴۲ ..... زمینه سازی برای ایجاد حال بکاء در دعا
- ۳۴۳ ..... چگونگی پیدایش حال ضجّه و تضرّع
- ۳۴۵ ..... بکاء و ابتهاال امام عصر علیه السلام در دعای عبرات
- ۳۴۸ ..... ۹- دعا در حالات مختلفی که وعده‌ی اجابتش داده شده
- ۳۵۴ ..... ۱۰- نیابت از زندگان و مردگان

## فصل ۵- دعای مأثور و غیر مأثور برای امام زمان علیه السلام

- ۳۵۷ ..... الف- دعاهای غیر مأثور
- ۳۵۹ ..... مقایسه‌ی دعای غیر مأثور همراه با حضور قلب با دعای مأثور بدون آن
- ۳۶۱ ..... ب- دعاهای مأثور
- ۳۶۱ ..... برتری دعاهای مأثور بر غیر مأثور
- ۳۶۳ ..... اهتمام ائمه‌ی طاهرین علیهم السلام به دعا در حق امام عصر علیه السلام
- ۳۶۵ ..... دعای امام عصر علیه السلام برای تعجیل فرج خویش
- ۳۶۸ ..... دعای ارواح پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام در حق امام عصر علیه السلام
- ۳۷۱ ..... ۱- دعا در قنوت نماز
- ۳۷۲ ..... دعا در قنوت نماز وتر
- ۳۷۳ ..... دعای قنوت نماز جمعه
- ۳۷۴ ..... ۲- دعا در حال سجده
- ۳۷۵ ..... ۳- دعا در تعقیب نماز
- ۳۷۷ ..... تعقیب اول برای نماز واجب
- ۳۷۸ ..... تعقیب دوم برای نماز واجب
- ۳۸۱ ..... تعقیب سوم در نمازهای واجب
- ۳۸۱ ..... تجدید عهد با امام عصر علیه السلام بعد از نماز واجب
- ۳۸۳ ..... تعقیب نماز ظهر
- ۳۸۶ ..... تعقیب نماز عصر
- ۳۹۲ ..... تعقیب نماز صبح و ظهر
- ۳۹۳ ..... تعقیب دو رکعت اول نماز شب
- ۳۹۴ ..... ۴- دعا در زمان‌های مناسب

## فهرست مطالب \* هفت

- ۳۹۴ ..... دعا در صبح و شام
- ۳۹۶ ..... پیدا کردن فرصت برای دعا
- ۳۹۷ ..... دعای عهد روزانه
- ۳۹۸ ..... دعا در شب و روز جمعه
- ۴۰۴ ..... دعا در عصر روز دوشنبه و پنجشنبه
- ۴۰۹ ..... دعا در روز عید غدیر
- ۴۱۳ ..... دعای ندبه در عید غدیر
- ۴۱۵ ..... دعا در عید فطر و قربان
- ۴۱۶ ..... عدم توفیق کامل مسلمانان برای عید فطر و قربان
- ۴۱۸ ..... دو نمونه از دعاهای مأثور در روز عید
- ۴۲۰ ..... دعا در روز عرفه
- ۴۲۴ ..... دعا در ماه مبارک رمضان
- ۴۳۱ ..... دعا در شب و روز نیمه‌ی شعبان
- ۴۳۳ ..... دعای روز دحو الارض
- ۴۳۴ ..... دعا در روز عاشورا
- ۴۳۵ ..... خداوند: طالب خون حسین علیه السلام
- ۴۳۶ ..... امام عصر علیه السلام: خونخواه ابی عبدالله الحسین علیه السلام
- ۴۳۷ ..... مؤمنان: طلب کنندگان خون امام حسین علیه السلام
- ۴۳۹ ..... بهترین عمل در روز عاشورا
- ۴۴۵ ..... ۵- دعا در مکان‌های مناسب
- ۴۴۵ ..... دعا در مسجد الحرام
- ۴۴۷ ..... دعا در سرزمین عرفات
- ۴۵۱ ..... دعا در حرم مطهر سامرا و سرداب
- ۴۵۷ ..... دعا در حرم مطهر رضوی
- ۴۵۸ ..... دعا در زیر قبه‌ی سیدالشهداء علیه السلام
- ۴۶۱ ..... دعا در مشاهد مشرفه
- ۴۶۲ ..... دعا در مساجد کوفه، سهل و ...
- ۴۶۴ ..... ۶- دعاهای غیر مقید به زمان یا مکان خاص

## هشت \* مناجات مقتران

- ۴۶۴ ..... ذکر صلوات بر حضرت زهرا علیها السلام
- ۴۶۵ ..... دعای امام رضا علیه السلام در حق حضرت صاحب الزمان علیه السلام
- ۴۶۶ ..... صلوات ابوالحسن ضرباب اصفهانی
- ۴۷۱ ..... ۷- دعای عهد با امام زمان علیه السلام

### بخش سوم

## برخی دعای ماثور برای امام عصر علیه السلام

- ۴۷۵ ..... ۱- دعای عبرات
- ۴۸۱ ..... ۲- دعای قنوت امام عصر علیه السلام
- ۴۸۲ ..... ۳- دعای دیگر امام عصر علیه السلام در قنوت
- ۴۸۴ ..... ۴- دعای قنوت نماز وتر
- ۴۸۵ ..... ۵- دعای صبح و شام
- ۴۸۶ ..... ۶- دعای «اللهم عَرَّفْنِي نَفْسَكَ ...»
- ۴۹۰ ..... ۷- دعای عید غدیر
- ۴۹۶ ..... ۸- دعای عید فطر، قربان و جمعه
- ۴۹۷ ..... ۹- دعای عید فطر
- ۴۹۹ ..... ۱۰- دعای صبح روز بیست و یکم ماه رمضان
- ۵۰۰ ..... ۱۱- دعای شب بیست و سوم ماه رمضان
- ۵۰۱ ..... ۱۲- دعا در روز عاشورا
- ۵۰۴ ..... ۱۳- دعای دیگر در روز عاشورا
- ۵۰۸ ..... ۱۴- دعای امام رضا علیه السلام
- ۵۱۳ ..... فهرست منابع
- ۵۱۷ ..... دیگر آثار مؤلف



بخش دوم

دعا در حق حضرت ولی عصر

عجل الله تعالی فرجه الشریف

پس از بیان کلیّاتی درباره‌ی دعا (جایگاه اعتقادی  
-آثار و نتایج-اجابت و کیفیت آن) و نیز عدم منافات آن با  
رضا به قضای الهی اکنون در بخش دوم کتاب  
می‌خواهیم در خصوص دعا برای وجود مقدّس امام  
زمان علیه السلام مباحثی را طرح کنیم. البتّه هدف اصلی کتاب  
همین موضوع بوده است و آنچه در بخش اول گذشت  
نیز به همین بهانه طرح گردید.

## فصل اول

# انگیزه ها و محتوای دعا برای امام زمان علیه السلام

اولین بحثی که درباره‌ی دعا در حق امام زمان علیه السلام مطرح می‌شود، انگیزه‌های این دعاست. ابتدا انگیزه‌های مختلفی که برای دعا در حق دیگری وجود دارد را معرفی می‌کنیم و سپس یک یک آنها را در مورد مولای از یاد رفته‌مان تطبیق می‌دهیم.<sup>۱</sup> به طور معمول دعای انسان در حق دیگری ۵ انگیزه می‌تواند داشته باشد:

### انگیزه‌های دعا برای دیگری

۱ - شفقت و رحمت: دعا از روی دلسوزی و ترحم مثل دعای پدر و مادر در حق فرزند و دعای برادر در حق برادر می‌باشد. همچنین است دعای فرشتگان برای زائران قبر سید الشهداء علیه السلام.

۲ - تلافی کردن احسان: دعا برای کسی که به انسان نیکی نموده یا یک بدی را از او دفع کرده، از این قبیل است. همچنین دعای شاگرد در حق معلم و امثال آن. به طور کلی وقتی کسی به انسان احسانی می‌کند، یکی از مراتب شکرگزاری از آن احسان کننده، دعای خیر در حق اوست. نیز اگر کسی انسان را از یک گرفتاری نجات دهد یا از

---

۱. در این قسمت از مطالبی که در کتاب گرانقدر «مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام» آمده کمال استفاده را می‌نماییم، ج ۱، ص ۴۴۹ تا ۴۵۱.

رسیدن شری به او جلوگیری نماید، آن فرد عاقل فطرتاً خود را مدیون او دانسته و برایش دعا می‌کند. معلّم هم چون به شاگردانش احسان کرده، آنها برای تلافی کردن خیر او برایش دعا می‌نمایند.

۳ - چشم دوختن به احسان: گاهی انسان به امید اینکه خیری از دیگری به او برسد، برایش دعا می‌کند. انگیزه‌ی دوم این بود که احسانی صورت گرفته و انسان برای تلافی آن برای احسان کننده دعا می‌کند، ولی سومی این است که هنوز احسانی صورت نگرفته و دعا به انگیزه‌ی چشم دوختن به احسان دیگری است. مثال این قسم دعایی است که فقرا و مستمندان برای جلب کمک دیگران در حقّ آنان می‌کنند. گاهی فقیر وقتی می‌خواهد کسی را به صدقه دادن تحریک و ترغیب نماید، درباره‌ی او دعاهای خیر می‌کند، مثلاً «خدا خیرت بدهد، خدا سایه‌ات را از سر خانواده‌ات کم نکند، خدا عمرت بدهد و ...» اینها دعاهای رجا است، یعنی چون امید دارد که به او احسانی شود، چنین دعاهایی می‌کند. اگر امید نداشت، دعا هم نمی‌کرد. این دعاها را می‌کند تا مورد ترحم کسی که در حقش دعا کرده، قرار بگیرد.

۴ - بزرگداشت و اظهار تواضع: دعایی که در حقّ بزرگان و اشراف و علمای بزرگ می‌شود، می‌تواند به این انگیزه باشد. خود دعا کردن در این موارد مصداق تعظیم و بزرگداشت کسانی است که در حقشان دعا می‌شود. حتّی در مواردی که چنین بزرگداشتی توقع می‌رود، کوتاهی کردن در دعا می‌تواند موجب هتک حرمت و توهین به آن بزرگان شود. به عنوان مثال در مجلسی که برخی از علمای بزرگ حاضر هستند، تعظیم و تکریم ایشان به وسیله‌ی سخنران بجا و بلکه لازم است. کوتاهی کردن در این امر مصداق بی‌احترامی و بی‌اعتنائی به ایشان می‌باشد.

این چهار انگیزه را مرحوم صاحب مکیال المکارم به مناسبت بحثی که درباره‌ی «تواضع» داشته‌اند، طرح کرده‌اند. ما می‌توانیم یک انگیزه‌ی دیگر را به اینها اضافه کنیم:

۵ - پاسخ به التماس دعا: گاهی انگیزه‌ی انسان برای دعا در حقّ دیگری التماس

دعای او به انسان است. وقتی مؤمنی از انسان می‌خواهد که برایش دعا کند، وظیفه‌ی برادری ایمانی حکم می‌کند که به درخواست او پاسخ مثبت داده شود. لذا اگر هیچ‌یک از انگیزه‌های قبلی هم نباشد، التماس دعای شخص برای اینکه دیگران دعایش کنند، کافی است.

این پنج انگیزه ممکن است به تنهایی یا با هم، مؤثر در دعای انسان باشند. گاهی فقط یکی از آنها هست و گاهی بیشتر. مثلاً اگر فرزندی به پدر یا مادرش احسان نماید، دعای آنها در حق او هم به انگیزه‌ی اول است و هم دوم. هم از روی شفقت و رحمت است و هم تلافی کردن احسان. اگر فرزند به والدین خود التماس دعا گفته باشد، انگیزه‌ی پنجم هم در دعای آنها مؤثر خواهد بود. به همین ترتیب ممکن است دو انگیزه‌ی دیگر هم در همین مورد وجود داشته باشد و به این ترتیب جمع بین همه‌ی آنها یا برخی از آنها در یک مورد خاص امکان‌پذیر است. البته ناگفته نماند که ما دلیلی برای منحصر کردن انگیزه‌های دعا در این پنج عنوان نداریم. ممکن است برخی انگیزه‌های دیگر هم در دعای انسان مؤثر باشد ولی شاید بتوان گفت که مهم‌ترین انگیزه‌های دعاها همین‌ها هستند. حال که اهمّ این انگیزه‌ها بیان شد، باید ببینیم کدام یک از آنها بر دعای انسان در حق امام زمانش تطبیق می‌نماید.

### ۱ - دعای شفقت و رحمت برای امام زمان علیه السلام

اولین انگیزه، شفقت و رحمت دعاکننده است که در مورد دعا در حق امام زمان علیه السلام هم مصداق پیدا می‌کند. به تعبیر مؤلف کتاب مکیال المکارم همه‌ی موجبات رحمت و شفقت نسبت به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در وجود مقدّس ایشان جمع شده است. آنگاه برخی از آنها را که هر کدام می‌تواند مستقلاً انگیزه‌ی دعا برای ایشان باشد، را ذکر می‌فرماید که مجموع آنها دوازده عنوان می‌شود:

۱ - پدر حقیقی بودن برای اهل ایمان: انسان برای پدرش از سر شفقت و رحمت دعای خیر می‌کند. اگر پدری خود اهل دلسوزی و شفقت بر فرزندان باشد، این انگیزه برای فرزند قوی‌تر و شدیدتر می‌شود. به فرموده‌ی امام هشتم علیه السلام وجود مقدّس امام

زمان علیه السلام «الوالد الشفیق»<sup>۱</sup> برای همه‌ی اهل ایمان هستند. پس این انگیزه در خصوص دعای مؤمنان برای پدر حقیقی خود، بسیار قوی و عمیق است.

۲ - برادر واقعی بودن برای اهل ایمان: هر انسانی هر چند بی‌ایمان به طور طبیعی و فطری برای برادرش از سر شفقت و رحمت دعای خیر می‌نماید. حال اگر برادری، دلسوز برادر باشد و پشتیبان و حمایت‌کننده‌ی از او، این انگیزه برای دعا در حق او پررنگ‌تر خواهد شد. امام رضا علیه السلام در ادامه‌ی فرمایش خود که امام علیه السلام را معرفی می‌کنند، فرموده‌اند: «و الأخ الشفیق»<sup>۲</sup>. «شفیق» یعنی نصف شده و منظور برادری است که گویی نیمه‌ی دیگر برادرش است. دو برادری که چنان به فکر یکدیگر و دلسوز هم هستند که هیچ‌گاه چیزی را منحصرأً برای خود نمی‌خواهند، بلکه در همه‌ی امور مساوی‌اند؛ گویی دو نیمه از یک چیز هستند. آری امام عصر علیه السلام چنین برادری برای اهل ایمان هستند، پس جا دارد که مؤمنان برای ایشان از روی شفقت و رحمت به صورت جدی دعا نمایند.

۳ - غربت و کم بودن یاران: اگر کسی غریب و بی‌کس باشد و چنانچه شایسته‌ی اوست، مورد توجه و مراجعه و یاد کردن و ... قرار نگیرد، انسان در حقیقت دلسوزی و ترحم می‌کند و برایش دعا می‌نماید. به نظر می‌رسد که اگر به معانی «غربت» آگاه باشیم، کسی را در روی زمین غریب‌تر از امام زمانمان پیدا نمی‌کنیم.<sup>۳</sup>

۴ - غیبت و دوری از دوستان و سرزمین: امام عصر علیه السلام در زمان غیبت از جمع دوستان و سرزمین مورد علاقه‌ی خود دور هستند. کسی که جایگاهش در همه‌ی عالم منحصر به فرد است، از اینکه در میان دوستان خود حاضر باشد و چون دیگران در خانه و سرزمین محبوب خویش آشکارا زندگی نماید، محروم است و به خاطر رضای خداوند این عزلت و تنهایی را تحمل می‌فرماید. آیا این شرایط شفقت و رحمت انسان

۱. اصول کافی، کتاب الحجّه، بابُ نادرُ جامعُ فی فضل الامام و صفاته، ح ۱.

۲. همان.

۳. معانی مختلف «غربت» و اثبات غربت امام عصر علیه السلام به همه‌ی معانی آن را می‌توانید در کتاب

«آفتاب در غربت» مطالعه فرمایید.

را بر نمی‌انگیزد که برای چنین بزرگواری به پیشگاه الهی دعا کند؟

۵ - مظلوم بودن به خاطر غصب شدن حقوقش: حقوق امام عصر علیه السلام همچون اجداد بزرگوارشان غصب شده و ستمگران عالم، ایشان را از بسیاری از حقوقشان محروم داشته‌اند. این ویژگی هم موجب شفقت انسان بر ایشان می‌شود که دست به دعا بلند کند و از خدای منان یاری این بزرگ‌ترین مظلوم عالم را طلب نماید.

۶ - مظلوم بودن به علت اینکه پدر و اجداد و ارحام و نزدیکانش به شهادت رسیده و ایشان خونخواه همه‌ی آنها هستند: این جهت دیگری از مظلومیت مولا و سرور ماست که پدرانشان و نزدیکانشان توسط ظالمان به ناحق کشته شده‌اند و منتقم خون‌های همه‌ی آنها، امام زمان علیه السلام ما هستند، ولی هنوز زمان آن فرانسیده و اجازه‌ی این خونخواهی به ایشان داده نشده است. همین امر موجب دلسوزی و رقت بر حال این بزرگوار است که می‌تواند انگیزه‌ی دعا در حق ایشان باشد.

۷ - ایمان: مؤمن بودن امام زمان علیه السلام کفایت می‌کند که انسان بر حال ایشان شفقت و رحمت آورد و هر مؤمنی بر سایر اهل ایمان این حق را دارد که برایش دلسوزی کنند و به فکر حال و وضع او باشند. هر چه درجه‌ی ایمانی شخص بالاتر باشد، حق او بر دیگران بیشتر خواهد بود. آیا کسی را در رتبه‌ی ایمانی امام علیه السلام سراغ داریم؟

۸ - زیادی دشمنان و ناتوانی دوستان ایشان: همه‌ی ستمگران عالم و پیروان آنها اعم از مسلمان و غیر مسلمان به خصوص کسانی که به نام اسلام و قرآن با اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و شخص امام زمان علیه السلام دشمن هستند، متأسفانه همیشه تعداد زیادی داشته‌اند و در مقابل، دوستان حضرت و کسانی که با حقوق ایشان به خوبی آشنا هستند، نسبت به گروه اول تعدادشان بسیار کمتر بوده است. آیا حال کسی که دشمنانش زیاد و دوستانش کم و ناتوان هستند موجب شفقت و رحمت نیست؟

۹ - گرفتاری و هم و غم زیاد ایشان به خاطر آنچه در زمان غیبت بر دوستان و شیعیان ایشان وارد می‌شود: از چند جهت می‌توان یقین کرد که امام زمان علیه السلام به خاطر مصیبت‌های شیعیان خود، زیاد غم و غصه می‌خورند: یکی از جهات، ایمان ایشان

است. هر کس ایمانش بالاتر باشد، غم و غصه‌اش به خاطر وقوع معصیت بیشتر است، به خصوص اگر دوستان و پیروان خود را مبتلا به گناه ببیند. جهت دیگر، پدر بودن ایشان است که وقتی فرزندان خود را گرفتار می‌بیند، نمی‌تواند بی تفاوت باشد بلکه بیش از خود فرزند ناراحت و غمناک می‌شود. جهت دیگر، امام بودن ایشان است که خود را مسؤول هدایت و دستگیری خلق می‌داند و وقتی مشاهده می‌کند که همین خلق محتاج و گرفتار چگونه از سفینه‌ی نجات و باب هدایت الهی اعراض می‌کنند، چقدر اندوهگین می‌شود؟ و بسیاری جهات دیگر در این امر مدخلیت دارد که این جا مجال طرح آنها نیست ولی با کمال تأسف باید بگوییم اگر همه‌ی غم و غصه‌های اهل ایمان را که به خاطر ایمان و غیرت دینی خود متحمل می‌شوند، روی هم بریزیم، به اندازه‌ی ناراحتی و غم مولایمان نمی‌شود. حال در نظر بگیرید که این یگانه‌ی دوران و نادره‌ی روزگار، چندین و چند سال و بلکه چندین قرن است که چنین غم‌هایی را در سینه دارد. قطعاً کم و کیف آن برای هیچ‌یک از ما قابل درک و تصور هم نیست.<sup>۱</sup> اما همین قدر هست که دل‌های ما را به درد آورد و رحمت و شفقت ما را برانگیزد که برای رفع این غم و غصه‌ها به پیشگاه خداوند دعا کنیم. اگر دعای ما ذره‌ای از ناراحتی‌های ایشان بکاهد، عبادت بسیار بزرگی انجام داده‌ایم.

نویسنده‌ی روسیاه این سطور واقعاً در خود احساس خجالت و شرمندگی می‌کند که مبادا اعمال و رفتارش موجب ازدیاد غم و غصه‌های امام عصر علیه السلام بوده باشد. و اگر چنین بوده است، باید ابتدا از وجود مقدس آن عزیز به خاطر ایذاء ایشان عذر خواهی کند و با توبه‌ی واقعی خود، موجبات رفع هم و غم ایشان را فراهم آورد. آنگاه از دیگران بخواهد که برای تسکین آلام و غم‌های آن سرور دعا کنند.

۱۰ - طولانی بودن زمان گرفتاری ایشان: هر چه مدت زمان گرفتاری مؤمنی بیشتر باشد، دلسوزی و رقت انسان بر حال او بیشتر می‌شود. آیا با توجه به حجم عظیم

۱. گوشه‌ای از گرفتاری‌های امام عصر علیه السلام به خاطر شیعیان‌شان را می‌توانید در کتاب «سلوک منتظران»، بخش ۲، فصل ۲ ملاحظه فرمایید.



گرفتاری های حضرت، کس دیگری را سراغ داریم که تا کنون نزدیک به دوازده قرن متحمل اینها بوده باشد؟

۱۱ - ناشناخته بودن منزلت ایشان بین مردم و منحرف بودن آنها از مسیر آن حضرت؛ یکی از وجوه غربت عزیز و سرور ما این است که قدر و منزلت ایشان حتی در میان دوستانش ناشناخته مانده است. متأسفانه انحرافات عقیدتی زیادی در شناخت صحیح امام علیه السلام در میان شیعیان وجود دارد که همین انسان مؤمن را به حال شفقت و ترحم بر حال امام ناشناخته اش در می آورد.

۱۲ - کوتاهی کردن مؤمنان به ایشان در پیروی و خدمتگزاری به آن حضرت؛ قطعاً انتظاری که حضرت بقیة الله ارواحنا فداه از معتقدین به خود دارند، این است که فقط در ایام نیمه ی شعبان به شرکت در جشن میلاد یا پخش گل و شیرینی اکتفا نکنند، بلکه باید اعمال و رفتارشان گویای اقتدا به آن حضرت باشد. متأسفانه همان درصد بسیار کمی از مسلمانان که با امام زمان خود آشنا هستند و حداقل لازم از معرفت ایشان را دارند، در عمل، بسیار بسیار از آنچه باید باشند دورند و گاهی حتی در مراسم جشن مربوط به امام زمان علیه السلام، کارهایی می کنند که قطعاً و یقیناً دل مقدس ایشان را به درد می آورد. چه رسد به اینکه در خدمت به آن حضرت بخواهند حق ایشان را ادا نمایند. نویسنده خود را بیش از هر کس در این زمینه شرمنده و مقصّر می بیند و از آن مولای عزیز می خواهد که با بزرگواری از سر تقصیراتش بگذرد و اجازه ی خدمت خالصانه به محضرش را برای او و سایر دوستان خود صادر فرماید.

این دوازده عنوان را نویسنده ی فقیه مکیال المکارم در توضیح موجبات شفقت و رحمت بر امام عصر علیه السلام مطرح کرده و سپس افزوده اند که اگر کسی در احوال آن امام بزرگوار تأمل کافی کند، بسیاری جهات دیگر از همین قبیل را پیدا می کند که باید بر این وجوه بیفزاید. ما عرض می کنیم که توجه و تفتن به این امور شایستگی و لیاقت و معرفت عمیقی لازم دارد که در میان عالمان هم به ندرت پیدا می شود، چه رسد به افراد جاهلی چون حقیر که اگر تذکرات امثال صاحب مکیال نبود، هرگز به این امر توجه نداشتم و حالا هم که نوشته هایش هست یا به آنها مراجعه نمی کنم و یا اگر هم

درک خواهد کرد. مثلاً اگر به انگیزه‌ی جهت اول (پدر حقیقی بودن امام زمان علیه السلام) برای ایشان دعا کند، ثواب نیکی کردن به پدر را می‌برد. اگر جهت دوم (برادر واقعی بودن امام علیه السلام) انگیزه‌ی دعا را در او به وجود آورد، ثواب رعایت حق برادر را در راه خدا می‌برد و همچنین ثواب یاری رساندن به غریب و مظلوم و نصرت مؤمن واقعی و رفع گرفتاری از گرفتار و نه‌گین و ...

تذکر این نکته هم لازم است که دعا به انگیزه‌ی هر کدام از این دو وجه، فوائد و آثار ارزنده‌ی زیادی دارد و اگر همه‌ی اینها با هم جمع شوند، برکات فوق‌العاده‌ای خواهند داشت که قلم توان بیان آنها را ندارد؛ فقط باید از خدا خواست که معرفت شایسته برای ایجاد همه‌ی این انگیزه‌ها را به انسان عنایت کند که در این صورت حال و هوای فکر و ذکر انسان در همه‌ی احوالات زندگی‌اش بوی امام زمان علیه السلام را می‌گیرد و زینبنا الله بطنها و کریمه.

### ۱- دعا برای امام علیه السلام به نیت اول (پدر حقیقی بودن امام زمان ایشان)

دومین انگیزه‌ی دعا در حق دیگری، تلافی کردن احسان او به دعا کننده است. از این جهت هم می‌توان ضرورت دعا برای امام علیه السلام را اثبات نمود. در این بحث هم از تذکرات سازنده و ارزشمند صاحب کتاب مکمال المکارم استفاده می‌کنیم. او این تذکر این است که بدانیم همه‌ی نعمت‌هایی که در اختیارمان بوده است و خواهد بود، به وساطت و برکت و جود آن امام علیه السلام است. علاوه بر این ایشان از واقع و اقسام احسان‌ها را در حق ما انجام می‌دهند. یکی از حقایق آن دعا است که در حق

۱- توضیح این مطلب را می‌توانید در کتاب «آفتاب در غربت» بخش دوم مطالعه فرمایید.

دوستان خود می‌کنند. خود ایشان در ضمن توقیعی که به مرحوم شیخ مفید - اعلی الله مقامه الشریف - مرقوم فرموده‌اند، چنین آورده‌اند:

... يَعْمَدُ بِكَيْدِهِ اَهْلَ الْاِيْمَانِ وَلَا يَبْلُغُ بِذَلِكَ غَرَضَهُ مِنَ الظُّلْمِ وَالْعُدْوَانِ،  
لَاَنَّا مِنْ وِرَاءِ حِفْظِهِمْ بِالْاِدْعَاءِ الَّذِي لَا يُحْبَبُ عَنِ مَلِكِ الْاَرْضِ وَ  
السَّمَاءِ فَلْيَطْمَئِنِّ بِذَلِكَ مِنْ اَوْلِيَاءِنَا الْقُلُوبِ.<sup>۱</sup>

... (آن منافق) با نیرنگ خود اهل ایمان را قصد می‌کند ولی به هدفش که ظلم و تجاوز است نمی‌رسد، زیرا ما در پی محافظت از آنانیم با دعایی که از پادشاه زمین و آسمان پوشیده نمی‌ماند، پس دل‌های دوستان ما بر این امر مطمئن باشد.

ایشان در نامه‌ی خود به جناب شیخ مفید از منافق پلیدی سخن گفته‌اند که از راه مکر و نیرنگ خواسته است که اهل ایمان را مورد ظلم و تجاوز خویش قرار دهد ولی امام علیه السلام اطمینان داده‌اند که او به هدفش نمی‌رسد و علت ناکامی او را دعای خود در حق مؤمنان دانسته‌اند. همان دعایی که از خداوندگار آسمان و زمین پوشیده نمی‌ماند و قطعاً به هدف اجابت می‌رسد و سپس تأکید فرموده‌اند که مؤمنان باید به این امر اطمینان کامل داشته باشند.

حقیقتاً اگر دعا‌های خیر آن عزیز غایب از نظر نبود، مؤمنان مورد تجاوز انواع دشمنان اعم از انس و جن قرار گرفته و نمی‌توانستند در دین و دنیای خود در عافیت به سر برند. البته این سخن معنایش این نیست که هیچ درد و بلا و مصیبتی گریبان‌گیر هیچ مؤمنی در هیچ زمانی نمی‌شود. این ادعا قطعاً صحیح نیست و ما هم چنین ادعایی نداریم. سنت خدای متعال بر امتحان و ابتلای خلائق است به خصوص اهل ایمان که مطابق قرآن و احادیث بیشتر از هر کس مورد بلا و آزمایش الهی قرار می‌گیرند. این جا سخن در این است که اگر می‌بینیم بحمد الله مؤمنانی هستند که با وجود اینکه ناشکری و معصیت در بین ایشان کم نیست، می‌توانند ایمان و معرفت خود را حفظ کنند و به

طور نسبی در امنیت و عافیت خوبی به سر ببرند، همین نعمت را به برکت دعاهای حضرت ولی عصر علیه السلام دارا هستند و گرنه، اگر قرار بود اهل ایمان به تناسب کوتاهی‌های خود، به گرفتاری و مصیبت مبتلا می‌شدند، آن وقت درصد زیادی از ایشان به بدبختی و فلاکت و بیچارگی دینی و دنیوی دچار می‌شدند. این عبارت از سخنان خود امام زمان علیه السلام است که در یکی از توقیعات شریف خود فرموده‌اند:

إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِئِينَ لِذِكْرِكُمْ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ  
الْأَوَاءُ أَوْ اضْطَلَّكُمْ الْأَعْدَاءُ.<sup>۱</sup>

همانا ما در محافظت و توجه به شما اهمال نمی‌کنیم و یاد (کردن) شما را فراموش نمی‌کنیم و اگر چنین نبود، بلاهای سخت بر سر شما فرو می‌آمد یا دشمنان شما را ریشه کن می‌کردند.

این جا به طور کلی فرموده‌اند که اگر مراقبت و محافظت و توجه این پدر عزیز امت نبود، یا شیعیان به سختی‌های بزرگ گرفتار می‌شدند و یا دشمنان ریشه‌ی آنها برمی‌کنند. آری همین قدر امنیت و سلامت و عافیت که برای شیعیان در زمان غیبت آقایشان در سطح دنیا وجود دارد، به برکت عنایات و توجهات مولایشان می‌باشد. پس به امر خود آقا و امام علیه السلام باید مطمئن باشیم که دعاهای مستجاب ایشان بدرقه‌ی راهمان هست و این تنها یکی از احسان‌های آن عزیز در حق دوستانشان است.

یکی دیگر از مصادیق احسان ایشان، «حلم» آن حضرت نسبت به مؤمنان است. ما با خطاها و گناهان خود، اینقدر بی‌معرفتی و ناشکری می‌کنیم که جا دارد امام علیه السلام با ما قهر و بی‌اعتنایی کنند؛ اما حلم و بردباری می‌ورزند و باز هم ما را تحویل می‌گیرند و از خودشان طردمان نمی‌کنند.

احسان دیگر آن بزرگوار، افاضات علمی به مؤمنان است. هم نعمت‌های مادی و هم معنوی افاضه‌ی امام علیه السلام بر ما است و یکی از بزرگترین این نعمت‌ها، الطاف علمی ایشان است. باید یقین داشته باشیم که اگر علوم و معارف الهی و صحیحی به ما می‌رسد،

لطف امام عصر علیه السلام در حق ماست که جد شریفشان حضرت زین العابدین علیه السلام در تشریح این مطلب به ابو حمزه فرمودند:

... إِنَّ اللَّهَ يَقْسِمُ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ أَرْزَاقَ الْعِبَادِ وَ عَلَى أَيْدِينَا يُجْرِبُهَا.<sup>۱</sup>

... همانا خداوند در آن وقت (بین الطلوعین) روزی‌های بندگان را تقسیم می‌کند و آنها را به دست ما جاری می‌سازد.

روزی‌هایی که به دست امام علیه السلام جاری می‌شود، هم مادی است و هم معنوی و علوم و معارف نیز یکی از همین روزی‌هاست.

از دیگر مصادیق احسان امام علیه السلام به ما، شفاعت ایشان در حق ماست. این شفاعت فقط در قیامت نیست بلکه در دنیا هم وجود دارد و ما ایشان را برای حوائج مادی و معنوی خود واسطه قرار می‌دهیم و به وساطت ایشان حاجت‌هایمان برآورده می‌شود. این پنج مصداق احسان حضرت به ما (دعا، دفع دشمنان، حلم، افاضات علمی و شفاعت) فقط از باب نمونه ذکر شد و گرنه به تعبیر نویسنده‌ی کتاب مکیال المکارم، زبان از بیان همه‌ی احسان‌های ایشان عاجز و قلم از نوشتن آن قاصر می‌باشد. پس از تذکر این الطاف باید به این دو آیه‌ی کریمه‌ی قرآن توجه کنیم که:

هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ، فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ.<sup>۲</sup>

آیا احسان جز با احسان تلافی می‌شود؟ پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟!

در کتاب مکیال المکارم پس از ذکر این آیات شریفه، تذکرات بجایی آمده است که ما ترجمه‌ی آن را عیناً نقل می‌کنیم:

پس ای کسی که قدرت تلافی کردن نعمت‌های مولایت را - که آنچه آرزویت بوده به تو احسان فرموده - نداری، آیا قدرت این را هم نداری که لحظاتی از ساعات شب یا روزت را - که بدون اختیار تو می‌گذرد - به دعا برای

۱. بصائر الدرجات، جزء ۷، باب ۱۴، ح ۹.

۲. الرحمن / ۶۰ و ۶۱.

صاحب الزمان علیه السلام اختصاص بدهی؟ به همان کسی که انواع نعمت‌ها را عطایت کرده و به صورت‌های مختلفی که قابل شمارش و توصیف نیست، احسانت نموده است. بلکه در تمام عمرت آنچه به دست می‌آوری، نعمتی است از نعمت‌های خداوند که به واسطه‌ی ایشان به تو داده است.

این عبارات نشانگر کمال توجه و قدرشناسی نویسنده‌ی آن است که این‌طور دلسوزانه فرد غافل از امام عصر علیه السلام را خطاب می‌کند و به او توجه می‌دهد که بدان: اولاً توان تلافی کردن احسان‌های امامت را نداری، ثانیاً فراموش نشود که روزی تمنا می‌کردی که جزء دوستان و دلسوختگان آن حضرت باشی و در زمره‌ی دلدادگان به ایشان قرار بگیری، حال بین که به لطف و عنایت خود آن بزرگوار لذت محبت و انس با ایشان را حس کرده‌ای و اگر قدر نعمت بدانی، معرفت و محبت ایشان را با هیچ‌یک از نعمت‌های دنیوی تعویض نمی‌کنی. آیا این کم نعمتی است که همه‌ی آرزویت پذیرفته شدن خدمتگزاریت در درگاه ایشان است؟ آیا در خود لیاقت این همه نعمت را می‌دیدی؟ آیا عقلت به این‌گونه الطاف معنوی که اکنون نصیبت شده، می‌رسید؟ اینها و امثال اینها همه و همه به برکت مولایت به تو عطا شده است، آیا تلافی احسان‌های آن بزرگوار اقتضا نمی‌کند که در شبانه روز لحظاتی را به دعا کردن در حق این ولی نعمت‌هایت اختصاص دهی؟ آیا این مقدار قدرشناسی هم در وجودت نیست؟ این جاست که آن عارف واقعی به امام علیه السلام، از این همه ناسپاسی دوستانش به ستوه می‌آید و بر من غافل نهیب می‌زند و می‌فرماید:

پس چقدر جفا کاری! باز هم چقدر جفاکاری! اگر قلبت از آنچه به گوشت رساندیم، تکان نخورد و زیانت برای دعا در حق مولایت به حرکت در نیامد! از خواب لهو (سرگرمی) بیدار شو و بایست و آرزوهای طولانی واهی را از مقابل دیدگانت دور کن و بدان که پیشوا (آنکه جلوتر می‌رود) به اهل خود دروغ نمی‌گوید و وظیفه‌ی ما جز ابلاغ نیست.<sup>۱</sup>

سفارشات مهمی است از زبان کسی که به قول خودش جلو می‌رود و خاضعانه

می گوید: آنکه پیشاپیش می رود، به اهل خود دروغ نمی گوید. یعنی آنها که خالصانه این نصیحت ها را می کنند، جز خیر اهل خود را نمی خواهند. ما هم باید باور کنیم که آنها که راه را بلد هستند به ما دروغ نمی گویند و صادقانه سخن می گویند.

### ۳ - دعا در حق امام عصر علیه السلام از روی امید به احسان ایشان

یکی از انگیزه های دعا در حق دیگری این است که به این وسیله توجه و احسان او را به سوی خود جلب کنیم. مثالی که برای این نوع دعا بیان شد، فقیری است که به خاطر جلب صدقه ی دیگری در حقش دعا می کند. واقعیت این است که ما نسبت به امام عصر علیه السلام از هر گدایی محتاج تر هستیم. بنابراین کسی که ذره ای از الطاف بیکران حضرت را به دوستانش چشیده باشد، دیگر در خانه ی ایشان را رها نمی کند و با هر وسیله ای از جمله دعا در حق ایشان، خواهان جلب توجه و تصدق ایشان می گردد. نکته ی لطیفی را مؤلف کتاب ارزشمند «مکیال المکارم» در این باب تذکر داده اند که شنیدنی است. می فرمایند:

دعای ما در حق امام عصر علیه السلام از باب هدیه ای است که یک شخص فقیر فقیر به یک پادشاه بزرگ گرانقدر تقدیم می کند و بدون شک این کار نشانگر نیاز این فقیر به عطا و پاداش آن سلطان بزرگ است و این عادت است که بردگان نسبت به ارباب خود و هر فرد دانی نسبت به عالی دارد.<sup>۱</sup>

در مقام تمثیل می توانیم موری را ذکر کنیم که در روز عید، ران ملخی را به حضرت سلیمان علیه السلام تقدیم کرد، سپس چون خودش می دانست که هدیه اش در مقایسه با سایر هدایا بی ارزش است، این عبارت را بر لب زمزمه می کرد:

إِنَّ الْهَدَايَا عَلَى مِقْدَارِ مُهْدِيهَا.<sup>۲</sup>

همانا هدیه ها به قدر و منزلت هدیه کننده اش بستگی دارد.

۱. همان، ص ۲۹۹.

۲. همان.

این جمله از جملات حکیمانه‌ای است که بنا به نقل، به زبان مورچه‌ای جاری شده و درس بزرگی است برای کسانی که می‌خواهند به طریقی ارادت و محبت خود را به مولایشان عرضه بدارند.

آری دعا در حقّ امام زمان علیه السلام توفیقی است برای شخص دعاکننده و نشانه‌ی احتیاج اوست به کرم و لطف مولایش. کسی که چشم به احسان آن کریم دوخته است، با دعاهای خود در حقّ آن بزرگوار می‌خواهد به ایشان عرض کند که: من هم جزء دوستداران و ارادتمندان شما هستم، بنابراین بی‌لیاقتی من باعث نشود تا از لطف و کرم خویش دورم کنید. می‌گویند وقتی حضرت یوسف صدیق علیه السلام را برای فروختن به بازار بردگان آوردند، هر کس به اندازه‌ی وسع و توانایی خود طالب خرید ایشان بود. پیرزنی را دیدند که با یک کلاف نخ در آنجا حضور دارد. از او پرسیدند که برای چه آمده‌ای، گفت: برای خرید یوسف! گفتند: با چه چیزی می‌خواهی او را بخری؟ گفت: با این کلاف نخ! گفتند: مگر با این کلاف یوسف را به تو می‌دهند؟ گفت: می‌دانم نمی‌دهند اما می‌خواهم وقتی خریداران یوسف را می‌شمرند، مرا هم جزء آنان به حساب آورند!!

این داستان هرچند که مدرک و منبع موثقی ندارد ولی آموزه‌ی خوبی برای دوستداران مهدی عالم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌باشد. چه درس زیبایی آن پیرزن به همه‌ی ما داده است. حقیقت این است که ما چیزی نداریم که بتوانیم به خاطر آن لیاقت دوستی و خدمتگزاری امام عصر علیه السلام را داشته باشیم. دست ما از آن کلاف نخ هم تهی است. حُسن آن پیرزن در این بود که خود و بضاعت مزجاش را کمتر از این می‌دید که در خور آقایی همچون یوسف علیه السلام باشد، ما هم باید باور داشته باشیم که هرچند گاه گاهی به عرض خدمتی به محضر مولایمان سعادت‌مند شده‌ایم، اما اینها لیاقت و استحقاق نمی‌آورد که مورد توجه آن بزرگ قرار گیریم، هر چه هست لطف و کرم ایشان است و از جانب ما جز کوتاهی و عرض تقصیر، هیچ‌نه!

اما دعای ما در حق آن بزرگوار به هیچ‌وجه قابل ایشان نیست و به قدر و اندازه‌ی ناچیز خودمان است. ما با دعای خود در حق اماممان می‌خواهیم بگوییم: در زمانی که بسیاری از مسلمانان و حتی شیعیان ولی نعمت خود را فراموش کردند و با پنهانی‌اش،



خودش را هم کنار گذاشتند و از یاد بردند، ما جزء کسانی نبودیم که به این مقدار کفران نعمت کنیم و لذا چشم به کرم و احسان مولایمان دوخته‌ایم تا با لطفش - نه به خاطر استحقاق ما که استحقاقی در کار نیست - ما را جزء خریدارانش بپذیرد و از درگاهش مردودمان نکند.

#### ۴ - دعا برای امام زمان علیه السلام به انگیزه‌ی تعظیم و تجلیل ایشان

اگر هیچ‌یک از انگیزه‌های قبلی برای دعا در حق امام زمان علیه السلام نباشد، صرف تعظیم و بزرگداشت ایشان ایجاب می‌کند که برایشان دعا کنیم. قطعاً تجلیل از این بزرگوار از بهترین مصادیق عبادت و بندگی خدا شمرده می‌شود. در این جا هم مرحوم صاحب مکیال تذکرات مفید و سازنده‌ای داده‌اند، می‌فرمایند:

آیا کسی را می‌شناسی که قدر و منزلتش از ایشان بالاتر و بلند مرتبه‌تر و کریم‌النفس‌تر و بزرگوارتر و آبرومندتر و مسن‌تر و نسبش شریف‌تر و مرتبه‌اش رفیع‌تر و برهان حقایقش واضح‌تر و احسانش بیشتر و علمش برتر و حلمش عظیم‌تر و کمالاتش بیشتر و جلال و هیمنه‌اش بالاتر و زیباتر از مولایت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه و ظهوره) باشد؟

اگر کسی در پاسخ بگوید: آری (می‌شناسم)، می‌گوییم: تو گمراه و احمق هستی و اگر بگوید: نه (نمی‌شناسم)، می‌گوییم: «مَالَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَاراً»<sup>۱</sup>. چرا حرمت خداوند را نگه نمی‌دارید؟ مگر فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله را نشنیده‌ای که فرمود: از مصادیق بزرگداشت خدا، احترام گذاشتن به مسلمان سپید پوست ... پس اگر تجلیل بزرگترها و سنّ و سال داراهای مسلمان چنین فضیلتی دارد، پس چه کسی می‌تواند فضیلت عملی را بیان کند که با انجام آن تجلیل از بهترین مشایخ مسلمان و آقا و امام و عالم‌ترین ایشان حاصل می‌شود؟ همان بزرگواری که قلم از توصیف ایشان عاجز است و خداوند هر زمان بخواهد او را برای آشکار کردن عدل خود، ظاهر می‌فرماید.<sup>۲</sup>

۱. نوح / ۱۳.

۲. ترجمه‌ی مکیال المکارم، ج ۱، ص ۴۵۱.

پس از بیان این تذکرات، بحث زیبایی در کتاب «مکیال المکارم» مطرح شده که ما خلاصه و عصاره‌ی آن را در این جا می‌آوریم. محور بحث ایشان این است که همه‌ی عالم هستی محضر امام عصر علیه السلام است و همان طور که دعا برای بزرگان وقتی در محضر ایشان باشیم، مصداق بزرگداشت و اظهار فروتنی نسبت به آنان است، پس دعا در حق امام علیه السلام نیز از مصداق تعظیم و تجلیل ایشان است. بنابراین مؤمن در هر مکان و موقعیتی باید در انجام این امر مقدس بکوشد.

ایشان برای اثبات اینکه همه‌ی اقطار عالم محضر امام زمان علیه السلام می‌باشد، احادیث متعددی را ذکر کرده‌اند تا اثبات کنند که هر چند ایشان از دیدگان مردم در ظاهر پنهان هستند ولی در دل‌های ایشان حضور دارند و بر همه‌ی خلائق در هر جای عالم که باشند، شاهد و ناظر هستند. این مسأله در اعتقادات شیعه مسلم و قطعی است و ما در این جا به ذکر دو حدیث اکتفا می‌کنیم.<sup>۱</sup> حدیث اول از امام جعفر صادق علیه السلام است که فرمودند:

إِنَّ الدُّنْيَا تَمَثَّلُ لِلْإِمَامِ فِي فِلْقَةِ الْجَوْزِ فَمَا تَعَرَّضَ لِشَيْءٍ مِنْهَا وَإِنَّهُ لَيَتَنَاوَلُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا كَمَا يَتَنَاوَلُ أَحَدُكُمْ مِنْ فَوْقِ مَائِدَتِهِ مَا يَشَاءُ فَلَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِنْهَا شَيْءٌ.<sup>۲</sup>

همانا دنیا برای امام علیه السلام در نصف گردو تمثیل یافت ولی متعرض چیزی از آن نشد و او از این طرف و آن طرف دنیا برمی‌دارد، همان طور که یکی از شما از روی سفره‌اش آنچه را می‌خواهد، بر می‌گیرد. پس چیزی از آن (دنیا) از امام علیه السلام پوشیده نیست.

احاطه‌ی امام علیه السلام بر همه‌ی اطراف دنیا چنان است که از آن - همچون ما که از سفره غذا بر می‌داریم - هر چه می‌خواهد به سادگی بر می‌دارد و استفاده می‌کند.

۱. دو حدیث دیگر در این باب در کتاب «معرفت امام عصر علیه السلام»، ص ۴۱۴ و کتاب «سلوک منتظران»، ص ۹۰ آمده است.

۲. بصائر الدرجات، جزء ۸، باب ۱۴، ح ۳.

حدیث دوم از امام موسی بن جعفر علیه السلام است که فرمودند:

إِنَّمَا مَنزِلَةُ الْإِمَامِ فِي الْأَرْضِ بِمَنْزِلَةِ الْقَمَرِ فِي السَّمَاءِ وَ فِي مَوْضِعِهِ هُوَ مُطَّلِعٌ عَلَى جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ كُلِّهَا.<sup>۱</sup>

جز این نیست که جایگاه امام علیه السلام در زمین به منزله‌ی ماه در آسمان و او در جایگاه خود از همه‌ی اشیاء مطلع و آگاه است.

همان‌طور که ماه در آسمان در جایگاه بلندی است که بر همه‌ی زمین اشراف و آگاهی دارد، جایگاه امام علیه السلام نیز چنین است و از منظری بالا بر همه‌ی زمین می‌نگرد و احاطه دارد. با این ترتیب می‌توان پذیرفت که شرق و غرب عالم محضر امام عصر علیه السلام است و احاطه‌ی ایشان بر انسان‌ها و اعمالشان مسلم و قطعی است. اگر کسی به این واقعیت یقین پیدا کند و با لطف و عنایت حضرت، وجدانی‌اش شود؛ آن‌گاه در او انگیزه‌ی تجلیل و بزرگداشت ایشان برای دعا در حقشان ایجاد می‌شود و در حالی که خود را در محضر آن امام علیه السلام احساس می‌کند، در حقش دعا می‌نماید.

انصافاً اگر انسان در حال زیارت امام زمان علیه السلام و دعای برای ایشان به این حقیقت توجه کند که در حضور ایشان ایستاده و مشغول زیارت یا دعاست، معنویت و لذت خاصی در قلب خود احساس می‌کند و حال بهتری در دعا خواهد داشت. دعایی که در حضور یک بزرگی به قصد تجلیل و تعظیم از ایشان می‌شود، بسیار شیرین و دلنشین است و اگر این انگیزه با انگیزه‌های قبلی جمع شود، اتصال روحی قوی‌تری در حال دعا پیدا می‌شود که خود زمینه‌ی استجاب آن را بیشتر فراهم می‌سازد.

#### ۵ - دعا در حق ولی عصر علیه السلام در پاسخ به التماس دعای ایشان

یکی از انگیزه‌های دعا برای دیگری می‌تواند در خواست خود او باشد و این امر در مورد دعا برای حضرت ولی عصر علیه السلام صادق است. یکی از شواهد نقلی بر این مطلب را مرحوم شیخ صدوق به این صورت نقل فرموده که کسی از امام صادق علیه السلام سؤال می‌کند:

شخصی در نماز واجب، خود را با تکلف به گریه می آورد تا اینکه گریه اش می گیرد.

حضرت می فرمایند:

قُرَّةُ عَيْنٍ وَاللَّهِ وَ قَالَ: إِذَا كَانَ ذَلِكَ فَأَذْكَرْنِي عِنْدَهُ.<sup>۱</sup>

قسم به خدا چشم روشنایی است ... اگر چنین حالی پیدا شد، مرا در آن حالت یاد کن.

در بخش اول کتاب یکی از آداب دعا را «تباکی» دانستیم یعنی وقتی انسان به طور معمول گریه اش نمی گیرد با زحمت و تکلف خود را به حال گریه در می آورد، مثلاً با یاد کردن از مصیبت های شخصی خود. این کار نه تنها اشکالی ندارد بلکه مورد تأیید و تأکید اهل بیت علیهم السلام نیز هست. حال اگر این کار در ضمن خواندن نماز واجب باشد، به فرموده ی امام صادق علیه السلام باعث چشم روشنی است. شاهد بحث ما در حدیث فوق این است که امام علیه السلام پس از تأیید و تصویب کلی «تباکی» در حال نماز واجب، به سؤال کننده فرمودند که اگر چنین حالی پیدا شد، در همان وقت ایشان را یاد کند و قطعاً یکی از آثار و نشانه های یاد کردن از امام علیه السلام دعا در حق ایشان می باشد. نتیجه ای که از حدیث شریف می گیریم این است که به قول مرحوم میرزا محمد تقی اصفهانی، امر امام صادق علیه السلام به آن شخص به این جهت بوده که ایشان امام زمان او و صاحب حق بر او بودند، پس خوب است که هر مرد و زن مؤمنی به این امر نسبت به امام زمان خویش عمل نماید تا حق آن حضرت را با قلب و زبان خود ادا کرده باشد.<sup>۲</sup>

ملاحظه می کنیم که امام معصوم علیه السلام خود از شیعه اش می خواهد که در حالات معنوی اش به یاد ایشان باشد. بنابراین خوب است که همه ی دوستان امام عصر علیه السلام به خواسته ایشان ترتیب اثر داده و در حالات خوش معنوی خود - به خصوص در ضمن نماز و بعد از آن - امامشان را یاد کنند و برای وجود مبارکشان دعا نمایند.

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۲۵۰، باب ۵، ح ۱.

۲. مکمال المکارم، ج ۲، ص ۴۷، ذیل حدیث ۱۰۹۸.

### برخی مضامین دعا برای امام عصر علیه السلام

حال که اهم انگیزه‌های دعا برای امام عصر علیه السلام را شناختیم، خوب است در حد اشاره به محتوای دعا برای ایشان هم بپردازیم. آنچه در دعاهای مأثور (صادر شده از معصومین علیهم السلام) درباره‌ی امام زمان علیه السلام آمده، نشان می‌دهد که انواع دعا در حق ایشان با مضامین متنوع و مختلف، مطلوب و محبوب خداوند است.

#### ۱- دعا برای دفع شرور از امام زمان علیه السلام

به عنوان نمونه می‌توانیم به دعایی که حضرت امام رضا علیه السلام به یونس بن عبدالرحمن تعلیم کرده، اشاره کنیم. ایشان امر فرموده‌اند که این دعا در حق حضرت علیه السلام خوانده شود. ابتدای دعا با جمله‌ی «اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنَّا وَلِيَّكَ وَ خَلِيفَتِكَ ...» آغاز می‌شود و مضامین آن متنوع و متعدد است. اولین درخواست، دفع شرور از وجود مقدس آن امام عزیز است. «دفع» به این است که شری به ایشان نرسد و حضرتش از انواع و اقسام بلا یا مصون و محفوظ بمانند.

#### ۲- دعا در جهت حفظ امام علیه السلام

در ادامه‌ی دعا به زبان دیگری برای ایشان طلب عافیت شده است. عبارت دعا این است:

وَ احْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ  
مِنْ تَحْتِهِ ....

معنای این عبارت این است که خداوند امام علیه السلام را از پیش رو و پشت سر و راست و چپ و بالا و پایین حفظ فرماید. وقتی دعا می‌کنیم که ایشان از شش جانب در پناه خداوند حفظ شوند، در واقع سلامت و عافیت کامل حضرت را از گزند هر آفتی طلب می‌کنیم. این محافظت فقط شامل حفظ جسمانی و مادی نیست بلکه شامل حفظ شوون معنوی و مقامات الهی ایشان هم می‌گردد. لذا چنین دعا می‌کنیم:

وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآبَاءَهُ أُمَّتَكَ وَدَعَائِمَ دِينِكَ ....

مقصود از حفظ رسول گرامی ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام در وجود مقدس امام عصر علیهم السلام این است که ایشان وارث حقیقی و جامع همه کمالات پیامبر ﷺ و جانشینانش علیهم السلام هستند، بنابراین از خدا می‌خواهیم که شؤون آن بزرگواران را در این تنها باقیمانده‌ی خاندان عصمت و طهارت حفظ فرماید. حفظ ایشان حفظ همه‌ی آنها و مقامات و کمالاتشان می‌باشد.

جنبه‌ی دیگری که در دعا برای حفظ آن حضرت می‌تواند مد نظر باشد این است که خداوند وجود مقدس حضرت بقیة الله ارواحنا فداه را برای انجام رسالت بی‌نظیری که بر عهده‌اش گذاشته شده، حفظ فرماید. آنچه این آخرین وصی حضرت خاتم الانبیاء ﷺ متحمل شده و قرار است که با ظهور خود به طور کامل ادا نماید، مسؤلیت و رسالت بسیار بسیار بزرگی است که برای حُسن انجام آن، عنایت خاص و ویژه‌ی الهی لازم است. ما از خداوند می‌خواهیم ایشان را برای تحمل این بار سنگین در حال غیبت و ظهور حفظ فرماید. به دوش کشیدن و دایع بزرگ امامت، هم در زمان غیبت - که به امر خداوند بدون آشکار شدن علنی برای مردم است - بسیار سنگین می‌باشد و هم در هنگامه‌ی ظهور که امیدها و آرزوهای همه‌ی انبیا و اولیای الهی را از ابتدای خلقت حضرت آدم علیهم السلام بر روی زمین محقق خواهد فرمود و هر دوی اینها نیاز به حفظ و مراقبت ویژه‌ی خداوند از این تنها ولیّی خود دارد.

۳- دعا برای دوستان و علیه دشمنان امام علیهم السلام

فراز بعدی دعا مربوط به دوستان و دشمنان ایشان است. عرضه می‌داریم:

«وَأَلِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ».

از خدا می‌خواهیم که با دوستان امام زمان علیهم السلام دوستی و با دشمنان ایشان دشمنی کند. این درخواست، دعا در حق خود امام عصر علیهم السلام هم هست. وقتی خداوند دوستان حضرت را دوست بدارد و آنها را در جهت پیشبرد اهداف مقدس ولیّش یاری فرماید،

در حقیقت خود امام علیه السلام را یاری فرموده است و همچنین وقتی دشمنان حضرت را دشمن بدارد و آنان را خوار و ذلیل نماید، در واقع شرّ آنان را از وجود امام علیه السلام دور ساخته است.

#### ۴- دعا برای شادی امام علیه السلام به خاطر رعیتش

یکی دیگر از فرازهای این دعای مبارک، عبارت زیبای ذیل است:

«اللَّهُمَّ اَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ اَهْلِهِ وَ وُلْدِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ اُمَّتِهِ وَ جَمِيعِ رَعِيَّتِهِ مَا تُقَرُّ بِهٖ عَيْنُهُ وَ تَسُرُّ بِهٖ نَفْسُهُ».

یعنی خدایا در مورد خود وجود مقدّس امام علیه السلام و نزدیکان و فرزندان و نسل و امت ایشان و نیز همه‌ی کسانی که رعیت آن حضرت هستند، آن چیزهایی را که باعث چشم روشنی و شادمانی ایشان می‌گردد؛ به حضرتش عطا بفرما. انصافاً دعای جامع و زیبایی است؛ هم بهترین دعادر حقّ نزدیکان و فرزندان و امت امام علیه السلام است و هم طلب یکی از بهترین خیرات برای خود آن عزیز. مانند این است که برای یک پدر دعا کنیم که خداوند در مورد فرزندش چیزی را که باعث خوشحالی او می‌شود، به او عطا نماید. البته یک پدر معمولی ممکن است به چیزی برای فرزندش خوشحال شود که به صلاح او نباشد، ولی در مورد امام علیه السلام چنین فرضی منتفی است. اگر ایشان به چیزی در مورد یکی از فرزندان و رعیتش خوشحال شود، قطعاً آن چیز به خیر و صلاح فرزند هم هست. پس بهترین دعاها در حقّ امت امام زمان علیه السلام همین دعاست که هم طلب خیر و صلاح برای آحاد امت است و هم اجابت آن موجب خوشحالی و سرور امام علیه السلام می‌گردد.

در این‌گونه دعا کردن، مشخص نمی‌کنیم که چه چیزی را برای امت آن حضرت می‌خواهیم و چه بسا همین مشخص نکردن، برای خودمان بهتر باشد، گاهی ممکن است از روی جهل و نادانی بر درخواست چیزی تأکید و اصرار بورزیم که به صلاح خودمان یا دیگران نباشد. ولی وقتی به‌طور مبهم و کلی می‌خواهیم که خداوند آنچه

باعث سرور و شادمانی امام علیه السلام می شود، به امت ایشان و با واسطه به خود ایشان عطا فرماید، در حقیقت از شر آنچه به صلاحمان نیست، در امان می مانیم.

#### ۵- دعا برای تعجیل فرج امام علیه السلام

در همین دعای شریف علاوه بر چهار عنوان گذشته، عبارات متعددی وجود دارد که در هر کدام به زبانی تعجیل فرج امام عصر علیه السلام درخواست شده است. به عنوان نمونه:

اللَّهُمَّ ... أَمِّتْ بِهِ الْجَوْرَ وَ أَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ ... وَ أَبْرِ بِهِ الْكَافِرِينَ وَ جَمِيعَ  
الْمُلْحِدِينَ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ سَهْلِهَا وَ  
جَبَلِهَا حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دِيَّاراً وَ لَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَاراً.<sup>۱</sup>

وقتی از خداوند می خواهیم که به دست ایشان ظلم را بمیراند و عدل را آشکار فرماید یا اینکه کافران و ملحدان را در سراسر گیتی - اعم از خشکی و دریا و دشت و کوه - نابود و هلاک گرداند و اثری از هیچ یک از آنان باقی نگذارد، در واقع فرج نهایی و کامل امام زمان علیه السلام را درخواست کرده ایم. این دعا بالاترین و کامل ترین تقاضایی است که می توانیم در حق امام علیه السلام به درگاه ایزد منان عرضه بداریم. اگر خداوند این دعا را مستجاب فرماید، همه ی دعاهای قبلی و بالاتر از آن، هم در حق خود ایشان و هم دوستانشان برآورده خواهد شد. بنابراین می توانیم جامع ترین و کامل ترین دعا را برای امام عصر علیه السلام، دعا برای تعجیل فرج ایشان بدانیم و به همین جهت بیشترین بحث خود را در فصول آینده ی کتاب بر محور همین دعا قرار دهیم.



## فصل دوم ۲

# ضرورت دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام

اولین بحث درباره‌ی دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام توجه به ضرورت آن است. این ضرورت را از دو جهت می‌توانیم اثبات کنیم: یکی برای رفع بلا‌ی غیبت امام علیه السلام، دوم از جهت امثال امرایشان به اکتار دعا برای تعجیل فرج.

### الف - رفع بلا‌ی غیبت به وسیله‌ی دعا

#### تذکر به بلا و مصیبت غیبت

در درجه‌ی اول باید به این واقعیت تلخ اذعان کنیم که غیبت امام زمان علیه السلام از بلاها و گرفتاری‌هایی است که خداوند به وسیله‌ی آن مردم زمان غیبت را می‌آزماید. اگر بخواهیم از این امتحان موفق و سربلند خارج شویم، قدم اول این است که درد و رنج این بلا و مصیبت را وجدان کنیم. کسی که به مصیبتی گرفتار می‌شود، اگر درد آن را احساس نکند، به فکر چاره نمی‌افتد و به دنبال یافتن راه نجات از آن نمی‌گردد. اما هر قدر عمق مصیبت را بیشتر حس کند، تلاش بیشتری برای خلاصی از آن انجام می‌دهد و به هر وسیله‌ای که امیدبخش‌رهایی از آن بلاست، متوسل می‌شود. یکی از کارسازترین وسایل برای رفع گرفتاری‌ها دعاست و بنابراین قدم دوم - پس از وجدان درد غیبت امام عصر علیه السلام - روی آوردن به دعا برای رفع آن است.

در فصل پایانی از بخش گذشته هشدار نهیب‌گونه‌ی قرآن را نقل کردیم که فرمود:

قُلْ مَا يَعْجُبُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ.<sup>۱</sup>

و فهمیدیم که تا دست به دعا بلند نکنیم و پایان غیبت امام عصر علیه السلام را از خداوند نخواهیم، مورد اعتنای او قرار نمی‌گیریم. همچنین دانستیم که یکی از حکمت‌های خداوند در گرفتار کردن بندگانش به بلاها و سختی‌ها این است که آنان به زاری و تضرع در پیشگاه خدا بیفتند و اگر چنین نکنند، مورد مؤاخذه‌ی او قرار خواهند گرفت. کلام حق الهی را در این خصوص بار دیگر به گوش جان بشنویم که فرمود:

... فَأَخَذْنَاَهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ \* فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ  
بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا  
يَعْمَلُونَ.<sup>۲</sup>

می‌بینیم با لحن بسیار شدید و تندی تضرع نکردن امت را در هنگام نزول بلا و گرفتاری مذمت فرموده و آن را معلول قساوت قلب آنها و بازیچه‌ی شیطان شدنشان دانسته است. بنابراین جا دارد که به خود بگوییم: تا کنون برای رفع بلای غیبت امام زمان علیه السلام چقدر به پیشگاه خداوند تضرع کرده‌ایم؟ آیا اصلاً چنین فکری به خاطرمان خطور کرده است؟ نکند مبتلا به سنگدلی و بازیچه‌ی شیطان شده باشیم؟ آیا باور کرده‌ایم که در صورت دعا نکردن برای تعجیل فرج امام علیه السلام خداوند هیچ اعتنایی به ما نخواهد فرمود؟

احساس نیاز به دعا برای تعجیل فرج

انسان اگر احساس نیاز به کاری نکند به آن روی نمی‌آورد و دعا کردن هم از این قاعده مستثنا نیست. اگر احساس نیاز به دعا نکنیم، یا اصلاً دعا نمی‌کنیم و یا به صورت تصنعی و با تکلف به آن رو می‌آوریم. احساس نیاز به دعا وقتی پیدا می‌شود که انسان سختی و شدت بلا را بیشتر حس کند و این احساس هر قدر قوی‌تر شود، کم و کیف

۱. فرقان / ۷۷.

۲. انعام / ۴۲ و ۴۳.

دعای انسان هم بهتر می شود، البته به شرطی که عقیده به کارگشایی و تأثیر دعا برای رفع بلا داشته باشد. پس اگر می خواهیم اهل دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام شویم، باید اولاً درد غیبت ایشان را بچشیم و ثانیاً در تلاش برای رفع آن از طریق دعا احساس سستی نکنیم، به عبارت دیگر یقین داشته باشیم که با دعا به پیشگاه خدا و اهتمام و اصرار داشتن بر آن می توانیم افق طلوع فرج اماممان را مشاهده نماییم.

### سستی نکردن در مورد این دعا

این جاست که باید هشدار و تذکر امام هشتم علیه السلام را برای خود زنده کنیم که از قول جدشان امام باقر علیه السلام نقل فرمودند:

لَيْسَ إِذَا ابْتُلِيَ فِتْرًا<sup>۱</sup>

(مؤمن) وقتی گرفتار می شود، سست نمی گردد.

ایمان مؤمن اجازه نمی دهد که در وقت گرفتاری، سستی نشان دهد و برای رفع آن تلاش نکند. او می داند که گرفتاری ها زمینه ی امتحان الهی است و برای موفقیت در این امتحان باید به دعا روی آورد. این راه می داند که نباید از دعا به پیشگاه خدا خسته و ملول شود، چون از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله شنیده است که خداوند خسته و ملول نمی گردد مگر آنکه بنده اش چنین شود:

... فَإِذَا فَتَحَ لِأَحَدِكُمْ بَابَ دُعَاءٍ فَلْيَجْهَدْ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَمَلُّ حَتَّى

تَمَلُّوا.<sup>۲</sup>

به همین خاطر است که مؤمن در دعایش جد و جهد می کند تا حاجتش را که فرج مولایش امام عصر علیه السلام است، محقق ببیند. پس تا وقتی به مطلوب خود نرسیده از دعا کردن و اعمال جهد در راه تحقق آن کوتاهی نمی کند.

۱. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۶۷، ح ۱، به نقل از قرب الاسناد.

۲. همان، ص ۳۶۴، ح ۸، به نقل از امالی طوسی.

اطمینان به نزدیک شدن ظهور

نکته‌ی دیگر اینکه: مطابق احادیثی که برخی از آنها در بخش اول کتاب گذشت، اگر انسان در هنگام بلا به فکر دعا بیفتد می‌تواند مطمئن شود که باب اجابت باز شده و رفع بلا نزدیک است و برعکس اگر از دعا کردن کوتاهی نماید، باید از طولانی شدن بلا بترسد. کلام نورانی امام هفتم علیه السلام در این باب چنین بود:

مَا مِنْ بَلَاءٍ يَنْزِلُ عَلَى عَبْدٍ مُؤْمِنٍ فَيُلْهِمُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الدُّعَاءَ إِلَّا كَانَ كَشَفُ ذَلِكَ الْبَلَاءِ وَشِيكاً وَ مَا مِنْ بَلَاءٍ يَنْزِلُ عَلَى عَبْدٍ مُؤْمِنٍ فَيُمْسِكَ عَنِ الدُّعَاءِ إِلَّا كَانَ ذَلِكَ الْبَلَاءُ طَوِيلاً فَإِذَا نَزَلَ الْبَلَاءُ فَعَلَيْكُمْ بِالْدُّعَاءِ وَ التَّضَرُّعِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.<sup>۱</sup>

طبق این فرمایش و امثال آن می‌توانیم از وضعیّت مؤمنان در ارتباط با بلای غیبت امام عصر علیه السلام به طولانی یا کوتاه بودن مدّت زمان آن پی ببریم. اگر دیدیم که اهل ایمان برای رفع آن به تکاپو افتاده و از جان و دل دست به دعا بلند می‌کنند، می‌توانیم به نزدیک بودن ظهور امام زمان علیه السلام دلگرم شویم و اگر مشاهده کردیم که عنایت کافی به دعا برای تعجیل فرج نمی‌شود، باید خود را برای طولانی‌تر شدن غیبت امامان آماده نماییم. شاید در احادیث هیچ معیار دیگری که به این روشنی، طولانی یا کوتاه بودن زمان غیبت را مشخص کند، به دست نداده باشند. خود امام صادق علیه السلام وقتی خواسته‌اند برای اصحاب خود این نکته را روشن نمایند، آن را به عنوان نشانه‌ی طولانی یا کوتاه بودن مدّت بلا، معرفی فرمودند. ابتدا پرسیدند:

هَلْ تَعْرِفُونَ طُولَ الْبَلَاءِ مِنْ قَصْرِهِ؟

و آنگاه در پاسخ به پرسش خود فرمودند:

هرگاه در هنگام بلا به کسی (از شما) الهام شد که دعا کند، بدانید که زمان آن بلا کوتاه است.<sup>۲</sup>

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الهام الدعاء، ح ۲.

۲. همان، ح ۱.

پس ما از میزان اهتمام یا عدم اهتمام مؤمنان در دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام می‌توانیم به زود یا دیر بودن آن پی ببریم. البته کاملاً توجه داریم که مقصود در این جا دعا با حفظ همه‌ی شرایط اجابت و رفع همه‌ی موانع آن است و گرنه کثرت دعاهایی که به اجابت نمی‌رسند، ملاک قضاوت نیست.

### یقین به اجابت دعای تعجیل فرج

یکی از مهم‌ترین شرایط برای اجابت دعا این است که انسان به تأثیر عمیق دعا در رفع بلا یقین داشته باشد و آن را به تعبیر امام صادق علیه السلام از سر نیزه‌ی تیزکاری تر بداند:

الدُّعَاءُ أَنْفَذُ مِنَ السِّنَانِ الْحَدِيدِ.<sup>۱</sup>

نیز از آن به عنوان سلاح انبیاء و سپر مؤمن یاد کرده‌اند.<sup>۲</sup>

آیا ما در زمان غیبت مولا یمان با چنین اعتقادی برای تعجیل فرج دعا می‌کنیم؟ آیا باور کرده‌ایم که دعاهای ما در جلو انداختن ظهور امام عصر علیه السلام از هر سلاح برنده‌ای کارسازتر است؟ اگر واقعاً چنین باوری وجود داشته باشد، نوع اهتمام و کم و کیف دعاهایمان با آنچه اکنون شاهد هستیم تفاوت جدی خواهد کرد.

اعتقاد دیگری که تأثیر عمیقی در روی آوردن ما به دعای واقعی با همه‌ی شرایط لازمش دارد، این است که بدانیم با شروع و استمرار در دعا، خداوند جریان اجابت آن را به راه می‌اندازد و ما نباید از دعا کردن خسته و ملول شویم یا دچار «استعجال» گردیم. فراموش نکنیم فرمایش امام صادق علیه السلام را که فرمودند:

إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا دَعَا لَمْ يَزَلِ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي خَاجَتِهِ مَا لَمْ يَسْتَعْجِلْ.<sup>۳</sup>

اگر این حدیث شریف و امثال آن را باور کرده باشیم، وقتی برای تعجیل فرج مولا یمان دعا می‌کنیم، از صمیم جان معتقد می‌شویم که خداوند در کار اجابت

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب أَنْ الدُّعَاءَ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ، ح ۷.

۲. همان، ح ۴ و ۵.

۳. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الالْحَاحُ فِي الدُّعَاءِ وَ التَّلَبُّثُ، ح ۱.

دعایمان است و وقتی چنین باشد حال و هوا و جدّیت دیگری برای دعا درانسان پیدا می‌شود.

احتمال دیگری که در اجابت همه‌ی دعاها وجود دارد، تأخیر آن از زمان مورد انتظار است. گاهی انسان دعایش مستجاب می‌شود ولی اثر آن را سال‌ها بعد می‌بیند. در بخش اوّل کتاب بیان کردیم که طبق احادیث، وقتی دعای حضرت نوح علیه السلام مستجاب شد، پنجاه سال بعد طوفان واقع گردید.<sup>۱</sup> بنابراین ممکن است دعایی که الآن برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام می‌شود، مستجاب باشد ولی اثر اجابت آن سال‌ها بعد دیده شود. اگر انسان دعایش را مستجاب ببیند، با اعتقاد و عمق بیشتری به دعا کردن می‌پردازد.

یکی از آداب دعا - مطابق آنچه در احادیث آمده - یقین دعاکننده به اجابت آن است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:

**أَدْعُوا اللَّهَ وَ أَنْتُمْ مُوقِنُونَ بِالْإِجَابَةِ.<sup>۲</sup>**

اگر انسان با علم و یقین به اجابت دعا کند، قطعاً طرز دعا کردنش با وقتی که امیدی یا اطمینانی به اجابت ندارد، تفاوت می‌کند. روشن است که یقین به اجابت خود عامل مؤثری در اجابت دعاست. حال از خود پرسیم: چند درصد از دعاهایی که برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام می‌شود، با یقین به اجابت آن است؟

**تأثیر اعتقاد به خدایی بودن امر ظهور در کیفیت دعا برای آن**

متأسفانه شاهدیم که بسیاری از شیعیان و دوستان امام عصر علیه السلام نه تنها یقین به اجابت دعا برای تعجیل فرج ایشان ندارند، بلکه در ذهن خود برای ظهور حضرت پیش شرط‌هایی را فرض گرفته‌اند که براساس آنها احتمال اجابت فوری دعای خود و دیگران را هم نمی‌دهند، چه رسد به اطمینان و یقین به اجابت. بنابراین لازم است به

۱. کمال الدین، باب ۲، ح ۲.

۲. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۰۵، ح ۱، به نقل از عدّة الدّاعی.

این حقیقت با همه‌ی وجود معتقد شده باشیم که فرج کلی و نهایی امام زمان علیه السلام هیچ گونه پیش شرط بشری ندارد و زمینه و مقدمه‌ای که ایجاد آن به دست بشر باشد، لازم ندارد. یعنی امر ظهور ایشان بیش از هر کار دیگری «خدایی» است نه «بشری». توضیح و اثبات این موضوع مهم در محل مناسب خود آمده است.<sup>۱</sup>

ما انسان‌ها هر چه کاری خدایی‌تر باشد، برای تحقق آن بیشتر روی دعا حساب می‌کنیم و از آنجا که ظهور امام زمان علیه السلام هیچ مقدمه و پیش‌نیاز ضروری ندارد، بنابراین هیچ عاملی امید انسان را از اجابت دعا برای تعجیل فرج کمرنگ نمی‌کند. پس در این دعای خاص حال «انقطاع الی الله» می‌تواند بسیار زیاد باشد. این سخن هرگز به معنای کم‌اهمیت دانستن سایر وظایف دوستداران حضرت در زمان غیبت نیست، بلکه صرفاً برای بالا بردن اهتمام ایشان در وظیفه‌ی دعا برای تعجیل فرج است. تا این‌جا اشاره‌ای داشتیم به ضرورت دعا برای تعجیل فرج از جهت وظیفه‌ای که برای رفع بلا به‌طور کلی به‌خصوص برای رفع بلا و مصیبت غیبت امام عصر علیه السلام داریم. اما از جهت دیگری هم می‌توانیم این ضرورت را اثبات نماییم.

#### ب - امثال امر امام علیه السلام به اکثار دعا

حضرات ائمه‌ی اطهار علیهم السلام با لحن اکید به دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام سفارش فرموده‌اند. ما در این‌جا صرفاً دستور خود امام عصر علیه السلام را نقل می‌کنیم و از آنچه پدران بزرگوار ایشان فرموده‌اند فعلاً صرف‌نظر می‌نماییم. عبارتی که در توقیع شریف ایشان آمده این است:

أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ.<sup>۲</sup>

برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید زیرا آن فرج شماست.

این عبارت در ضمن توقیع مفصلی خطاب به اسحاق بن یعقوب صادر شده که

۱. رجوع کنید به کتاب «راز پنهانی و رمز پیدایی» بخش سوم، فصل سوم.

۲. کمال‌الدین، باب ۴۵، ح ۴ و احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۴.

مرحوم شیخ صدوق با دو واسطه از او نقل فرموده است. واسطه‌ی اوّل جناب محمد بن یعقوب کلینی است که اعتماد ایشان و سایر مشایخ امامیه به اسحاق بن یعقوب خود دلیل جلالت قدر و وثاقت آن بزرگوار می‌باشد علاوه بر اینکه در انتهای همین توقیع امام زمان علیه السلام بر او سلام داده‌اند.

### معنای دقیق عبارت توقیع امام علیه السلام

عبارات خود توقیع نشان می‌دهد که منظور از کلمه‌ی «الفرج» در کلام حضرت، فرج نهایی و پایان یافتن غیبت ایشان است. اما در اینکه مشارٌ الیه کلمه‌ی «ذلك» چیست، سه احتمال وجود دارد:

احتمال اوّل: مراد از «ذلك»، فرج امام زمان علیه السلام باشد، یعنی کلمه‌ی «الفرج» در عبارت توقیع مشارٌ الیه باشد. در این صورت معنای عبارت «فانّ ذلك فرجکم» چنین است: فرج امام عصر علیه السلام فرج شماست. این مطلب به عنوان علت امر امام به دعا کردن (یا زیاد دعا کردن) برای فرج ایشان ذکر شده و مفاد آن این است که: برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید چون با فرج ایشان، فرج شما حاصل می‌شود. منظور این است که فرج همه‌ی اهل ایمان به فرج امام زمان علیه السلام محقق و عملی خواهد شد و این مطلب حق و صحیحی است که احادیث متعددی آن را تأیید می‌کند.<sup>۱</sup>

در این فرض دو احتمال در معنای کلّ عبارت وجود دارد: یکی اینکه جمله‌ی «فانّ ذلك فرجکم» علت برای امر به اصل دعا کردن برای تعجیل فرج باشد و دوم آنکه این جمله علت امر به زیاد دعا کردن برای تعجیل فرج باشد. در هر دو صورت مشارٌ الیه کلمه‌ی «ذلك» فرج امام عصر علیه السلام است، هر چند که معنای کلّ عبارت با این دو احتمال متفاوت می‌شود.

احتمال دوم: مراد از «ذلك» دعا کردن باشد، یعنی کلمه‌ی «الدعاء» در عبارت توقیع

۱. به عنوان نمونه رجوع کنید به بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۱۵۸ و ۱۵۹، به نقل از اقبال الاعمال،

توضیح این حدیث شریف در کتاب «معرفت امام عصر علیه السلام» ص ۴۰۲ آمده است.



مشارُ الیه باشد. در این صورت معنای جمله‌ی «فانّ ذلك فرجکم» این است: دعا کردن برای تعجیل فرج، فرج شماست.

احتمال سوم: مراد از «ذلك» زیاد دعا کردن باشد، یعنی معنای اکتار در دعا که از جمله‌ی «اکثرو الدّعاء» فهمیده می‌شود، مشارُ الیه باشد. در این فرض مرجع اسم اشاره، معنوی است نه لفظی و معنای جمله‌ی «فانّ ذلك فرجکم» چنین خواهد بود: زیاد دعا کردن برای تعجیل فرج، فرج شماست.

تفاوت سه احتمال با یکدیگر کاملاً روشن است و به نظر قاصر حقیر احتمال سوم ترجیح دارد چون «ذلك» اسم اشاره به بعید است و مرجع دورتر در این سه احتمال، همان معنای «اکتار دعا» است که در احتمال سوم مطرح می‌شود. البتّه احتمال دوم را ردّ نمی‌کنیم، همان‌طور که مرحوم صاحب مکیال المکارم هر دو احتمال را با هم پذیرفته‌اند؛<sup>۱</sup> ولی شاید احتمال سوم ارجح باشد. بنابراین از کلّ عبارت چنین برداشت می‌شود که زیاد دعا کردن برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام فرج دعاکننده خواهد بود.

### ضرورت اهتمام به امتثال امر امام علیه السلام

به هر حال مهم این است که امام علیه السلام در این توفیق شریف امر به زیاد دعا کردن فرموده‌اند و این نشانگر کمال عنایت ایشان به لزوم اهتمام اهل ایمان به دعا برای تعجیل فرج امامشان است. حضرت در این عبارت به دعای کم رضایت نداده و به اکتار آن دستور فرموده‌اند. وقتی کثرت کاری محبوب و مأمور به باشد، قطعاً آن کار عبادت بسیار بزرگ و با برکتی است و اگر کسی از زیاد انجام دادن آن معذور یا محروم است، نباید از اصل و مقدار کم آن دریغ ورزد.

اگر بخواهیم درباره‌ی مفاد این امر (اکتار دعا) از دیدگاه فقهی بحث کنیم، علی القاعده نظر مرحوم صاحب مکیال را ترجیح می‌دهیم که آن را امر استحبابی دانسته‌اند نه وجوبی.<sup>۲</sup> اما صرف نظر از جنبه‌ی فقهی، وقتی به انجام عملی با قید «اکتار»

۱. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۰۸.

۲. همان، ص ۳۰۹.

امر می شود، روشن است که آن عمل به طور مؤکد مطلوب و محبوب خداست. بنابراین کوتاهی کردن در آن به هیچ وجه پذیرفتنی نیست. در او امر استجابی هم اگر کسی حالت بی اعتنائی و بی توجهی و خدای نا کرده اعراض از یکی از آنها داشته باشد، قطعاً کار صحیحی انجام نداده است هر چند که به لحاظ فقهی مرتکب معصیت نشده باشد. از این رو با این همه تأکیدی که بر دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام صورت گرفته، حداقل این است که فرد مؤمن نسبت به آن حالت بی تفاوتی و بی اعتنائی نداشته باشد و آن را یکی از برنامه های جدی زندگی اش قرار دهد. کم یا زیاد آن به میزان معرفت و درجه ی ایمانش مربوط می شود.

## فصل سوم ۳

# آثار و فوائد دعا در حق حضرت ولی عصر علیه السلام

دعاهایی که ما در حق امام زمانمان به پیشگاه خدای متعال عرضه می‌داریم، دارای دو گونه فایده و نتیجه است. یکی آثار و نتایجی که به مولایمان می‌رسد و دیگر آنچه نصیب خودمان می‌شود. ما هر یک از این دو را جداگانه بسط و شرح می‌دهیم.

### الف - فوائد دعاهای ما برای امام عصر علیه السلام

قبل از بیان برخی از فوایدی که از طریق دعاهای ما ممکن است به مولایمان امام عصر علیه السلام برسد، خوب است به این دو پرسش پاسخ دهیم:

- ۱- اگر همه‌ی خیرات و برکات به خاطر وجود مقدس امام علیه السلام به ما می‌رسد، ایشان چه نیازی به دعاهای امثال ما دارند؟
- ۲- مگر ممکن است ما که در همه‌ی کمالاتمان نیاز به امام علیه السلام داریم، واسطه‌ی حصول فایده و کمالی برای ایشان باشیم؟

ما این دو سؤال را به صورت جداگانه پاسخ می‌دهیم.

### عدم احتیاج امام زمان علیه السلام به دعاهای ما

- ۱- اگر بگوییم که دعای ما می‌تواند مفید فایده و اثری برای امام زمان علیه السلام باشد، این مطلب به هیچ وجه نیاز ایشان را به دعاهای ما ثابت نمی‌کند. خدای متعال می‌تواند

همه‌ی آثار و نتایج دعا‌های ما را بدون آنکه دعای ما را واسطه‌ی تحقق آنها قرار دهد، برای امامان حاصل فرماید. بنابراین اگر بنا به حکمت و مصلحتی بخواهد دعا‌های ما را مقدمه و زمینه‌ی آنها قرار دهد، این امر نیاز امام علیه السلام را به ما نمی‌رساند.

به تعبیر دیگر می‌توانیم بگوییم: امام عصر علیه السلام برای رسیدن به کمالات خود نیازمند خدا هستند نه ما و خداوند می‌تواند از راه‌های مختلفی حجت خود را به کمال برساند. یکی از این راه‌ها این است که دعا و درخواست امثال ما را مقدمه و زمینه‌ی اعطای آن کمال به امام علیه السلام قرار دهد و اگر چنین کند، حضرت محتاج ما نمی‌شوند. احتیاج وقتی است که فردی بدون کمک «محتاج الیه» (کسی که نیاز به او هست) به کمالی نائل نشود، اما در این جا چنین چیزی اتفاق نمی‌افتد. ما نمی‌توانیم ادعا کنیم که اگر دعای ما نباشد، امام علیه السلام به فلان کمال نائل نمی‌شوند، چه بسا خداوند - در فرض دعا نکردن ما - همان کمال یا بالاترش را به بهانه‌ی دیگری به امام علیه السلام اعطا فرماید. در واقع دعا‌های ما بهانه‌ای است که خداوند از طریق آن حجت حیّ خویش را به مراتب بالاتری از کمالات می‌رساند. وجود این بهانه عمدتاً برای خودمان مفید است، هر چند که به لطف و فضل الهی زمینه‌ساز عنایت بیشتر پروردگار به امام زمان علیه السلام هم می‌شود.

### فایده‌بخش بودن دعای ما در حق امام علیه السلام به برکت خود ایشان

۲- مفید بودن دعا‌های ما برای امام زمان علیه السلام منافاتی با واسطه بودن حضرت در همه‌ی فیوضات الهی برای ما ندارد. ما بنا بر ادله‌ی متعدد نقلی - اعم از کتاب و سنت - معتقدیم که همه‌ی کمالات برای ما به واسطه‌ی حضرت بقیة الله ارواحنا فداء حاصل می‌گردد و همه‌ی خلائق روزی مادی و معنوی خود را از دستان با برکت آن حضرت دریافت می‌کنند.<sup>۱</sup>

حتی دعا‌های ما در حق ایشان هم به برکت خودشان مستجاب می‌شود. این یک اصل مسلمی است که هیچ شیعه‌ی متفقه در دین شکی نسبت به آن روا نمی‌دارد. حال

۱. اشاره به فرمایش امام سجّاد علیه السلام به ابو حمزه: *إِنَّ اللَّهَ يُقَسِّمُ ... أَزْزَاقَ الْعِبَادِ وَ عَلَى أَيْدِينَا يُجْرِبُهُا.*

(بصائر الدرجات، جزء ۷، باب ۱۴، ح ۹)

اگر خداوند خواسته باشد که دعاهای ما برای امام زمان علیه السلام را به خاطر خود ایشان مستجاب فرماید، آیا وساطت آن حضرت در اعطای کمالات به ما نقض می‌شود؟ هرگز. بهترین مثالی که برای روشن شدن این موضوع می‌توانیم مطرح کنیم، مثال «صلوات» است. مطابق آنچه در روایات آمده، دعای صلوات همیشه مستجاب است.<sup>۱</sup> یعنی هر کس - چه مسلمان و چه کافر - در هر شرایطی و به هر نیتی صلوات بفرستد، خدا دعایش را به اجابت می‌رساند. محتوای صلوات، درخواست رحمت از خداوند برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و عترت ایشان علیهم السلام است. خداوند این درخواست را به خاطر لطفی که به خود اهل بیت علیهم السلام دارد مستجاب می‌فرماید و به دعاکننده کاری ندارد. استجابت همین دعا هم به وساطت این انوار مقدسه صورت می‌گیرد. اهل بیت علیهم السلام محبوب‌های بالذات خدای متعال هستند، چنانچه در زیارت آل یس از زبان امام عصر علیه السلام می‌خوانیم:

### لَا حَيْبَ إِلَّا هُوَ وَ أَهْلُهُ.<sup>۲</sup>

یعنی محبوب‌های خداوند کسی جز پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و عترت ایشان علیهم السلام نیستند و هر کس دیگر هم اگر محبوب خداوند باشد، به دلیل اتصال و ارتباط با این انوار پاک خواهد بود. بنابراین خداوند به هر بهانه‌ای می‌خواهد خیر و رحمت بیشتری به آنان برساند. در واقع چه من دعا بکنم و چه نکنم، خدای متعال مقام ایشان را بالاتر می‌برد؛ حال اگر من بخواهم فایده‌ای ببرم و بهره‌ای نصیبم شود، با فرستادن صلوات، خود را در طریق بهره بردن از جریان رحمت بیکران الهی که به سوی اهل بیت علیهم السلام سرازیر است، قرار می‌دهم.

همان‌طور که گذشت مقام و منزلت کسی که صلوات می‌فرستد، در اصل اجابت آن تأثیری ندارد، هر چند در زود یا دیر شدن آن می‌تواند مؤثر باشد. اگر یک شخص فاسق و فاجر یا حتی کافر صلوات بفرستد، خدای متعال به خاطر محبتی که به اهل بیت علیهم السلام

۱. رجوع شود به بخش اول کتاب، فصل ۵، عنوان ۸.

۲. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۱۷.

... در ...  
مستند و خداوند دعای کافران را هم در حق پیامبر ﷺ و حضرت ایشا ان را  
اجابت می رساند. این منافاتی با واسطه فیض بودن آنان در مورد همه که آلات به  
خلایق ندارد.

همین بیانی که در مورد دعای مساوات و استجابات آن گفتیم در مورد دعای  
دیگری هم که در حق اهل بیت است و بالأخص وجود مقدس امام عصر عجل الله فرجه و  
می توانیم مطرح کنیم. خداوند دعاهای ما در حق آن بزرگوار را به خاطر معجزاتی که به  
خود آن حضرت دارد مستجاب می فرماید و ما هم چند که شرایط لازم برای اینکه  
دعایمان به هدف ما جابت برسد را نداشته باشیم اما نباید از اجابت آن ناامید باشیم به  
همین جهت با دعا در حق امام زمان عجل الله فرجه هم کنیم که خود را در مسیر روشن  
رحمت پیکران الهی بری خود مقدس ایشان قرار دهیم. در واقع می خواهیم خودمان  
فایدهای ببریم و بهانه برای عزایت خدای متعال به جهت بی نظیر خود شویم.

جالب این جا است که همین بهانه شدن هم اطاعت و ناپستی است که به برکت و  
وساطت امام زمان عجل الله فرجه نصیب ما می شود. خداوند می تواند از نور این معجزه ای چون  
آنکه دعای ما را بهانه ای اطاعت بیشتر خود به امامان کند که آلات پیکران به آن  
حضرت عطا فرماید اما اگر خدا خیر کسی را بخواهد توفیق دعا برای امام عصر عجل الله فرجه را  
نصیبش می کند تا از این طریق به آثار و نتایج این عبادت بزرگ مثال شود پس بالاینکه  
دعاهای ما می تواند در حق امام عجل الله فرجه مفید باشد اما همین مفید بودن هم به خاطر خود  
حضرت است. چون خداوند دعای هر کس را که برای ایشان دعا کند به سبب معجزاتی  
که به آن حضرت دارد مستجاب می فرماید. اما مفید بودن دعای ما برای ایشان

۱. رجوع شود به بخش ۱۱ فصل ۳ در توضیح فرمایش امیرالمؤمنین عجل الله فرجه در بحار الانوار ج ۳  
ص ۲۴۲.

منافاتی با وساطت فیض آن بزرگوار در همه‌ی نعمت‌های الهی ندارد. به همین دلیل می‌توانیم بگوییم که هر چند با دعای در حق امام علیه السلام خدمتی و کاری برای ایشان انجام می‌دهیم، اما در حقیقت خود حضرت بر ما منت دارند که اجازه این خدمتگزاری را به ما می‌دهند. اگر لطف ایشان بر ما نبود، اصلاً اهل چنین دعا‌هایی نمی‌شدیم. این حکم در هر نوع خدمت دیگری - غیر از دعا کردن - که در حق امامان انجام دهیم نیز جاری و ساری می‌باشد. از اصل معرفت و محبت به آن بزرگوار گرفته تا عرض ارادت به ایشان به اشکال مختلف، همه و همه الطاف خود حضرت است که در حق دوستانشان مبذول می‌فرمایند. با این ترتیب هیچکس واسطه‌ی فیض خداوند - به معنای واقعی کلمه - به امام زمان علیه السلام نمی‌تواند باشد و اصولاً در نظام جاری عالم که هر فیضی از ناحیه خداوند به سبب امام علیه السلام به ما می‌رسد، اصلاً امکان ندارد که کار برعکس شود و نعمتی به خاطر دیگری به آن حضرت برسد.

پس اگر می‌گوییم دعای ما می‌تواند برای امام عصر علیه السلام مفید باشد، منظور نوع فایده رساندنی که نسبت به دیگران داریم نیست. ایشان با هر کس دیگری در عالم، تفاوت دارند. تنها معنای صحیح آن همان است که بیان شد: خدای متعال دعای ما را بهانه‌ی رساندن حضرت به کمالات بالاتر قرار می‌دهد و این کار خدا حکمت‌ها و فوائدی دارد از جمله اینکه می‌خواهد از این طریق خیری به دعاکننده برسد.

تا این جا پاسخ دو پرسش مقدماتی را بیان کردیم. اکنون با توجه به نکات مطرح شده، می‌خواهیم برخی از فوائد دعای در حق امام عصر علیه السلام را برای ایشان برشمریم؛ در عین حال اذعان می‌کنیم که اینها اموری است که با الهام از روایات به عقل ناقص ما می‌رسد و هرگز مدعی نمی‌شویم که این فوائد جامع همه‌ی خیراتی است که می‌تواند بر دعای ما در حق ایشان مترتب شود. با توجه به این نکته و با استمداد از بحثی که در کتاب شریف «مکیال المکارم» در همین خصوص مطرح شده<sup>۱</sup>، به سه فایده‌ی دعا‌هایمان برای امام زمان علیه السلام در این جا اشاره می‌کنیم.

فایده‌ی اول: رفع و دفع بلا یا از امام عصر علیه السلام به دعای ما

ائمه علیهم السلام چون بشر هستند، برخی از بلا یا و مصائبی که در دیگران هست، برای آنها هم اتفاق می‌افتد. مثلاً ایشان مریض می‌شوند، غم و غصه پیدا می‌کنند و به خاطر عواطفی که در وجودشان هست ناراحتی‌هایی برایشان بوجود می‌آید. امیرالمؤمنین علیه السلام - چنانچه معروف است - در روزهای اول جنگ خیر چشم درد سختی داشتند. به طوری که نمی‌توانستند از جای خود حرکت نمایند. هم ایشان وقتی در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان با شمشیر زهرآلود ابن ملجم فرق مبارکشان شکافته شد، در محراب مسجد افتادند و با کمک دیگران به خانه آمدند، آنگاه طبیبی آوردند تا ایشان را معالجه نماید.

به طور کلی امامان علیهم السلام به مقتضای بشر بودنشان یک سری ناراحتی‌ها و رنج‌ها و غصه‌ها را متحمل می‌شوند و از این بابت گرفتاری پیدا می‌کنند. خداوند برای رفع انواع گرفتاری‌ها اسباب و وسائلی قرار داده که ائمه علیهم السلام هم خودشان به آنها متوسل می‌شدند و هم برای دیگران رجوع به اسباب را توصیه می‌فرمودند. به عنوان مثال برای رفع بیماری هم معالجات پزشکی مؤثر و مفید است و هم دعا، و ائمه علیهم السلام هر دو کار را تجویز می‌فرمودند؛ خودشان هم بر همین روال عمل می‌کردند. بنابراین اگر انسان خودش یا نزدیکانش بیمار شوند، برای رفع آن می‌تواند - بلکه باید - به اسبابی که خداوند آنها را مؤثر در رفع بیماری قرار داده، متوسل شود. یعنی هم به پزشک رجوع نماید و هم دست به دعا بلند کند. چنانچه در بخش اول کتاب گذشت یک بار وقتی حضرت صادق علیه السلام بیمار شده بودند، کسی را به حرم حسینی علیه السلام روانه کردند تا برای رفع بیماری آن حضرت در آن مکان مقدس دعا کند. با توضیحی که خود امام صادق علیه السلام دادند، معلوم می‌شود که ایشان دعای آن فرد عادی را زیر قبه‌ی سیدالشهداء علیه السلام برای رفع بیماری خود مؤثر می‌دانستند.<sup>۱</sup>

با این بیان روشن می‌شود که دعاهای ما می‌تواند در رفع بلا یا و گرفتاری‌های امام

۱. رجوع شود به بخش اول کتاب، فصل ۴، عنوان ۱۷.



زمان علیه السلام مؤثر باشد. قطعاً امامی که نزدیک به هزار و صد و هفتاد سال از امامتش می‌گذرد، در این مدّت طولانی گرفتاری‌های زیادی داشته و غم و غصّه‌های فراوانی متحمّل شده و می‌شود. هر مؤمنی به اندازه‌ی عشق و علاقه‌ای که به مولایش دارد، از ناراحتی ایشان ناراحت می‌شود. حتّی اگر احتمال بدهد که مولایش به خاطر ناملایمات زمان غیبت در رنج و غصّه و نگرانی می‌باشد، از هر طریقی که فکر می‌کند مؤثر باشد، برای رفع آلام امام علیه السلام یا حدّاقل تسکین و کاستن از آنها تلاش می‌کند. مسلماً یکی از بهترین راه‌ها برای رسیدن به این مقصود، دعا در حق ایشان است.

با توجه به آنچه در بخش اوّل گذشت، دعا به اذن پروردگار در رفع بلای نازل شده و تغییر مقدرات بسیار مؤثر است. همچنین با دعا می‌توانیم بلاهای مقدر و غیر مقدر را که هنوز نازل نشده‌اند، دفع کنیم. پس چه خوب است که برای رفع بلاهای وارد شده به امام عصر علیه السلام یا دفع مصیبت‌های وارد نشده، برای ایشان دعا کنیم و امیدوار باشیم که خداوند دعاهایمان را به خاطر خود آن حضرت - نه لیاقت و شایستگی ما - در حق ایشان مستجاب می‌فرماید. ضمناً همان‌طور که اگر پدرمان یک گرفتاری خاصّی داشته باشد و غصّه و رنجی ایشان را ناراحت کرده باشد، با سوز دل برای او دعا می‌کنیم و با اصرار و الحاح از خداوند رفع گرفتاری او را درخواست می‌کنیم، اگر امامان را بیشتر از پدرمان - یا حدّاقل همانقدر - دوست داریم، باید همان جدّ و جهد را در دعا برای حضرت هم به خرج دهیم و به طور طبیعی - نه تصنّعی - هنگام دعا برای ایشان بسوزیم و بگیریم و از خدا راحتی و آسایش ایشان را طلب کنیم.

البته خوب می‌دانیم که آنچه همه‌ی دردها و رنجهای امامان را یکجا بر طرف می‌کند، چیزی جز مزده‌ی ظهور ایشان از جانب خداوند نمی‌باشد. بنابراین بهترین دعایی که برای رفع همه‌ی گرفتاری‌های حضرتش می‌توانیم بکنیم، دعا برای تعجیل فرج آن بزرگوار است. لذا در صدر همه‌ی دعاها و بیش از آنها، برای تعجیل فرج ایشان دعا می‌کنیم و می‌دانیم اگر این دعا مستجاب شود، همه‌ی خواسته‌های دیگر هم در ضمن آن محقّق می‌گردد.

فایده‌ی دوم: بالا رفتن مقام امام زمان علیه السلام به دعای ما

فایده‌ی دیگری که دعاهای ما می‌تواند برای امام عصر علیه السلام داشته باشد، بالا رفتن مرتبه‌ی ایشان نزد خداوند و تقرّب بیشتر به ذات مقدّس ربوبی است. برای اینکه حصول این فایده را به خوبی تصدیق نماییم، لازم است به این حقیقت توجّه کنیم که: اولاً فضل و رحمت خداوند به امام علیه السلام حدّ و سقف معینی جز خواست خود خدا ندارد؛ یعنی از جهت افاضه‌ی کمالات از طرف خدا به امام علیه السلام محدودیتی نیست. هر درجه‌ای از علم، قدرت، معرفت نسبت به پروردگار و ... که خدا به امام عصر علیه السلام عنایت کند، می‌تواند آنها را بالاتر ببرد و کمالات بیشتری به ایشان ارزانی بدارد.

ثانیاً از جانب امام علیه السلام نیز محدودیتی برای پذیرش کمالات خدادادی وجود ندارد. چنین نیست که قبول امام علیه السلام نسبت به کمالات سقف معینی داشته باشد و اگر ایشان تا آن درجه بالا رفت، دیگر نتواند ترقی کند. پس نه از جهت افاضه‌ی خداوند حدّ و سقفی وجود دارد و نه از جهت قبول این افاضه از طرف امام علیه السلام.

با توجّه به این دو نکته می‌توانیم بگوییم مقام امام عصر علیه السلام نزد خداوند هر قدر بالا برود، باز هم می‌تواند بالاتر برود و مرتبه‌ی تقرّب ایشان نزد پروردگار به هیچ چیز جز مشیّت و اراده‌ی خود خدا منوط نمی‌باشد. با این ترتیب ما چون امامان را دوست داریم، تقرّب بیشتر ایشان را در پیشگاه الهی طلب می‌کنیم و به همین دلیل برای ایشان دعا می‌کنیم. دعاهای ما در حقّ امام زمان علیه السلام مقام ایشان را نزد خداوند بالا و بالاتر می‌برد. صلوات‌های ما هم دقیقاً همین اثر را دارد. وقتی از خدا می‌خواهیم تا بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آل او علیهم السلام درود و رحمت نازل فرماید، معنایش این است که خدا رحمت خود را بر آنان افزون فرماید و در هر مقامی که دارند، بالاتر بروند. همچنین وقتی در تشهد نماز برای پیامبر صلی الله علیه و آله دعا می‌کنیم که:

و تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَ اَرْفَعْ دَرَجَتَهُ. ۱

۱. گفتن این دعا در تشهد مستحب است: العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۹۱، مسأله‌ی ۴.

به صراحت از خداوند می‌خواهیم شفاعتِ رسول خدا صلی الله علیه و آله را در حق کسانی که مورد شفاعت آن حضرت قرار می‌گیرند، قبول فرماید و درجه و مقام ایشان را نزد خود بالا ببرد. بالا بردن درجه‌ی اهل بیت علیهم السلام به صورت‌های مختلفی می‌تواند باشد که بسیاری از آنها ممکن است برای ما قابل تصور هم نباشد.

به طور کلی درجه و رتبه‌ی هر کس در پیشگاه خداوند به درجه‌ی معرفت او به خدا بستگی دارد و هر قدر معرفت کسی به پروردگارش بیشتر شود، درجه‌ی بندگی‌اش بالاتر می‌رود و همین، معیارِ حدّ تقرّب او به خداست. قرب به خداوند، نزدیکی مکانی و امثال آن نیست، بلکه به رتبه‌ی معرفتی بنده نسبت خدا بستگی دارد. پس می‌توان گفت که تقرّب هر کس به خداوند به اندازه‌ی درجه‌ی معرفت او نسبت به خداست. بنابراین هر عاملی که باعث ازدیاد معرفت انسان به خدایش شود، درجه‌ی او را در پیشگاه خدا بالاتر می‌برد.

بر این اساس می‌توانیم بگوییم که معرفت امام عصر علیه السلام به پیشگاه خداوند می‌تواند با استجاب دعاها و در حق ایشان بالاتر برود و عمیق‌تر شود. نتیجه‌ی معرفت بیشتر این است که مقام بندگی آن بزرگوار به درگاه الهی بالا می‌رود. به عنوان مثال خوف و رجای ایشان به خدای بزرگ بیشتر و بیشتر می‌شود. خوف از خدا و امید به او از مهم‌ترین نشانه‌های معرفت به اوست و ما وقتی در حق امامان دعا می‌کنیم یکی از آثارش می‌تواند بالا رفتن معرفت ایشان باشد که نتیجه‌اش ازدیاد خوف و رجای آن بزرگوار به خداوند است.

تقرّب بیشتر امام علیه السلام به خداوند آثار و جلوه‌های دیگری هم می‌تواند داشته باشد که ما نه می‌توانیم و نه می‌خواهیم به بیان و توضیح همه‌ی آنها پردازیم. آنچه بیان کردیم صرفاً مثالی بود تا حقیقت مطلب برایمان تا حدّ امکان روشن شود.

### فایده‌ی سوم: جلو افتادن ظهور امام علیه السلام به دعای ما

فایده‌ی بسیار مهمّ دیگری که دعاها و در حق امام عصر علیه السلام می‌تواند داشته باشد، جلو افتادن ظهور آن حضرت به اذن خدای متعال است. این فایده می‌تواند بر انواع

دعاهایی که در حق ایشان می‌شود، مترتب گردد. مثلاً دعاهایی که برای رفع غم و غصه‌های امام علیه السلام یا کاهش مصائب ایشان می‌شود، استجابت کاملشان به ظهور حضرت است. قطعاً مزدهی ظهور بیش از هر چیز دیگری، ایشان را خوشحال می‌سازد و در این خصوص دعاهایی که مستقیماً درخواست تعجیل فرج امام علیه السلام را از خدای متعال مطرح می‌سازد، صریح‌تر و روشن‌تر است.

نکته‌ی مهمی که باید در این جا مورد توجه قرار گیرد این است که وقت ظهور امام عصر علیه السلام مطابق روایات متعدّد، از امور «بدایی» است، یعنی امکان تقدیم و تأخیر آن از طرف خداوند وجود دارد. اموری که قابل «بداء» هستند، وقوعشان حتمی و ضروری نیست. بدائیات به‌طور کلی دو دسته هستند: یا تقدیری در مورد وقوعشان صورت گرفته که قابل تغییر است و یا قبل از وقوع، هیچ تقدیری در موردشان وجود ندارد. وجه مشترک این دو نوع این است که پیش از واقع شدن امر بدائی، تقدیر حتمی و لایتخلف نسبت به آن وجود ندارد. در مورد وقت ظهور امام علیه السلام نیز چه احتمال اول را بدهیم و چه احتمال دوم، حدّ مشترک هر دو این است که پیش از وقوع آن، تقدیر حتمی و غیرقابل بداء نسبت به آن وجود ندارد.<sup>۱</sup> بر این اساس می‌توان گفت که چون یکی از آثار دعا، تغییر مقدرات الهی است، پس وقت ظهور نیز ممکن است با دعای منتظران، جلو بیفتد و با عدم دعای آنان به تأخیر افتد.

#### مشروط بودن تعجیل فرج به انجام عمل بنی‌اسرائیل

اما مطلب بالاتر از این است: علاوه بر اینکه وقت ظهور امام علیه السلام از امور بدایی است که دعا بر تعجیل فرج می‌تواند آن را جلو بیندازد، از برخی احادیث استفاده می‌شود که تعجیل فرج امام علیه السلام منوط و مشروط به اهتمام اهل ایمان و جدّ و جهد ایشان در دعا نسبت به این امر می‌باشد.

۱. بیان ادله‌ی نقلی این بحث همراه با توضیحات آن در کتاب «سلوک منتظران»، فصل یکم از بخش سوم آمده است.

صریح‌ترین دلیل در این خصوص حدیث منقول از امام صادق علیه السلام است که مطابق آن می‌توان گفت: خداوند برای فرزندان حضرت ابراهیم از همسرش ساره (بنی اسرائیل) چنین مقدر فرموده بود که مدت چهارصد سال در رنج و عذاب باشند. اما بنی اسرائیل با ضجه زدن و گریستن به پیشگاه خداوند توانستند، ظهور منجی خود (حضرت موسی علیه السلام) را صد و هفتاد سال به جلو اندازند. عین عبارت امام صادق علیه السلام چنین است:

فَلَمَّا طَالَ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ الْعَذَابُ ضَجُّوا وَبَكَوْا إِلَى اللَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا  
فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى وَهَارُونَ أَنْ يُخَلِّصَهُمْ مِنْ فِرْعَوْنَ فَحَطَّ عَنْهُمْ  
سَبْعِينَ وَمِائَةَ سَنَةٍ.

پس وقتی مدت عذاب بر بنی اسرائیل طولانی شد، چهل صباح به پیشگاه الهی ضجه و گریه کردند تا اینکه خداوند به موسی و هارون وحی فرمود که آنها را از (شر) فرعون خلاص کند. به این ترتیب صد و هفتاد سال از (عذاب) ایشان کم کرد.

امام صادق علیه السلام پس از نقل این ماجرای بنی اسرائیل، اضافه فرمودند:

هَكَذَا أَنْتُمْ لَوْ فَعَلْتُمْ لَفَرَجَ اللَّهُ عَنَّا فَأَمَّا إِذَا لَمْ تَكُونُوا فَإِنَّ الْأَمْرَ يَنْتَهِي إِلَى  
مُنْتَهَاهُ.<sup>۱</sup>

وضع شما نیز همین‌طور است؛ اگر چنین کنید (می‌کردید)، خداوند فرج ما را می‌رساند (می‌رساند)، اما اگر چنین نباشید، کار به آخرین حد خود خواهد رسید.

در عبارات اخیر حدیث، قضیه‌ی شرطیه‌ی اول، با کلمه‌ی «لو» به کار رفته است. این کلمه در اصل بر وقوع شرط و جواب آن در زمان گذشته دلالت می‌کند؛ ولی با وجود قرینه، بر تحقق شرط و جزا در آینده نیز می‌تواند دلالت داشته باشد. در این عبارات وجود کلمه‌ی «إذا» در جمله‌ی دوم - که بر وقوع شرط در آینده

دلالت می‌کند - می‌تواند قرینه‌ای باشد برای اینکه جمله‌ی شرطیه اول را بر معنای آینده حمل کنیم. البته احتمال تحقق شرط و جزا در گذشته را با قطعیت رد نمی‌کنیم، چون اگر یک جمله معنای گذشته بدهد و جمله‌ی بعد معنای آینده، عبارت نادرست نخواهد بود. ولی این احتمال نسبت به احتمال اول مرجوح است. بنابراین بهتر است همه‌ی عبارت را از اول تا آخر با یک سیاق واحد معنا کنیم.

به هر تقدیر آنچه در بحث فعلی مهم است، آخرین جمله‌ی امام صادق علیه السلام است که یک قضیه‌ی شرطیه مربوط به زمان آینده می‌باشد. فرمودند: اگر این‌گونه نباشید، کار به آخرین حدّ خود می‌رسد. توجه به تعبیر «عنا» هم در حدیث، آموزنده است. این تعبیر نشان می‌دهد که دعای مؤمنان می‌تواند در تعجیل فرج امام عصر علیه السلام مؤثر باشد. آنچه در مجموع از فرمایش امام صادق علیه السلام استفاده می‌شود این است که شیعیان باید از عمل بنی اسرائیل الگو بگیرند و به همان کاری که آنان برای رفع زودتر عذاب از خود انجام دادند، اقدام نمایند و اگر نکنند، به بیشترین زمان عذابی که خدا برایشان مقدر فرموده، مبتلا خواهند شد.

این مطالب به دو جمله تحلیل می‌شود: یکی اینکه اگر مؤمنان کار بنی اسرائیل را انجام دهند، فرج مولایشان محقق می‌گردد، دوم اینکه اگر چنین نکنند، غیبت امام علیه السلام یا عذاب مؤمنان به آخرین حدّ خود می‌رسد؛ به عبارت دیگر در فرج مولایشان تعجیل صورت نمی‌پذیرد. پس خلاصه‌ی فرمایش امام صادق علیه السلام این است که: اگر مؤمنان کار بنی اسرائیل را انجام دهند، در فرج امام عصر علیه السلام تعجیل می‌شود و اگر نکنند، نمی‌شود. پس این جای یک قضیه‌ی دو شرطی به کار رفته است و معنای آن به زبان منطق گزاره‌ها این است: فرج امام عصر علیه السلام به این شرط و فقط به این شرط تعجیل می‌شود که مؤمنان در مورد آن دعا کنند.<sup>۱</sup>

۱. اگر بخواهیم مطلب را با نماد ریاضی بیان کنیم، در صورتی که جمله‌ی «مؤمنان کار بنی اسرائیل را انجام دهند» را P و جمله‌ی «در فرج امام عصر علیه السلام تعجیل می‌شود» را Q فرض کنیم، آنگاه

این جاست که تأثیر ژرف دعا در تعجیل فرج امام عصر علیه السلام به خوبی برجسته می‌شود. در حقیقت جلو افتادن ظهور حضرت دائر مدار دعای مؤمنان برای تعجیل فرج ایشان خواهد بود. باید توجه داشت که مقتضای حدیث مورد بحث همین است، اما در کنار این مطلب، بدایی بودن ظهور امام زمان علیه السلام را هم نباید از نظر دور بداریم و با عنایت به این امر باید بگوییم: اگر خداوند بخواهد طبق ضابطه‌ای که خود به زبان حجّتش امام صادق علیه السلام فرموده، عمل نماید؛ در صورتی که مؤمنان مطابق عمل بنی اسرائیل به ضجّه و بکاء نپردازند، ظهور امام عصر علیه السلام را به جلو نمی‌اندازد. اما خدا برای خود حق بداء در زمان این امر قائل شده و بنابراین دست او برای آنکه زمان ظهور حضرت را محدود و مشروط به عمل مؤمنان نکند (یعنی خلاف ضابطه‌ای که خود قرار داده، عمل کند) کاملاً باز است.<sup>۱</sup> پس احتمال دارد که خدا به خاطر دعای یک فرد فاسق و یا حتی بدون هیچ‌گونه دعایی از جانب مؤمنان در وقت ظهور، بداء فرماید و آن را به جلو بیندازد. روح اعتقاد به حق بداء برای خداوند، این باور را لازم می‌آورد. بنابراین در مجموع باید گفت که تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام در واقع مشروط به هیچ شرط لازمی نیست و ما در صورت کوتاهی کردن مؤمنان در دعا برای تعجیل فرج مولایشان، باز هم نمی‌توانیم در هیچ لحظه‌ای از تحقق آن ناامید و مأیوس باشیم.

✍ فرمایش امام صادق علیه السلام را باید  $Q \Leftrightarrow P$  بدانیم، چون جمله‌ی اول این است:  $Q \Rightarrow P$  و جمله‌ی دوم:

$Q \Rightarrow \sim P$  و اگر عکس نقیض جمله‌ی دوم را که هم ارز آن است در نظر بگیریم، می‌شود:  $Q \Rightarrow P$  و مجموع دو قضیه‌ی شرطیه‌ی  $Q \Rightarrow P$  و  $P \Rightarrow Q$  معادل یک قضیه‌ی دو شرطی  $P \Leftrightarrow Q$  است.

۱. توجه شود که ضابطه‌ی اعلام شده دو قسمت دارد: یکی اینکه اگر مؤمنان عمل بنی اسرائیل را انجام دهند، در فرج امام زمان علیه السلام تعجیل می‌شود و دوم آنکه اگر چنین نکنند، در فرج مولا تعجیل صورت نمی‌پذیرد. قسمت اول «وعده‌ی» خدا و قسمت دوم «وعید» اوست. خلف وعده از جانب هر کس (حتی خدا) عقلاً قبیح است اما خلف وعید قبیح نیست. آنچه در متن مورد تأکید قرار گرفته مربوط به قسمت دوم است نه اول. یعنی اگر خداوند با وجود دعا نکردن مؤمنان، فرج امام زمان علیه السلام را به جلو اندازد، خلف وعید شده نه خلف وعده، بنابراین در فرض عمل بر خلاف قسمت دوم ضابطه اعلام شده، قبحی در فعل خداوند لازم نمی‌آید.

گریه و ضجّه بنی اسرائیل برای تعجیل فرج

حال با توجه به اهمیّت منحصر به فرد عمل بنی اسرائیل خوب است با دقت بیشتری در آن تأمل نماییم. آنها چه کردند که خداوند عذاب خود را با تعجیل فرج حضرت موسی علیه السلام بر آنان خاتمه داد؟ طبق فرمایش امام صادق علیه السلام چهل صباح به بکاء و ضجّه پرداختند. آیا اصل گریه و ضجّه‌ی آنان در این جا مورد تأکید است یا چهل روز بودن آن هم در این امر مؤثر است؟ پاسخ را ما به طور دقیق نمی‌توانیم معین کنیم. قدر مسلم این است که گریه و ضجّه در تعجیل فرج مؤثر است اما چه بسا چهل روز بودن آن، همچنین صبح دعا کردن هم در تأثیر آن مدخلیت داشته باشد. بنابراین بهتر است برای عمل به این حدیث شریف حداقل چهل صباح به گریه و ضجّه اختصاص داده شود، اما اگر کسی توفیق عمل به این مقدار را نداشت؛ هر تعداد روزی که می‌تواند را از دست ندهد.

اما صرف نظر از مدت گریه و ضجّه، خوب است در معانی و ملزومات این دو واژه دقت کنیم. بکاء یا گریه چیزی نیست که به طور مصنوعی از انسان سرزند. اگر به فرض هم کسی بتواند به صورت تصنعی گریه کند، این کار او هیچ ارزشی ندارد و قطعاً مراد امام صادق علیه السلام چنین گریه‌ای نبوده است. اما چه موقع انسان به طور طبیعی گریه‌اش می‌گیرد؟

عوامل مختلفی در بروز این حال مؤثر است که در این جا با توجه به سیاق حدیث می‌توانیم بگوییم: درک و وجدان شدت عذاب قطعاً عامل مؤثری در گریه‌ی انسان است. چه بسا عذاب بزرگی نازل شود ولی انسان به گریه نیفتد. یکی از علّت‌هایش این است که عمق و شدت آن را وجدان نکرده است. چنین نیست که هر کس به عمق هر عذابی، دقیقاً پی ببرد. اگر فهم انسان از شدت و عمق عذاب وجدانی شود، آنگاه تحمل آن برایش سخت و سنگین شده و چه بسا به گریه بیفتد. آستانه تحمل افراد هم با یکدیگر متفاوت است ولی هر قدر هم تحمل کسی زیاد باشد، باز شدت عذاب می‌تواند بالاتر از آن حد برود. پس بالاخره نوع افراد وقتی سختی و عمق عذاب از یک حدی - که برای هر کس ممکن است با دیگری متفاوت باشد - بیشتر شود، معمولاً به



گریه در می آیند.

اما ضجّه یعنی چه و در چه صورت اتفاق می افتد؟ ضجّه در زبان عرب به معنای داد و فریاد زدن است، داد و فریادی که به خاطر شدت ناراحتی و مصیبت باشد. یکی از واکنش‌های معمولی و طبیعی افراد در وقتی که به مصیبتی گرفتار می آیند، گریستن است. اما گاهی انسان مصیبت زده علاوه بر گریه، جیغ و فریاد هم می زند. برای تجسم این حالت مثالی ذکر می کنیم: فرض کنید در یک مجلس ترحیمی شرکت می کنیم، صاحبان عزا را مشاهده می کنیم که برای ادای احترام به شرکت کنندگان - که برای عرض تسلیت آمده اند - تشکر و قدردانی می کنند. ناگهان صدای جیغ و فریادی در مجلس توجه ما را جلب می کند، می فهمیم که یک نفر حالش عادی و طبیعی نیست و شدت مصیبت او را از خود بی خود کرده، کنترلش را از دست داده و مرتب داد و فریاد می زند. این جا احتمال زیاد می دهیم که او هم جزء صاحب عزاهای باشد ولی حالش مانند بقیّه نیست که بتواند کنار در بایستد و به شرکت کنندگان خوشامد بگوید. اصلاً توجه چندانی هم به مجلس ندارد. اگر او را از قبل شناسیم، حدس می زنیم که باید یکی از نزدیک ترین افراد به مرحوم از دست رفته باشد که مصیبت فوت عزیزش او را به ضجّه آورده است. اگر متوفی جوان باشد و مادر آن جوان چنین حالی داشته باشد، تعجب نمی کنیم، می گوئیم کسی که جوان از دست بدهد، این گونه می شود. یا اگر متوفی پدر بوده باشد و این ضجّه زننده فرزند او باشد، باز هم تعجب نمی کنیم، می گوئیم پدرش را از دست داده که به این حال افتاده است. این مثال تا حدی شرایطی که حال ضجّه را در انسان ایجاد می کند، روشن می سازد. وابستگی شدید صاحب عزا به شخص فوت شده از یک طرف و عمق تأثر او از این مصیبت از طرف دیگر، موجب پیدایش ضجّه در آن فرد صاحب عزا شده است.

وجدان عذاب بودن غیبت امام عصر علیه السلام

حال از خود پیرسیم: چگونه ممکن است کسی در فراق امام زمانش و به سبب غیبت ایشان به حال گریه و ضجّه بیفتد؟ آیا چنین چیزی امکان دارد؟ باز هم تأکید

می‌کنیم که منظور حالتی است که نه گریه‌اش تصنعی باشد و نه ضجّه‌اش. آیا اولین شرط پیدایش این احوال آن نیست که انسان غیبت امام زمانش را «عذاب» بداند و این عذاب بودن را «وجدان» کند. وقتی می‌گوییم عذاب بداند یعنی به محرومیت‌ها، دردها و مصیبت‌هایی که به خاطر غیبت امامش، دامنگیر خودش و دیگران شده توجه داشته باشد. خوشی‌ها و لذت‌های زندگی روزمره، او را از وجود آن بلاها غافل نسازد. فراموش نکند که خشنودی خداوند ابتداءً در این نبوده که گل سرسبد عالم خلقت و گمشده‌ی همه‌ی اولیای الهی، بیش از یازده قرن در پس پرده‌ی غیبت باشد و نسل‌های متوالی از مردمان - اعم از مسلمان و غیر مسلمان و شیعه و غیر شیعه - از دیدار آن یگانه و دُر دانه‌ی هستی محروم باشند. از این بالاتر بدانند که خود آن مولای پرده‌نشین و حتی پدران گرامی ایشان و نیز مادر بی‌ظیرش در عالم حضرت امّ‌الائمّه علیها السلام از غیبت آن عزیز و طولانی شدن آن در رنج و ناراحتی هستند و چه عذابی برای یک شیعه‌ی دوستدار اهل بیت علیهم السلام بالاتر از اینکه موالی خود را به خاطر وقوع چیزی در عذاب و رنج ببینند. تصدیق می‌کنید که عذاب دانستن غیبت امام عصر علیه السلام چیزی نیست که در همه‌ی دوستان ایشان وجود داشته باشد، معرفت و محبتی شایسته و در خور می‌باید تا چنان درکی حاصل شود.

اما وقتی می‌گوییم عذاب بودن را، «وجدان» کنیم یعنی اینکه به خاطر غیبت مولایمان آب خوش از گلویمان پایین نرود. لا اقل در ساعاتی و بلکه دقائقی، عذاب محرومیت از ایشان را «حس» کنیم. آری حس کردن غیر از مطلق دانستن است. انسان خیلی چیزها را می‌داند ولی آنها را وجدان نمی‌کند. یکی از مراتب وجدان، حس کردن است. حس کردن یک مصیبت یعنی چشیدن تلخی آن و سوختن و آب شدن از شدت آن. این چیزی نیست که به طور عادی و معمولی برای انسان حادث شود. آیا ما مؤمنان در مورد پنهانی امام عصر علیه السلام چنین حالی داریم؟ شما را به خدا تا کنون چند روز در طول زندگی، مصیبت غیبت ایشان را حس کرده‌ایم؟ نمی‌گوییم چند روز! چند ساعت این حال را داشته‌ایم یا حتی چند دقیقه؟!

نویسنده‌ی شرمنده‌ی این سطور از طرح این پرسش‌ها احساس خجالت می‌کند که خود را بیش از دیگران از این احوال دور می‌بیند و آرزوی دیدار کسانی را دارد که چنین اوصافی داشته باشند. کسی که برای فهم عذاب بودن غیبت مولایش نیاز به استدلال و برهان دارد، چگونه می‌تواند آن را حس نماید؟! حس نمودن این عذاب از آن کسانی است که هم معرفت و محبتشان به مولایشان عمیق است و هم اهل تقوی و مراقبت در اعمال خود هستند. اگر هیچ‌یک از این شرایط نباشد، به‌طور معمول چنان حالی پیدا نمی‌شود، مگر لطف خاص الهی شامل حال کسی بشود. بگذریم؛ این تنها شرط اول برای پیدایش حال ضجّه در انسان است.

### حال گریه و ضجّه: نشانه‌ی عمق معرفت امام زمان علیه السلام

گریه و ضجّه در خصوص غیبت امام عصر علیه السلام تنها وقتی بروز می‌کند که حال انسان به‌خاطر وجدان شدت این مصیبت، نظیر حال آن عزاداری باشد که عزیزترین عزیزان خود را از دست داده است. آیا می‌شود چنین بود؟ آیا ممکن است دوری از امام عصر علیه السلام کسی را چنان بی‌تاب کند که به‌طور طبیعی به جیغ و فریاد افتد و از سویدای دل در عذاب غیبت امامش بسوزد؟

پاسخ این است که: آری، بوده‌اند و هستند مؤمنانی که چنین حالی را داشته‌اند، اما انصافاً باید تصدیق کرد که به‌سادگی این حال پیدا نمی‌شود. البته نمی‌گوییم که باید از هر راهی تلاش کنیم تا به حال گریه و ضجّه بیفتیم. خیر، هرگز چنین توصیه‌ای نمی‌کنیم و پیدایش این حال از هر طریقی مطلوب نیست. بلکه معتقدیم که اگر انسان از راه‌های انحرافی و نادرست بکوشد تا به این‌گونه احوال دست یابد، خطرات خاصی تهدیدش می‌کند که چه بسا او را به‌طور کامل و برای همیشه از راه امام زمان علیه السلام دور کند و جدا سازد.<sup>۱</sup>

۱. توضیح بیشتر را در مورد این‌گونه خطرات می‌توانید در کتاب «راز پنهانی و رمز پیدایی»

راه صحیح برای اینکه انسانی به این درجه از ارادت و محبت نسبت به امام زمانش نائل شود، این است که مو به مو به انجام وظایف و تکالیف شرعی خود ملتزم باشد. علاوه بر این همه‌ی آنچه را که معرفت او را نسبت به امامش عمیق‌تر می‌سازد، بجوید و سعی نماید تا به همه‌ی آنها عامل باشد. آنچه محور همه‌ی خیرات و برکات الهی در این خصوص و در سایر زمینه‌هاست، چیزی جز اکسیر معرفت امام عصر علیه السلام نیست. محبت، انتظار فرج، دعا ... و تمامی اوصافی که یک منتظر واقعی آن حضرت باید داشته باشد، به برکت همین معرفت برای او حاصل می‌شود. باید توجه داشت که تأکید بر حال‌گریه و ضجه در مورد امام زمان علیه السلام و غیبت ایشان، به هیچ وجه نباید به نحوی تفسیر شود که توجه به انجام وظایف فردی و اجتماعی و مسئولیت‌هایی که یک منتظر واقعی امام علیه السلام در ابعاد مختلف زندگی‌اش - اعم از همسر و فرزند و ارحام و برادران ایمانی و حتی غیر مؤمنان - دارد، کم رنگ شود. چنین چیزی قطعاً مطلوب خدا و امام زمان علیه السلام نیست و هرگز کنار گذاشتن حتی یک واجب شرعی (مثلاً اهتمام به امر تربیت فرزند) به بهانه رسیدن به حال‌گریه و ضجه مجاز نمی‌باشد (توجه فرمایید)؛ آنچه مهم است اینکه دغدغه‌ی انسان فقط و فقط انجام تکالیف دینی‌اش (اعم از واجب و مستحب) باشد و به شدت از محرّمات الهی پرهیز نماید. چنین کسی اگر به انجام وظایف خود در قبال امام زمانش توجه خاص و ویژه نماید، به لطف الهی به حال‌گریه و ضجه نزدیک می‌شود و خودش وجدان می‌کند که به طور طبیعی به آن سمت و سو کشیده می‌شود.

بر همه‌ی این مطالب، یک نکته را هم می‌افزاییم و آن اینکه پیدایش حال‌گریه و ضجه برای مصیبت غیبت امام عصر علیه السلام با اینکه مطلوب است و محبوب، اما هدف اصلی و نهایی نیست. چنین نیست که همه‌ی فعالیت‌ها و انجام وظایف در ارتباط با امام علیه السلام باید به پیدایش چنین حالی ختم شود تا نزد خدا ارزش داشته باشد، هرگز! این حال صرفاً نشانه و علامت عمق معرفت کسی است که در انجام مسئولیت‌های فردی و اجتماعی‌اش در قبال دین و امام زمان علیه السلام کوتاهی نمی‌کند. آن

معرفت است که هدف اصلی و نهایی محسوب می شود و سایر ویژگی ها نسبت به آن، میوه و محصول به شمار می آیند. برخی از آثار و نشانه های معرفت امام علیه السلام نسبت به سایر آنها اصلی تر و کلیدی تر به شمار می آیند، همچون انتظار فرج و رسیدگی به حوائج مؤمنان و دعا و ... آنوقت در مسیر دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام برخی از علائم نشانه ی اوج اتصال روحی دعا کننده با آن حضرت شمرده می شود که گریه و ضجّه از این نوع هستند.

### لزوم اهتمام بیشتر به تعمیق معرفت مؤمنان در زمان غیبت

نتیجه ی کلی بحث این است که مطابق حدیث شریف امام صادق علیه السلام اگر مؤمنان در زمان غیبت امام دوازدهم علیه السلام چنان معرفتی به ایشان پیدا کنند که در اثر تحمل عذاب غیبت مولایشان به حال گریه و ضجّه بیفتند، می توانیم به تعجیل فرج آن حضرت بسیار بسیار امیدوار باشیم و اگر چنین احوالی در شیعیان نباشد - اعم از اینکه معرفتشان صحیح و عمیق نباشد یا به دعا برای تعجیل فرج اهمّیتی ندهند و یا اهل گریه و ضجّه در این امر نباشند - این امیدواری کاهش می یابد. هر چند طبق سفارشات متعدّد خود اهل بیت علیهم السلام انسان مؤمن هیچ گاه و در هیچ شرایطی - هر چند بسیار اسفبار و دردآور باشد - از تعجیل فرج مولایش ناامید نمی شود، اما به هر حال فرق است بین اینکه انسان نشانه ای از نزدیک شدن فرج امام علیه السلام را - طبق وعده ی امام صادق علیه السلام - ببیند با وقتی که چنین چیزی مشاهده نکند. در حالت اوّل به طور طبیعی امیدش به تعجیل فرج مولایش بسیار بیش از حالت دوم خواهد بود. درس مهمّی که از این بحث می گیریم اینکه ما باید به تعمیق معرفت امام زمان علیه السلام در میان اهل ایمان اهمّیت خاصی بدهیم.

در درجه ی اوّل از خودمان آغاز نموده و سعی کنیم در مسیر آنچه به این تعمیق می انجامد، برای خود و دیگران تلاش نماییم. کثرت جمعیت مؤمنان در زمان غیبت برای تحقق آنچه در حدیث امام صادق علیه السلام آمده کافی نیست. ممکن است در میان تعداد زیادی از اهل ایمان، تنها عده ی کمی یافت شوند که عمق معرفتشان به امام

عصر ع آنها را به حال دعا، گریه و ضجّه در آورد. بنابراین باید در کنار اهتمام به تبلیغ تشیّع و رواج دادن آن برای ازدیاد جمعیت مؤمنان، برای عمیق‌تر کردن معرفت آنان به امامشان نیز به طور خاص برنامه ریزی و تلاش کنیم تا بر تعداد اهل معرفت عمیق، روزه‌روز افزوده گردد و فرهنگ دعا و گریه و ضجّه - در کنار اهتمام به انجام مسئولیت‌های فردی و اجتماعی - در آنان نهادینه شود.

اگر یک نفر اهل معرفت عمیق به امام عصر ع تربیت شود که به خاطر عذاب غیبت ایشان بسوزد و با سوختنش، خود و دیگران را به حال دعای همراه با گریه و ضجّه در آورد، ارزشش بیش از آن است که عده‌ی زیادی صرفاً به صورت صوری و شعاری - بدون تفقه و معرفت لازم - به اظهار محبت و انجام کارهای سطحی در مورد امام زمان ع روی آورند. گاهی عدم تفقه و نداشتن بصیرت کافی در دین باعث می‌شود مؤمنی با وجود اعتقاد به امام زمان ع، در اظهار محبت به ایشان (مثلاً در ایام نیمه‌ی شعبان) کارهایی را انجام دهد که نه تنها محبوب و مرضی آن حضرت نیست، بلکه بعضاً به دلیل حرمت آن، مبنغوض ایشان است. چنین کسی اگر هم با زبان «اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ» بگوید، دعایش فاقد شرایط استجاب است و معرفت درستی هم ندارد که عذاب غیبت مولایش را وجدان کند و بنابراین حال گریه و ضجّه هم ندارد. این فاصله‌ی زیادی دارد با آنچه امام صادق ع در مورد عمل بنی‌اسرائیل تأکید فرموده‌اند. بنابراین دعای یک مؤمن متقی و با معرفت عمیق در مورد تعجیل فرج امام زمان ع که اهل گریه و ضجّه هم هست، تأثیرش بیش از دعا‌های جمعی است که چنین اوصافی ندارند. البته به سفارش خود ائمه ع ما دعای هیچکس را نباید کم‌اهمیت و کوچک بشماریم، اما آنچه به‌عنوان وظیفه و ایجاد شرایط مطلوب برای تأثیر دعا بر تعجیل فرج از مجموع احادیث برداشت می‌شود، چنین چیزی است. ما دنبال تشخیص وظیفه و تکلیف خود هستیم و صلاحیت تشخیص دعا‌های مستجاب را از غیر مستجاب نداریم. در مقام تعیین وظیفه - البته در بحث دعا برای تعجیل فرج - باید بدانیم که بیشتر روی چه عواملی باید تأکید کنیم تا امید بیشتری به استجاب

دعاهایمان داشته باشیم. حال اگر خداوند به فضل خود بخواهد دعاهای فاسقان در تعجیل فرج را هم اجابت فرماید، ما نه تنها ناراحت نمی شویم، بلکه بسیار خوشحال هم می گردیم. بنابراین بحث فعلی ما ناظر به تشخیص اهم تکالیف و وظایفمان برای ایجاد امید بیشتر به استجابت دعاها (در تعجیل فرج) است نه تعیین اینکه چه دعایی مستجاب می شود، و چه دعایی نمی شود.

آیا ممکن است جلو افتادن فرج امام زمان علیه السلام محبوب مؤمن نباشد؟

اکنون که مسیر بحث به این جا رسید که یکی از فوائد دعاهای ما می تواند تعجیل فرج مولایمان باشد و عذاب بودن غیبت امام علیه السلام برای اهل ایمان روشن شد، باید به پاسخ سؤالی که در همین خصوص مطرح می شود بپردازیم. این سؤال گاهی صورت اشکال و ایراد پیدا می کند. در دعای معروفی که از ناحیه ی مقدسه خود امام زمان علیه السلام به دست نایب اول ایشان جناب شیخ عمری صادر شده، چنین می خوانیم:

فَصَبِّرْ نِي عَلَى ذَلِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ. ۱

پس به من برای تحمل غیبت امام زمان علیه السلام صبر بده تا جلو انداختن آنچه به تأخیر انداخته ای و نیز به عقب انداختن آنچه جلو انداخته ای را دوست نداشته باشم.

مضمون دعا طلب صبر از خداوند بر غیبت امام عصر علیه السلام است. صبر در هنگام مصیبت معنا دارد و این جا هم چون غیبت امام علیه السلام نوعی عذاب و مصیبت است، خواستن صبر از خداوند در مورد آن بجا و مناسب می باشد. اما ادامه ی دعا سؤال انگیز است. از خداوند می خواهیم به ما صبر بدهد تا اینکه تعجیل آنچه را که به تأخیر انداخته، دوست نداشته باشیم. خوب مگر ما تعجیل فرج را از خداوند طلب نمی کنیم؟ پس قطعاً تعجیل فرج محبوب ماست، اگر محبوب نبود که آن را از خداوند

نمی‌خواستیم. حال چگونه می‌شود از طرفی تعجیل فرج امام عصر علیه السلام محبوب ما باشد، که آن را از خداوند درخواست می‌کنیم و از طرف دیگر از خدا بخواهیم که تعجیل آنچه به تأخیر انداخته، محبوب ما نباشد، مگر فرج امام علیه السلام از چیزهایی نیست که خداوند آن را به تأخیر انداخته است؟ اگر نبوده پس چرا تا کنون فرج ایشان محقق نشده است و اگر هست پس دوست نداشتن تعجیل آن با دعا برای تعجیل فرج چگونه سازگار است؟ در واقع اشکال این است که چگونه می‌شود چیزی هم محبوب انسان باشد و هم نباشد. اگر تعجیل فرج امام عصر علیه السلام محبوب ما هست که هست، عبارت دعای مورد بحث چه معنایی دارد؟

اشکال را از جانب دیگر مسأله هم می‌توانیم مطرح کنیم و آن اینکه اگر غیبت امام زمان علیه السلام مصداق عذاب خدا و نوعی مصیبت است که هست، بنابراین باید برای ما تلخ و ناگوار باشد و اگر چنین است، پس چرا تعجیل آنچه را که خداوند به تأخیر انداخته را دوست نداشته باشیم؟ مگر تعجیل در این امر، باعث رفع غیبت - که برای مؤمنان ناخوشایند است - نمی‌شود؟ پس چه وجهی برای دوست نداشتن این تعجیل می‌توانیم قائل شویم؟

### تعجیل فرج یا تعجیل در آنچه خداوند به تأخیر انداخته است؟

پاسخ به این سؤال یا اشکال بسیار ساده است. کافی است توجه کنیم که در عبارت منقول از دعای امام عصر علیه السلام، گفته‌اند که ما تعجیل در آنچه خداوند به تأخیر انداخته را دوست نداشته باشیم و نگفته‌اند که تعجیل در فرج امام علیه السلام را دوست نداشته باشیم. برای اینکه تفاوت ظریف بین این دو روشن شود، مثالی ذکر می‌کنیم.

فرض کنید فرزندان بیمار شده یعنی قضای تکوینی خداوند به بیماری او تعلق گرفته است. در این صورت وظیفه‌ی ما به عنوان یک بنده‌ی متعبد خدا چیست؟ همان‌طور که در بخش اول کتاب به تفصیل بیان شد، خداوند طلب عافیت را برای بندگانش می‌پسندد و یکی از حکمت‌های مبتلا شدن آنان به بلاهایی چون بیماری این است که به درگاه خدا تضرع کنند. بنابراین دعا کردن برای رفع بیماری قطعاً مطلوب و



محبوب خداوند است. به بیان دیگر انسان بیمار برای حفظ سلامت خود باید به اسباب و وسائط آن متوسل شود که یکی از این اسباب دعا کردن است. در واقع لازمه‌ی تسلیم به قضای تشریحی پروردگار، روی آوردن به دعا برای طلب عافیت می‌باشد. چنانچه قبلاً گذشت لزوم تسلیم به قضای الهی اقتضا می‌کند که هم به قضای تکوینی و هم به قضای تشریحی او راضی باشیم و طبق آنها عمل کنیم. قضای تکوینی خدا همان چیزی است که در عالم تکوین واقع می‌شود و قضای تشریحی اش عبارت است از امر و نهی او. چون می‌دانیم که خداوند در هنگام نزول بلا (مانند بیماری) به دعا برای رفع بلا امر فرموده است، پس لازمه‌ی تسلیم شدن به قضای تشریحی او، امتثال این امر می‌باشد. اما تسلیم شدن به قضای تکوینی خداوند چگونه می‌شود؟ اگر خواست تکوینی او به وقوع چیزی تعلق بگیرد، باید به آن راضی و خشنود بود. لذا اکنون که فرزندمان بیمار شده، راضی بودن به قضای الهی این است که به بیماری فرزند تاکنون راضی باشیم، اما نسبت به آینده چطور؟ چون مقدرات الهی در مورد آینده رانمی‌دانیم، باید به مقتضای اراده‌ی تشریحی خداوند، برای شفای فرزندمان دعا کنیم، آنگاه اگر او شفا پیدا کرد، به سلامتش راضی باشیم و اگر شفا نیافت به بیماری اش رضایت بدهیم. بنابراین اگر کسی یک هفته پس از شروع بیماری فرزندش برای سلامت او دعا کند ولی اثری از شفا نبیند، باید به بیماری فرزندش در این یک هفته راضی و خشنود باشد و از تقدیرات الهی در این یک هفته گذشته ناخشنود نباشد؛ اما نباید از دعا برای عافیت فرزندش دست بردارد، باید به دعاهايش ادامه دهد، اگر باز هم قضای تکوینی خداوند به بیماری فرزند تعلق گرفت، باز هم به آن راضی باشد.

نکته‌ی مورد توجه در این مثال این است که راضی بودن به قضای تکوینی خدا معنایش این نیست که اگر فعلاً بلایی نازل شده، برای رفع آن بلا دعا نکنیم. بلکه باید به آنچه تا الآن خدا اراده (تکوینی) فرموده، راضی بود اما نسبت به از این به بعد باید طبق اراده‌ی تشریحی خداوند برای رفع بلای نازل شده تلاش کرد و دعا هم یکی از همین تلاش‌هاست. حال پس از دعا کردن، هر چه تکویناً مقدر شد باید به آن راضی و

خشنود بود. اگر بلا رفع شد به رفع بلا و اگر باقی ماند به بقای آن باید راضی شد. البته بلا و گرفتاری برای انسان عموماً تلخ و ناخوشایند است. اما مؤمنی که راضی به قضای الهی است، هرچه ایمانش قوی تر و معرفتش به خداوند عمیق تر باشد، صبر بر بلا برایش راحت تر و تلخی آن برایش قابل تحمل تر می شود. ممکن است ایمان شخص به درجه ای برسد که خواست تکوینی خدا برایش محبوب گردد و در نتیجه تلخی بلایی که بر او نازل شده در کامش از بین برود. این درجه هر چند به سادگی حاصل نمی شود، اما رسیدن به آن محال نیست و کسی که به این مرتبه نائل نشده، نمی تواند وقوع آن را نفی نماید. در مثال مورد بحث هر چند که بیماری فرزند برای انسان تلخ و ناگوار است، اما انسان با ازدیاد درجه ای ایمانش می تواند به رتبه ای برسد که این تلخی در کامش کمتر و کمتر شود و در نهایت، به خاطر اینکه می فهمد خداوند برایش چنین پسندیده، چون محو در رضای اوست، تحمل بیماری فرزند برایش آسان می گردد و همان را برای خود می پسندد. این جاست که می توانیم ادعا کنیم که آن بلا و مصیبت (از جهت اینکه یقین کرده خدا برایش آن حال را می خواهد نه از جهت بلا و مصیبت بودنش) برایش محبوب شده است.

این حالت وقتی اتفاق می افتد که انسان مؤمن یقین پیدا کند که خداوند برای او بلا و مصیبت را پسندیده است و این تنها نسبت به گذشته پیش می آید نه آینده. یعنی وقتی شخص برای رفع بلای نازل شده دعا می کند، نمی داند که خدا دعایش را مستجاب می کند یا خیر و نمی داند که آن بلا رفع می شود یا نه. اگر بلا رفع نشد، آن وقت یقین می کند که خدا - فقط در مدت زمانی که آن بلا رفع نشد - برایش حال بلا را پسندیده است، اما نسبت به آینده باز هم نمی داند که تقدیر الهی و قضای او چیست و راضی بودن به قضای تکوینی او چه اقتضایی دارد. با این ترتیب همیشه صرفاً نسبت به آنچه تا هنگام دعا کردن واقع شده، می توانیم - از جهت لزوم رضایت به قضای الهی - راضی و خشنود باشیم، اما نسبت به آینده نمی توانیم چنین قضاوت کنیم چون قضای خدا را در آینده نمی دانیم. فقط به صورت مبهم و کلی می توانیم بگوییم که هر چه خداوند

برایمان بخواهد، به آن راضی هستیم. اما آن چیز بلاست یا رفع بلا، از قبل نمی دانیم. در هر حال وظیفه‌ی ما - از جهت تسلیم به قضای تشریحی خداوند - تا وقتی که بلا هست، دعا کردن برای رفع آن است.

این مطلب را عیناً می توانیم در مورد بلای غیبت امام عصر علیه السلام نیز ساری و جاری بدانیم. اولین نکته این است که این غیبت نوعی عذاب الهی است که ما به مقتضای عدل او گرفتارش شده‌ایم. پس این امر - از جهت مصیبت بودنش - خوشایند ما نیست و نباید باشد. حال که به چنین بلایی گرفتار شده‌ایم، چه وظیفه‌ای داریم؟ نمی توانیم بگوییم که چون باید به قضای تکوینی خداوند راضی باشیم، پس دست روی دست بگذاریم و برای رفع این بلا اقدامی نکنیم، این برداشت قطعاً نادرست است. ما وظیفه داریم که برای جلب رحمت الهی و اینکه از سر تقصیرات ما بگذرد، تلاش کنیم و یکی از تلاش‌ها این است که برای خاتمه یافتن غیبت مولایمان دست به دعا بلند کنیم. این عمل مقتضای تسلیم شدن به قضای تشریحی خداست که او امر متعددی درباره‌ی دعا برای رفع بلا و به‌طور خاص برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام فرموده است. بنابراین ما باید برای رفع بلای غیبت اماممان دعا کنیم، نتیجه‌ی آن هر چه می خواهد باشد. اگر خدا در امر فرج امام علیه السلام تعجیل فرمود، به آن راضی باشیم و اگر نفرمود، باز هم راضی باشیم. پس اگر به فرض یک سال دعا کردیم ولی در این مدت تعجیل فرج صورت نگرفت و خدا آن را از یک سال به تأخیر انداخت، ما باید به این تأخیر انداختن راضی باشیم.

دعایی که در توفیق شریف امام عصر علیه السلام آمده، ناظر به همین فرض است. عرضه می داریم:

حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ.

«تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ» یعنی اینکه اگر چیزی مصداق «مَا أَخَّرْتَ» شد، آن وقت تعجیل در آن را دوست نداشته باشیم. چه موقع این فرض اتفاق می افتد؟ وقتی یک سال بگذرد و در این مدت فرج امام عصر علیه السلام واقع نشود یا به تعبیر دیگر فرج از این یک سال به

تأخیر افتد. اگر چنین شد، مقتضای تسلیم بودن به قضای تکوینی الهی این است که جلو افتادن آن را دوست نداشته باشیم. به زبان ساده تر اگر تا یک سال که ما دعا کردیم، فرج امام زمان علیه السلام واقع نشد، به واقع نشدن ظهور در این یک سال گذشته راضی و خشنود باشیم و در دل نگوییم: چرا حضرت ظهور نکردند؟ در این صورت اگر ایمان ما در درجه‌ی بالایی باشد، نه تنها می‌توانیم تلخی طولانی شدن غیبت را در این یک سال تحمل کنیم بلکه همان چیزی که خداوند تکویناً خواسته است، محبوب ما می‌شود. یعنی با وجود آنکه غیبت امام علیه السلام یک امر دوست داشتنی نیست اما چون خدا آن را خواسته است، می‌تواند محبوب انسان شود به اعتبار اینکه خدا خواسته نه اینکه فی نفسه محبوب باشد. ممکن است در چیزی دو جهت وجود داشته باشد که از یک جهت محبوب باشد و از یک جهت نباشد. غیبت امام عصر علیه السلام از جهت اینکه مصداق عذاب الهی است، دوست داشتنی نمی‌باشد، اما در مدت زمانی که خداوند وقوع آن را بخواهد، به دلیل اینکه او خواسته، می‌تواند محبوب باشد.

### لزوم تفکیک دو جهت در مقتضای عدل الهی

برای روشن تر شدن این نکته به صورت کلی، عرض می‌کنیم که اگر خداوند کسی را تنبیه کند، به مقتضای عدلش با او رفتار کرده است. تنبیه و عقوبت الهی فضل او نیست بلکه مصداق عدل خداست. در این جا دو جنبه وجود دارد: یک جنبه‌ی آن این است که شخص گناهی کرده که مستحق تنبیه الهی شده است و جنبه‌ی دیگرش کاری است که خدا در حق او انجام می‌دهد. حال، این فرد گناهکار اگر بخواهد راضی به قضای خدا باشد، باید چگونه عمل کند؟ از هر یک از این دو جهت یک وظیفه‌ی خاص دارد: از جهت اول نباید به آنچه اتفاق افتاده راضی باشد، چون منشأ تنبیه شدنش گناه خودش است و نباید به گناهی که نتیجه‌اش عقوبت الهی بوده، راضی باشد. به تعبیر دیگر باید از گناهی که انجام داده و در نتیجه به بلای خداوند گرفتار آمده، ناراضی و ناراحت باشد. اما از جهت دوم باید به آنچه اتفاق افتاده راضی باشد.

جنبه‌ی دوم، کار خدا و تنبیه اوست. بنده‌ی خدا باید به آنچه خدا می‌خواهد و

انجام می دهد، راضی باشد. یعنی اگر بخواهد با عدلش با بنده ای رفتار کند، به عدل او راضی باشد و اگر هم با فضل خود رفتار نمود، به فضلش راضی باشد. پس اکنون که بنده گرفتار عدل الهی شده، باید به اینکه خداوند با عدلش با او رفتار می کند، راضی و خشنود باشد. البته تحمل عقوبت و تنبیه، سخت و ناگوار است ولی هر چه ایمان شخص قوی تر و معرفتش به خدا عمیق تر باشد، تلخی و ناخوشایندی آن را کمتر می چشد، بلکه ممکن است به درجه ای برسد که تحمل آن برایش محبوب شود به خاطر آنکه مورد رضای خداست نه اینکه فی نفسه امر مطلوب و محبوبی است.

غیبت امام عصر علیه السلام هم یک نوع تنبیه و عقوبت برای ما به شمار می آید؛ همان دو جنبه ای که به صورت کلی در هر تنبیهی مطرح کردیم، این جا هم مصداق پیدا می کند. جنبه ی اول به تقصیرات ما بر می گردد که ما را مستحق این عقوبت کرده و جنبه ی دوم به اینکه خداوند خواسته با عدل خود با ما رفتار نماید. از جنبه ی اول نباید به این عذاب و تنبیه الهی راضی باشیم و از جنبه ی دوم باید به آن رضا دهیم. جهت اول به خودمان بر می گردد که می دانیم اگر شکر نعمت های الهی را - به خصوص در مورد نعمت وجود امام زمان علیه السلام - چنانچه باید ادا می کردیم، قطعاً گرفتار عذاب غیبت امامان نمی شدیم و این بلای بزرگ بر ما نازل نمی شد. بنابراین از این جهت به آنچه پیش آمده (غیبت امام عصر علیه السلام) راضی نیستیم و نباید باشیم. در واقع از اینکه به خاطر ناشکری هایمان مستحق این عقوبت شده ایم، راضی و خشنود نیستیم.

اما از طرف دیگر از تنبیه خدا و چوب زدن او نمی توانیم ناراضی باشیم. چون می دانیم که این عقوبت مقتضای عدل خداست باید به عدل او هم راضی باشیم، همان طور که به فضل او راضی هستیم و این جا هم چنین است. ما می دانیم که به قهر الهی گرفتار آمده ایم و ایمان ما اجازه نمی دهد که از قهر خداوند ناخشنود باشیم. در واقع ما باید به عدل خدا راضی باشیم صرف نظر از مقتضای آن. پس در مورد غیبت امام زمان علیه السلام چون می دانیم که عدل الهی چنین اقتضایی داشته، به آن راضی هستیم. بنابراین غیبت مولا ایمان فی نفسه برای ما محبوب نمی شود، بلکه اگر مقتضای عدل و قهر خدا چنین شد، به آن اعتبار محبوب می شود. بنابراین آنچه محبوب می گردد،

قضای الهی است نه پنهانی امام عصر علیه السلام. عبارت دعا هم بر چیزی بیش از این دلالت نمی‌کند.

البته همان‌طور که گفتیم این مربوط به وقتی است که کار از کار گذشته و ما یقین کرده باشیم که خداوند دوست دارد ما را مبتلا به غیبت امام زمان علیه السلام ببیند. یقین ما نسبت به این امر مربوط به چه زمانی می‌شود؟ فقط گذشته تا حال را شامل می‌شود و آینده را در بر نمی‌گیرد. ما در حال حاضر نمی‌دانیم که آیا از این به بعد هم خداوند، مبتلا بودن ما به غیبت مولایمان را می‌پسندد یا خیر. چون نمی‌دانیم پس نمی‌توانیم از جهت راضی بودن به قضای الهی به تأخیر افتادن فرج امام علیه السلام در آینده هم راضی باشیم، بلکه - به خاطر سفارشات متعددی که در مورد لزوم دعا برای تعجیل فرج وارد شده - باید تعجیل فرج را دوست داشته باشیم و در واقع به تأخیر نیفتادن فرج را در آینده دوست بداریم. بنابراین آنچه در دعای امام عصر علیه السلام آمده این است که ما جلو انداختن آنچه خداوند به تأخیر انداخته (در گذشته) را دوست نداشته باشیم، اما تعجیل در فرج را (در آینده) باید دوست داشته باشیم و این دو با یکدیگر هیچ تعارضی ندارند.

### تقاضای سطح بالا در دعای توقیع امام علیه السلام

البته این عبارت دعا که مورد بحث ماست، یک تقاضای سطح بالا می‌باشد که نصیب هر کسی نمی‌شود. بسیاری از مؤمنان ممکن است به مقام رضا به قضای الهی برسند، اما آن امر برایشان محبوب نشود.

لازمه‌ی راضی شدن به چیزی این نیست که آن چیز برای انسان محبوب هم بشود. بلا و مصیبت محبوب آدمی نیست ولی انسان مؤمن به آن راضی می‌شود. راضی شدن می‌تواند در این حد باشد که اعتراض و ناخشنودی نسبت به آن نداشته باشد. حد بالای رضایت این است که آنچه خدا برایش پسندیده را دوست بدارد، به این دلیل که خدا پسندیده است. ما در دعای منقول از توقیع امام عصر علیه السلام چنین سطحی از رضایت به قضای الهی را از خداوند طلب می‌کنیم که می‌گوییم: **حَتَّى لَا أَحِبَّ**. اگر کسی این دعا

برایش مستجاب شود، آن وقت به بالاترین مرتبه‌ی رضا و تسلیم به حکم پروردگار رسیده است. اما اگر به این حد هم نرسد، ممکن است مرتبه‌ی پایین آن را به دست آورده باشد که از آنچه خداوند خواسته، ناراضی نباشد. این رتبه برای حفظ ایمان هم کافی است و هم لازم چون ولی اگر به این حد هم نرسد، به ایمانش لطمه وارد می‌شود، زیرا نشانه‌ی ایمان - چنانچه در بخش اول کتاب گذشت - رضا و تسلیم به خواست خداوند است.

### نفی استعجال در مورد ظهور امام عصر علیه السلام

برای تکمیل بحث درباره‌ی عبارت توقیع امام عصر علیه السلام و نتیجه‌گیری نهایی از آن باید به جملات قبل و بعد آن هم یک نگاه مجموعی بیندازیم:

أَنْتَ الْعَالِمُ غَيْرُ الْمَعْلَمِ بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صَلَاحُ أَمْرِ وَلِيِّكَ فِي الْإِذْنِ لَهُ  
بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ وَ كَشْفِ سِتْرِهِ فَصَبِّرْ نِي عَلَى ذَلِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا  
أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ وَلَا أَكْشِفَ عَمَّا سَتَرْتَهُ وَلَا أُبْحَثَ عَمَّا كَتَمْتَهُ  
وَلَا أَنَازِعَكَ فِي تَدْبِيرِكَ وَلَا أَقُولَ: لِمَ وَ كَيْفَ وَمَا بَالُ وَلِيِّ الْأَمْرِ لَا يَظْهَرُ  
وَقَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ؟ وَ أَفْوِضْ أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ.<sup>۱</sup>

تو دانای بدون (نیاز به) تعلم هستی به آن زمانی که اجازه دادن به ولایت برای آشکار کردن امرش و پرده برداری از رازش، به مصلحت کار اوست. پس به من برای تحمل آن صبر بده تا جلو انداختن آنچه به تأخیر انداخته‌ای و نیز به عقب انداختن آنچه جلو انداخته‌ای را دوست نداشته باشم و از آنچه پوشانده‌ای، پرده بردارم و از آنچه کتمان کرده‌ای، جستجو نکنم و در تدبیرت با تو به نزاع در نیایم و نگویم: چرا و چگونه و چه شده که ولی امر ظاهر نمی‌شود در حالی که زمین از ستم پر شده است؟! و همه‌ی کارهایم را به تو واگذار نمایم.

( خدا ) به تأخیر انداخته‌ای را دوست نداشته باشم. منظور این است که اگر غیبت  
مولایمان طو لانی شد و آن طور که ما می خواستیم و برای تسهیلش دعا می کردیم در  
زمان آن تعجیل نشد بی تابی نکنیم صبر خود را از دست ندهیم از آنچه عاقلان را از ما  
پوشانده‌ای بیستجو و کاوش نکنیم در چگونگی اراده و تدبیرت با تو به نزاع در نیایم  
و خلاصه هیچ گونه اعتراضی به کار تو و رضای تو نداشته باشم بلکه همه‌ی امور خود  
را به تو ( خدا ) واگذار نمایم.

آنچه در این عبارات ظهور و بلکه صراحت دارد این است که ما به دلیل اینکه  
نمی دانیم چه موقع ظهور امام عصر علیه السلام به مصلحت ایشان است و اسرار پشت پرده‌ی  
الهی را مطلع نیستیم نباید در ظهور آن حضرت به «استیصال» بپردازیم این استیصال  
ایمان انسان را تها می کند چون او را از اصل ایمان که همان تسلیم به قدرت الهی  
است خارج می سازد راه نجات در زمان غیبت که برای امام عصر علیه السلام تسلیم بودن  
است چنانچه امام جواد علیه السلام فرمودند:

يَعْرِضُ لَهَا الْمُسْتَعِجِلُونَ فِي بَعْضِ أَسْمَائِهَا

(در زمان غیبت که در کتاب شتاب کنندگان سلاک می شوند و تسلیم شوند و زندگان  
نجات می یابند)

با این ترتیب روشن است که شتاب ورزیدن در وقت ظهور امام زمان علیه السلام در  
مذموم است و دعا برای تعجیل فرج ربطی به این استیصال مذموم ندارد این بحث را  
با نقل مطالبی از کتاب شریف «مکیال المکارم» به پایان می بریم. مؤلف کتاب که در آن  
فرموده اند استیصال دو نوع است یکی مذموم و دیگری مباح. مذموم آن است که



پیش از رسیدن وقت چیزی، وقوع آن را طلب کنیم که این عقلاً و نقلاً قبیح است. استعجال ممدوح آن است که چیزی را در اولین وقتی که امکان وقوع دارد، طلب نماییم. از آنجا که ظهور حضرت صاحب الامر علیه السلام از اموری است که امکان جلو افتادن زمانش به اراده‌ی خداوند، وجود دارد (به اصلاح از امور بداء پذیر است) و ضمناً منافع بی شماری هم بر آن مترتب می‌باشد، ایمان مؤمن ایجاب می‌کند که به دعا برای تعجیل ظهور اهتمام ورزد تا در اولین زمانی که مصلحت هست، واقع شود و تا رسیدن این زمان صبر و تسلیم را پیشه‌ی خود قرار دهد.<sup>۱</sup>

### ب - آثار دعا در حق ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای دعا کننده

دعا در حق امام عصر علیه السلام علاوه بر فوائدی که برای خود آن حضرت دارد، برای دعا کننده نیز آثار و نتایجی دارد که اکنون به بیان این بحث می‌پردازیم.

#### ۱۰۲ فایده‌ی دعا در حق امام زمان علیه السلام برای دعا کننده

در کتاب گرانقدر «مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام» چنانچه از عنوانش پیداست، ۱۰۲ فایده‌ی دعا در حق امام زمان علیه السلام برای دعا کننده با استناد به ادله‌ی نقلی معتبر بیان شده است.<sup>۲</sup> چون توضیح کافی برای هر یک در این کتاب شریف ذکر شده، ما از نقل و شرح آنها در این جا خودداری می‌کنیم و تنها به بیان یکی از این فوائد که تحت عنوان «المکرمة الاولى» آمده است با ذکر توضیحات اضافی می‌پردازیم.<sup>۳</sup>

اما پیش از بیان این فایده، خوب است اشکال و پاسخی را که مؤلف کتاب «مکیال المکارم» در همین خصوص آورده‌اند، عیناً از کتاب دیگر ایشان نقل نماییم تا ارزش دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام بیش از پیش روشن گردد:

۱. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۰۲ و ۳۰۳.

۲. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۰۳ تا ۵۱۴؛ ابتدا ۹۰ مکرمة و در انتها ۱۲ مکرمة ذکر شده است.

۳. همان، ص ۳۰۹.

بسا هست که بعضی از کوتاه نظران استبعاد کنند، و بگویند: چگونه به ازای عمل کوچک مختصری، این همه ثوابات و منافع داده می شود، و جواب از این شبهه از سه راه است:

اول: آنکه این عمل شریف<sup>۱</sup> کوچک نیست در نزد اهل بصیرت تا آنکه جای این استبعاد باشد، بلکه در نهایت بزرگی و کمال عظمت شأن است، و کوچکی و بزرگی هر چیزی را عارف و عالم به آن می داند، مثل آنکه یک دانه ی جواهر کوچک، بسا می شود پنج هزار تومان قیمت دارد، لکن اهل خبره ی آن می داند، و شخص ناشی را نمی رسد که به آن دانا اعتراض کند که چرا این دانه را این قدر زیاد قیمت کردی، و عالم به شأن و قیمت این دعا، خلاق عالمیان و خاتم پیغمبران و ائمه ی طاهریین علیهم السلام می باشند، و مثل دعای به امام زمان روحی و ارواح العالمین فدا، مثل کَلِمَتَيْن شهادتین است، هر چند کوچک و مختصر است، لکن به محض گفتن، شخص کافر، مسلم و پاک و محترم و بهشتی می شود، و هکذا سایر آثاری که دارد و کسی را نمی رسد که برای اختصار کلمه و آسانی آن، انکار آثار آن را نماید.

جواب دوم: آنکه ثواب هایی که حق تعالی به ازای هر عملی عطا می فرماید، از راه تفضل است نه استحقاق شخص و مثل این دعا و سایر عبادات، مثل هدیه ای است که شخص محتاج به خدمت شخص کریم می برد، یقین است آن کریم ملاحظه ی قیمت هدیه را نمی کند، بلکه به مقتضای کرم خود انعام می فرماید؛ بسا هست یک گل به او تعارف می کنند، صد تومان انعام می دهد و همه کس او را تحسین می کند. در حدیث است که کنیزی از کنیزان حضرت امام حسین علیه السلام یک دانه ی گل به آن حضرت تعارف کرد، آن جناب او را آزاد نمودند.

جواب سوم: آنکه، تمام این عطاها و ثوابات که به دعا کننده ی در حق امام زمان علیه السلام عطا می شود، فی الحقیقه عطیه ی خداوند جلّ شأنه است به خود آن حضرت، و اکرام آن حضرت است، و واضح است که آن جناب استحقاق

۱. یعنی دعا به جهت تعجیل در ظهور و فرج امام زمان علیه السلام.

این مراتب و ما فوق آنها را دارند. مثلاً هرگاه شخص بزرگی، شخص بزرگ دیگری را ضیافت نمود، نسبت به هر یک از خادمان و اتباع و غلامان او احسان‌ها و انعام‌هایی می‌کند که آنها به خودی خود، لیاقت آن‌گونه تجلیلات را ندارند، لکن به جهت انتساب و تعلقشان به آن شخص بزرگ مورد آن الطاف می‌شوند و اینها در حقیقت تجلیل و احترام صاحب آنهاست و لهذا اگر اندکی کوتاهی در احترامات هر یک از آنها، علی‌حسب مراتبهم بشود، باعث تکذّر خاطر و گله‌ی آن شخص بزرگ می‌شود، چنانچه کثرت ثوابها و عطا‌هایی هم که به زیارت کنندگان و گریه کنندگان حضرت سیدالشهداء علیه السلام عنایت می‌شود، از جهت انتساب و تعلق ایشان است به آن حضرت نه از جهت استحقاق خودشان.

نثار حسن جمال حبیب اگر آرند      دو عالمی ز کریمان عجب نپندارند<sup>۱</sup>  
با عنایت به اهمّیت این عبادت بزرگ (دعا برای تعجیل فرج) اکنون اولین فایده‌ی آن برای دعا کننده را توضیح می‌دهیم که عبارت است از: فرج دعا کننده. این فایده از صریح عبارت توقیع امام عصر علیه السلام استفاده می‌شود که فرمودند:

**اَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ.**

در این فرمایش دعا کردن برای تعجیل فرج یا بنا بر احتمال ارجح زیاد دعا کردن برای آن، خود به عنوان فرج دعا کننده مطرح شده است. این فرج به پنج صورت می‌تواند محقق شود:<sup>۲</sup>

**فرج دعا کننده به سبب دعا و احسان امام عصر علیه السلام**

۱- دعایی که انسان در حق امامش می‌کند، وسیله و بهانه‌ی جلب توجه و عنایت آن حضرت به سوی اوست. این دعا نوعی احسان و هدیه به پیشگاه آقای کریم و بزرگوار

۱. کنز الغنایم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام، ص ۱۰۰ تا ۱۰۲.

۲. سه صورت اول با الهام از مطالب «مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام»، ج ۱، ص ۳۰۹

مطرح شده است.

است که آن احسان را به بهتر از خودش تلافی می‌کند. ما در معرفی ائمه علیهم‌السلام آنها را به صفت کریم می‌خوانیم. در زیارت روز جمعه که متعلق به مولا یمان امام زمان علیه‌السلام است، به ایشان چنین خطاب می‌کنیم:

أَنْتَ يَا مَوْلَايَ كَرِيمٌ مِنْ أَوْلَادِ الْكِرَامِ.<sup>۱</sup>

همچنین در زیارت جامعه کبیره خطاب به همه‌ی امامان علیهم‌السلام عرضه می‌داریم:

عَادَتُكُمْ الْإِحْسَانَ وَ سَجِيَّتُكُمْ الْكِرَامَ.<sup>۲</sup>

شخص کریم اگر از جانب کسی مورد احسان قرار بگیرد نمی‌تواند احسان او را پاسخ بگوید، بلکه چون آقا و بزرگوار است آن را به لطف و احسانی برتر از آنچه در حقش صورت گرفته، تلافی خواهد کرد. در فرمایش مولا امیرالمؤمنین علیه‌السلام در معرفی کریم می‌خوانیم:

الْكَرِيمُ يَرَى مَكَارِمَ أَعْمَالِهِ دَيْنًا عَلَيْهِ يَقْضِيهِ.<sup>۳</sup>

شخص کریم نیکی‌های اعمال خود را بدهی خود تلقی می‌کند که باید آن را ادا نماید.

افراد عادی عمل به نیکی‌ها و مکارم اخلاق را وظیفه و دین خود نمی‌شمارند و انتظار دیگران هم از هر کسی چنین نیست، ولی افراد کریم و بزرگوار چنین هستند که نیکی کردن را بر خود فرض و لازم می‌شمارند. چنین کسی اگر مورد محبت و احسان دیگری قرار بگیرد به طریق اولی خود را موظف می‌داند که آن احسان را به بهترین صورت تلافی کند و این تلافی کردن را بر خود دین و بدهی حساب می‌کند. لذاست که می‌توانیم بگوییم: اگر کسی در حق امام زمان علیه‌السلام دعا کند، با عرضه کردن این هدیه‌ی ناقابل خواسته است در حدّ توانش به مولای خود احسان و نیکی نماید و از همین جهت می‌تواند امیدوار باشد که به نحوی امام عصر علیه‌السلام را مدیون خود نموده است.

۱. جمال الاسبوع، ص ۴۲.

۲. من لا ینحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۶.

۳. غرر الحکم و درر الکلم، حدیث ۸۸۸۶.

البته می‌دانیم که هیچکس با انجام هیچ کار خیری در حق امامش، بر عهده‌ی ایشان حقی پیدا نمی‌کند، زیرا توفیق هر عمل خیری به یمن وجود آن حضرت نصیب انسان می‌گردد. ولی از آنجا که ایشان کریم و بزرگواری هستند، طبق فرموده‌ی جدشان امیرالمؤمنین علیه السلام پاسخ دادن به احسان یکی از دوستان خود را بر خود لازم می‌شمارند و بنابراین کار خیر او را با خیر بهتری تلافی خواهند فرمود. از این جهت دعاکننده‌ی در حق ایشان می‌تواند امیدوار باشد که امام علیه السلام پاسخ دعای او را با دعای بهتر و کامل‌تری خواهند داد تا به آرزوهایش در دنیا و آخرت برسد و گرفتاری‌هایش رفع شود یا اینکه خود آن حضرت مستقیماً از او دستگیری فرموده و حاجاتش را برآورده سازند.

البته ناگفته نماند که چنین رفتاری از جانب امام عصر علیه السلام بر ایشان ضرورت ندارد، یعنی لزومی ندارد که آن حضرت بر طبق کرم و آقایی خود با دعاکننده‌ی در حق خویش رفتار نمایند. کرم نمودن لطف و فضل است و لطف کردن بر ایشان واجب نیست. ما آنقدر در ادای حقوق مولایمان کوتاهی کرده‌ایم که اگر ایشان به کلی به ما بی‌اعتنائی فرموده و پاسخ سلام ما را هم ندهند، استحقاقش را داریم. اگر کسی در خود لیاقت اینکه آقا و مولا جواب سلام و احسانش را بدهند، می‌بیند، بسیار بسیار در اشتباه است. چنین کسی باید ابتدا با حقوق امام زمان علیه السلام بر خود آشنا شود و سپس بررسی کند و ببیند آیا در ادای آنها یا بخشی از آنها موفق بوده است یا خیر. با این بررسی خواهد فهمید که آنچه در حق امامش انجام داده در مقایسه با آنچه می‌بایست انجام می‌داده، اصلاً قابل ذکر و توجه نیست. این جاست که تصدیق می‌کند مورد لطف امام علیه السلام قرار گرفتن از جهت لیاقت و استحقاق نیست، بلکه صرفاً به آقایی و کرم خود ایشان مربوط می‌شود که از سر تقصیرات دعاکننده بگذرند و به روی او نیاورند و پاسخ احسان او را بدهند. پس اگر هم در موردی با او از در اکرام و احسان وارد نشدند، هیچ حقی را از او ضایع نکرده‌اند و چیزی بر عهده‌ی ایشان باقی نمی‌ماند. به هر حال اولین حالت فرج دعاکننده این است که به خاطر دعایش، احسان و کرم مولایش را از طریق دعای آن حضرت یا هر نوع لطف دیگری - به سوی خود جلب نماید.

فرج دعا کننده به خاطر یاری کردن امام زمان علیه السلام

۲- صورت دیگری که برای فرج دعا کننده در حق امام زمان علیه السلام فرض می شود این است که خداوند به جای برآوردن حاجت او، به شکل دیگری دعایش را مستجاب فرماید. ما در بخش اول کتاب (فصل سوم) معنای عامّ اجابت دعا و انواع اجابت مثبت را با استناد به احادیث ائمه علیهم السلام بر شمردیم. در آن بحث روشن شد که اجابت دعا فقط به این نیست که حاجت دعا کننده، مطابق آنچه خودش خواسته، محقق شود. بلکه گاهی عطایی بهتر از آنچه او طلبیده، نصیبش می گردد یا شرّ و بلائی از او دفع می شود یا آن دعا باعث آمرزش گناهانش می گردد یا ذخیره‌ی آخرت او خواهد شد و یا ... به هر حال دعا اگر با شرایطش واقع شود، بدون اجابت نمی ماند.

با این ترتیب اگر کسی برای تعجیل فرج مولایش دست به دعا بلند کند و با سوز دل خلاصی آن حضرت را از رنج‌ها و مصائب زمان غیبت طلب نماید، از دو حال خارج نیست: یا خداوند به دعای او فرج امام عصر علیه السلام را جلو می اندازد که در این صورت دعا کننده سهمی در تعجیل فرج آن حضرت پیدا می کند که این خود توفیق بسیار بزرگی برای اوست. یا اینکه خداوند دعای او را به صورت دیگری اجابت می فرماید، مثلاً بلا و مصیبتی را از او دفع می نماید، خود دعا کننده متوجّه نمی شود که در پس پرده چه گذشت و چه بسا اصلاً نفهمد که چه بلائی برایش مقدر شده بود، ولی در واقع از بسیاری شرور و بدبختی‌ها در امان می ماند، به خاطر دعا‌هایی که خالصانه در حق امام زمانش کرده بود. نکته‌ی لطیفی را مرحوم صاحب مکیال در این فرض تذکر داده‌اند که بیان آن برایمان بسیار مفید است. ایشان می فرماید: دعا برای مولای مظلوممان مصداق یاری کردن مظلوم است و یاری رساندن به مظلوم سبب یاری شدن شخص از ناحیه‌ی خداوند می باشد.

این بحث مستقلاً به عنوان چهل و پنجمین فایده‌ی دعا در حق امام زمان علیه السلام در کتاب شریف مکیال المکارم مطرح شده و ضمن آن توضیحات کافی هم آمده است.<sup>۱</sup>

برای توجه کردن به این موضوع ابتدا باید مظلومیت امام عصر علیه السلام برایمان روشن و قطعی شود. مظلوم بودن به این است که حقوق کسی پایمال شود و هر کس حق بیشتری داشته باشد، ادای آنها هم سخت تر و مشکل تر است. در میان مخلوقات خداوند حقوقی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و عترت پاکش علیهم السلام بر ما دارند، از هر کس دیگری بیشتر است. تعداد این حقوق و عمق آنها به اندازه‌ای است که از حد درک و فهم ما بالاتر می‌باشد. چون این حقوق هم زیاد است و هم عمیق، رعایت آنها هم لازم تر و مهم تر است. اما می‌توانیم با جرأت بگوییم که آنچه از این حقوق به خوبی ادا می‌شود در مقایسه با آنچه نمی‌شود، بسیار بسیار ناچیز است، تا آنجا که باید بگوییم اصلاً حق ایشان ادا نمی‌گردد. منظور این است که در کل جهان با توجه به اینکه امام عصر علیه السلام ولی نعمت همه‌ی خلائق هستند، آن حقوقی که از ایشان شناخته شده و ادا می‌شود، چیز قابل ذکر و توجهی نیست. بنابراین می‌توانیم ادعا کنیم که در حال حاضر در کل دنیا فرد زنده‌ای مظلوم تر از ایشان یافت نمی‌شود، یعنی امام زمان علیه السلام مظلوم‌ترین شخص عالم در حال حاضر هستند.

با توجه به این مقدمه، نگاهی به ثواب یاری کردن مظلوم بیندازیم. به عنوان نمونه از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي عَوْنِ الْمُؤْمِنِ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ  
الْمُؤْمِنِ.<sup>۱</sup>

مادامی که مؤمنی مشغول یاری کردن برادر مؤمنش باشد، خداوند عز و جل مشغول یاری کردن اوست.

مؤمنی که مشغول یاری کردن برادر دینی‌اش است، مشمول نصرت و یاری خداوند قرار می‌گیرد. حال اگر آن برادر ایمانی مورد ظلم قرار گرفته باشد، یاری کردن او به این است که قدمی در راه رفع ظلم از او برداشته شود. قطعاً می‌توان گفت که دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام قدمی در راه یاری کردن امام مظلوم عالم محسوب می‌شود،

۱. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۰، ح ۱۶، به نقل از ثواب الاعمال.

چون خدای متعال دعا را مؤثر قرار داده و بر انجام آن تأکید ورزیده است. پس کسی که تعجیل فرج مولایش را از خداوند طلب کند، در واقع قدمی در راه رفع مظلومیت آن عزیز برداشته و مشغول یاری کردن ایشان شده است. چنین کسی طبق فرمایش امام صادق علیه السلام مشمول یاری کردن خداوند قرار می‌گیرد و در همه‌ی اموری که نیاز به کمک دارد، مورد رسیدگی و عنایت پروردگارش واقع می‌شود.

### فرج دعا کننده از طریق صبر بر دینداری در زمان غیبت

۳- سومین صورت فرج برای دعا کننده در حق امام عصر علیه السلام این است که اهل صبر و تحمل در سختی‌ها و مصیبت‌ها می‌شود. کسی که پشتوانه‌اش در هنگام هجوم مصائب، دعا برای تعجیل فرج مولایش است؛ به خاطر سختی‌ها از پای در نمی‌آید و همواره چشم به گشایش الهی دارد که اجابت دعاهايش می‌باشد. لازمه‌ی روی آوردن به دعا این است که دعا کننده حل مشکلات خود را از خدای متعال می‌طلبد و با وجود فراهم کردن مقدمات بشری، تکیه گاهش در رفع گره‌ها فقط و فقط پروردگارش است. چنین شخصی هیچ‌گاه در زیر فشار مصائب از پای در نمی‌آید و به ناامیدی و یأس نمی‌افتد. معمولاً در هنگام هجوم مشکلات و سختی‌ها، یأس و ناامیدی انسان را شکست می‌دهد. یعنی پیش از آنکه خود مشکلات او را از پای در آورند، شکست روحی در برابر آنها او را به زمین می‌زند. در این صورت کسی که پشتوانه‌اش نیروی لایزال الهی است، می‌داند که هیچ قدرتی در برابر قدرت پروردگار توان برابری ندارد. پس اگر خدا بخواهد، او بر همه‌ی سختی‌ها و مصائب غلبه کرده و از رویارویی با آنها پیروز و موفق بیرون می‌آید. لذاست که تن به شکست نمی‌دهد و خود را نمی‌بازد و مقاوم و استوار می‌ایستد.

در زمان غیبت امام زمان علیه السلام، کسی که بخواهد در مسیر دین ورزی استقامت داشته باشد، به سختی‌ها و مشکلات زیادی مبتلا می‌شود. اموری که مشاهده‌اش برای دیگران سهل و آسان است، برای او قابل تحمل نیست و برای حفظ دین و انجام تکالیفش خود را موظف می‌داند که پای دینداری‌اش بایستد و در کوران حوادث بر



اعتقادات حقه اش ثابت قدم بماند. به فرموده‌ی امام حسن عسکری علیه السلام در زمان غیبت امام عصر علیه السلام تنها کسانی از هلاکت در دین نجات پیدا می‌کنند که اهل دو ویژگی باشند:

۱- بر اعتقاد به امامت امام غایب ثابت قدم بمانند.

۲- اهل دعا بر تعجیل فرج آن حضرت باشند.<sup>۱</sup>

بنابراین دعا بر تعجیل فرج امام زمان علیه السلام نقش بسیار کلیدی و بی‌بدیل برای حفظ دین انسان در زمان غیبت دارد. بیشترین خطرها در این زمان متوجه اصول دین (اعتقادات) و فروع اخلاقی و عملی (اخلاق و احکام) است. مسایل و مشکلات مادی و دنیوی تا وقتی انسان در دینش تزلزل پیدا نکند، نمی‌تواند او را از پای درآورد. اگر کسی اهل دعا برای تعجیل فرج امامش بشود، یعنی این عبادت بزرگ جزء برنامه‌ی زندگی‌اش در طول شبانه روز قرار گیرد؛ آنگاه به لطف الهی توان پایداری در برابر هجوم آن چیزهایی که دینش را هدف گرفته‌اند، پیدا می‌کند و در برابر همه‌ی آنها مقاوم می‌شود و به انحراف نمی‌افتد. البته این شرط - اهل دعا برای تعجیل فرج بودن - شرط لازم برای تباه نشدن دین انسان است نه شرط کافی. باید - همان‌طور که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند - ثابت قدم بودن در اعتقاد به امامت امام غایب هم در کنار آن قرار بگیرد تا حفظ دینداری تضمین شود. پس در کنار اهتمام ورزیدن به امر دعا برای امام زمان علیه السلام نباید از اهمیت و جایگاه منحصر به فرد امام شناسی - مطابق آنچه در کتاب و سنت آمده - غفلت کرد. باید امامت امام علیه السلام آن‌گونه که خود ائمه علیهم السلام معرفی فرموده‌اند برای انسان تبیین شده و مورد اعتقاد و باور عمیق قرار گیرد. این پایه اساسی‌ترین پایه‌ی حفظ دین در زمان غیبت است و دعا برای تعجیل فرج و همه‌ی ویژگی‌های دیگر منتظران راستین امام علیه السلام نیز بر همین پایه استوار است؛ و از فروع و شاخه‌های آن به حساب می‌آید.

به هر حال کسی که در زمان غیبت اهل دعا برای تعجیل فرج مولایش است، یا

۱. کمال الدین باب ۳۸، ح ۱، متن این حدیث همراه با ترجمه و توضیح در پیش‌گفتار کتاب آمده

همین خواسته‌اش برآورده می‌شود که بالاترین آرزو و فرج برای اوست و یا اینکه به برکت همین دعا فرج و گشایش در مشکلات برایش حاصل می‌شود که در رأس همه‌ی آنها حفظ دین و توفیق یاری امام زمان علیه السلام می‌باشد. پس بالاترین فرج‌ها از طریق دعای در حق امام عصر علیه السلام برایش حاصل می‌گردد.

### اکتار دعا بر تعجیل فرج: فرجی بزرگ برای دعا کننده

۴ - علاوه بر آنچه بیان شد، با دقت مجدد در عبارت توفیق مبارک امام عصر علیه السلام می‌توانیم معنا و مصداقی لطیف برای فرج دعا کننده را از آن استنباط نماییم. ایشان فرموده‌اند که نفس اکتار دعا بر تعجیل فرج یعنی زیاد دعا کردن خود مصداق فرج دعا کننده است. اگر در این نکته تأمل کنیم که حالت اکتار دعا بر تعجیل فرج چگونه در انسان پیدا می‌شود، به حقیقت مهمی دست پیدا می‌کنیم. مسلم است که این حالت به طور تصنعی در کسی پیدا نمی‌شود و هر کس چنین حالی داشته باشد، احتیاج به تذکر در باره‌ی دعا کردن ندارد. ما می‌بینیم که نوع مؤمنان در امر دعا برای تعجیل فرج احتیاج به تذکر دیگری دارند و بسیار کم هستند افرادی که به طور خود جوش اهل این دعا هستند. معمولاً اگر کتابی در این باره بخوانیم یا وعظ و تذکری از یک سخنران بشنویم، تا یکی دو روز یا حداکثر یک هفته در ما اثر می‌گذارد و به دعا برای حضرت اهمیت خاص می‌دهیم. اما این حال پایدار نمی‌ماند و کم‌کم اثر آن مطالعه و موعظه کم‌رنگ می‌شود تا آنجا که اگر با تذکر مجددی مواجه نشویم، چه بسا دعا برای امام زمان علیه السلام را فراموش نماییم!

اگر چنین باشیم، هنوز اهل دعا بر تعجیل فرج نشده‌ایم و اکتار دعا در حق ما صادق نیست. اما گاهی افرادی را می‌بینیم که در این زمینه احتیاج به تذکر دیگری ندارند و به طور طبیعی درد دعای بر حضرت را در دل دارند و هیچ‌گاه از آن غافل نمی‌شوند. یکی از بهترین نمونه‌ها در این خصوص، خود مرحوم صاحب مکیال است که از مراجعه به کتاب‌هایش این امر روشن می‌شود. فقط یکی از کتاب‌های این بزرگوار (مکیال المکارم) - که به تصریح خود ایشان در پایان آن، ناتمام هم مانده است - شامل ۱۷۵۹

حدیث از اهل بیت علیهم السلام است که همه‌ی آنها به نحوی با موضوع دعا برای امام عصر علیه السلام ارتباط پیدا کرده است.

بیشتر این احادیث مستقیماً ناظر به امام زمان علیه السلام و دعا برای ایشان نیست، اما توجه و عمق معرفت و ارادت مؤلف است که همه‌ی آنها را به موضوع دعا برای امام علیه السلام ارتباط داده است. همه‌ی این احادیث در کتب مرجع موجود بوده و بسیاری از علما و بزرگان از آنها در مباحث مختلف استفاده برده‌اند، اما درصد بسیار کمی از آنها به ارتباط آن احادیث با بحث دعا برای امام عصر علیه السلام متفطن شده‌اند. به عنوان مثال روایاتی که مربوط به ثواب یاری کردن مؤمن و اعانت مظلوم است، در نوع جوامع حدیثی موجود می‌باشد؛ اما اینکه انسان وقتی به تعبیر «مؤمن» بر می‌خورد، در درجه‌ی اول یاد امام زمانش بیفتد و اینکه از تعبیر اعانت و یاری کردن به مصداق خاص دعا برای ایشان متذکر شود، چیزی نیست که برای هر کسی اتفاق افتد. آیا خود ما بدون تذکر صاحب مکیال، از احادیث مربوط به یاری کردن مؤمن، به اینکه دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام مصداق یاری کردن ایشان است، پی می‌بریم؟ چرا چنین است؟ چرا ما برای توجه به این مطلب نیاز به تذکر دیگری داریم ولی کسانی همچون صاحب مکیال این نیاز را نداشته‌اند؟

علت آن روشن است. علت این است که ما آن ارتباط قوی روحی و معنوی را که صاحب مکیال با امام زمان علیه السلام داشته است، نداریم و آنقدر که ایشان به یاد آن حضرت بوده، نیستیم. میزان توجه و تذکر انسان به یک امر بستگی کاملی به میزان و درجه‌ی معرفت و وابستگی روحی انسان با آن دارد. اگر محبت ما به کسی زیاد باشد، به هر مناسبت و بهانه‌ای از او یاد می‌کنیم و ناخودآگاه به یادش می‌افتیم. اگر علاقه‌ی چندانی به او نداشته باشیم، تنها وقتی به یادش می‌افتیم که کسی ما را به یاد او بیندازد. چون علاقه و محبت صاحب مکیال به امام عصر علیه السلام شدید و قوی بوده، همچون ما نیاز به تذکر نداشته بلکه خود مذکر دیگران بوده است. این علاقه معلول معرفت ایشان بوده که به طور طبیعی از آن تراوش می‌کرده است.

پس آنها که اهل زیاد دعا کردن برای امام زمان علیه السلام هستند، احتیاج ندارند که

مناسبت و بهانه‌ای آنها را به یاد ایشان و دعا در حقشان بیندازد، بلکه خود بهانه می‌جویند تا از محبوبشان یاد کنند و در هر ظرف و موقعیتی برای آن حضرت دعا نمایند. هر کس هم که در شعاع و جودی آنها قرار بگیرد، از تشعشعات روحی آنها خودبه‌خود بهره‌مند می‌شود و اگر مدتی با آنها زندگی کند یا سخنی از آنان بشنود یا نوشته‌ای از ایشان بخواند، به‌طور موقت به دعا برای امام زمان علیه السلام روی می‌آورد.

نکته‌ی دیگر در اهل دعا شدن برای امام عصر علیه السلام و زیاد دعا کردن در حق ایشان، مربوط به کیفیت و حال دعاست. گاهی ما دعایی را می‌خوانیم ولی گاهی دعا می‌کنیم. دعا خواندن با دعا کردن تفاوت دارد. دعا خواندن ممکن است از دل نباشد و فقط به زبان جاری شود. به تعبیری که در بعضی روایات آمده، اقبال قلبی در آن نباشد و قلب انسان در حال «لهو» یا «سهو» باشد.<sup>۱</sup> این‌گونه دعا خواندن انسان را اهل دعا و اکتار در آن نمی‌کند و با سوز دل همراه نیست و طبق روایات، شرایط اجابت را ندارد.

برای روشن شدن مقصود به این مثال توجه فرمایید: اگر پدر یکی از ما کسالت پیدا کند و بیماری‌اش شدت بگیرد یا اینکه فرزندمان گرفتار و بیمار شود، برای رفع گرفتاری و بیماری پدر یا فرزند چگونه دعا می‌کنیم؟ آیا به دعا خواندن بدون سوز دل و توجه قلبی راضی می‌شویم؟ آیا تا شفای او را از خدا نگیریم، از دعا برای او دست می‌کشیم و آرام می‌گیریم؟ آیا لازم است کسی ما را به لزوم دعا برای پدر یا فرزندمان تذکر دهد؟ آیا مناسبت و شرایط خاصی لازم داریم تا برای ایشان دعا کنیم؟

پاسخ این پرسش‌ها وجداناً روشن است. در آن شرایط بهانه و مناسبتی لازم نیست تا ما را به یاد دعا برای پدر یا فرزندمان بیندازد، بلکه بهانه و مناسبت را فراهم می‌کنیم تا برای ایشان دعا کنیم. لزومی ندارد که در مجلسی شرکت کنیم تا در آنجا به یاد دعا برای پدر یا فرزند خود بیفتیم، بلکه دنبال مجلسی می‌گردیم که شرایط اجابت دعا برای آنان در آن فراهم‌تر باشد یا اصلاً مجلسی به نیت فراهم کردن مقدمات دعا برای آنان تشکیل می‌دهیم.

۱. رجوع کنید به بخش اول، فصل سوم، شرط اول از شرایط اجابت دعا.

حال اگر واقعاً امام زمانمان را به اندازه‌ی پدر یا فرزندمان دوست می‌داریم، آیا برای رفع گرفتاری‌های ایشان در زمان غیبت آن‌گونه دعا می‌کنیم یا به خواندن دعا‌های بدون سوز دل و اقبال قلبی اکتفا می‌کنیم؟! آیا به انجام یکسری آداب و رسوم بدون اقبال قلبی درباره‌ی دعا برای امام عصر علیه السلام راضی می‌شویم؟ آیا بدون تذکر و یادآوری دیگران برای امامان دعا می‌کنیم؟ آیا منتظر پیش آمدن بهانه هستیم تا به یاد دعا برای ایشان بیفتیم یا اینکه بهانه می‌جوئیم تا برایش دعا کنیم؟ آیا تا کنون پیش آمده است که چند دقیقه - بلکه فقط چند دقیقه - همه چیز خود را فراموش کنیم و فقط به این موضوع فکر کنیم که چگونه از خداوند رفع گرفتاری‌های مولایمان را بگیریم و عزم خود را جزم کنیم که برای همان چند دقیقه با همه‌ی توان و دارایی خود، از خدا تعجیل فرج ایشان را بطلبیم؟

در وادی محبت، هر چه محبت پاک‌تر و خالص‌تر باشد، دعای در حق محبوب با سوز دل و اقبال قلبی بیشتر همراه است و به همین جهت تأثیرش هم بیشتر می‌باشد. اگر ما در انتهای زیارت آل‌یس خطاب به موالی خود عرضه می‌داریم:

### مَوَدَّتِي خَالِصَةً لَكُمْ.<sup>۱</sup>

آیا توجه داریم که این ادعا چه لوازمی دارد؟ منظور از اینکه مودت من خالص برای امام زمان علیه السلام باشد، این است که نه تنها ایشان را از هر کس و هر چیز دیگری در عالم بیشتر دوست بدارم، بلکه هر چیز و هر کس دیگر را هم به خاطر ایشان دوست داشته باشم. حال اگر کسی واقعاً چنین حالی داشته باشد، قطعاً دعا‌هایش، هم با سوز دل همراه خواهد بود و هم استمرار و اکتار خواهد داشت و نیاز به تذکر و یادآوری دیگران هم ندارد. ما می‌بینیم که نوعاً آن سوز دلی که در فراق یا گرفتاری پدر یا فرزندمان داریم، در بی‌خبری از امام زمان علیه السلام و اطلاع از گرفتاری‌های سخت ایشان در زمان غیبت، نداریم و به همین دلیل است که چنانچه باید و شاید اهل دعا برای تعجیل فرج ایشان و اکتار در آن هم نیستیم. اما خدا را شاکریم که پیدایش این درجه از

معرفت و محبت به امام عصر علیه السلام را نعمت بسیار بزرگ الهی و بلکه بزرگ‌ترین نعمت او می‌شماریم و از اینکه این‌گونه نیستیم، ناراحتیم و خود را در ادای حقوق عظیم مولایمان قاصر و مقصر می‌شماریم. پس بیایید با سوز دل، در خانه‌ی خداوند را بزیم و در پیشگاه مقدّسش زار بزیم و بنالیم و او را به حقّ مولای مظلوممان بخوانیم تا به آبروی او، چنان معرفت و محبتی عطایمان کند که ما هم همچون صاحب مکیال اهل سوز دل برای عزیزتر از جان و مال و فرزند و پدرمان گردیم و آنگاه که آن معرفت و محبت روزی ما شود، خودبه‌خود اهل دعا برای تعجیل فرج ایشان و اکتار در آن خواهیم شد و دیگر نیاز به تذکر دیگران برای دعا در حقّ مولایمان نخواهیم داشت. خداوندا به خاطر محبتی که به مولای غایب از دیدگانمان داری، ما را اهل دعا برای تعجیل فرج ایشان قرار ده تا به این وسیله محبوب خود را زودتر از گرفتاری‌ها و سختی‌های زمان طولانی غیبت نجات بخشی، الهی آمین.

حال با این توضیحات تصدیق می‌کنیم که اگر کسی اهل اکتار در دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام گردد، همین ویژگی چه فرج بزرگی در روح و روان اوست و اگر هیچ خیر دیگری از این طریق نصیب دعاکننده نشود، همین حال او خود بزرگ‌ترین خیری است که خداوند نصیبش می‌فرماید، به طوری که همه‌ی خیرات دیگر فرع بر آن است، زیرا همان‌طور که در احادیث ائمه علیهم السلام آمده، «معرفت امام عصر علیه السلام» منشأ و منبع همه‌ی کمالات معنوی است، به طوری که اگر کسی این اکسیر اعظم را داشته باشد، همه‌چیز دارد و اگر نداشته باشد، هیچ‌چیز ندارد.<sup>۱</sup>

حال سخن در این است که اهل اکتار در دعا برای حضرت بودن، بهترین نشانه و ثمره‌ی درخت معرفت ایشان است. این میوه‌ای است که بر آن درخت می‌روید و اگر آن شجره‌ی طیّبه به بار بنشیند، یکی از محصولات گرانبها و شیرینش، همین حال دعا و اکتار در آن برای تعجیل فرج می‌باشد. پس وجود این حال، علامت به ثمر رسیدن این شجره‌ی طیّبه است که:

۱. اثبات مستدلّ این مدعا در کتاب «معرفت امام عصر علیه السلام» آمده است.

أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرَعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا.<sup>۱</sup>

### حصول تقوی: فرج دیگری برای دعا کننده

۵- جنبه‌ی دیگری که آن هم فرج بزرگی برای دعا کننده در حق امام عصر علیه السلام به شمار می‌آید، این است که اگر کسی با معنایی که گفتیم اهل دعا بر تعجیل فرج امام زمان علیه السلام گردد، خواهی نخواهی از گناهان و ناپاکی‌ها فاصله می‌گیرد و بدی‌هایش را به تدریج کنار خواهد گذاشت. نمی‌توان فرض کرد که کسی از سوز دل و به انگیزه‌ی محبت و علاقه به امامش برای تعجیل فرج ایشان به‌طور دائم و مستمر دعا کند، اما در عین حال اهل فسق و فجور هم باشد. کسی که به‌خاطر دوری از امامش می‌سوزد و به درگاه الهی می‌نالد، این راهم می‌داند که یکی از موانع جدی استجاب دعا، گناهان اوست. بنابراین چون می‌داند که:

إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ.<sup>۲</sup>

و به خاطر محبتی که به امامش دارد، برای تعجیل فرجش دعا می‌کند؛ به خود می‌گوید: اگر بخواهد دعایم مستجاب شود، باید اهل تقوی بشوم. لذا می‌کوشد و به جهاد با نفس خویش می‌پردازد تا معاصی و مفسدات را از خود دور کند و اهل مکارم اخلاق گردد تا از این طریق، تحقق خواسته‌اش نزدیک‌تر شود. در واقع چون رسیدن به مطلوب و محبوبش از هر امر دیگری برایش مهم‌تر است، ایجاد هر مقدمه و زمینه‌ای که بستر تحقق مرادش باشد؛ برایش سهل و گوارا می‌گردد. از این رو اکثر در دعا برای تعجیل فرج می‌تواند از یک فرد خطا کار و اهل گناه، یک مؤمن متقی و عقیف بسازد. پس اگر هم قبل از اینکه اهل دعا شود، کاستی‌هایی در این خصوص داشته باشد؛ به همین وسیله همه‌ی آنها رفع شده و به فضایل و کمالات اخلاقی و عملی لازم نائل خواهد شد و این خود فرج بسیار مهمی برای اهل دعا بر تعجیل فرج و اکثر در آن می‌باشد.

۱. ابراهیم / ۲۵.

۲. مائده / ۲۷.

## فصل چهارم ۴

# چگونگی دعا برای امام مهدی علیه السلام

پس از آگاهی از انگیزه‌های دعا برای امام عصر علیه السلام و توجه به ضرورت و آثار این عمل شریف، اکنون به بیان آدابی درباره‌ی دعا در حق امام زمان علیه السلام می‌پردازیم که رعایت آنها شرایط بهتری برای اجابت آن فراهم می‌سازد. بیشتر این آداب در فصل‌های گذشته‌ی کتاب به مناسبت موضوع آن فصل به صورت کلی مطرح شده است. در این جا تأکید بیشتر بر رعایت آنها در خصوص دعا برای امام عصر علیه السلام می‌باشد و توضیحات خاص این موضوع مطرح می‌شود. ما اهم این آداب را ذیل ۱۰ عنوان ذکر می‌کنیم.

### ۱ - یأس کامل از خلق

اولین شرطی که به عنوان یک ادب قلبی در دعا به پیشگاه الهی مطرح شد، ناامیدی از خلق خداست.<sup>۱</sup> مطابق حدیث قدسی، خدای متعال از حضرت عیسی علیه السلام خواسته بود که وقتی دعا می‌کند، حال غریق را که هیچ فریادری ندارد، داشته باشد.<sup>۲</sup> به هیچکس جز خدای متعال امید نبندد، در این صورت است که هر چه از خدا بخواهد

۱. رجوع شود به بخش اول، فصل چهارم، ادب اول.

۲. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۱۴، ح ۱۱.



اما در کارهای خدایی با وجود مقدمه چینی‌های بشری نتیجه‌های که به دست می‌آید بسیار برتر از انتظاری است که آن مقدمات ایجاد می‌کنند به عنوان مثال کسی که برای قبولی در کنکور دانشگاه زحمت زیادی می‌کشد و پایه‌های علمی و فنی را هم دارد طبیعتاً هم خودش و هم دیگران انتظار دارند که رتبه‌هایش در کنکور رتبه‌های بالایی باشد برعکس کسی که سطح علمی خوبی در طول تحصیل در استان و پیش دانشگاهی نداشته و تلاش زیادی هم در جهت آماده کردن خود برای شرکت در کنکور نکرده است، به روال عادی و طبیعی انتظار کسب رتبه‌های بالایی در کنکور ندارد. این دو مورد ممکن است برای قبولی و به دست آوردن رتبه‌های خوب در کنکور دعا کنند اما معمولاً حال متفاوتی در دعای خود دارند. اولی به دلیل شرایط خوبی که دارد معمولاً حالت ناامیدی و یأس کامل از غیر خدا را ندارد. دومی چون اتکالی چندانی به خودش ندارد علی‌القاعده امید بیشتری به دستگیری خداوند دارد. حالت انقطاع (بریدن) از خالق به سوی خداوند در وقتی که انسان دست خود را نه‌آورد و بپایندگی بیشتر و بیشتر برایش حاصل می‌شود. از همین جهت است که دومی چون حساس‌تر برای خود و تلاش‌هایش باز نمی‌کند. کسب رتبه‌های خوب در کنکور را یک کار خدایی می‌بیند و با حال انقطاع بیشتری دعای کند. در حالی که فرد اول چون خود را آنچنان نیازمند دعا احساس نمی‌کند. حال انقطاعش معمولاً کمتر است. البته سفارش آنکه این است که انسان نباید فریب فراهم بودن شرایط به حساب ظاهری را بخورد و این باعث

۱. همان، ج ۱۹.

۲. تعریف کار بشری و کار خدایی در کتاب «راز پنهانی و رمز پنهانی» بخش سوم فصل سوم آمده است.

شود که بر وجود اسباب و وسائط تکیه و اتکا ننماید. هر چه معرفت انسان به قدرت الهی بیشتر و عمیق تر باشد، حساب کمتری روی وجود شرایط و اسباب ظاهری باز می کند و در این صورت است که آن فرد اول هم می تواند - با داشتن معرفت صحیح - با حال انقطاع کامل به پیشگاه خداوند دعا کند.

با توجه به این مثال روشن می شود که هر چه کار خدایی تر باشد، حال یأس از خلق و انقطاع کامل به سوی خداوند بهتر و راحت تر حاصل می شود و شرایط اجابت دعا زودتر فراهم می گردد. با این ترتیب می توانیم بگوییم که چون طبق آیات و روایات، ظهور امام عصر علیه السلام و تحقق وعده های الهی در آن زمان یک کار خدایی و غیر بشری خواهد بود، دعا برای تعجیل فرج همراه با یأس کامل از خلق و انقطاع به سوی خداوند می باشد.

اگر انسان به الهی بودن امر ظهور حضرت توجه و باور عمیق پیدا کند، خود به خود برای آنچه به عنوان ادای تکلیف در زمان غیبت انجام می دهد - با وجود اهمیت و لزوم آن - حسابی باز نمی کند و بر آن اتکایی نخواهد داشت. در این صورت وقتی تحقق فرج مولایش را از خداوند می طلبد، حال غریقی را دارد که هیچ فریادری برای خود نمی شناسد و امیدی به هیچ چیز و هیچکس جز خداوند متعال نمی بندد. این گونه دعا کردن برای تعجیل فرج حال خاصی در فرد ایجاد می کند که همین حال شرایط بهتری برای اجابت دعا فراهم می آورد. اکنون سؤال این است که آیا دعاهای ما برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام این گونه است؟ چند درصد شیعیان، اهل دعا برای جلو افتادن ظهور امام علیه السلام هستند و از میان آنها چند درصدشان در دعاهای خود، چنین حالی دارند؟ آیا تا کنون اتفاق افتاده است که یک دعای ما - بله فقط یک دعا - برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام همچون دعای بیچاره و درمانده ای باشد که برای شفای بیمار سرطانی اش - وقتی از همه ی اسباب و راه های عادی شفا گرفتن قطع امید کرده است - خدا را می خواند؟

متأسفانه دوستداران امام زمان علیه السلام یا چنانچه باید، اهل دعا برای تعجیل فرج

نیستند و یا اگر هستند نوعاً با حال انقطاع کامل به سوی خداوند دعا نمی‌کنند. شاید یکی از عوامل مستجاب نشدن دعاهایشان، همین عدم انقطاع باشد. به هر حال خوب است در کیفیت دعاهایمان برای حضرت تجدید نظر جدی کنیم و با عمق بخشیدن به باور خود، به استقبال حال یأس از خلق برویم و این ادب قلبی دعا کردن را بهتر در خود ایجاد نماییم تا امیدمان به اجابت دعاهایمان بیشتر گردد.

## ۲ - اقبال قلبی در دعا

دومین عملی که رعایت آن در بهتر شدن دعا برای امام عصر علیه السلام بسیار مؤثر می‌باشد، اقبال قلبی در دعاست. این امر به عنوان اولین شرط اجابت دعا مورد بحث قرار گرفت.<sup>۱</sup> مقصود از اقبال قلبی این است که وقتی انسان چیزی را به زبان از خداوند طلب می‌کند، با روح و قلب خود نیز همان را بخواهد. اگر در همه حال قلبش متوجه مطلوبش نیست، لااقل در هنگام دعا کردن خواسته‌ی دلش را به زبان بیاورد. مبادا فقط به زبان چیزی را بگوید اما قلبش رو به سوی آن نداشته باشد.

در دعا برای امام عصر علیه السلام، به خصوص در تعجیل فرج آن حضرت باید به رعایت این شرط توجه کافی نماییم. آیا وقتی خداوند را می‌خوانیم تا فرج مولایمان را به جلو اندازد، روح و قلب ما هم این خواندن را همراهی می‌کند یا فقط لقلقه‌ی زبانمان است؟ معمولاً اگر تحقق چیزی برایمان اهمیت داشته باشد و دل بستگی روحی به آن داشته باشیم، اقبال قلبی مان در هنگام خواستن آن بیشتر و عمیق‌تر است. همچنین اگر نفس دعا کردن برای ما یک عمل باارزش و اساسی تلقی شود و آن را ناچیز و کم‌ارزش ندانیم، در هنگام دعا اقبال قلبی بیشتری خواهیم داشت. کسی که قلباً حساب زیادی برای دعا باز نمی‌کند و آن را مهم و تعیین‌کننده‌ی اصلی نمی‌داند، به طور طبیعی در وقت دعا توجه و اقبال روحی کمتری خواهد داشت.

۱. بخش اول، فصل سوم، شرط اول دعا.

اولین عامل مؤثر در اقبال قلبی: مهم بودن تعجیل فرج امام عصر علیه السلام برای دعا کننده

حال بنگریم آیا تعجیل فرج امام زمان علیه السلام برای ما یک امر مهم و اساسی به حساب می آید یا خیر. اگر بخواهیم به این سؤال پاسخ درستی بدهیم، باید آن را با امور دیگری که در زندگی برایمان اهمیت دارد، مقایسه کنیم. هر کس ببیند با توجه به شرایط خاص خود، چه چیزهایی برایش در درجه اول اهمیت قرار دارد. مثلاً برای عموم انسان‌ها شغلشان اهمیت خاصی دارد، چون محل درآمد و وسیله‌ی امر معاششان می‌باشد. بنابراین اموری که به اصل شغلشان یا حیثیت شغلی‌شان مربوط می‌شود، برای آنان مهم تلقی می‌شود. نشانه‌ی این اهمیت دادن آن است که اگر کاری باعث ضربه زدن به اصل شغل آنها شود یا ایشان را از لحاظ شغلی نزد همکاران خود بی اعتبار کند، به شدت نسبت به آن عکس العمل نشان می‌دهند. با این حساب طبیعی است که اگر مشکلی برای شغلشان پیدا شود، مثلاً به نحوی شغل آنها به مخاطره افتد یا حیثیت شغلی‌شان لگه دار شود، با اقبال قلبی کامل دست به دعا بلند کرده و با همه‌ی روح و جانشان از خدا رفع مشکلشان را می‌طلبند. تقریباً محال است که کسی گرفتاری جدی شغلی - آن شغلی که اصل درآمدش به آن وابسته است - پیدا کند و وقتی برای رفع آن دعا می‌کند، حواسش به دعایش نباشد و قلبش زبانش را همراهی نکند. چنین کسی در وقتی که دعا نمی‌کند هم قلبش مشغول گرفتاریش است چه برسد به زمان دعا کردن که به طریق اولی دلش متوجه چیز دیگری نیست.

اکنون بیاییم مقایسه کنیم و ببینیم آیا ما دوستاناران امام زمان علیه السلام گرفتاری غیبت ایشان را به اندازه‌ی گرفتاری شغلی‌مان مهم می‌دانیم؟ آیا از عدم حضور علنی آن حضرت نصف اندازه‌ای که کسب و کارمان به مخاطره افتد، پریشان شده‌ایم؟ آیا به سامان نبودن اوضاع و احوال ما در غیبت مولایمان به اندازه‌ی به هم خوردن وضعیت شغلی‌مان، ما را ناراحت و گرفتار کرده است؟ پاسخ ما به این پرسش‌ها تعیین کننده‌ی طبیعی میزان اقبال قلبی ما در دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام است. اگر غیبت طولانی امام عصر علیه السلام نصف یا حتی ثلث اندازه‌ای که گرفتاری شغلی‌مان ناراحتان می‌کند، پریشانمان کرده باشد، طبیعتاً در دعا برای رفع غیبت آن حضرت تا حدی توجه

و اقبال قلبی خواهیم داشت و اگر چنین نباشد، باید فکر دیگری به حال خود بکنیم. فکر دیگر می‌تواند این باشد که از جنبه‌ی معرفتی ارتباط روحی خود را با امام زمان علیه السلام اصلاح کنیم تا آنچه برایمان مهم نیست، اهمیت یابد یا آنچه کمتر مهم است، اهمیت بیشتری پیدا کند. اگر غیبت امام عصر علیه السلام برای ما نصف اندازه‌ی گرفتاری شغلی مان اهمیت ندارد، نشانگر عدم معرفت صحیح ما به آن حضرت و جایگاه رفیع امامت در اعتقاد شیعی ماست. باید به اصلاح و تصحیح اعتقاد خود به امامت و امام علیه السلام پردازیم. اگر در برداشتن این قدم موفق شویم، به طور طبیعی هم اهل دعا برای امام زمان علیه السلام و تعجیل فرج ایشان خواهیم شد و هم اقبال قلبی ما در دعا محقق می‌گردد. کسی که از داشتن چنین معرفت و حال روحی محروم است، در هنگام دعا اقبال قلبی کامل نخواهد داشت و تنها کاری که از دستش بر می‌آید این است که با تلقین فکری و روحی در وقت دعا کردن تا حدی حال اقبال قلبی را در خود ایجاد نماید، یعنی با تمرکز دادن حواس خود و ایجاد شرایط مطلوب‌تر از جهت حال و هوای معنوی سعی کند لااقل در هنگام دعا کردن، دل و جان خود را با زبان خود همراه و هماهنگ کند. دعا با چنین حال و هوایی علاوه بر اینکه به اجابت نزدیک‌تر است، در روح و روان دعاکننده نیز اثر می‌گذارد و اتصال قلبی او را با مطلوب خود عمیق‌تر و محکم‌تر می‌سازد. تکرار این کار، این اتصال را قوی‌تر می‌سازد و اگر این‌گونه دعا کردن به طور منظم در برنامه‌ی زندگی فرد قرار بگیرد، کم‌کم انس قلبی او با امام زمان علیه السلام بیشتر می‌شود و حال دعا برای تعجیل فرج آن حضرت در او دوام بیشتری پیدا می‌کند و آنچه برایش اهمیت چندانی نداشت، به تدریج مهم‌تر و اساسی‌تر خواهد شد.

### دومین عامل مؤثر در اقبال قلبی: اعتقاد عمیق به تأثیر دعا در تعجیل فرج امام زمان علیه السلام

دومین عاملی که در تقویت اقبال قلبی دعاکننده برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام مؤثر است، اعتقاد و باور عمیق او به تأثیر خاص دعا است. هر عاملی که انسان را در رسیدن به مقصود و مطلوبش کمک کند، دل و جان او را به سوی خود متوجه می‌سازد. هر قدر تأثیر این عامل را در رساندن او به هدفش بیشتر بدانند، در ایجاد آن اهتمام و

اقبال قلبی بیشتری هم خواهد داشت. به عنوان مثال کسی که بیماری دارد و به دنبال معالجه و درمان اوست، عوامل مختلفی که مؤثر در درمان هست را می‌جوید و در میان آنها هر یک را که مؤثرتر بداند، با اهتمام و توجه بیشتری سراغ می‌گیرد. هر قدر اعتقادش به پزشک معالج و تشخیص و درمان‌گری او عمیق‌تر باشد، فکر و حواسش بیشتر متوجه او می‌شود و با اقبال قلبی کامل‌تری به نسخه‌ی پزشک دل می‌دهد و به آن عمل می‌کند. حال اگر همین اعتقادی که به تأثیر درمان پزشک دارد، به دعا برای شفای بیمارش داشته باشد؛ همان قدر اقبال قلبی را در دعاهایش برای بهبودی آن بیمار خواهد داشت. اگر اعتقاد به تأثیر دعا در شفای بیمار ضعیف شود، اقبال قلبی او در هنگام دعا کمتر و اگر این باور قوی گردد، آن اقبال قلبی هم بیشتر خواهد شد. یعنی میزان اقبال قلبی دعاکننده در دعایش بستگی به میزان باور او به تأثیر دعا در رسیدن به مقصودش دارد.

همین امر درباره‌ی دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام نیز ساری و جاری است. کسی که باور چندانی به تأثیر دعا در جلو انداختن ظهور آن حضرت ندارد، به طور طبیعی اقبال قلبی چندانی در دعاهایش برای تعجیل فرج ندارد. هر چه این باور عمیق‌تر شود، اقبال قلبی دعاکننده هم بیشتر می‌شود. بنابراین اگر کسی - مطابق فرمایش امام صادق علیه السلام درباره تأثیر ضجه و گریه در تعجیل فرج - برای دعا نقش تعیین کننده و اصلی در جلو افتادن زمان ظهور امام عصر علیه السلام قائل باشد، خواه ناخواه در هنگام دعا برای تعجیل فرج روح و روانش متوجه آن است و هرگز با قلب بی‌توجه و غافل (به تعبیر روایات ساه<sup>۱</sup> یا لاه<sup>۲</sup>) زبان به دعا کردن نمی‌گشاید.

نتیجه‌ی کلی بحث اینکه برای ایجاد و تقویت طبیعی اقبال قلبی در دعا برای تعجیل فرج باید دو عامل را تقویت کرد: اول اینکه وابستگی و دلبستگی روحی و معرفتی خود را به امام عصر علیه السلام و جلو افتادن فرج ایشان بیشتر کنیم و دوم اینکه اعتقاد و باور

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الاقبال علی الدعاء، ح ۱.

۲. همان، ح ۲.

خویش را به تأثیر جدی و عمیق دعا در تعجیل فرج آن حضرت تحکیم نماییم. البته عوامل دیگری هم می‌تواند در تقویت این اقبال قلبی مؤثر باشد ولی به نظر می‌رسد که این دو عامل نقش اساسی‌تری در بین بقیه‌ی عوامل دارند.

### ۳ - رقت قلب

عامل مهم دیگری که در اجابت دعا بسیار مؤثر است، رقت قلب دعاکننده در هنگام دعاست. در بخش اول کتاب با میزان تأثیر این امر در اجابت دعا تا حدی آشنا شدیم<sup>۱</sup> و دانستیم که طبق فرمایش پیامبر گرامی اسلام ﷺ برای اینکه زودتر خواسته‌ی ما مستجاب شود، باید در هنگام رقت قلب به پیشگاه الهی دعا کنیم و به تعبیر ایشان دعا را در آن وقت مغتنم بشماریم.<sup>۲</sup> خود ائمه علیهم‌السلام به این حقیقت تذکر داده‌اند که قلب انسان همیشه در یک حال نیست، گاهی حال رقت دارد و گاهی قساوت، گاهی نرم است و گاهی سخت. البته افراد از این جهت یکسان نیستند؛ برخی رقت قلبشان بیشتر است و برخی قلب سخت‌تری دارند. دسته‌ی اول هم به لحاظ زمانی، رقت قلبشان طولانی‌تر است و هم از جهت عمق و شدت این رقت، بالاتر از دسته‌ی دوم قرار می‌گیرند. اما حتی کسانی که عموماً و در بیشتر اوقات رقت قلب ندارند، بالاخره حالاتی برایشان پیش می‌آید که به اصطلاح دلشان می‌شکند و از آن سختی و صعوبت قلبی خارج می‌شود. پس اینها هم رقت قلب را تجربه می‌کنند و بنابراین هر کس در زمان‌هایی دارای رقت قلب می‌باشد که اگر قدر آن را بداند می‌تواند در همان حال برای تعجیل فرج مولای غریبش دعا کند.

### مواقع پیدایش رقت قلب در انسان

ما می‌توانیم انسان‌ها را از جهت رقت قلب برای امام زمان علیه‌السلام و دعا برای تعجیل فرج ایشان به درجات مختلفی رده‌بندی می‌کنیم. برخی چنان اتصال روحی و قلبی قوی

۱. بخش اول، فصل سوم، شرط دوم دعا.

۲. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۱۳، ح ۱۷.

با امامشان دارند که صرف یاد کردن از گرفتاری غیبت آن حضرت، دلشان را به درد می آورد و آن را نرم و رقیق می سازد. اینها مشکل چندانی برای اینکه با حال رقت قلب برای تعجیل فرج مولایشان دعا کنند، ندارند. اما تعداد این گونه افراد نسبت به سایرین کم و ناچیز است. بیشتر مردم به صرف توجه کردن به ناراحتی های مولایشان در زمان غیبت، حال رقت قلب پیدا نمی کنند. اما همین گروه در زندگی عادی خود تعلقات خاطری دارند که به خاطر آنها قلبشان رقت خاصی پیدا می کند. به عنوان مثال نوع مردم در مصیبت های شخصی خود دلشکسته و منقلب می شوند. وقتی کسی عزیز خود را - پدر، مادر، فرزند یا ... - از دست می دهد، یاد و خاطره ای او حالت رقت قلب را برایش ایجاد می نماید. همچنین گاهی دردها و رنج هایی که در زندگی برای انسان پیش می آید، دلش را به درد می آورد و حتی ممکن است اشکش را در آورد. مسائل مادی و معیشتی هم می تواند در برخی افراد چنین اثری بگذارد. اینها چیزهایی است که برای انسان های عادی - هرچند که به لحاظ ایمان و معرفت چندان مرتبه ای بالایی نداشته باشند - پیش می آید.

علاوه بر اینها، اهل ایمان به خاطر تعلق خاطری که به اهل بیت علیهم السلام به خصوص حضرت سیدالشهداء علیه السلام دارند، در مناسبت های خاصی که در طول سال وجود دارد - به ویژه ایام محرم و دهه ی عاشورا یا شب های احیا در ماه مبارک رمضان - در مصائب خاندان عصمت و طهارت رقت قلب خاصی پیدا می کنند.

از بزرگ ترین نعمت های خداوند بر ما شیعیان این است که هرچند در طول سال از یاد اهل بیت علیهم السلام غافل باشیم، اما در ایام مصیبت یا اعیادی مانند عید غدیر و نیمه ی شعبان معمولاً در مجالس عزاداری یا جشن شرکت می کنیم و به این وسیله ارتباط روحی خاصی - هرچند گذرا و سطحی - با موالی خود پیدا می کنیم. نوعاً در مراسم عزاداری به خصوص در مصیبت امام حسین علیه السلام و سایر شهدای کربلا بر احوال خاندان وحی رقت قلب پیدا می کنیم و بسیاری مواقع با گریه کردن دل های گناهکار خود را جلا و صفا می دهیم. به لطف خدای منان و عنایت امام عصر علیه السلام کسانی هم که اهل برخی گناهان هستند، ارتباط روحی خود را با اهل بیت علیهم السلام به طور کامل قطع نمی کنند



و حداقل در روزهای تاسوعا و عاشورا و شب‌های احیا و امثال آن در مجالس عزای یا جشن شرکت می‌کنند. این خود باعث می‌شود که پیوند با ائمه علیهم‌السلام - که با انجام گناهان سست شده است - برای فرد فاسق بار دیگر برقرار شود.

### استفاده از حال رقت قلب در دعا برای تعجیل فرج

با این ترتیب ملاحظه می‌کنیم که حال رقت قلب در عموم مردم در مسائل روزمره‌ی زندگی‌شان وجود دارد و در اهل ایمان هم این حال نسبت به خود ائمه علیهم‌السلام به صورت پراکنده و در مناسبت‌های خاص به چشم می‌خورد. حال می‌توانیم بفهمیم که از وجود این حال چگونه در امر دعا برای تعجیل فرج، حُسن استفاده را ببریم. اگر کسی دعا در حق امام زمان علیه‌السلام و به خصوص برای تعجیل فرج ایشان را یک کار مهم و اساسی بداند، می‌تواند از رقت قلبی که در امور دیگر خود دارد، در دعاهایش بهره‌مند شود.

مثلاً کسی که پدرش فوت شده یا مصیبتی قلبش را به درد آورده، اگر غافل نباشد می‌تواند در همان حالی که به خاطر مسائل شخصی‌اش رقت قلب پیدا کرده، از آن حال و هوا در دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه‌السلام استفاده‌ی کافی را ببرد. در واقع دل شکستگی‌اش را خرج امامش کند و ایشان را در دعا بر خود مقدم بدارد. همچنین کسانی که در عزای اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه مصائب سرور شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین علیه‌السلام و یاران و خانواده‌ی آن بزرگوار رقت قلبی پیدا می‌کنند؛ اگر قدر حال خود را بدانند، از آن برای دعا بر تعجیل فرج امام غریب و مظلوم‌شان بهره می‌برند. یعنی در همان وقتی که دل‌هایشان در غم اهل بیت علیهم‌السلام شکسته و احیاناً اشک‌هایشان هم جاری شده، برای فرج مولایشان دعا می‌کنند و این بیشترین فایده‌ای است که از رقت قلبشان نصیب ایشان می‌گردد.

چه خوب است که شیعیان از این نکته غافل نباشند و از حال و هوای معنوی خود در مسیر جلو انداختن ظهور امام عصر علیه‌السلام استفاده کنند. برای تأمین این هدف باید در مجالس عزای اهل بیت علیهم‌السلام به این حقیقت توجه داده شود که حیفاً است گریه‌ها و دل

شکستگی‌های افراد مقدمه‌ی دعا برای تعجیل فرج امام عصر عج قرار نگیرد. بنابراین اگر عموم افراد از این امر غافل هستند، باید کسانی که توجه دارند تذکر لازم را در این خصوص بدهند تا عزاداران در همان لحظاتی که رقت قلب دارند، برای تعجیل فرج امام زمان عج دعا کنند. اگر مجالسی که برای عزاداری در مصیبت اهل بیت علیهم‌السلام به خصوص سیدالشهداء علیه‌السلام برگزار می‌شود، به دعا بر تعجیل فرج امام عصر عج منتهی گردد، قطعاً بیشترین بهره‌ی معنوی از آن مجالس نصیب عزاداران و سایرین خواهد شد.

یکی از مهم‌ترین برکات این عمل شریف، جلب دعا‌های امام زمان عج در حق دعا کنندگان می‌باشد. در کتاب شریف «مکیال المکارم» یکی از آثار دعا در حق امام زمان عج دعای آن حضرت در حق دعا کننده شمرده شده و ادله‌ای برای اثبات این مطلب مطرح گردیده است. سپس مؤلف بزرگوار رؤیای صادقانه‌ی یکی از برادران صالح خود را به عنوان مؤید نقل فرموده که از وجود مقدس امام عصر عج در خواب شنیده است که فرموده‌اند:

إِنِّي أَدْعُو لِكُلِّ مُؤْمِنٍ يَدْعُو لِي بَعْدَ ذِكْرِ مَصَائِبِ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ فِي  
مَجَالِسِ الْعَزَاءِ.<sup>۱</sup>

البته من دعا می‌کنم برای هر مؤمنی که پس از ذکر مصائب سیدالشهداء علیهم‌السلام در مجالس عزاداری برای من دعا نماید.

از این رو دعای مؤمنان در مجالس روضه‌ی سیدالشهداء علیهم‌السلام می‌تواند منشأ خیر و برکت فراوانی برای خود دعا کنندگان باشد.

نکته‌ی دیگری که به خاطر اهمیت رقت قلب در هنگام دعا می‌توان گفت این است که: گاهی انسان از متن دعایی که می‌خواند دلش می‌شکند و با سوز دل دعا می‌کند که اگر چنین حالی پیدا شود، بسیار خوب است. اما در بسیاری مواقع برای بسیاری از افراد چنین حالی حاصل نمی‌گردد. در این صورت یکی از بهترین اسباب برای ایجاد رقت

قلب یاد کردن از مصائب اهل بیت علیهم السلام است که هم خودش یک عبادت بزرگ می باشد و هم زمینه ساز اجابت دعای انسان می گردد. ما این مطلب را در بخش اول کتاب به مناسبت بحث درباره ی «بکاء» و «تباکی» که از آداب دعا به شمار می آیند، با ذکر ادله اش مطرح ساختیم.<sup>۱</sup> نتیجه اینکه از راه های مُجاز می توانیم رقت قلب لازم برای اجابت بهتر دعا را در خود و دیگر دعا کنندگان ایجاد نماییم و نباید خود را از این امکان بی نصیب کنیم.

#### ۴ - تحصیل تقوی و تهذیب نفس

مطابق تعالیم نورانی اهل بیت علیهم السلام یکی از شرایط لازم برای اجابت دعا، تقوای دعا کننده و پاک بودن نفس او از آلودگی گناهان است. مطابق حدیثی که در بخش اول کتاب از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کردیم، علت اجابت نشدن بسیاری از دعاها، خیانت قلبی دعا کننده از هشت جهت می باشد.<sup>۲</sup> یکی از این جهات نداشتن خوف واقعی از آتش غضب الهی است. خوف واقعی به فرموده ی امام سجاد علیه السلام به صرف گریستن از ترس عقوبت خدا، حاصل نمی شود؛ بلکه تنها شرطش داشتن وزع لازم برای بازداشتن انسان از گناهان است.<sup>۳</sup> نبودن این چنین خوفی در انسان خیانت قلب شمرده شده و مانع اجابت دعای انسان می گردد. همچنین است بد زبان بودن (بذاء) که مصداق دیگری از ناپاکی قلب انسان می باشد. این هم یکی از موانع اجابت دعا شمرده شده است.<sup>۴</sup> علاوه بر اینها اگر انسان عیوب دیگران را ببیند ولی از عیب های خودش غافل باشد، دیگران را به خاطر چیزهایی ملامت کند که خودش به ملامت به خاطر آنها سزاوارتر است، این خصوصیات هم می تواند مانع اجابت دعا گردد.<sup>۵</sup>

۱. بخش اول، فصل چهارم، ادب پانزدهم از آداب دعا.

۲. بخش اول، فصل سوم، شرط دوم دعا کننده.

۳. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۳۵، ح ۲۵، به نقل از عدّة الدّاعی.

۴. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۷۷، ح ۱۸، به نقل از فلاح السائل.

۵. همان، ص ۳۷۶، ح ۱۷، به نقل از دعائم الدین.

این تأکیدات نشان می‌دهد که ما باید در کنار اهمیت دادن به دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام رعایت تقوی و ورع را نیز مهم تلقی کنیم و اگر می‌خواهیم دعاهایمان در حق مولا یمان مستجاب گردد به صرف اینکه با رقت قلب و حال و هوای معنوی برای ایشان دعا کنیم، راضی نشویم. متأسفانه گاهی مشاهده می‌کنیم کسانی را که با وجود اصرار و تأکیدی که بر دعای برای حضرت - هم خودشان و هم برای دیگران - دارند، نشانه‌ای از تقوی و ورع در آنان نیست. برخی از روی نادانی چنین می‌پندارند که ارتباطی بین اجابت دعایشان با سلامت و پاکی قلبشان وجود ندارد و اصلاً ممکن نمی‌دانند که به خاطر ارتکاب برخی گناهان، دعاهایشان در حق مولا یمان بی‌فایده باشد. گاهی نه تنها دعا کننده اهل ورع و پرهیز از گناهان نیست بلکه حتی در هنگام دعا برای امام زمان علیه السلام و در ضمن آن هم مرتکب معصیت می‌شود! واقعاً شگفت‌آور است، آیا دعا برای تعجیل فرج همراه با موسیقی غنایی یا اختلاط نامحرمان با یکدیگر، مقبول و مستجاب است؟! چنین کسانی بدون آنکه بفهمند و بخواهند با این کارها در واقع خود را و دعا برای امام عصر علیه السلام را به مسخره و استهزاء گرفته‌اند، العیاذ بالله!

دعا به پیشگاه خداوند یک عبادت بسیار ارزشمند و گرانقدر است و باید مراقب بود که این عمل شریف با معصیتی آلوده نشود و خدای نا کرده به ابتذال کشیده نشود. اگر چنین مراقبتی صورت نگیرد، روح دعا از بین می‌رود و آنچه می‌ماند چیزی جز یک تابلوی ساختگی و مصنوعی از آن نیست.

### پرهیز از گناه به خاطر مستجاب شدن دعا در حق امام زمان علیه السلام

دعا کننده‌ی برای امام زمان علیه السلام باید بداند که پرهیز نکردن از گناهان - حتی یک گناهی که آن را کوچک می‌شمارد - می‌تواند او را از فیض دعاهایش محروم نماید. بنابراین اگر واقعاً امام خود را دوست دارد بکوشد به خاطر ایشان هم که شده، از گناهانش توبه کند و همان‌طور که خود ائمه علیهم السلام سفارش فرموده‌اند، پیش از عرض

حاجت خود به تک تک گناهانش اعتراف نماید و تصمیم قطعی بگیرد که دیگر به سوی آنها باز نگردد.<sup>۱</sup>

ما اگر کسی را دوست داشته باشیم که گرفتار بلاها و مصیبت‌هایی باشد، همچنین بدانیم که دعایمان در رفع گرفتاری‌های او مؤثر و مفید است، خودش هم از ما خواسته باشد که برایش دعا کنیم، با این همه دعا می‌کنیم ولی اثر نمی‌بینیم. سپس متوجه می‌شویم که مانع استجاب دعا چیزی است که خودمان ایجادش کرده‌ایم و با تصمیم و اختیار خودمان قابل رفع است. اگر واقعاً آن شخص را دوست داشته باشیم و بخواهیم رفع ناراحتی و گرفتاری از او بشود، آن مانع را رفع نمی‌کنیم؟ آیا اگر نسبت به این امر بی‌خیال باشیم و در صدد رفع مانع بر نیاییم، باز هم می‌توانیم ادعای دوست داشتن او را بکنیم؟ در این صورت اگر در این ادعا دروغ نگوییم، حداقل این است که درجه‌ی محبت ما به او بسیار ضعیف و ناچیز است. محال است کسی را زیاد دوست داشته باشیم و او را گرفتار ببینیم و بتوانیم با اقدام خود در جهت رفع گرفتاری‌اش کاری بکنیم، اما ساکت بنشینیم.

اگر فرد راستگویی به ما بگوید که می‌خواهم پولی یا شغلی به شما بدهم به شرط آنکه فلان عیب را در خود اصلاح کنی یا فلان کار زشت را دیگر انجام ندهی، آیا برای رسیدن به آن پول یا شغل پردرآمد، خواسته‌ی او را برآورده نمی‌کنیم؟ آیا قربة الی المال به تهذیب نفس خود نمی‌پردازیم؟! واقعاً عجیب است چگونه حاضریم برای بهتر شدن دنیای خود، اهل ورع و تقوی شویم؛ اما وقتی نوبت به خدا و امام زمان علیه السلام می‌رسد، همت چندانی نمی‌کنیم و اهمیّت زیادی به رفع موانع برای رسیدن به خواسته‌های معنوی خود نمی‌دهیم!

اکنون از خود پرسیم: تا کنون به خاطر اینکه دعایم در حق امام زمانم مستجاب شود، از چند گناه دوری کرده‌ام؟ آیا تا کنون اتفاق افتاده است که از ترس اجابت نشدن دعایم برای تعجیل فرج، از نگاه به نامحرم چشم پوشم؟ یا از شنیدن موسیقی حرام

۱. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۲۰، ح ۲۸، به نقل از فلاح السائل.

بگذرم؟ یا از خوردن مال حرام اجتناب کنم؟ و یا ...

شیطان قطعاً از دعا برای تعجیل فرج ناخرسند است و همه‌ی تلاش خود را به کار می‌بندد که کسی سراغ این عبادت ارزشمند نرود و تا جایی که می‌تواند، کاری می‌کند که اهل دعا برای تعجیل فرج کمتر شوند. اما اگر کسی از این دام شیطان بگریزد و دعا برای حضرت جزء برنامه‌ی زندگی‌اش قرار بگیرد، آنگاه از در دیگری وارد می‌شود تا دعاهایش را بی‌ثمر کند و آن این است که گناهانش را نزد او کوچک و ناچیز جلوه می‌دهد. وقتی انسان گنااهش را بزرگ نشمارد و از ارتکاب آن به حال خوف نیفتد، طبیعتاً از آنها احساس پشیمانی و سرافکنندگی شدید هم نمی‌کند و تصمیم به ترک آنها هم نمی‌گیرد. آن وقت چه بسا فکر کند که به سبب دعا برای امام عصره نزد خدا و ایشان محترم و عزیز است و حتی در دل به خاطر دعاهایش متنی هم سر آنها بگذارد، اما نمی‌داند که همین بی‌تفاوت بودن نسبت به گناهان ممکن است مانع استجابات دعایش گردد و مقبول درگاه الهی قرار نگیرد.

پس بیاییم به خاطر آنکه دعاهایمان در حق مولا ایمان به اجابت نزدیک شود، به همان اندازه که به دعا کردن اهمّیت می‌دهیم و به آن عمل می‌کنیم، به تهذیب نفس خویش از آلودگی گناهان نیز اهمّیت دهیم و در کنار اصرار و الحاح در دعا برای تعجیل فرج، بر توبه از گناهان خود نیز اصرار بورزیم و به انجام هیچ معصیتی راضی نشویم. عیب‌های خود را بزرگ و درشت ببینیم و دیگران را به خاطر اموری که خودمان به آنها مبتلا هستیم، سرزنش نکنیم و اعتراف به تک‌تک گناهان و اقرار به آنها را مقدّمه‌ی دعا برای تعجیل فرج مولا ایمان قرار دهیم تا امیدمان به تأثیر دعاهایمان بیشتر گردد.

ذکر خاطره‌ای که مرحوم صاحب مکّیال المکارم در کتاب شریف خود آورده، در همین خصوص شنیدنی است. ایشان از برادر ایمانی خود جناب آقا میرزا محمد باقر فقیه ایمانی رحمته نقل کرده‌اند که ایشان در خواب (یا بین خواب و بیداری) به محضر امام حسن مجتبی علیه السلام مشرف شده است، سپس فرمایش آن حضرت را چنین نقل به معنا می‌کند:

بالای منابر به مردم بگویید و ایشان را امر کنید تا (ابتدا) توبه کنند و (سپس) برای فرج حضرت حجت علیه السلام و تعجیل در ظهور ایشان دعا کنند. این دعا مانند نماز میت واجب کفایی نیست که با انجام دادن بعضی مردم از دیگران ساقط شود، بلکه همچون نمازهای یومیّه است که انجام آن بر فرد فرد مکلفین واجب است.<sup>۱</sup>

ملاحظه می شود که در فرمایش منقول از حضرت مجتبی علیه السلام ابتدا امر به توبه و سپس دستور به دعا برای تعجیل فرج ذکر شده است. بنابراین یکی از شرایط مؤثر در اجابت این دعای شریف، توبه از گناهان است. نکته ی دیگر در فرمایش امام علیه السلام واجب عینی دانستن دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام است که نشانگر اهمّیت خاصّ این عبادت بزرگ می باشد.

#### ۵ - بر عهده نداشتن حقّ الناس

طبق آموزه های ائمه ی اطهار علیهم السلام یکی از شرایط لازم برای اجابت دعا، این است که حقّی از مردم بر عهده ی دعا کننده نباشد. بودن حقّ الناس بر گردن انسان به دو گونه متصوّر است: یا امرار معاش انسان از راه حلال نباشد که در این صورت لقمه ای که می خورد حلال نیست و یا اینکه دین و بدهی نسبت به دیگری داشته باشد که در احادیث از آن به «مظلّمه» تعبیر شده است.<sup>۲</sup> در هر دو صورت حقّی از دیگران بر عهده ی فرد می باشد و همین مانع استجاب دعا می گردد.

کسی که برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام دعا می کند و این کار را نه صرفاً از سر عادت و بی انگیزه بلکه با عنایت خاص و به نیت عرض ارادت به ساحت مقدّس مولایش انجام می دهد، قطعاً نسبت به مسأله حقّ الناس بی تفاوت نمی باشد. او به امید اجابت برای امامش دعا می کند و وقتی بداند که بر عهده داشتن حقّ الناس مانع به نتیجه رسیدن دعاست، سعی می کند به هر شکلی که شده آن مانع را بر طرف نماید. به این ترتیب می توان گفت اهل دعا برای امام زمان علیه السلام بودن با سهل انگاری در حساب و

۱. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۴۳۸.

۲. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۲۱، ح ۳۱، به نقل از فلاح السائل.

کتاب مالی قابل جمع نیست. آگاهی از احکام شرعی خمس و اجرای دقیق آن لازمه‌ی دقت داشتن در کسب روزی حلال است. همچنین احتراز از راه‌های درآمدی که پاک و بی‌غل و غش نیستند، برای دوستدار امام عصر علیه السلام که به دعا برای ایشان اهمیت می‌دهد، جزء ضروریات می‌باشد.

متأسفانه درصد زیادی از شیعیان را می‌بینیم که دقت چندانی در چگونگی به‌دست آوردن مال ندارند. اگر بخواهیم مطلب روشن شود، باید مقایسه‌ای به عمل آوریم بین دقتی که نوع مردم نسبت به رعایت بهداشت در خورد و خوراکشان دارند و آنچه در مورد حلال و حرام آن انجام می‌دهند. ملاحظه می‌کنیم که افراد عاقل و فهمیده در مورد غذایی که خود و خانواده‌شان استفاده می‌کنند، کمال دقت را نسبت به رعایت امور بهداشتی آن دارند. به تاریخ مصرف آن توجه می‌کنند و از خرید موادی که به سلامت و بهداشتی بودن آن اطمینان ندارند، خودداری می‌نمایند. اگر احتمال دهند که برخی محصولات غذایی آلوده به میکروبی مثل وبا هستند، از خیر تهیه‌ی آن می‌گذرند و اصلاً سراغش نمی‌روند. این دقت‌ها برای مصون ماندن غذای انسان از آلودگی‌ها، بسیار بجا و لازم است.

اما چند درصد از همین مردمی که با چنین دقتی مسائل بهداشتی را زیر ذره‌بین می‌گیرند، نصف این دقت را در رعایت حلال و حرام غذاهایشان به خرج می‌دهند؟ آیا مراقب هستند که با پول حرام غذایی برای خود و خانواده نخرند؟ آیا از مواردی که احتمال راه پیدا کردن حرام در اموالشان هست، پرهیز می‌کنند؟ آیا اجتناب از مشتبهات را برای اطمینان از سالم ماندن از آلودگی مال حرام قبول دارند و به آن پایبند هستند؟

متأسفانه پاسخ این پرسش‌ها نوعاً منفی است و ما آن دقت نظری که در رعایت مسائل بهداشتی نسبت به غذا و غیره می‌بینیم، در مورد کسب روزی حلال مشاهده نمی‌کنیم. بسیاری از معاملاتی که بین مردم صورت می‌گیرد، به خاطر ناآگاهی از مسائل شرعی، آلوده به ربا دادن و ربا گرفتن است، اما چون به این امر اهمیت چندانی داده نمی‌شود، کمتر کسی در صدد یاد گرفتن احکام دقیق ربا در معاملات بر می‌آید. این



در حالی است که اگر احتمال ابتلا به وبا در موردی داده شود، همه‌ی کسانی که در معرض این ابتلا هستند به سراغ آموزش دیدن در مورد وبا و عوارض آن می‌روند. همچنین دغدغه‌ای که نسبت به رعایت حقّ النَّاس در بسیاری از دوستان ائمّه علیهم‌السلام وجود دارد، بسیار کمتر از آن حدّی است که باید باشد. کسی که تعجیل در فرج مولایش را از خدا طلب می‌کند، می‌داند که ظهور آن حضرت برای پیاده شدن احکام دقیق اسلام و دین خداست و لزوم رعایت حقّ مردم در دین اسلام جایگاه ویژه و مهمّی دارد. پس طالب ظهور امام علیه‌السلام نمی‌تواند زیر بار مظالم بندگان خدا بماند و از هر طریق ممکن می‌کوشد تا آنها را از دوش خود بردارد. این است که نه تنها از پرداخت حقّ و حقوقی که به گردنش می‌باشد، فرار نمی‌کند بلکه به سوی آن می‌رود تا خود را از گرفتاری خلاص نماید. بنابراین اگر به عنوان مثال اشتباهاً پولی به حسابش ریخته شده یا ساعت اضافه کاری برایش در نظر گرفته‌اند، با اینکه اگر اعلام نکند کسی متوجه نمی‌شود، اما نمی‌تواند خود را به خوردن این جور اموال راضی کند. لذاست که بر خلاف انتظار دیگران از گرفتن آن خودداری کرده و اشتباه انجام شده را اصلاح می‌کند. با کمال تأسف مشاهده می‌شود که اگر کسی چنین رفتاری داشته باشد، بسیاری از همکارانش با اظهار تعجب از رفتار او ملامتش می‌کنند و عمل شایسته‌ی او را بر نمی‌تابند. آیا این برخورد صحیح است؟ آیا کسی که عمل به وظیفه‌ی شرعی‌اش می‌کند، کار صحیحی انجام نداده و دیگران نباید به او تأسی کنند؟ چرا در بسیاری از محیط‌های کاری حتّی فرهنگی، به دست آوردن نفع مادی بر حفظ ارزش‌های معنوی عملاً ترجیح دارد؟ و چرانیّت و انگیزه‌ی الهی و عمل به وظیفه‌ی شرعی تعیین‌کننده‌ی اصلی در کارهای شغلی اهل ایمان نیست؟! اگر همه‌ی مؤمنان چنین نیستند، کسانی که دعا در حقّ امام عصر علیه‌السلام را وظیفه و عبادت خود می‌شمارند، قطعاً باید این‌گونه باشند. نتیجه‌ی مجموع بحث این است که نمی‌توان اهل دعا برای امام زمان علیه‌السلام بود و در عین حال نسبت به نحوه‌ی امرار معاش و رعایت حقّ النَّاس بی‌تفاوت و اهل مسامحه بود. اگر امامان و تعجیل در فرج ایشان محبوبمان هست، بیاییم با دقت هر چه بیشتر به رعایت حقوق دیگران در زندگی اهمّیت دهیم.

## ۶ - معرفت به امام عصر علیه السلام و شکر نعمت وجودی ایشان

یکی از آدابی که در دعا کردن وارد شده، شکر نعمت‌های الهی است. ما اهمّیت این مطلب را با استناد به احادیث ائمه علیهم السلام در بخش اول بیان کردیم.<sup>۱</sup> همچنین دانستیم که یکی از موانع اجابت دعا ناشکری کردن نسبت به نعمت‌های الهی است.<sup>۲</sup>

حال بنگریم آیا در این امر کوتاهی نمی‌کنیم. می‌دانیم که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین نعمت الهی وجود مقدّس امام عصر علیه السلام است. آیا چنانچه شایسته‌ی این نعمت عظمی است، معرفت به ایشان داریم؟ ما شیعیان چه اندازه از صفات و کمالات خدادادی ایشان آگاهییم و به آن معتقدیم؟ آیا در مراکز علمی و فرهنگی دینی، حقّ معرفت ایشان در تعلیم و تعلّم ادا می‌شود؟

در بحث نحوه‌ی شکرگزاری در برابر نعمت‌های الهی، سه رتبه از شکر مطرح می‌شود: قلبی، زبانی و عملی. همه‌ی این مراتب نسبت به وجود نازنین حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه باید تحقّق یابد. اما حقیقتاً چند درصد از شیعیان آن حضرت چگونگی همین مراتب شکرگزاری را می‌دانند؟ متأسّفانه بسیاری از ما در این زمینه محتاج تذکر و تنبّه هستیم. وقتی هم متذکّر می‌شویم، در عمل چنان اهتمام و جدّیتی که شایسته‌ی حقّ امام علیه السلام باشد، از خود نشان نمی‌دهیم. این در حالی است که نسبت به شکر نعمت سلامت و امنیّت شخصی خود بیش از این مقدار همّت می‌کنیم. شاهدش این است که اگر سلامت یا امنیّت شخصی ما در زندگی به خطر افتد، بسیار نگران می‌شویم و اگر بدانیم که شکر این دو نعمت بزرگ الهی به حفظ و بقای آنها می‌انجامد، سعی می‌کنیم که راه‌های شکرگزاری نسبت به آنها را بیاموزیم و در عمل به آن اهتمام ورزیم. اما آیا آن اندازه که به شکر نعمت سلامت خود اهمّیت می‌دهیم، به نحوه‌ی سپاسگزاری از نعمت وجود اماممان می‌اندیشیم؟

آیا تا کنون این حقیقت را وجدان کرده‌ایم که امام شناس بودن ما نعمتی بالاتر از

۱. بخش اول، فصل چهارم، ادب هفتم.

۲. بخش اول، فصل سوم، شرط دوم دعا کننده.

سلامت بدن ماست؟ آیا - در مقام فرض - حاضریم بیمار بشویم یا به گرفتاری‌های مادی مبتلا بشویم، اما معرفت و ارادتمان را به امام زمانمان از دست ندهیم؟ واقعاً چند درصد از دعاکنندگان برای امام زمان علیه السلام چنین معرفتی به ایشان دارند؟ نشانه‌ی برتر دانستن یک نعمت از نعمت دیگر این است که در هنگام تضاد بین آنها، اولی را بر دومی ترجیح دهیم. با همین معیار می‌توانیم تشخیص دهیم که نعمت شناخت امام عصر علیه السلام نزد ما بر نعمت‌های دیگر ترجیح دارد یا خیر. در مقام سنجش این امر، با کمال شرمندگی خواهیم دید که برخی از دوستداران حضرت - همان‌ها که در جشن‌های میلاد ایشان شادی می‌کنند و شیرینی پخش می‌کنند - در عمل نعمت‌های مادی و شخصی خود را در زندگی بر نعمت معرفت به امامشان ترجیح می‌دهند. علت این خطا چیزی نیست جز عدم شناخت صحیح و کافی از بزرگ‌ترین نعمت خداوند که وجود مقدس امام عصر ارواحنا فداه می‌باشد. طبیعی است که این عدم معرفت - که نتیجه‌اش ادا نکردن حق شکر قلبی است - بر مراتب بعدی شکرگزاری یعنی شکر زبانی و عملی هم لطمه‌ی جدی می‌زند، چون روح این دو رتبه، همان شکر قلبی کردن است.<sup>۱</sup> با این توضیحات آیا لازم نیست در کنار اهتمام به دعا برای امام زمان علیه السلام به خصوص تعجیل فرج ایشان، انواع مراتب شکرگزاری نسبت به آن حضرت را بیشتر بشناسیم و به آنها پایبند گردیم؟ کوتاهی در این امر هم مانع اجابت دعاهایمان می‌گردد و هم انگیزه و همت ما را در امر دعا سست می‌نماید.

## ۷ - الحاح و اصرار و دوری از سستی

چنانچه در بخش اول کتاب گذشت یکی از آداب مؤثر دعا در اجابت، الحاح و اصرار در انجام آن می‌باشد.<sup>۲</sup> به یاد بیاوریم که امام باقر علیه السلام قسم یاد کرده‌اند که هرگاه بنده‌ی مؤمنی با اصرار چیزی را از خداوند طلب کن، حاجتش برآورده می‌گردد.<sup>۳</sup>

۱. درباره‌ی مراتب مختلف شکرگزاری می‌توانید به کتاب «آفتاب در غربت» مراجعه فرمایید.

۲. بخش اول، فصل چهارم، ادب چهاردهم.

۳. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الالحاح ...، ح ۳.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز تأکید فرموده‌اند که با جدّ و جهد دعا کنید و از دعا کردن خسته و ملول نشوید، چرا که تا شما خسته نشوید، خداوند خسته نمی‌شود.<sup>۱</sup>

این سفارش‌ها نشان می‌دهد که خداوند می‌خواهد بندگانش بر در خانه‌ی او اصرار بورزند و از گدایی خسته نشوند. ممکن است چیزی را از خدا بخواهیم و خواسته‌ی ما برآورده نشود. اما چه بسا اگر در مورد آن اصرار کنیم، حاجتمان داده شود. البته همان‌طور که اصل دعا کردن حال و انگیزه می‌خواهد، اصرار و الحاح در آن هم معمولاً برخاسته از حال و انگیزه‌ی درونی دعا کننده است.

### عوامل مؤثر در پیدایش حالت اصرار در دعا

انسان در خواستن چیزی که برایش بسیار مهم باشد، اصرار می‌ورزد و برای امور بی‌ارزش انگیزه‌ی اصرار ندارد. مثلاً کسی که برای رسیدن به یک نعمت مادی همچون خانه یا قبولی در کنکور دانشگاه دعا می‌کند و در دعایش اصرار می‌ورزد، آن امور را با ارزش و مهم تلقی می‌کند. اگر برای آنها اهمیّت قائل نبود، یا دعا نمی‌کرد یا در صورت دعا، بر آن اصرار نمی‌ورزید. اگر رسیدن به چیزی برای انسان مهم شد، بدون نیاز به توصیه و سفارش، خود به خود بر آن اصرار خواهد ورزید.

نکته‌ی دیگری که در تحقق اصرار مؤثر است، اعتقاد دعا کننده به تأثیر اصرار در تحقق خواسته‌اش می‌باشد. در مورد دعا برای امام عصر علیه السلام و به خصوص تعجیل فرج ایشان باید به عملی شدن این دو عامل توجه کافی نماییم: یکی اینکه ظهور امام عصر علیه السلام برای ما مهم و با ارزش باشد و دیگر آنکه اصرار در دعا را برای تعجیل در آن مؤثر بدانیم.

تحقق عامل اوّل بستگی به میزان معرفت ما به مقام رفیع آن حضرت نزد خداوند دارد و اینکه ظهور ایشان مطلوب و محبوب همه‌ی انبیا و اولیای الهی بوده است. باید به این باور برسیم که عملی شدن آمال و اهداف همه‌ی مکاتب آسمانی و پیامبران

۱. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۶۴، ح ۸، به نقل از امالی طوسی.

بزرگ از آدم عَلَيْهِ السَّلَام تا خاتم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فقط و فقط با فرج امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام محقق می‌گردد و تا چنین روزی نرسد، آرزوی هیچ‌یک از آن برگزیدگان خداوند بر آورده نمی‌گردد. هر چه در این زمینه به مطالعه‌ی آیات و روایات و کتابهای مفیدی که با استناد به ادله‌ی نقلی معتبر، این موضوع را مطرح کرده‌اند بپردازیم، جایگاه بلند ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام را در فرهنگ دین بیشتر باور خواهیم نمود.

برای تحقق عامل دوم نیز باید آیات و احادیث مربوط به تأثیر اصرار در دعا را در اجابت زودتر آن، مطالعه نماییم تا این اعتقاد عمق بیشتری در وجود ما پیدا کند. در این صورت اهل اصرار و الحاح در دعا برای تعجیل فرج امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام خواهیم شد.

#### نمودهای مختلف اصرار در دعا

این اصرار دو جنبه می‌تواند داشته باشد: یکی تعمیم دعا در مکان‌ها و زمان‌ها و شرایط مختلف است. وقتی کسی بر خواستن چیزی اصرار داشته باشد، وقت و بی‌وقت آن را طلب می‌کند و به هر مناسبتی خواسته‌اش را پیش می‌کشد و خلاصه دنبال بهانه می‌گردد تا از آن سخن بگوید و تکرارش نماید. این جنبه‌ی اصرار، به کمیت و تعداد دعاها مربوط می‌شود. ساده‌ترین مثالی که می‌توانیم برای این نوع اصرار در دعا برای تعجیل فرج ذکر کنیم، دعای صلوات به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و آل او عَلَيْهِمُ السَّلَام همراه با درخواست تعجیل فرج برای ایشان است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.

همچنین می‌توانیم کامل‌تر دعا کنیم و بگوییم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ بِقَائِمِهِمْ.

و کامل‌تر اینکه در انتهای آن دعای:

وَالْعَنُ أَعْدَائِهِمْ.

را بیفزاییم. این دعا با وجود سادگی، بسیار دعای مؤثر و با فضیلتی است که در طول شبانه روز بدون مزاحمت با بسیاری از مشغله‌ها انجام شدنی است.

جنبه‌ی دوم اصرار، به کیفیت دعا کردن انسان بر می‌گردد. کسی که بر داشتن چیزی اصرار دارد، نوع درخواستش با کسی که اصرار ندارد، فرق می‌کند. پافشاری و تأکید او به نحوی است که جز با تحقق مطلوبش از طلب آن دست بردار نیست و به هیچ قیمتی حاضر نیست در خانه‌ی خدا راه‌ها کند مگر آنکه خواسته‌اش برآورده شود. این گونه لجبازی و یک‌دنگی هر چند که در برابر بندگان خدا، صفت خوبی به شمار نمی‌آید، اما به تصریح امام صادق علیه السلام در پیشگاه الهی ویژگی مثبتی محسوب می‌شود<sup>۱</sup> و طبق وعده‌ی امیر مؤمنان علیه السلام هر که در کوبیدن بابی لجاجت به خرج دهد، بالاخره آن باب به رویش گشوده خواهد شد.<sup>۲</sup> البته همان‌طور که در بخش اول کتاب بیان شد،<sup>۳</sup> خواسته‌های مادی و دنیوی را صرف نظر از ابعاد معنوی و اخروی آن نمی‌توان و نباید با چنین اصراری از خدا طلب کرد، چون ممکن است خیر دعا کننده در تحقق آن نباشد. اما در اموری که خیر بودنشان قطعی و مسلم است، هرگونه اصرار و الحاح ورزیدن مطلوب و پسندیده می‌باشد. تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام امری است که محبوب خدا و اولیای اوست و ما یقین داریم که خواستن آن قطعاً مورد رضایت پروردگار می‌باشد. البته باید توجه داشته باشیم که اصرار کردن در مورد آن نباید همراه با تعیین ضرب الاجل قطعی برای ظهور حضرت باشد. ما می‌توانیم از خدا بخواهیم که ظهور امامان را در همین سال جاری قرار دهد، یا آن را در ماه فعلی مقدر فرماید یا اینکه تا قبل از هفته‌ی آینده ایشان را ظاهر فرماید. حتی می‌توانیم دعا کنیم که ظهور ایشان همین امروز یا همین ساعت واقع شود، همه‌ی اینها مجاز است، اما نباید چنین بگوییم که: الاً و لابد باید در فلان روز یا ساعت یا هفته یا ماه یا سال و یا ... ظهور حضرت واقع شود. این‌گونه دعا کردن خلاف ادب بندگی و نوعی تعیین تکلیف برای خدای متعال می‌باشد و از حد اصرار و الحاح در درخواست فراتر می‌رود؛ بنابراین شایسته و مجاز نیست.

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الاحاح ...، ح ۴.

۲. من استدام قزع الباب و ليج و ليج (غیر الحکم و دُرر الکلم، ح ۳۷۵۸).

۳. فصل پنجم.

یکی از نمودهای کیفی اصرار در دعا، قسم دادن خداوند در هنگام دعاست. کسی که بر خواستن چیزی اصرار دارد، آن را با قسم و آیه طلب می‌کند و به هر زبانی که شرعاً مجاز باشد خدا را قسم می‌دهد که خواسته‌اش را برآورده سازد.

یکی دیگر از جلوه‌های اصرار در دعا، متوسل شدن به اسباب و وسائلی است که در پیشگاه خدا آبرو دارند و خواندن پروردگار به وساطت آنان، اجابت دعا را سریع‌تر و سهل‌تر می‌سازد.

### توسل به اهل بیت علیهم‌السلام در دعای عبرات

نمونه‌ای از دعای بر تعجیل فرج که در آن توسل به ذوات مقدسه‌ی چهارده معصوم علیهم‌السلام به کار رفته، دعای «عبرات» است. این دعا بنا بر تحقیق از ناحیه‌ی خود امام زمان علیه‌السلام صادر شده و مطالعه‌ی آن شدت گرفتاری‌ها و ناراحتی‌های حضرت را در زمان غیبت تا حدی نشان می‌دهد.<sup>۱</sup> ما در این جا به مناسبت بحث، قسمتی از پایان دعا را که شامل توسل به اهل بیت عصمت و طهارت از جمله خود امام عصر علیه‌السلام می‌باشد، نقل و ترجمه می‌کنیم:

إلهی ... فَإِنِّي أَسْتَشْفِعُ إِلَيْكَ بِكَرَامَتِكَ وَ الصَّفْوَةِ مِنْ أُنَامِكَ الَّذِينَ لَهُمْ  
أَنْشَاءٌ مَا يَقِلُّ وَ يُظَلُّ وَ نَزَلَتْ مَا يَدِقُّ وَ يَجِلُّ.

پروردگارا ... پس من آقایی و کرامتت را نزد تو شفیع قرار می‌دهم و نیز (شفاعت می‌جویم) به برگزیدگان از آفریدگانت، آنان که کوچک و بزرگ را به‌خاطر ایشان آفریده‌ای و ریز و درشت را برای آنان نازل فرموده‌ای.

سپس به معرفی یک‌یک این شفیعیان بی‌نظیر می‌پردازند و از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آغاز می‌فرمایند:

اتَّقَرَّبُ إِلَيْكَ بِأَوَّلِ مَنْ تَوَجَّهَتْ تَاجَ الْجَلَالَةِ وَ أَحَلَّتَهُ مِنَ الْفِطْرَةِ مَحَلًّا

۱. درباره‌ی سندهای این دعای شریف و توضیح برخی از عبارات جانسوز آن در کتاب «سلوک منتظران» ص ۹۵ تا ۱۰۰ بحث مستدل و مستندی مطرح شده است.

السُّلَالَةِ، حُجَّتِكَ فِي خَلْقِكَ وَ أَمِينِكَ عَلَى عِبَادِكَ مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ صَلَّى  
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ بِمَنْ جَعَلْتَهُ لِنُورِهِ مَغْرِباً وَ عَن مَكْتُونِ سِرِّهِ مَغْرِباً، سَيِّدِ  
 الْأَوْصِيَاءِ وَ إِمَامِ الْأَتْقِيَاءِ يَعْصُوبِ الدِّينِ وَ قَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَبَّبِينَ أَبِي  
 الْأَيْمَةِ الرَّاشِدِينَ، عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ.

به تو تقرب می جویم به واسطه‌ی اولین کسی که تاج بزرگی بر سرش نهاده‌ی  
 و اصل و اساس اولیته‌ی خلقت قرارش دادی، حجت تو در میان آفریدگانت و  
 امانت‌دار تو بر بندگانت حضرت محمد، رسول تو ﷺ و نیز (به تو تقرب  
 می جویم) به واسطه‌ی کسی که او را محلّ غروب نور پیامبر ﷺ و آشکار  
 کننده‌ی راز پوشیده‌ی او قرار دادی، سرور و آقای اوصیا و پیشوای متقیان،  
 امیر دین و رهبر پیشانی سپیدان، پدر ائمه‌ی راشدین علی امیرالمؤمنین علیه السلام.  
 اوصافی که امام عصر علیه السلام برای جدّ شریفشان امیرالمؤمنین علیه السلام آورده‌اند، بسیار  
 عمیق و زیباست:

مَنْ جَعَلْتَهُ لِنُورِهِ مَغْرِباً وَ عَن مَكْتُونِ سِرِّهِ مَغْرِباً.

آن کس که محلّ غروب نور پیامبر ﷺ بوده یعنی اگر رسول گرامی ﷺ غروب  
 فرمود، اما در وجود مقدّس و صیّش محو شد که نفس پیامبر اکرم ﷺ بود و کسی که  
 آشکار کننده‌ی راز پنهان رسول خدا ﷺ بود.

پس از پیامبر ﷺ و امیر مؤمنان علیه السلام نوبت به تو سلّ به بانوی یگانه‌ی عالم و دو  
 نور چشم رسول اکرم ﷺ می‌رسد، امام عصر علیه السلام مادر شریفشان و حسنین علیه السلام را  
 چنین معرفی می‌فرمایند:

وَ اتَّقَرَّبُ إِلَيْكَ بِخَيْرَةِ الْأَخْيَارِ وَ أُمَّ الْأَنْوَارِ وَ الْإِنْسِيَّةِ الْحَوْرَاءِ الْبَتُولِ  
 الْعَذْرَاءِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، وَ بَقَرَّتِي عَيْنِ الرَّسُولِ وَ ثَمَرَتِي فُوَادِ الْبَتُولِ  
 السَّيِّدِينَ الْإِمَامِينَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ.

و به سوی تو تقرب می جویم به واسطه‌ی برگزیده‌ی برگزیدگان و مادر انوار و  
 حضرت انسیه‌ی حوراء، پاکیزه از هر آلودگی، فاطمه‌ی زهرا علیه السلام و به دو نور



چشم رسول ﷺ و دو میوهی دل حضرت بتول ﷺ، دو آقا، دو امام، ابی محمد الحسن ﷺ و ابی عبدالله الحسین ﷺ.

مادر ائمه‌ی اطهار ﷺ امّ الانوار است و برگزیده شده از میان برگزیدگان. سپس سه امام بزرگوار بعدی ﷺ را وسیله قرار داده‌اند:

وَ بِالسَّجَادِ زَيْنِ الْعَبَادِ ذِي الثَّقَنَاتِ رَاهِبِ الْعَرَبِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَ  
بِالْإِمَامِ الْعَالِمِ وَ السَّيِّدِ الْحَاكِمِ النَّجْمِ الزَّاهِرِ وَ الْقَمَرِ الْبَاهِرِ مَوْلَايَ  
مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ، وَ بِالْإِمَامِ الصَّادِقِ مُبَيِّنِ الْمَشْكَلاتِ مُظْهِرِ الْحَقَائِقِ  
الْمُفْجِمِ بِحُجَّتِهِ كُلِّ نَاطِقٍ، مُخْرِسِ السِّنَّةِ أَهْلِ الْجِدَالِ مُسْكِنِ الشَّقَاشِقِ  
مَوْلَايَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ الصَّادِقِ.

و (به تو تقرب می‌جویم) به واسطه‌ی زیور بندگان که اعضای سجده‌اش از کثرت عبادت همچون زانوی شتران که روی زمین گذاشته می‌شود، ضخیم و سفت شده بود، راهب عرب حضرت علی بن الحسین ﷺ و به واسطه‌ی امام عالم و آقای حاکم، ستاره‌ی درخشنده و ماه خیره‌کننده، مولایم حضرت محمد بن علی الباقر ﷺ و به واسطه‌ی امام راستگو، تبیین‌کننده‌ی مشکلات، آشکارکننده‌ی حقایق، آنکه با برهانش هر گوینده‌ای را مُجاب می‌نمود و زبان اهل مجادله را خاموش می‌کرد و یاوه‌گویی‌ها را فرو می‌نشاند، مولایم حضرت جعفر بن محمد الصادق ﷺ.

آنگاه در توسل به سه امام بعدی ﷺ چنین عرضه داشته‌اند:

وَ بِالْإِمَامِ التَّقِيِّ وَ الْمُخْلِصِ الصَّفِيِّ وَ النُّورِ الْأَحْمَدِيِّ وَ النُّورِ الْأَنْوَرِ وَ  
الضِّيَاءِ الْأَزْهَرِ مَوْلَايَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَ بِالْإِمَامِ الْمُتَرْتَضِيِّ وَ السَّيْفِ  
الْمُتَنَتِّضِيِّ مَوْلَايَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا، وَ بِالْإِمَامِ الْأَمْجَدِ وَ الْبَابِ  
الْأَقْصَدِ وَ الطَّرِيقِ الْأَرْشَدِ وَ الْعَالِمِ الْمُؤَيَّدِ يَنْبُوعِ الْحِكْمِ وَ مِصْبَاحِ الظُّلْمِ  
سَيِّدِ الْعَرَبِ وَ الْعَجْمِ الْهَادِي إِلَى الرَّشَادِ وَ الْمُؤَفَّقِ بِالتَّأْيِيدِ وَ السَّدَادِ  
مَوْلَانَا مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجَوَادِ.

و (به تو تقرب می‌جویم) به واسطه‌ی امام متقی و مخلص برگزیده و نور احمدی صلی الله علیه و آله و نور روشنایی بخش‌تر و روشنایی درخشنده مولایم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و به واسطه‌ی امام مورد رضایت و شمشیر از غلاف خارج شده، مولایم حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام و به واسطه‌ی امام بزرگوارتر و باب معتدل‌تر و طریق هدایت‌کننده‌تر و عالم مورد تأیید (خداوند)، سرچشمه‌ی حکمت‌ها و نور تاریکی‌ها، آقای عرب و عجم، راهنما به سوی طریق هدایت و کسی که (از جانب خدا) موفق به تأیید و پشتیبانی بوده است، مولای ما حضرت محمد بن علی الجواد علیه السلام.

سپس نوبت می‌رسد به واسطه قرار دادن پدر و جدگرامی‌شان که در معرفی آن دو بزرگوار علیه السلام چنین اظهار کرده‌اند:

وَ بِالْإِمَامِ مِنْحَةِ الْجَبَّارِ وَ وَالِدِ الْأَيْمَةِ الْأَطْهَارِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمَوْلُودِ  
بِالْعَسْكَرِ الَّذِي حَذَّرَ بِمَوَاعِظِهِ وَ أَنْذَرَ، وَ بِالْإِمَامِ الْمُنَزَّهِ عَنِ الْمَائِمِ  
الْمُطَهَّرِ مِنَ الْمَظَالِمِ الْحَبْرِ الْعَالِمِ بَدْرِ الظَّلَامِ وَ رَبِيعِ الْأَنَامِ التَّقِيِّ النَّقِيِّ  
الطَّاهِرِ الزَّكِيِّ مَوْلَايَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ.

و (به تو تقرب می‌جویم) به واسطه‌ی هدیه‌ی (خدای) جبار و پدر ائمه‌ی اطهار حضرت علی بن محمد علیه السلام تولد یافته در میان لشکر که با موعظه‌هایش انذار و تحذیر می‌داد و به واسطه‌ی امام منزّه از گناهان، پاکیزه شده از ستم‌ها، بزرگمرد عالم، ماه شب چهارده در تاریکی و بهار آفریدگان، پرهیزکار پاک و پاکیزه مولایم حضرت ابومحمد حسن بن علی علیه السلام.  
در پایان به آخرین وسیله‌ای که امام عصر علیه السلام به سوی خداوند تقرب می‌جوید، وجود مقدس خودشان است که نزد خداوند شفیع بزرگ مرتبه‌ای محسوب می‌شوند. ایشان خود را چنین معرفی فرموده‌اند:

وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْحَفِيظِ الْعَلِيمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ وَ الْأَبِ  
الرَّحِيمِ الَّذِي مَلَكَتْهُ أَرْمَةٌ الْبَسِطِ وَ الْقَبْضِ، صَاحِبِ النَّقِيْبَةِ الْمَيْمُونَةِ وَ  
قَاصِفِ الشَّجَرَةِ الْمَلْعُونَةِ، مُكَلِّمِ النَّاسِ فِي الْمَهْدِ وَ الدَّالِّ عَلَى مِنْهَاجِ

الرُّشْدِ، الْغَائِبِ عَنِ الْأَبْصَارِ، الْحَاضِرِ فِي الْأَمْصَارِ، الْغَائِبِ عَنِ الْعُيُونِ  
الْحَاضِرِ فِي الْأَفْكَارِ، بَقِيَّةَ الْأَخْيَارِ الْوَارِثِ لِذِي الْفَقَارِ، الَّذِي يَظْهَرُ فِي  
بَيْتِ اللَّهِ ذِي الْأَسْتَارِ الْعَالِمِ الْمُطَهَّرِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ، عَلَيْهِمُ أَفْضَلُ  
التَّحِيَّاتِ وَاعْظَمُ الْبَرَكَاتِ وَآتَمُّ الصَّلَوَاتِ.

و به تو تقرب می‌جویم به واسطه‌ی نگه دارنده‌ی دانا که او را بر گنجینه‌های  
زمین گماشته‌ای و پدر مهربان که اختیار دادن و گرفتن را به او سپرده‌ای،  
صاحب طبع و رأی مبارک و شکننده‌ی شجره‌ی ملعونه، سخن گوینده با  
مردم در گهواره و نشان دهنده‌ی طریق رشد، پنهان از دیدگان، حاضر در  
شهرها، غایب از چشم‌ها، حاضر در فکرها، تنها باقی مانده از برگزیدگان، و  
وارث ذوالفقار (شمشیر امیرالمؤمنین علیه السلام)، آنکه در خانه‌ی پرده پوش خدا  
آشکار می‌شود، عالم معصوم محمدبن الحسن علیه السلام، برترین درووها و  
بزرگ‌ترین برکت‌ها و کامل‌ترین صلوات بر همه‌ی ایشان (چهارده معصوم)  
باد.

ایشان پس از واسطه قرار دادن تک‌تک این انوار پاک، آنان را پناه و وسیله‌ی خود  
به سوی خدا می‌خوانند:

اللَّهُمَّ فَهَوْلَاءِ مَعَاقِلِي<sup>۱</sup> إِلَيْكَ فِي طَلِبَاتِي وَوَسَائِلِي ... وَلَا شَفِيعَ لِي إِلَيْكَ  
أَوْجَهُ مَنْ هَوْلَاءِ.

خدایا اینها محل پناه آوردن من در خواسته‌هایم و وسیله‌های من  
هستند ... و هیچ شفיעی که نزد تو آبرومندتر از اینان باشند، ندارم.

آن‌گاه پس از همه‌ی این واسطه قرار دادن‌ها با این عبارات فرج خود را از خدای  
متعال طلب کرده‌اند:

يَا مَنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ، يَا رَاحِمَ عَبْرَةٍ يَعْقُوبَ يَا كَاشِفَ ضُرِّ  
أَيُّوبَ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَانصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ وَافْتَحْ لِي وَ

۱. معاقِل جمع معقِل و به معنای ملجأ و جِضْن می‌باشد. (المعجم الوسيط، ج ۲، ص ۶۱۷)

أَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.<sup>۱</sup>

ای کسی که وقتی مضطرّ او را بخواند، اجابتش می‌کند، ای رحم کننده به اشک‌های یعقوب، ای برطرف کننده‌ی گرفتاری ایوب، از من درگذر و به من رحم کن و مرا برای غلبه بر قوم کافر یاری فرما و پیروزی نصیبم گردان در حالی که تو بهترین پیروز کنندگانی، ای صاحب قدرت استوار، ای مهربان‌ترین رحم کنندگان.

ملاحظه می‌شود که در این دعا، توسّل به آبرو مندترین شفیعان نزد خداوند یعنی اهل بیت عصمت و طهارت چه حجم معتناهی را در بر گرفته است. این نمونه‌ای از دعاهای مأثور می‌باشد که در آن اصرار و الحاح به پیشگاه الهی از طریق واسطه و شفیع قرار دادن نزد خداوند، صورت پذیرفته است. معمولاً اگر انسان بر خواستن چیزی اصرار داشته باشد در درخواست خود واسطه و شفیع قرار می‌دهد و دعای عبرات یکی از روشن‌ترین مصادیق این گونه اصرار در دعا برای تعجیل فرج می‌باشد.<sup>۲</sup>

#### ۸ - بکاء، ضجّه، تضرّع و ابتهاج

یکی از آداب مؤثر در اجابت دعا، داشتن حال گریه و ضجّه در هنگام آن است که در بخش اول کتاب توضیح داده شد.<sup>۳</sup> گریه معمولاً به طور مصنوعی حاصل نمی‌شود، و تا قلب انسان منقلب نشود، اشک از چشم سرازیر نمی‌گردد. بنابراین برای پیدایش حال گریه و ضجّه پیش از هر چیز باید دل را جلا و صفا داد و رابطه‌ی قلبی با امام زمان علیه السلام را استحکام بخشید تا خودبه‌خود با یاد ایشان، چشم اشکبار شود. هر چه محبت آن حضرت در دل انسان عمیق‌تر گردد، یاد و نام محبوب او را بیشتر منقلب می‌سازد. و به آن جامی رسد که اگر کسی از امام علیه السلام یاد کند، دوستدار ایشان ناخودآگاه گریه‌اش می‌گیرد. پس هر عملی که موجب ازدیاد محبت به ایشان شود، حال گریه را نیز در انسان تقویت می‌نماید.

۱. مهج الدعوات، ص ۶۱۵ تا ۶۱۷.

۲. متن کامل این دعا در بخش سوم کتاب مطابق نقل مهج الدعوات آمده است.

۳. بخش اول، فصل چهارم، ادب پانزدهم.

زمینه سازی برای ایجاد حال بکاء در دعا

اما نمی توان گفت که اگر چنین حالی در کسی نیست، از خیر این ادب مؤثر در اجابت دعا بگذرد. اگر رابطه ی قلبی با امام زمان علیه السلام در آن حد بالا باشد، بسیار خوب است؛ ولی اگر نبود می توان با برقرار کردن اتصال قلبی در هنگام دعا و قبل از آن زمینه ی مساعدی برای گریستن موقت ایجاد نمود. این هم بسیار کار خوبی است و خود این عمل، محبت شخص را به مولایش تقویت می کند. قطعاً یاد کردن از حضرت و متذکر شدن به محبتی که ایشان نسبت به رعیت خود دارد از طرفی، و یاد کردن از آلام و رنج های ایشان در زمان غیبت از طرف دیگر، در پیدایش حال گریه در دعا کننده می تواند مؤثر باشد. بنابراین خوب است که انسان وقتی می خواهد برای امام زمانش دعا کند، قدری به یادآوری این احوال و اوصاف ایشان پردازد تا قلبش اتصال بیشتری با حضرت پیدا کند و سوز دل مقدمه ی اشک ریختن شود، آنگاه با حال گریه برای مولایش دعا کند.

کار دیگری که در همین زمینه می توان انجام داد، ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام خصوصاً حضرت صدیقه ی طاهره علیها السلام و حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام می باشد. بسیاری از دوستان اهل بیت علیهم السلام که رابطه ی قلبی عمیقی با امام عصر علیه السلام ندارند، نسبت به حضرت زهرا ی اطهر علیها السلام یا سیدالشهداء علیه السلام حالت خاص قلبی دارند که یادآوری مصائب ایشان دل آنها را زودتر منقلب می سازد. خوب است هر کس ببیند کدام یک از مصیبت های اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام برایش دردآورتر است، آنگاه در هنگام دعا برای امام زمان علیه السلام و به عنوان مقدمه ی آن، به یادآوری آن مصیبت دردناک پردازد و به این وسیله دل و چشم خویش را آماده ی دعای همراه با گریه برای مولایش سازد. به هر حال ائمه علیهم السلام نور واحد هستند و یاد کردن از یکی از ایشان، به یک معنا یاد کردن از همه ی آنان است. ممکن است کسی در پیشینه ی زندگی اش توسلی به یکی از امامان علیهم السلام داشته که خاطره ای به یاد ماندنی از آن امام علیه السلام برای او باقی گذاشته است، بطوری که یادآوری آن خاطره دلش را به یاد آن امام علیه السلام منقلب ساخته و اشکش را سرازیر می کند. چنین کسی می تواند همین حال را مقدمه ی گریه و دعا برای تعجیل

فرج قرار دهد.

حتی - چنانچه در بخش گذشته آوردیم - مطابق آنچه اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل کرده است<sup>۱</sup>، می‌توانیم به‌عنوان مقدمه سازی برای گریه و دعا در حق امام زمان علیه السلام از در گذشتگان از بستگان خود یاد کنیم که با آنها رابطه‌ی عاطفی داشته‌ایم و یادآوری فوت ایشان ما را به گریه می‌اندازد، آنگاه این گریه را مقدمه‌ی دعا برای حضرت قرار دهیم. این حداقل کاری است که برای پیدایش حال گریه در هنگام دعا می‌توانیم انجام دهیم. اگر کسی در صدد ایجاد این حال باشد، از همه‌ی این راه‌ها می‌تواند به مقصود خود برسد. مراد از «تباکی» که در برخی حالات - از جمله حاجت خواستن<sup>۲</sup> - به آن امر شده‌ایم، انجام همین جور کارهاست که بالاخره اشک انسان را در می‌آورد، هر چند به اندازه‌ی بال مگس باشد.

### چگونگی پیدایش حال ضجّه و تضرّع

حال ضجّه و تضرّع هم برای انسان بی‌دلیل پیدا نمی‌شود، باید اتصال روحی و قوی‌تری با ائمه‌ی اطهار علیهم السلام به‌خصوص حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه برقرار نمود تا در هنگام دعا برای ایشان ناله و فریاد انسان بلند شود و به‌خاطر تعجیل فرج آن حضرت زار بزند. برخی از زمینه‌سازی‌هایی که در مورد گریه برای حضرت بیان شد، اگر شدید شود می‌تواند به ضجّه و تضرّع هم منتهی گردد. فراموش نکنیم که به فرموده امام صادق علیه السلام ضجّه و بکاء در زمان غیبت امام عصر علیه السلام و درخواست تعجیل فرج ایشان - که بنی‌اسرائیل چهل صباح انجام دادند و نتیجه گرفتند - تأثیر به‌سزایی در جلو افتادن ظهور آن سرور خواهد داشت.<sup>۳</sup>

بنابراین علاوه بر دعا برای تعجیل فرج امام علیه السلام خود حالت گریه و ضجّه داشتن در

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب البکاء، ح ۷.

۲. همان، ح ۱۰، امام صادق علیه السلام: سَلْ حَاجَتَكَ وَ تَبَاكَ وَ لَوْ مِثْلَ رَأْسِ الذُّبَابِ.

۳. رجوع شود به بخش دوم، فصل سوم، فایده‌ی سوم از فوائد دعاها‌ی ما برای امام عصر علیه السلام.

فراق ایشان موضوعیت دارد و می‌تواند ظاهر شدن امام غریبان را نزدیک‌تر سازد. پس باید برای تحقق چنین حالی تلاش کنیم و از راه‌های مشروع و صحیح - بدون افتادن در ورطه‌ی افراط یا تفریط - در جهت تحقق بخشیدن آن قدم برداریم. از مؤثرترین راه‌ها برای ایجاد این حال، تلاش برای بالا بردن معرفت و محبت به آن حضرت از طریق انجام وظایف و تکالیفی است که یک منتظر فرج در زمان غیبت مولایش دارد. آشنایی با این تکالیف خود یک وظیفه است و کسی که در این امر کوتاهی کند، مانند کسی است که در آموختن مسائل شرعی مبتلا به خویش کوتاهی کرده است. بنابراین ندانستن و بلد نبودن این وظایف عذر موجهی برای عمل نکردن به آنها - لااقل برای کسانی که آنچنان با امام زمان علیه السلام بیگانه نیستند - نیست. لذا مطالعه‌ی کتبی که در این زمینه تألیف شده جزء وظایف منتظران قرار می‌گیرد.

اگر کسی از همین نقطه آغاز کند، هر قدمی که در این مسیر بر می‌دارد، باعث می‌شود قدم بعدی را با آگاهی بیشتری بردارد و آرام آرام به همه‌ی وظایف خود آشنا می‌شود و در طول این مسیر خواهد دید که روز به روز بر محبت و ارادتش به مولایش افزوده می‌گردد و به آنجا خواهد رسید که حال ضجّه و بکاء در فراق محبوب بدون هیچ تکلفی برایش حاصل می‌شود و آرزو می‌کند که فراغتی داشته باشد تا در گوشه‌ای بنشیند و برای مولایش سیر بگرید و خلوتی پیدا کند که بتواند دور از چشم اغیار در سوز محبت و فراق محبوبش فریاد بزند و ضجّه کند. بنابراین پیدایش این احوال احتیاج به تشکیل دادن مجالس خاصی که به خاطر این هدف تشکیل شود، ندارد و هر کس در خلوت خود می‌تواند بی‌سر و صدا به این حالات نائل شود. البته ایجاد چنین احوالی به اختیار خود انسان نیست؛ خدا و امام عصر علیه السلام هستند که با عنایت خاص خود دوستانشان را این‌گونه شیفته و مجذوب می‌سازند.

البته تشکیل دادن محافل و مجالسی - همچون مجالس روضه‌ی اهل بیت علیهم السلام - برای دعا کردن در حق امام عصر علیه السلام نیز بسیار مطلوب و پسندیده است و دوستان حضرت نباید از این فرصت‌ها غافل باشند، به خصوص که دعای جمعی - طبق احادیث

اِنَّهُ عَلِيمٌ . مژرد تأکید ایشان برده است اما همان طوری که در بخش اول بیان شده، در دعای چهس و اشکار ممکن است افراد مبتلا به تظاهر و خودنمایی شوند که اگر چنین خرفی وجود داشته باشد، دعای فردی و پنهانی اذلیل خواهد بود. به هر حال در جمیع احوال اینکه ضیغه زدن همی افراد مبتدل، حال طبیعی آنها باشد و تحت تأثیر شور و حال که در مجلس هست، به تظاهر بیفتند و وجود دارد و از کید و مکر شیطان در این گونه موارد نباید غافل شد.

گاهی شور و حال، خاکم بر یک مجلس، خورد باعث فریب انسان می شود و موجب پیدایش حال شُعب (خودستایی) می گردد که یکی از مزایع قهرلی و پادت به شمار می آید. گاهی چنین ضیغه ها و فریادها از سریدای دل نیست و کسانی به این نیت که مجلس را گرم کنند و شور بگیرند، داد و فریاد می زنند یا به سر و سینه می کوبند. چنین احوالی اگر از روی ریا و خوردنهایی نباشد، اشکالی ندارد اما در عین حال با آنچه از ما خواسته اند، فاصله دارد. بهتر است در پی ایجاد شور و حالی باشیم که از معرفت و محبت عمیق به امام زمان عجل الله فرجه نشأت گرفته باشد که خود به خود ضیغه و بکاء را به دنبال خواهد آورد.

بکاء و ابرقوال امام عجل الله فرجه در دعای عبرات

در این جا مناسب است تأملی داشته باشیم در اینکه خود وجود و قلمس حضرت مودعی عجل الله فرجه با چه حالی برای تمجیل فرج خود و شیدایشان دعا می کنند. کافی است به عنوان نمونه به قسمت هایی از دعای عبرات که در عنوان گذشته، بخش هایی از آن را نقل کردیم، توجه نماییم تا حال آن حضرت را در دعا درک کنیم. از جمله ای اول دعا سخن از اشکار و آداب است. دعا با این عبارت آغاز می شود:



اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا رَاحِمَ الْعِبْرَاتِ وَيَا كَاشِفَ الزَّفَرَاتِ.<sup>۱</sup>

خدایا از تو درخواست می‌کنم، ای رحم‌کننده به اشک‌ها و ای برطرف‌کننده‌ی آه‌ها.

«عبرة» به معنای اشک و «زفرة» به معنای آه بلند است و خواندن خدا با این اوصاف، نشانگر حال شدید گریه و ناله‌ی بلند امام عصر علیه السلام از ابتدای دعاست. ایشان پس از دعاهای مفصلی که نقل آن چند صفحه طول کشیده و پیش از توسل به انوار مقدسه‌ی چهارده معصوم علیهم السلام، در عبارتی حال خود را در پیشگاه الهی چنین معرفی می‌کنند:

هَذَا يَا اَلٰهِي تَعْفِيْرُ خَدِيْ وَ اِبْتِهَالِيْ فِيْ مَسْأَلَتِكَ وَ جَدِيْ.<sup>۲</sup>

این است ای خدای من، بر خاک گذاشتن گونه‌ام و ابتهال و جدیتم در درخواستم.

در مورد معنای «ابتهال» در بخش اول کتاب با استفاده از فرهنگ لغت و احادیث اهل بیت علیهم السلام توضیح دادیم.<sup>۳</sup> خلاصه‌ی مطلب این شد که ابتهال به معنای لابه و التماس کردن است که همراه با اشک ریختن و بالا بردن دست‌ها به طرف آسمان می‌باشد و به تصریح ائمه علیهم السلام تا اشک دعاکننده جاری نشود، ابتهال صدق نمی‌کند.<sup>۴</sup>

روشن است که امام زمان علیه السلام در هنگام دعا، هم حال گریه داشته‌اند و هم دستان مبارکشان را به نشانه‌ی اوج‌گدایی و مسألت از خدای منان به بالا بلند کرده‌اند و هم به تصریح خودشان اصرار و جدیت در درخواست خود به خرج داده‌اند. البته در برخی حالات هم، گونه‌ی خود را به نشانه‌ی کمال تذلل و خضوع در پیشگاه الهی به خاک گذاشته‌اند. این وضعیتی است که ایشان از حال خود در هنگام دعا ترسیم فرموده‌اند.

۱. مهج الدعوات، ص ۶۱۱.

۲. همان، ص ۶۱۵.

۳. بخش اول، فصل چهارم، در ذیل ادب پانزدهم از آداب دعا.

۴. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب الرّغبة و الرّهبه ...، ح ۱.

علاوه بر این در انتهای دعا و پس از معرفی یک یک چهارده معصوم به عنوان آبرومندترین شفیعان در درگاه خداوند عرضه داشته‌اند:

فَهَلْ بَقِيَ يَا رَبُّ غَيْرُ أَنْ تُجِيبَ وَ تَرْحَمَ مِنِّي الْبُكَاءَ وَ النَّحِيبَ.<sup>۱</sup>

پس ای پروردگار من آیا (پس از وسیله قرار دادن این شفیعان آبرومند) چیزی جز این باقی مانده که (دعایم را) اجابت کنی و به گریه و فغان من رحم کنی؟!

«نحیب» به معنای گریه با صدای بلند است<sup>۲</sup> و روشن است که امام عصر علیه السلام در پایان دعا که می‌خواهند از کل آن نتیجه بگیرند، چه حالی داشته‌اند که خود این‌گونه بیان کرده‌اند. تعبیر «هل بقی یا رب» با زیبایی و لطافت بر این نکته دلالت دارد که: خدایا، آیا پس از این که برگزیدگان درگاهت را واسطه‌ی تقرّب به سوی تو قرار دادم، راهی جز این باقی مانده که دعایم را اجابت کنی؟ همچنین از خدای مهربان خواسته‌اند که به اشک‌ها و ناله‌های بنده‌ی مقربش رحم آورده و از وجود ایشان با نصرت و فتح خویش، رفع اضطرار فرماید.

حال خوب است اندکی تأمل کنیم و بنگریم وقتی مولای پُر درد و رنج ما در زمان غیبتش این‌گونه با سوز و گداز به درگاه خداوند می‌نالد و برای فرجش - که فرج همه‌ی مؤمنان بلکه همه‌ی مظلومان عالم است - دعا می‌کند؛ ما که خود را به عنوان دوستدار ایشان و احیاناً خدمتگزار آن حضرت می‌شناسیم و تنها سرمایه‌ی خود را محبت به آن حضرت می‌دانیم؛ آیا نباید ذره‌ای از این حال بکاء و ضجّه و ابتهال را در قلب خود احساس کنیم؟! آیا نباید هفته‌ای، ماهی یا لاقلاً سالی یک‌بار با درصدی از این سوز به درگاه خدا بنالیم و فرج مولای مظلومان را از خداوند بخواهیم؟ اگر تا بحال چنین تجربه‌ای نداشته و هیچ از این‌گونه حالات در خود ندیده‌ایم، پس وای به حال ما! چگونه منتظری هستیم که در فراق محبوبمان یک قطره اشک هم نریخته‌ایم و برای

۱. مهج الدعوات، ص ۶۱۷.

۲. فرهنگ نوین، ص ۶۹۱.

رهایی او از رنج‌های زمان غیبت یک‌بار هم آن‌گونه که باید نسوخته‌ایم و به درگاه الهی دعای با ضجّه و بکاء نداشته‌ایم؟! بیاییم در باقیمانده‌ی زمان غیبت آقایمان - که چه بسا زودتر از باقیمانده‌ی عمرمان به سرآید - جبران گذشته‌ها را بکنیم و خود را - همچون پیرزن کلاف به دست - با دعا برای تعجیل فرج یوسف زهرا علیها السلام جزء خریداران ایشان قلمداد کنیم.

### ۹ - دعا در حالات مختلفی که وعده‌ی اجابتش داده شده

مطابق آنچه در بخش اول کتاب گذشت، در مورد بعضی افراد یا حالات خاصی از دعاکنندگان به طور خاص وعده‌ی اجابت دعا داده شده است.<sup>۱</sup> ما باید از فراهم بودن این امکان و شرایط ویژه برای دعا در حق امام عصر علیه السلام بهره‌ی کافی ببریم و در مواقعی که وعده‌ی اجابت داده شده، متذکر دعا برای تعجیل فرج باشیم. در این جا به ده مورد از این شرایط اشاره می‌کنیم تا روشن شود که اگر کسی در صدد دعا برای مولایش باشد، از چه فرصت‌هایی می‌تواند بهره برداری مناسب بکند.

۱ - اولین نمونه دعای فرد مؤمن است در حق برادر مؤمنش وقتی که به خاطر اهل بیت علیهم السلام به او مساعدت و کمکی کرده باشد.<sup>۲</sup> در این صورت دعای خیر انسان برای برادر دینی‌اش - که به او احسان نموده - مستجاب است. ملاحظه فرمایید در جایی که اگر کسی به خاطر اهل بیت علیهم السلام به دیگری نیکی کند، دعای آنکه مورد احسان واقع شده در حق نیکی‌کننده مستجاب باشد؛ دعای مؤمن در حق خود اهل بیت علیهم السلام که همه‌ی نیکی‌ها و خیرات از ایشان به او رسیده، به طریق اولی مستجاب خواهد بود و ما اگر برای امام عصر علیه السلام دعای خیر نماییم، در حقیقت برای همه‌ی اهل بیت علیهم السلام دعا کرده‌ایم؛ مهم این است که دائماً به این حقیقت متذکر باشیم که هر خیری از هر طریقی که به ما می‌رسد، سرچشمه و منبع و مجرای رسیدن آن وجود مقدس امام زمان علیه السلام

۱. رجوع کنید به بخش اول کتاب، فصل سوم، قسمت اجابت شونندگان.

۲. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۲۵۶، ح ۶، به نقل از امالی طوسی.

است. پس ما نباید همه‌ی واسطه‌ها را ببینیم و از سرچشمه و کانال اصلی فیض غافل باشیم.

۲- دعای دیگری که به فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام مردود نمی‌شود، دعای فرزند نیکوکار در حق پدرش است. (الْوَلَدُ الْبَارُّ لِوَالِدِهِ<sup>۱</sup>) روشن است که به تصریح احادیث، امام زمان علیه السلام پدر دلسوز (الوالد الشفیق<sup>۲</sup>) و مهربان بر رعیت خود هستند و حق ایشان بر فرزندان خود از حق هر پدر دیگری بر فرزندش بیشتر و بالاتر است. حال اگر یکی از فرزندان ایشان در حق این پدر، احسان و نیکی کرده باشد؛ دعایش در حق او مستجاب می‌شود. بنابراین چه خوب است که انسان متوجه این معنا باشد و اگر موفق به انجام کار خیری در حق مولایش شد، از وعده‌ی اجابت دعا که خداوند به او داده است، برای امام زمانش استفاده کند و این فرصت را خرج ایشان کند. به یقین بهترین استفاده از این فرصت، دعا برای تعجیل فرج و رهایی حضرت از رنج‌ها و گرفتاری‌های زمان غیبت می‌باشد.

۳- دعای دیگری که وعده‌ی اجابتش داده شده، دعای عمره گزار (معتمر)<sup>۳</sup> و حج گزار (حاج)<sup>۴</sup> است. این دو، مهمان‌های ویژه‌ی خداوند هستند که توفیق زیارت و طواف خانه‌ی او را پیدا کرده‌اند. آیا دوستداران امام زمان علیه السلام که به حج یا عمره مشرف می‌شوند، می‌دانند که چه فرصتی برای دعا در حق مولایشان دارند؟ چند درصد از ایشان به این موقعیت توجه دارند و آن را صرف دعا برای امامشان می‌کنند؟ حیف است که انسان این فرصت‌های طلایی و استثنایی را پیدا کند و از بهترین دعاها - که حتی برای خودش بیشترین فایده‌ها را دارد - غافل باشد.

۴- دعای دیگری که به فرموده‌ی امام هفتم علیه السلام از پیشگاه الهی مردود نمی‌گردد،

۱. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۴۲۳، ح ۴۰، به نقل از الارشاد مفید.

۲. اصول کافی، کتاب الحجة، باب نادر جامع فی فضل الامام و صفاته، ح ۱.

۳. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۵۴، ح ۱، به نقل از امالی صدوق.

۴. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب من تستجاب دعوته، ح ۱.

دعای روزه‌دار در هنگام افطار است.<sup>۱</sup>

کسی که یک روز را به خاطر امتثال امر خداوند روزه گرفته است، در وقت افطار پاداشی از جانب پروردگارش دارد و آن اجابت دعایش می‌باشد. چه زیباست که انسان قدرشناس، این پاداش را تقدیم به مولای خود کند و برای تعجیل فرج ایشان دعا کند. اگر این مولای مهربان ببیند که یکی از دوستانش، جایزه‌ی دریافتی خود را به ایشان تقدیم کرد، آیا بهترین پاداش‌ها و جوایز را از خداوند برای این دوست خود طلب نمی‌کند؟ آیا خودش که صاحب و مالک خزائن الهی است، به بهترین وجهی احسانِ دوست خود را تلافی نخواهد کرد؟ حاشا و کلا!

۵- مورد بعدی دعای فرد بیمار است<sup>۲</sup>، به خصوص در حق کسی که به عیادت او می‌رود.<sup>۳</sup> خداوند به تلافی درد و رنجی که بیمار تحمل می‌کند، وعده‌ی استجاب دعا را به او داده است. آیا وقتی بیمار می‌شویم، توجه داریم که فرصتی برای دعا در حق امام زمان علیه السلام به دست آورده‌ایم که حیف است آن را در مسیر دیگری مورد استفاده قرار دهیم؟ اگر همه‌ی بیماران شیعه با توجه به این فرصت خدادادی، دعای مستجاب خود را خرج مولایشان کنند، آیا تأثیری در تعجیل فرج ایشان نخواهد داشت؟

آیا می‌دانیم که طبق فرموده‌ی امیر مؤمنان علیه السلام<sup>۴</sup> هر مؤمنی که مریض می‌شود، امام زمانش هم به خاطر بیماری او بیمار می‌شوند؟! و اگر دعایی کند، امام زمانش به دعای او آمین می‌گویند؟! بیماری آن حضرت در بیماری شیعه‌اش همچون بیمار شدن مادر است به خاطر بیماری فرزندش که به سبب شدت علاقه و محبت به او، چنین می‌شود و قطعاً امام زمان علیه السلام برای فرزندان از مادر در حق فرزند، مهربان‌تر و دلسوزتر هستند. حال که این پدر مهربان در بیماری فرزندش چنان رنجور می‌شود که خود

۱. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۶۰، ح ۲۱، به نقل از الدعوات راوندی.

۲. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب من تستجاب دعوته، ح ۱.

۳. بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۲۱۷، ح ۱۰، به نقل از ثواب الاعمال.

۴. بصائر الدرجات، جزء ۵، باب ۱۶، ح ۱.

بیمار می‌گردد، آیا رسم انسانیت و مروّت نیست که آن فرزند در هنگام بیماری به فکر پدر و مولایش باشد و برای او دعا کند، به این امید که این دعا به آمین خود او مستجاب گردد؟

نکته‌ی دیگری که توجّه به آن در این بحث مفید و سازنده است، اینکه طبق نقل جناب حسین بن روح نوبختی نایب سوم امام زمان علیه السلام در زیارت رجبیه، شفای بیماران صرفاً به برکت اهل بیت علیهم السلام صورت می‌پذیرد. در همان زیارت خطاب به آن ذوات مقدّسه می‌خوانیم:

فَبِكُمْ يُجَبَّرُ الْمَهِيضُ وَ يُشْفَى الْمَرِيضُ.<sup>۱</sup>

شکستگی‌ها فقط به واسطه‌ی شما التیام پیدا می‌کند و بیماران صرفاً به سبب شما بهبودی می‌یابند.

این عبارات نشان می‌دهد که خداوند تنها صدقه‌ی سر امام عصر علیه السلام بیمار را شفا عنایت می‌فرماید. پس چقدر شایسته است که هر بیماری به خاطر سپاسگزاری از این واسطه‌ی نعمت، از دعا برای مولایش غفلت نکند تا مبتلا به کفران نعمت‌های الهی نگردد.

۶- یکی از دعاهایی که وعده‌ی اجابت آن داده شده، دعا در غیاب برادر مؤمن است. امام باقر علیه السلام فرمودند که چنین دعایی از پروردگار متعال محجوب نمی‌ماند و هر کس پشت سر مؤمنی برای او دعا کند، از جانب خداوند به او خطاب می‌شود:

وَ لَكَ مِثْلُهُ.<sup>۲</sup>

و مانند آنچه خواسته‌ای برای خودت است.

کدام برادر مؤمن را سراغ داریم که ایمانش از مولایمان امام زمان علیه السلام کامل‌تر و حقوقش بر ما بیشتر باشد؟ طبق این وعده‌ی الهی اگر کسی در غیاب آن حضرت، برای ایشان دعا کند، مشمول همان دعا از جانب خداوند خواهد شد و به فرموده‌ی پیامبر

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۹۵.

۲. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب من تستجاب دعوته، ح ۲.

اکرم صلی الله علیه و آله هیچ دعایی از دعای دیگری در حق برادر غائبش زودتر مستجاب نمی‌گردد.<sup>۱</sup>

بنابراین حیف است که از این فرصت برای دعا در حق بهترین برادر غایب خود، حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) استفاده نکنیم.

۷- از موارد دیگری که وعده‌ی اجابت دعا داده شده، وقتی است که به یک مؤمن فقیر کمک می‌شود، خداوند دعای آن نیازمند را مستجاب می‌فرماید.<sup>۲</sup> با این ترتیب هم مؤمن نیازمند و هم کسی که به او مساعدتی می‌کند، می‌توانند از این فرصت برای برآورده شدن حاجت‌هایشان استفاده کنند. اما حقیقتاً چند درصد از دوستان امام عصر علیه السلام از این امکان برای دعا در حق ایشان بهره‌برداری می‌کنند؟ آیا وقتی به فقیری کمک می‌کنیم، متذکر هستیم که به این وسیله فرصتی برای عرضه‌ی یک دعای مستجاب به پیشگاه خداوند فراهم نموده‌ایم؟ آیا خود آن مؤمن فقیر به این حقیقت توجه دارد؟

۸- یکی دیگر از دعا‌های مستجاب، دعای کودکی است از امت پیامبر صلی الله علیه و آله که هنوز به تکلیف نرسیده و مرتکب گناه نشده است.<sup>۳</sup> برخلاف آنچه گاهی مشاهده می‌شود که به کودکان در انجام عبادات اهمّیت چندانی داده نمی‌شود، در اسلام کودکانی که پدر یا مادر آنها مؤمن باشند، احترام خاصی دارند و عباداتشان می‌تواند صحیح و مقبول باشد. یکی از این عبادت‌ها، دعای ایشان است که طبق وعده‌ی رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله پذیرفته و مستجاب می‌باشد.

بنابراین ما می‌توانیم و باید برای دعا‌های کودکان امت اسلام حساب باز کنیم و برای برآورده شدن هر حاجتی - و در صدر همه تعجیل فرج مولایمان - از آنها بخواهیم دعا کنند یا خود دعا کنیم و آنان آمین بگویند. به همین جهت لازم است با برنامه‌ریزی‌های خاصّ تربیتی، کودکان خود را پیش از سنّ بلوغ با امام زمان علیه السلام

۱. همان، ح ۷.

۲. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۶۰، ح ۲۰، به نقل از الجواهر کراچی.

۳. همان، ص ۳۵۷، ح ۱۴، به نقل از صحیفة الرضا علیه السلام.

به طور شایسته آشنا کنیم تا زمینه برای اینکه اهل دعا در حق آن حضرت شوند، برایشان فراهم گردد. چه اشکالی دارد که فرزندان ما از ابتدای سنّ فهم و درک خود، دعا برای امام زمان علیه السلام را یاد بگیرند؟ چرا کودکان شیعه سال‌ها پیش از سنّ تکلیف بسیاری از مسائل غیر ضروری را یاد می‌گیرند، اما برنامه‌ای حساب شده براساس مشی تربیتی صحیح در جهت آشنایی با امام عصر علیه السلام و دعا برای آن حضرت، ندارند؟! گاهی همین کودکان از سنین طفولیت با اسامی ورزشکاران و هنرپیشگان داخلی و خارجی آشنا هستند ولی تکالیف ابتدایی خود را نسبت به امام زمانشان نمی‌دانند. آیا این امر معلول تقصیر والدین و مربیان آنان نیست؟

۹- یکی از دعاهایی که به فرموده‌ی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله شکی در مستجاب شدنش نیست، دعای مسافر است.<sup>۱</sup> این فرصتی است که معمولاً بدون هیچ زحمتی برای انسان فراهم می‌شود. آیا توجه داریم که از این فرصت می‌توانیم برای دعا در حق امام زمان علیه السلام و تعجیل فرج ایشان استفاده کنیم؟ حقیقتاً چند درصد از شیعیان از این امکان بهره‌برداری کامل می‌کنند؟

۱۰- آخرین موردی که در این بحث اشاره می‌کنیم، دعای قاری قرآن است. به فرموده‌ی امام مجتبی علیه السلام هر کس قرآن تلاوت کند، دعایش مستجاب است یا فوری و سریع (عاجل) و یا در آینده (آجل)<sup>۲</sup>. انصافاً از این همه قرائت قرآن که در میان مسلمانان انجام می‌پذیرد، چه تعدادی از آنها با دعای برای امام زمان علیه السلام همراه است؟ متأسفانه اکثریت قابل توجهی از قاریان قرآن - چون شیعه نیستند و اعتقاد صحیحی به امام عصر علیه السلام ندارند - از معرض این عبادت شریف بیرون هستند. اما شیعیان و دوستان آن حضرت چگونه؟ آیا این قاریان، از تلاوت قرآن در جهت دعا برای تعجیل فرج مولایشان بهره‌ی کافی می‌برند؟ آیا به اندازه‌ی حاجات شخصی خود، به این امر اهمیت می‌دهند؟

۱. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۲۵۸، ح ۱۷، به نقل از نوادر الزاوندی.

۲. همان، ص ۳۱۳، ح ۱۷، به نقل از الدعوات راوندی.



## ۱۰ - نیابت از زندگان و مردگان

یکی از آدابی که رعایت آن در دعا برای حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تأثیر بسزایی در اجابت دارد، دعا به نیابت از اهل ایمان است. نیابت در یک عمل به معنای انجام دادن آن از جانب «منوب عنه» است و نیابت در عبادت بابی است در فقه که شامل بسیاری از اعمال مستحبّ عبادی - از جمله دعا - می شود. در این جا قصد مطرح کردن ادله‌ی جواز نیابت را نداریم، این موضوع در جای خود مورد بحث قرار گرفته<sup>۱</sup> و اکنون تنها نیابت از یک مصداق عبادت یعنی دعا را مد نظر داریم.

ما می توانیم از جانب یک یا چند فرد دیگر دعا کنیم و با این کار «منوب عنه» را در دعای خود شریک کنیم. این نیابت انگیزه‌های مختلفی دارد: گاهی می خواهیم خیری به دیگری برسانیم، از جانب او دعا می کنیم تا این عمل عبادی در نامه‌ی عمل او ثبت گردد؛ گویی خود او این عمل را انجام داده است. گاهی هم می خواهیم دعایمان به اجابت نزدیک تر شود، لذا از جانب مؤمن آبرومندی دعا می کنیم تا خداوند به خاطر او دعایمان را اجابت کند. در نیابت از دیگری فرقی بین زنده و مرده نیست چنانچه بین یک یا چند نفر هم تفاوتی وجود ندارد. می توانیم از یک یا چند فرد زنده یا مرده نیابت کنیم یا از عده‌ای که برخی از آنها مرده و برخی دیگر زنده هستند. اگر از جانب تعداد زیادی نیابت کنیم، بهره و حظّ هر یک، کمتر از وقتی که فقط از یک نفر نیابت کنیم، نمی شود. با این ترتیب می توانیم بسیاری از عبادت‌های مستحبّی خود - از جمله دعا - را به نیابت از تعداد زیادی زن و مرد مؤمن انجام دهیم تا هم آنها را در عبادت خود شریک نماییم و هم به خاطر آبرویی که حداقل برخی از آنها نزد خدا دارند، دعایمان زودتر به اجابت برسد.

دعا در حقّ امام عصر علیه السلام هم از این قاعده‌ی کلی مستثنا نیست. اگر می خواهیم دعای ما برای مولایمان هم برای خودمان بیشتر فایده داشته باشد و هم خیر بیشتر به

۱. به عنوان نمونه در کتاب «در ضیافت ضریح» بخش سوم، فصل سوم بحث مختصر و مستندی در مورد انجام عبادت به نیابت مطرح شده است.

دیگران و خود امام زمان علیه السلام برساند، خوب است که در دعاها ایمان سایرین را شریک کنیم و به نیابت از آنان دعا کنیم. البته نیت نیابت در عبادت باعث نمی‌شود که در صورت قبولی آن - چیزی از بهره‌ی ما در عبادت کاسته شود، بلکه به دلایلی که گفتیم احتمال بهره بردن ما را بیشتر می‌کند. بنابراین نیابت از دیگران، ما را از زمره‌ی عاملان آن عبادت، خارج نمی‌سازد.

نمونه‌هایی از این‌گونه دعا کردن را در آنچه از ائمه‌ی اطهار علیهم السلام به ما رسیده است، مشاهده می‌کنیم. در همین دعای عهد معروف که از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل شده و فضائل زیادی برای خواندن آن در چهل صبح ذکر فرموده‌اند.<sup>۱</sup> چنین می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ  
عَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ  
مَغَارِبِهَا وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ عَنِّي وَ عَنِّ وَ عَنِّ وَ عَنِّ مِنَ  
الصَّلَوَاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ وَ مَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ وَ أَحَاطَ بِهِ  
كِتَابُهُ.<sup>۲</sup>

این عبارات، دعایی است در حق امام زمان علیه السلام که دعا کننده از خدا می‌خواهد که بالاترین درودها و رحمت‌های خود را - به اندازه عرش خدا و جوهر کلمات او و آنچه مشمول علم خدا گردیده و در کتابش گنجانده شده - بر وجود مقدس مهدی قائم علیه السلام ارزانی کند. در این جا دعا کننده تصریح نموده که این درخواست را از جانب خودش و پدر و مادرش و همه‌ی مردها و زنان با ایمان در سراسر زمین - دشت و کوه و خشکی و دریا - مطرح می‌کند. این یک نمونه از دعایی است که دعا کننده افراد بسیار زیادی را

۱. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: هر کس چهل صبح این دعا را بخواند، از یاوران قائم علیه السلام باشد. اگر پیش از ظهور ایشان بمیرد، خدای متعال او را از قبرش بیرون می‌آورد و به ازاء هر کلمه‌ی دعا، هزار حسنه به او عطا می‌فرماید و هزار بدی را از او محو می‌سازد. (بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۵، ح ۱۱۱، به نقل از مصباح الزائر)

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۶، ح ۱۱۱، به نقل از مصباح الزائر.

در عمل خود شریک می‌گرداند و با این کار هم خیری به آنان می‌رساند و هم اجابت دعایش را سهل‌تر و سریع‌تر می‌سازد. هر چند در این دعا صراحتاً نیابت از دیگران مطرح شده ولی لزومی ندارد که همیشه چنین باشد و نیابت صرفاً با نیت شخص تحقق پیدا می‌کند. همین که انسان در قلب خود از جانب یک یا چند فرد قصد نیابت کند، آثار آن بر عملش مترتب می‌شود و نیازی نیست که نیت خود را به زبان آورد.

با این ترتیب ما می‌توانیم در همه‌ی دعاهایی که در حقّ امام عصر علیه السلام به خصوص تعجیل فرج ایشان می‌خوانیم، قصد نیابت کنیم و افراد زیادی را در این عمل شریف، شریک خود قرار دهیم. در این کار به خصوص ذوی الحقوق خود را نباید فراموش کنیم که در رأس آنها خود امام زمان علیه السلام هستند. پس از ایشان کسانی که ما را با دین خدا و ائمه‌ی هدی علیهم السلام آشنا کرده و ارادت ورزی به اهل بیت علیهم السلام را به ما آموخته‌اند، همچنین پدر و مادر و پدران و مادرانی که اگر ایشان نبودند، خیری به ما نمی‌رسید. بعد از اینها نوبت می‌رسد به سایر ذوی الحقوق اعم از اساتید، فرزندان، ارحام و ... . در میان ذوی الحقوق، علما و دانشمندان بزرگ شیعه که سهم وافری در ضبط معارف الهی و رساندن آن به نسل‌های بعدی داشته‌اند - همچون علامه کلینی و مرحوم شیخ صدوق و علامه مجلسی و ... - نباید فراموش شوند. به هر حال قصد نیابت باب پر برکتی است که با ورود به آن، خیرات غیر قابل وصفی نصیب انسان می‌گردد. انشاء الله دوستان امام زمان علیه السلام از این امکان برای زودتر اجابت شدن دعاهایشان در حقّ آن حضرت استفاده کافی ببرند.

## فصل پنجم ۵

### دعای ماثور و غیر ماثور برای امام زمان علیهما السلام

پس از اینکه با چگونگی دعا برای امام زمان علیه السلام آشنا شدیم، اکنون در آخرین فصل این بخش اشاره‌ای خواهیم داشت به برخی از دعاهایی که می‌توانیم در حق مولا ایمان داشته باشیم. به طور کلی دعاهای ما دو گونه هستند: یا متن و عبارت آنها عیناً از زبان یا قلم معصوم علیه السلام صادر شده و یا غیر معصومین آنها را انشا کرده‌اند. قسم اول را دعاهای ماثور می‌نامیم چون از ناحیه‌ی مقدسه‌ی معصومین علیهم السلام به ما رسیده است و قسم دوم، دعاهای غیر ماثور هستند که شامل دعاهایی که خودمان - به زبان فارسی یا هر زبان دیگری - انشا می‌کنیم، می‌گردد. ابتدا به بحث درباره‌ی دعاهای غیر ماثور می‌پردازیم.

#### الف - دعاهای غیر ماثور

اولین نکته این است که دعا به معنای خواندن خداست و ما مجازیم که به هر زبانی خداوند را بخوانیم به شرط آنکه عبارات ما دالّ بر تشبیه پروردگار نباشد. تشبیه به این است که مثلاً او را جسم یا جسمانی بدانیم و تعبیری را به کار ببریم که دلالت بر جسمانیت ذات مقدّس خداوند داشته باشد. بنابراین اگر کسی خدای خود را انسان‌گونه بخواند - مثلاً برای او دست و پا و گوش و زبان شبیه آنچه در انسان‌هاست، قائل شود - مرتکب تشبیه شده است. اگر با هر زبانی که دعا می‌کنیم، چنین انحرافات

در عباراتمان نباشد، انشاء دعا اشکالی ندارد.

البته نوع خواندن خداوند در حالات مختلف، مختلف است. گاهی می‌خواهیم به طور ساده بگوییم: «خدایا ظهور مولای ما را برسان». این‌گونه دعا کردن پیچیدگی خاصی ندارد و برای همگان میسر و ممکن است. کافی است از لفظی که بر ذات خداوند دلالت می‌کند معنایی که دال بر تشبیه باشد، اراده نکنند. گاهی الفاظی برای حکایت از پروردگار متعال به کار می‌رود که معنای تشبیهی دارند و دعاکننده از روی جهل همان معنای باطل را اراده می‌کند. این‌جا باید او را متذکر خطایش نمود تا از ورطه‌ی تشبیه ناخواسته، به درآید. اما اگر با علم به اینکه لفظ دال بر تشبیه است، آن را بر خداوند اطلاق نماید و همان معنای تشبیهی - مثلاً جسمانیت - را اراده کند، مرتکب خطای نابخشودنی شده و دعایش مردود است.

پس نوع افراد عادی در دعاهایی که به زبان ساده - فارسی، عربی و ... - می‌کنند، نیاز به معلومات چندانی در معارف دینی ندارند. اما اگر از این سادگی درآید و کسی بخواهد از حدّ به کار بردن الفاظی که فقط بر وجود مقدّس پروردگار دلالت می‌کند، بالاتر رود؛ باید با علوم و معارف دینی آشنایی داشته باشد. مثلاً اگر بخواهد در مقدمه‌ی دعا به حمد و ثنای الهی پردازد یا در ضمن دعا به مسائلی همچون قضا و قدر و بداء اشاره نماید، باید معنای صحیح تحمید و توصیف خدا و معانی اصطلاحات خاصّ قرآنی و روایی را بداند و این کار از سطح دانش نوع عوام بالاتر است. کسانی صلاحیت این‌گونه دعا کردن را دارند که با معارف توحیدی اهل بیت علیهم‌السلام آشنایی خوب و قابل قبولی دارند. این‌گونه افراد معمولاً در دعاهایی که انشا می‌کنند از عین عبارات ائمه علیهم‌السلام یا حدّ اقل مضامین آنها استفاده می‌کنند، چون با زبان ایشان مأنوس هستند و به طور معمول چیزی خارج از حوزه‌ی معارف اهل بیت علیهم‌السلام به زبان نمی‌آورند.

یکی از بهترین نمونه‌های این‌گونه دعا، دعای معروف «عالية المضامين» است که در کتب ادعیه همچون «مفاتیح الجنان» نقل شده است. این دعا با اینکه مأثور از معصوم علیه‌السلام نیست اما الفاظ آن یا عیناً الفاظ احادیث است و یا همان مضامین را - با

مختصر اختلافی در تعبیر - در بر دارد. همین ویژگی نشان می دهد که فرد یا افرادی که این دعا را انشا کرده اند، از علمای آشنا به معارف اهل بیت علیهم السلام بوده اند.

نمونه ای از این دانشمندان، مرحوم علامه سید بن طاووس - متوفای سال ۶۶۴ هجری قمری - است که میزان احاطه ای ایشان به ادعیه ی ماثور از ائمه علیهم السلام از کتاب های ارزشمندی چون «اقبال الاعمال» و «مهج الدعوات» و «جمال الاسبوع» پیدا است. ایشان در برخی از کتابهایش دعاهایی را که خود انشا کرده، نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### مقایسه ی دعای غیر ماثور همراه با حضور قلب با دعای ماثور بدون آن

نکته ای که در مورد دعاهای غیر ماثور جالب توجه است اینکه گاهی انسان اگر از روی مکتوبی دعایی را که از ائمه ی اطهار علیهم السلام نقل شده بخواند، توجه و حضور قلب چندانی به محتوا و مضمون آن ندارد، اما اگر با زبان خودش متناسب با حال درونی اش دعا کند، با اقبال و رقت قلب بیشتری همراه است. در این صورت خوب است که از حال شخصی اش برای انشاء دعا کمال استفاده را ببرد. در برخی از روایات به این نکته با بیان زیبایی اشاره کرده اند. نمونه ی آن روایتی است که زرارة از امام صادق علیه السلام نقل کرده است. می گوید:

از امام صادق علیه السلام خواستم تا دعایی به من تعلیم فرماید.

ایشان فرمودند:

إِنَّ أَفْضَلَ الدُّعَاءِ مَا جَرَى عَلَى لِسَانِكَ.<sup>۲</sup>

بهترین دعا آن چیزی است که به زبانت جاری شود.

یک احتمالی که در معنای این جمله ی امام علیه السلام می توان داد اینکه مراد دعایی است که انسان به اقتضای حال درونی اش به زبانش جاری می شود. آنچه به طور طبیعی به زبان می آید، از نیازی ناشی می شود که قلباً احساس می کند. به همین جهت اقبال قلبی

۱. مراجعه کنید به مهج الدعوات ص ۵۴۱ و ۵۴۲ تحت عنوان «دعوات للمؤلف».

۲. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۷۱، باب ۶۲، ح ۱.

در آن وجود دارد و همین شرایط اجابت آن را بهتر فراهم می‌سازد. شاید - همان طور که مؤلف کتاب «مکیال المکارم» استنباط کرده - بتوان از فرمایش امام صادق علیه السلام استفاده کرد که: دعای غیر ماثور همراه با حضور قلب از دعای ماثور بدون حضور قلب افضل می‌باشد.<sup>۱</sup>

با این ترتیب هر چند که دعای ماثور به طور مطلق از دعای غیر ماثور بهتر است، اما شرایط روحی دعا کننده هم باید در نظر گرفته شود. اگر بتواند دعای نقل شده از ائمه علیهم السلام را با حضور قلب بخواند، بهتر از این است که خودش دعایی انشا کند.

کسانی که معنای دعای ماثور را می‌فهمند و هنگام خواندن دعا همان معنا را قصد می‌کنند، حضور قلب بیشتری در دعا دارند نسبت به کسانی که موقع دعا خواندن چیزی از معنای آن سر در نمی‌آورند. اینها اگر حالی هم پیدا کنند، برخاسته از معانی دعا نیست بلکه از غیر متن دعا ناشی می‌شود. در این صورت با اینکه صرف خواندن دعای ماثور مصداق عبادت و امتثال فرمایش امام علیه السلام است و اگر از خیر آن بگذرند، فضیلت خواندن آن دعا را از دست می‌دهند، اما از جهت دیگر وقتی با دعایی که به مقتضای حالشان به زبانشان جاری می‌شود، حضور قلب بیشتری پیدا می‌کنند و می‌فهمند که چه می‌گویند، خوب است که در کنار خواندن دعای ماثور یا - اگر کسب فضیلت آن دعا برایشان مهم نیست - به جای خواندن آن، به زبان خودشان دعا کنند و آنچه می‌خواهند را از پیشگاه الهی با حال خودشان درخواست نمایند.

بر این اساس، در دعا برای امام زمان علیه السلام و تعجیل فرج ایشان هم نباید از این امر غفلت شود. دعاهای زیادی در این خصوص از ائمه علیهم السلام اطهار علیهم السلام نقل شده که خواندن آنها - هر چند که همه علیهم السلام معانی را نفهمیم - مصداق عبادت و دعا برای حضرت هست؛ اما گاهی انسان اگر به زبان و مقتضای حال خود برای امام زمان علیه السلام دعا کند، حضور قلب بیشتری پیدا می‌کند. گاهی انسان چیزهایی را از خدا برای امامش می‌خواهد که به زبان دلخواهش در دعاهای ماثور نیست یا او سراغ ندارد. این جا بهتر است یا در کنار دعاهای ماثور و یا بجای آن - بسته به اینکه بخواهد از فضیلت دعای

ماثور بهره مند شود یا خیر - به همان زبانی که دوست دارد و می فهمد که چه می گوید، برای امامش دعا کند و تعجیل فرج آن حضرت را از خداوند طلب نماید.

ولی اگر انسان معانی دعاها را ماثور برای امام زمان علیه السلام را می فهمد و می تواند با توجه و قصد کردن مضامین آنها، با حضور قلب همان دعاها را بخواند، بسیار بهتر از این است که به زبان خودش دعا کند. در مجموع جمع کردن بین دو گونه دعا کردن، بهترین کار است. هم از خیر خواندن دعاها ماثور نگذرد و هم اگر حال حضور قلبی در دعا به زبان خودش پیدا می کند، به آن هم در کنار دعای ماثور عمل نماید.

انسان به تعبیر مختلفی می تواند برای تعجیل فرج مولایش دعا کند که شاید برخی از آنها در دعاها ماثور نیامده باشد، مثلاً اینکه: «خدایا دعای کسانی که دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام می کنند را مستجاب فرما» یا اینکه: «خدایا تعداد دعا کنندگان برای تعجیل فرج را بیشتر کن» این گونه دعاها به صورتی که انسان به زبان خودش می تواند بگوید، در دعاها ماثور نیامده است و بنابراین خوب است که در کنار آنها از خیر این گونه دعا کردن نگذریم.

## ب - دعاها ماثور

### برتری دعاها ماثور بر غیر ماثور

دعای ماثور دعایی است که از ناحیهی معصوم علیه السلام به ما رسیده و الفاظش انشای فرد عادی نیست. اگر بخواهیم خدا را بخوانیم، به چه الفاظی بهتر است؟ آیا معصومین علیهم السلام بهتر از دیگران خدا را خوانده اند؟ یکی از آداب بسیار مهم دعا، مقدم کردن توصیف خدای متعال است. در این مقام ما بهتر می توانیم خدا را توصیف کنیم یا اهل بیت علیهم السلام که آنچه از توحید و اسماء و صفات پروردگار یاد گرفته ایم، به تعلیم ایشان است؟ ما می بینیم که صحیح ترین و گویاترین و دلنشین ترین مناجات ها با خدای متعال از زبان معصومین علیهم السلام نقل شده است. غیر ایشان نتوانسته و نمی تواند مانند آنها خداوند را بخواند. در بسیاری موارد مشاهده می کنیم که افراد دیگر در مقام توصیف پروردگار مطالبی به زبان می آورند که بعضاً اشتباه است. مثلاً الفاظ، دال بر تشبیه



خداوند می‌باشد و اگر هم صحیح باشد، به یقین از خود اهل بیت علیهم‌السلام اخذ شده است. لذا می‌توانیم ادعا کنیم که هیچکس در شناخت صحیح خدای متعال بی‌نیاز از تعلیم خاندان عصمت و طهارت نیست و هر کس اگر مطلب صحیحی در باب توحید و معرفة الله می‌گوید - چه بداند و چه نداند - آن را از سرچشمه‌ی وحی دریافت کرده و واسطه‌اش وجود مقدس معصومین علیهم‌السلام بوده‌اند. این موضوع درباره‌ی فرشتگان الهی هم که:

لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ<sup>۱</sup>

فرشتگان در گفتار از خداوند سبقت نمی‌جویند و صرفاً به امر او عمل می‌کنند.

صادق است چه رسد به افراد عادی. طبق آنچه در احادیث متعدد نقل شده است، ملائکه تسبیح و تهلیل و تحمید پروردگار را از اهل بیت علیهم‌السلام آموخته‌اند. به‌عنوان نمونه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ضمن فرمایشات مفصلی به امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند:

... فَسَبَّحَتِ الْمَلَائِكَةُ لِتَسْبِيحِنَا ... فَبِنَا اهْتَدَوْا إِلَى مَعْرِفَةِ (تَوْحِيدِ) اللَّهِ تَعَالَى وَ تَسْبِيحِهِ وَ تَهْلِيلِهِ وَ تَحْمِيدِهِ<sup>۲</sup>

... فرشتگان به خاطر تسبیح ما، (خدا را) تسبیح کردند ... پس به سبب ما به معرفت (توحید) خدای متعال و تسبیح و تهلیل و تحمید او هدایت شدند.

با این ترتیب روشن است که هیچکس در نحوه‌ی بندگی خداوند - که توصیف و تحمید او هم از مصادیق آن است - از تعالیم اهل بیت علیهم‌السلام بی‌نیاز نیست. پس قطعاً بهترین ثناها و عمیق‌ترین مناجات‌ها و دلنشین‌ترین دعاها را در کلمات خاندان عصمت و طهارت می‌توان یافت و این یکی از ادله‌ی ترجیح دعای مأثور بر غیر مأثور است.

جنبه‌ی دیگری که ملاک فضیلت دعای مأثور بر غیر مأثور است، ثواب‌هایی است

۱. انبیاء / ۲۷.

۲. کمال الدین، باب ۲۳، ح ۴.

که بر خواندن دعای ماثور مترتب می‌باشد. نوع دعا‌هایی که از معصومین علیهم السلام نقل شده دارای فضایی است که برای خواندن آنها بیان شده و شرط درک آنها دانستن معانی و توجه به محتوای آن نیست. بنابراین می‌توان یک دعای ماثور را فقط برای درک ثوابش قرائت کرد. البته اگر خواننده‌ی دعا معانی آن را بداند و در ضمن خواندن، قصد همان معانی را بکند قطعاً اولی و افضل است، ولی چنین نیست که در فرض عدم درک معانی، ثوابی بر خواندن آن مترتب نباشد. بهترین حالت این است که انسان با عنایت به مضامین دعا‌های ماثور، مطابق آنچه اهل بیت علیهم السلام فرموده‌اند، دعا بخواند یعنی تا آنجا که می‌تواند از همان ادعیه‌ی ماثوره استفاده کند و در کنار آنها با زبان و انشاء خودش هم آنچه می‌خواهد - به شرط صحت - از خدایش طلب نماید. در این صورت هم فضیلت خواندن دعا‌های ماثور را درک کرده و هم با حال و قلب خودش آنچه را که می‌خواسته به زبان آورده است.

### اهتمام ائمه‌ی طاهرین علیهم السلام به دعا در حق امام عصر علیه السلام

با توجه به این مقدمه، باید به دعا‌هایی که از اهل بیت علیهم السلام در خصوص امام عصر علیه السلام و تعجیل فرج ایشان وارد شده، اهمیتی خاصی بدهیم. ما می‌دانیم که همه‌ی ایشان اهتمام زیادی به دعا در حق امام زمان علیه السلام داشته‌اند. خوب است به اظهار نظر یکی از والاترین صاحب نظران در این خصوص توجه نماییم:

پوشیده نیست بر کسی که تتبع و ممارست در حالات و دعوات ائمه‌ی طاهرین علیهم السلام داشته باشد، اینکه چه قدر اهتمام در امر دعا نمودن به حضرت صاحب الزمان علیه السلام و مسئلت فرج آن جناب از خداوند عالمیان جلّ شأنه داشته و دارند. و اگر بخواهی اندکی بر صدق این مدعی آگاه شوی، ملاحظه کن دعای حضرت امیر علیه السلام را در ضمن حدیث مروی در «غیبت نعمانی» و دعای حضرت سیدالساجدین علیه السلام را در روز عرفه در «صحیفه‌ی سجادیّه» و بعد از نماز ظهر و نماز عصر روز جمعه مروی در «جمال الاسبوع»، و دعای حضرت صادق علیه السلام را به آن حضرت بعد از نماز ظهر مروی در «فلاح

السَّائِلُ» و «بحار»، و دعای آن حضرت را صبح بیست و یکم ماه رمضان مروی در «اقبال» و دعای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام را بعد از نماز عصر، مروی در «فلاح السائل» و دعای حضرت امام رضا علیه السلام را مروی در «جمال الاسبوع» و دعای امام محمد تقی علیه السلام را مروی در «کافی»، و دعای امام حسن عسکری علیه السلام مروی در «مُهَجِّجُ الدَّعَوَاتِ»، و دعای مروی از خود آن جناب مروی در «کمال الدین» و قنوت نماز ظهر جمعه مروی در «جمال الاسبوع» و دعای بعد از دو رکعت اولی نماز نافله‌ی شب، مروی در «مصباح المتهجد» و «مفتاح الفلاح» و دعای روز بیست و پنجم ماه ذی قعدة، و دعای صبحهای روزهای جمعه و دعای بعد از نمازهای فریضه، و دعای وقت رفتن به مسجد در روز جمعه، و دعای افتتاح و غیر اینها، که ذکرش موجب طول است. بلکه از عبارت دعای روز عرفه، و روایت مرویه در «جمال الاسبوع» در باب قنوت روز جمعه و بعض ادله‌ی دیگر، ظاهر می‌شود که مؤمن هر دعایی که می‌نماید، باید ابتدا کند به دعای از برای حضرت صاحب الزمان «عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ وَ ظَهْرَهُ»<sup>۱</sup>.

دعاهای ائمه علیهم السلام در حق امام زمان علیه السلام مضامین مختلفی دارد. عموم آنها شامل درخواست سلام و صلوات از خداوند برای ایشان است، و در بیشتر آنها تأکید خاص بر تعجیل فرج آن حضرت به چشم می‌خورد و در بسیاری از آنها نیز برای اعوان و انصار ایشان - چه در زمان غیبت و چه ظهور - دعا کرده‌اند. مهم‌ترین دعا در حق امام عصر علیه السلام، دعا برای تعجیل فرج ایشان می‌باشد که به تصریح امام صادق علیه السلام - در دعای صبح بیست و یکم ماه مبارک رمضان - فرج همه‌ی اولیا و برگزیدگان خدا به آن حاصل می‌شود. عین عبارت ایشان این است:

أَسْأَلُكَ ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَنْ تَأْذِنَ لِفَرَجِ مَنْ بِفَرَجِهِ  
فَرَجُ أَوْلِيَائِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ مِنْ خَلْقِكَ ... عَجَّلْ ذَلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.<sup>۲</sup>

۱. مرحوم میرزا محمد تقی اصفهانی، کنز الغنائم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام، ص ۷۲ و ۷۳.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳، ح ۱۴، به نقل از کمال الدین.

(خدایا) از تو می‌خواهم ... که بر محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت او درود بفرستی و اجازه فرمایی فرج کسی را که فرج همه‌ی اولیا و برگزیدگان از آفریدگان به فرج اوست ... ای پروردگار عالمیان در این امر تعجیل فرما.

سؤالی که در این جا به ذهن می‌رسد این است که: دعا برای تعجیل فرج امام دوازدهم در زمان امامان گذشته چه وجهی دارد؟ ما که در زمان غیبت ایشان به سر می‌بریم، وقتی برای جلو افتادن ظهور آن حضرت دعا می‌کنیم، معنایش این است که می‌خواهیم خداوند هر چه زودتر به ایشان اجازه‌ی آشکار شدن بدهد. اما در زمان ائمه‌ی پیشین علیهم السلام - که امام دوازدهم یا هنوز متولد نشده بودند و یا کودکی چند ساله بودند که هنوز به امامت هم نرسیده بودند - جلو افتادن ظهور چه معنایی دارد؟

پاسخ این سؤال با اندک تأملی روشن می‌شود. امامان گذشته از زمان حیات خودشان نگران وضعیت زمان غیبت آخرین وصی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله بوده‌اند و برای رهایی زودتر ایشان و امتشان از رنج‌ها و سختی‌های این زمان دعا می‌کرده‌اند.

ائمه علیهم السلام از پیشگویی‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که از غیبت طولانی آخرین وصی خود پیش از ظهورش خبر داده بودند، اطلاع داشتند.<sup>۱</sup> همچنین از اینکه مدت زمان غیبت ایشان امری قابل بداء می‌باشد نیز آگاه بودند. بنابراین ملاحظات، دعای ایشان برای تعجیل فرج آخرین امام علیه السلام به این منظور بوده که خداوند مدت زمان غیبت آن حضرت را کوتاه‌تر کند تا هم خود ایشان و هم منتظران ظهورش رنج کمتری از دوران غیبت متحمل شوند و وعده‌ای که خدا به اولیایش داده است، زودتر محقق گردد.

### دعای امام عصر علیه السلام برای تعجیل فرج خویش

باید توجه داشت که دعاهای ائمه علیهم السلام برای تعجیل فرج اختصاص به زمان امامان گذشته نداشته و تا زمان ظهور امام زمان علیه السلام ادامه دارد. این حقیقت را می‌توانیم از دو جهت توضیح دهیم: یکی اینکه خود امام عصر علیه السلام هم برای جلو افتادن ظهورشان دعا

۱. به عنوان نمونه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: يَظْهَرُ بَعْدَ غَيْبَةِ طَوِيلَةٍ؛ پس از غیبتی طولانی ظهور

می‌کند. (کمال الدین، باب ۲۴، ح ۲)

می‌کنند و قطعاً هیچ فرد زنده‌ای در حال حاضر به اندازه‌ی خود حضرت اهتمام به این امر ندارد. دلیلی که می‌توانیم برای این ادعا ارائه نماییم، این است که دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام یک عبادت بسیار ارزشمند و شریف است که روایات زیادی بر انجام آن تأکید کرده‌اند. هر کس درجه‌ی ایمانش بالاتر باشد، در عمل به این عبادت اهتمام بیشتری به خرج می‌دهد. روشن است که در زمان ما هیچ فرد زنده‌ای که ایمانش در رتبه‌ی امام عصر علیه السلام باشد، روی کره‌ی زمین یافت نمی‌شود. پس خود آن حضرت بیش از هر کس دیگری به این امر اهتمام دارند. برخی دعاهایی که از امام زمان علیه السلام در این خصوص نقل شده نشانگر شدت این اهتمام است. نمونه‌ی روشن آن را در فرازهایی از دعای «عبرات» ملاحظه کردیم. نمونه‌ی دیگر در قنوت نماز ایشان نقل شده که قسمتی از آن چنین است:

فإِنَّكَ اللَّهُمَّ قُلْتَ: ... «فَلَمَّا آسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ»<sup>۱</sup> وَ إِنَّ الْغَايَةَ عِنْدَنَا قَدْ تَنَاهَتْ وَ إِنَّا لِنَغْضِبِكَ غَاظِبُونَ وَ إِنَّا عَلَى نَصْرِ الْحَقِّ مُتَعَاصِبُونَ وَ إِلَى وُرُودِ أَمْرِكَ مُشْتَاقُونَ وَ لِإِنْجَازِ وَعْدِكَ مُرْتَقِبُونَ وَ لِحُلُولِ وَعِيدِكَ بِأَعْدَائِكَ مُتَوَقِّعُونَ.<sup>۲</sup>

پس خدایا تو خود فرمودی: «پس آنگاه که ما را اسفناک ساختند، ما از ایشان انتقام گرفتیم» و به راستی که مهلت و فرصت (برای ظالمان و جباران) نزد ما به سر آمده و ما برای خشم تو خشمگین هستیم و ما بر یاری حق، همدستان هستیم و به صدور فرمانت مشتاقیم و در انتظار تحقق وعده‌ات هستیم و چشم به راه فرا رسیدن تهدیدهایت نسبت به دشمنانت هستیم.

اینکه حضرت در دعا عرضه داشته‌اند که مهلت ظالمان از نظر ایشان پایان یافته است، معنایش این نیست که خدای نا کرده خواسته باشند در کار خداوند پیش از صدور فرمان او، شتاب بورزند یا اینکه از قضای الهی در مورد غیبت خویش اعلام

۱. زخرف / ۵۵.

۲. مهج الدعوات، ص ۱۵۰ و ۱۵۱، متن کامل این قنوت در بخش سوم کتاب آمده است.

عدم رضایت کنند. هیچ مؤمنی به چنین اشتباه بزرگی نمی لغزد، چه برسد به امامی که مظهر ایمان کامل و بنده‌ی بی نظیر خداوند در زمان حاضر می باشند. ایشان بیشترین و کامل ترین درجه‌ی تسلیم و رضا را نسبت به خواست خداوند و امر او دارا هستند. این جمله‌ی حضرت در حقیقت بیان حال خود ایشان و زبان شکایت - البته همراه با رضایت - از دردهایی است که ایشان در این زمان دارند. وقتی به خدای خویش عرضه می دارند که فرصت از نظر ما تمام شده است، می خواهند نهایت ناراحتی و رنج خود را از غم و غصه‌های خویش - البته به خاطر خدا و برای رضای او - بیان کنند. در ادامه عرضه داشته‌اند که خشم ایشان خشم خداست و در عین حال مشتاقانه منتظر صدور فرمان الهی برای ظهور خود هستند.

در دعای دیگری هم که از وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام در تعجیل فرج خودشان نقل شده چنین آمده است:

يا نُورَ النُّورِ يا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ ... اجْعَلْ لِي وَلِشِيعَتِي مِنَ الضِّيقِ فَرَجًا وَمِنْ  
الْهَمِّ مَخْرَجًا وَ أَوْسَعَ لَنَا الْمَنْهَجَ وَ أَطْلِقْ لَنَا مِنْ عِنْدِكَ مَا يُفْرِّجُ.<sup>۱</sup>

ای نور روشنایی و ای تدبیر کننده‌ی امور ... برای من و شیعیانم گشایشی از تنگناها و راه نجاتی از ناراحتی‌ها قرار بده و راه (پیروزی) را برای ما وسیع گردان و از جانب خود آنچه فرج ما را برساند بر ما ارزانی دار.

تعبیر «ضیق» به معنای تنگنا که در این دعا به کار رفته است، به خوبی حال امام علیه السلام را نشان می دهد؛ به خصوص که ایشان برای خود و شیعیانشان از خداوند خروج از تنگناها و خلاصی از غم و غصه‌ها را خواسته‌اند و این هم اشاره‌ای است به این حقیقت که پدر مهربان امت در گرفتاری‌ها و رنج‌های فرزندان خویش، مغموم و گرفتار می شوند.<sup>۲</sup>

دعای دیگری از آن حضرت در قنوت نمازشان نقل شده که در آن اصرار و الحاح

۱. المصباح (کفعمی)، ص ۳۰۵.

۲. سلوک منتظران، ص ۱۳۹ تا ۱۴۱.

ایشان بر درخواست تعجیل فرج از خدای متعال واضح و روشن می‌باشد. ایشان در این دعا پس از حمد و ثنای الهی، خدا را به ده اسم و به آنچه پیامبران اولوالعزم علیهم‌السلام دعا کرده‌اند، می‌خوانند. سپس به اسمی دعا می‌کنند که هر کس خدا را به آن بخواند، دعایش را اجابت می‌کند و در انتهای دعا با عبارات مختلف فرج خود را از خداوند درخواست می‌نمایند:

يَا مَنْ لَا يُخْلِفُ الْمِعَادَ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي وَاجْمَعْ لِي أَصْحَابِي وَ  
صَبْرَهُمْ وَأَنْصُرْنِي عَلَى أَعْدَائِكَ وَ أَعْدَائِ رَسُولِكَ وَلَا تُخَيِّبْ دَعْوَتِي  
فَإِنِّي عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أُمَّتِكَ أَسِيرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ ...<sup>۱</sup>

ای آنکه خلف وعده نمی‌کنی، وعده‌ای را که به من فرموده‌ای، محقق فرما و یارانم را برایم جمع کن و به آنان صبر بده و مرا (برای غلبه) بر دشمنان و دشمنان پیامبرت یاری کن و مرا از اجابت دعایم محروم مکن، همانا من بنده‌ی تو پسر بنده‌ات و پسر کنیزت و اسیری در دستان تو هستم.

همان‌طور که مرحوم سیدبن طاووس پس از نقل این قنوت‌ها اشاره کرده‌اند، از عبارات این دعاها حال روحی ایشان هنگام خواندن آنها برای ما روشن می‌شود. نتیجه اینکه تنها باقیمانده‌ی الهی - حضرت بقیة الله ارواحنا فداه - از اهل بیت عصمت و طهارت در حال حاضر برای تعجیل فرج خودشان - که فرج همه‌ی انبیا و اولیای الهی است - همواره دعا می‌کنند. این یک جهت از این حقیقت است که گفتیم دعا‌های ائمه علیهم‌السلام تا زمان فرارسیدن وعده‌ی فرج نهایی ایشان ادامه دارد.

#### دعای ارواح پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام در حق امام عصر علیه‌السلام

جهت دوم این است که علاوه بر خود امام زمان علیه‌السلام، ارواح پاک ائمه‌ی طاهرین علیهم‌السلام و رسول مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به همراه فرشتگان و ارواح پیامبران الهی نیز در زمان غیبت امام عصر علیه‌السلام برای تعجیل فرج ایشان دعا می‌کنند. یعنی دعا در حق امام

۱. مهج الدعوات ص ۱۵۳، متن کامل این دعا در بخش سوم کتاب آمده است.

زمان علیه السلام منحصر به افراد زنده روی کره‌ی زمین نیست، بلکه ارواح برگزیدگان و اولیای خداوند هم در این عبادت بزرگ سهیم هستند و بعید نیست که در نهایت دعاهای ایشان باعث صدور اذن ظهور از جانب خدای متعال گردد. ذکر یک نمونه‌ی زیبا از این دعاها بسیار آموزنده است. مرحوم نعمانی در بحث نشانه‌های پیش از ظهور امام زمان علیه السلام به سند خود از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمودند:

إِذَا كَانَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ أَهْبَطَ الرَّبُّ تَعَالَى مَلَكًا إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا، فَإِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ جَلَسَ ذَلِكَ الْمَلَكُ عَلَى الْعَرْشِ فَوْقَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ، وَ نُصِبَ لِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عليهم السلام مَنَابِرٌ مِنْ نُورٍ، فَيَصْعَدُونَ عَلَيْهَا وَ تُجْمَعُ لَهُمُ الْمَلَائِكَةُ وَ النَّبِيُّونَ وَ الْمُؤْمِنُونَ، وَ تُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ، فَإِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: يَا رَبِّ مِعَادَكَ الَّذِي وَعَدْتَ بِهِ فِي كِتَابِكَ، وَ هُوَ هَذِهِ الْآيَةُ: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيَبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»<sup>۱</sup> ثُمَّ يَقُولُ الْمَلَائِكَةُ وَ النَّبِيُّونَ مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ يَخْرُجُ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سُجَّدًا، ثُمَّ يَقُولُونَ: يَا رَبِّ اغْضَبْ فَإِنَّهُ قَدْ هُتِكَ حَرِيمُكَ وَ قُتِلَ أَصْفِيَاؤُكَ وَ أُذِلَّ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ، فَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ، وَ ذَلِكَ يَوْمٌ مَعْلُومٌ.<sup>۲</sup>

وقتی شب جمعه فرا برسد، پروردگار متعال فرشته‌ای را به پایین‌ترین آسمان فرو می‌فرستد. هنگام طلوع فجر آن فرشته روی عرش بر فراز بیت معمور می‌نشیند و منبرهایی از نور باری حضرت محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و حسن و حسین علیهم السلام گذاشته می‌شود؛ آنها بالای منبر می‌روند و فرشتگان و پیامبران

۱. نور / ۵۵.

۲. غیبت نعمانی، باب ۱۴، ح ۵۶.



و مؤمنان نزد آنان گرد آورده می‌شوند و درهای آسمان گشوده می‌گردد. وقتی ظهر فرا می‌رسد پیامبر خدا ﷺ عرضه می‌دارد: ای پروردگرم آن وعده‌ای را که در کتابت داده‌ای، برآورده فرما و آن این آیه است: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا ... آنگاه فرشتگان و پیامبران نیز همین را می‌گویند، سپس حضرت محمد ﷺ و علی علیه السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام به سجده می‌افتند و عرضه می‌دارند: خداوندا غضب فرما، چرا که حرمت را هتک نمودند و برگزیدگانت به قتل رسیدند و بندگان شایسته‌ات خوار و ذلیل شدند، آنگاه خداوند آنچه بخواهد انجام می‌دهد و این روزی است که (نزد خداوند) معلوم می‌باشد.

از ظاهر عبارت حدیث استفاده می‌شود که این دعای با اصرار در نزدیکی‌های ظهور امام عصر علیه السلام تحقق می‌یابد و به همین جهت مرحوم نعمانی آن را در فصل مربوط به نشانه‌های پیش از قیام حضرت آورده است. بر این اساس، شب و روز جمعه‌ای که در این حدیث آمده، مربوط به جمعه‌ی خاصی است که «یوم معلوم» نامیده شده است و شامل هر شب و روز جمعه نمی‌شود. مرحوم صاحب مکیال هم در توضیح آخرین جمله‌ی حدیث فرموده‌اند:

مراد زمان ظهور و استیلای حضرت صاحب الامر علیه السلام است، چنانچه در روایات دیگر تصریح شده.<sup>۱</sup>

به هر حال این نمونه‌ای از دعا‌های ارواح پاک پیامبر ﷺ و اهل بیت گرامی ایشان علیه السلام و پیامبران و مؤمنان است که در عالم برزخ برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام به درگاه الهی عرضه می‌دارند. ما از آن عالم بی‌خبر هستیم، اما مسلم است که ارواح بندگان صالح خدا که برای انجام عبادت آزادی عمل دارند، از دعا برای تعجیل فرج کوتاهی نمی‌ورزند. این جهت دومی است که می‌توانیم بگوییم دعای اهل بیت عصمت و طهارت در حق آخرین وصی پیامبر ﷺ تا ظهور ایشان ادامه خواهد داشت.

درسی که ما از این همه اهتمام اهل بیت علیه السلام برای دعا در حق امام عصر علیه السلام

۱. کنز الغنائم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام، ص ۷۴ و ۷۵.

به خصوص تعجیل فرج ایشان می‌گیریم، این است که از انجام این عبادت ارزشمند کوتاهی نکنیم و در تاسی به آن بزرگواران، دعاهایی که از آنان در این زمینه نقل شده را در صدر دعاهای خود برای امام زمان قرار دهیم.

ما در ادامه‌ی این فصل به نقل برگزیده‌ای از دعاهای ماثور درباره‌ی امام عصره می‌پردازیم که در مناسبت‌ها یا موقعیت‌های خاص خوانده می‌شود. اینها صرفاً از باب نمونه انتخاب شده‌اند و غرض، توجه کردن به گستره‌ی این دعاها و اهتمام ورزیدن به آنها در هر موقعیت مناسبی است. این نمونه‌ها را در هفت عنوان دسته‌بندی می‌کنیم:

### ۱ - دعا در قنوت نماز

یکی از بهترین حالات انسان برای دعا کردن، حال قنوت نماز است. ابوذر غفاری رضی الله عنه از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمودند:

أَطْوَلُكُمْ قُنُوتاً فِي دَارِ الدُّنْيَا أَطْوَلُكُمْ رَاحَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي الْمَوْقِفِ.<sup>۱</sup>

هر کدام از شما که در سرای دنیا قنوتش طولانی‌تر باشد، در موقف روز قیامت راحتی‌اش طولانی‌تر خواهد بود.

از ائمه علیهم السلام دعاهای طولانی در قنوت‌های نمازهایشان نقل شده که در این کتاب محل بحث ما نیست. در صفحات گذشته به دو قنوت از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اشاره کردیم که در آنها برای تعجیل فرج خود و اصحاب و یاران‌شان دعا کرده‌اند. علاوه بر اینها دعاهای مختصرتری که در همه‌ی اوقات خوانده می‌شود، در قنوت نباید فراموش گردد. دعای معروف:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيّاً وَ حَافِظاً وَ قَائِداً وَ نَاصِراً وَ دَلِيلاً وَ عَيْناً حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلاً.<sup>۲</sup>

۱. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۷۲.

۲. المصباح (کفعمی)، ص ۵۸۶، این دعا در فلاح السائل، ص ۴۶ و البلد الامین، ص ۲۰۳ و کافی،

مطابق آنچه در سندش آمده در همه‌ی اوقات خوانده می‌شود، پس می‌توانیم در قنوت نمازهای خود به خواندن آن مقید شویم.

### دعا در قنوت نماز وتر

یکی از نمازهایی که قنوتش بسیار مهم و با فضیلت است، نماز وتر می‌باشد که آخرین رکعت از نماز شب محسوب می‌شود. در صدر همه‌ی مؤمنانی که باید در قنوت نماز وتر دعایشان کرد، وجود مقدس امام عصر علیه السلام هستند که مهم‌ترین دعا در حق ایشان دعا برای تعجیل فرجشان است.

امام باقر علیه السلام به زراره فرمودند:

قنوت در نماز وتر مانند قنوت در روز جمعه است که در دعای قنوت می‌گویی:

اللَّهُمَّ تَمَّ نُورُكَ فَهَدَيْتَ ... اللَّهُمَّ إِلَيْكَ نَشْكُو غَيْبَةَ نَبِيِّنَا<sup>۱</sup> وَ شِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَ وَقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا وَ تَظَاهِرَ الْأَعْدَاءِ وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَ قِلَّةَ عَدَدِنَا فَفَرِّجْ ذَلِكَ يَا رَبِّ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَ نَصْرٍ مِنْكَ تُعِزُّهُ وَ إِمَامٍ عَدْلٍ تُظَهِّرُهُ إِلَهَ الْحَقِّ رَبِّ الْعَالَمِينَ<sup>۲</sup>.

خدایا نور تو کامل شد پس هدایت فرمودی ... خدایا تنها به تو شکایت می‌کنیم از غیبت پیامبرمان صلی الله علیه و آله و سختی زمانه بر ما و گرفتار شدنمان به فتنه‌ها و پشتیبانی دشمنان از یکدیگر و زیادی دشمنان و کم بودن تعدادمان، پس ای پروردگار من این مشکلات را رفع کن با پیروزی از جانب خودت که آن را زودتر می‌رسانی، و یاری کردن خود که آن را عزیز

۱ ج ۴، ص ۱۶۲ و مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۸۳ با اختلاف بسیار جزئی در برخی الفاظ آن نیز نقل شده است.

۱. در جمال الاسبوع، ص ۲۵۷ عبارت چنین است: اللَّهُمَّ إِلَيْكَ نَشْكُو فَقَدْ نَبَّيْنَا وَ غَيْبَةَ وَلِيِّنَا.

۲. بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۱۹۸، ح ۶، به نقل از امالی صدوق، متن کامل این قنوت در بخش سوم کتاب آمده است.

دعای مأثور و غیر مأثور برای امام زمان علیه السلام \* ۳۷۳

می‌شماری و پیشوای عدل که او را آشکار می‌فرمایی. ای معبود حق، پروردگار جهانیان.

در آغاز دعا به تمام شدن نور پروردگار اشاره شده که این نور هر چه باشد، مخلوقی از مخلوقات خداست که هدایت او به سبب آن نور صورت می‌گیرد. سپس در انتهای دعای قنوت از نبودن پیامبر صلی الله علیه و آله در میان امت و سختی‌های زمانه و زیادی دشمنان و کمی یاران شکایت کرده‌اند و راه نجات از این گرفتاری‌ها را ظهور امام عدل (پیشوای عدالت) دانسته‌اند. این دعا در قنوت نماز وتر خوانده می‌شود و پس از آن به فرموده‌ی امام باقر علیه السلام ۷۰ مرتبه با این دعا استغفار می‌کنند: **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ** سپس فرمودند:

زیاد از آتش به خدا پناه می‌بری و پس از سلام دادن نماز وتر سه بار می‌گویی:

**سُبْحَانَ رَبِّيَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ.**

و نیز سه بار می‌گویی:

**الْحَمْدُ لِرَبِّ الصَّبَاحِ الْحَمْدُ لِفَالِقِ الْإِصْبَاحِ. ۱**

#### دعای قنوت نماز جمعه

دعای قنوت دیگر مربوط به نماز جمعه است که امام رضا علیه السلام به مقاتل بن مقاتل فرمودند این‌گونه بخواند:

**اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَ خَلِيفَتَكَ بِمَا أَصْلَحْتَ بِهِ أَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ وَ حُفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَ آيِدُهُ بِرُوحِ الْقُدُّوسِ مِنْ عِنْدِكَ وَ اسْلُكُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصْدًا يَحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ أَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا يَعْْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا وَ لَا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلَى وَلِيِّكَ سُلْطَانًا وَ أذَنْ لَهُ**

فِي جِهَادِ عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.<sup>۱</sup>  
 خدایا (کار) بنده و خلیفه‌ات را به آنچه (کار) پیامبران و فرستادگانت را اصلاح فرمودی، اصلاح کن و او را با فرشتگانت بپوشان (در حمایت فرشتگانت قرارش ده) و با روح القدس از جانب خود تأییدش فرما و از روبرو و پشت سرش مراقبانی قرار ده که او را از (اصابت) هر بدی محافظت کنند و ترس او را تبدیل به امنیتی گردان که تو را بپرستد و هیچ شرکی به تو روا ندارد و هیچ‌یک از آفریدگانت را بر ولایت مسلط مکن و برای او اجازه‌ی جهاد با دشمنت و دشمن خودش صادر فرما و مرا از یاران او قرار ده، همانا که تو بر هر امری توانا هستی.

## ۲ - دعا در حال سجده

یکی از حالات بسیار مناسب برای دعا در حق امام عصر علیه السلام، حال سجده است. سعیدبن یسار از امام صادق علیه السلام پرسیده است که آیا در حال رکوع دعا کنم یا در حال سجده، حضرت پاسخ دادند:

أَدْعُ وَ أَنْتَ سَاجِدٌ فَإِنَّ أَقْرَبَ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ وَ هُوَ سَاجِدٌ أَدْعُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِلدُّنْيَاكَ وَ آخِرَتِكَ.<sup>۲</sup>

در حال سجده دعا کن زیرا نزدیک‌ترین حالت بنده به خداوند هنگام سجده است. خدای عز و جل را برای دنیا و آخرت بخوان.

طبق این فرمایش نزدیک‌ترین حالت بنده خدا حال سجده است که باید برای دنیا و آخرتش دعا کند. چه دعایی برای دنیا و آخرت انسان مهم‌تر از دعا در حق امام زمان علیه السلام و تعجیل فرج ایشان است؟ خوب است یادآور شویم که این سنت نیکو - دعا برای تعجیل فرج در حال سجده - را خود امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در ابتدای ولادت انجام داده‌اند. جناب حکیمه خاتون نقل کرده است که وقتی بلافاصله پس از به

۱. بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۲۵۱، ح ۶۹، به نقل از المصباح.

۲. همان، ج ۸۵، ص ۱۳۱ و ۱۳۲، ح ۶.

دعای مأثور و غیر مأثور برای امام زمان علیه السلام \* ۳۷۵

دنیا آمدن آخرین حجّت الهی، مادرش - حضرت نرجس خاتون - را دیده، چنان نوری ایشان را احاطه کرده بود که چشم توان دیدن آن را نداشت و در همین حال کودک تازه به دنیا آمده را مشاهده نموده که صورت و زانوان خود بر زمین گذارده و در حالی که انگشتان سبّابه خود را بلند فرموده، چنین می گوید:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ [وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ] وَأَنَّ جَدِّي مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ  
وَأَنَّ أَبِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ.

سپس یک یک امامان را اسم می برد تا به خودش می رسد، سپس می گوید:

اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي وَآتِمِّمْ لِي أَمْرِي وَثَبِّتْ وَطْأَتِي وَأَمَلًا الْأَرْضِ  
بِي عَدْلًا وَقِسْطًا.<sup>۱</sup>

خدایا وعده‌ای را که به من فرمودی، عملی کن و کار مرا برایم به اتمام برسان و گام مرا استوار بدار و زمین را به واسطه‌ی من از عدل و داد پُر فرما. ملاحظه می کنیم که امام زمان ما اولین اقدامی که بلافاصله پس از تولد خویش انجام داده‌اند، دعا برای فرج بوده است و این نشانگر اهمّیت خاصّ این عبادت - خصوصاً در حال سجده - نزد آن حضرت می باشد. ما هم می توانیم به آن بزرگوار تأسّی نموده و در سجده‌های خود - به خصوص در حال نماز - برای تعجیل فرج ایشان دعا کنیم، حداقل آن اضافه کردن دعای **عَجَلُ فَرَجِهِمْ** به صلواتی است که در حال سجده - پس از ذکر سجده - می خوانیم.

### ۳ - دعا در تعقیب نماز

یکی از مواقع استجاب دعا، خواندن آن پس از نماز به خصوص نمازهای واجب می باشد. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ عَلَيْكُمُ الصَّلَاةَ فِي أَحَبِّ الْأَوْقَاتِ إِلَيْهِ فَاسْأَلُوا

۱. کمال الدین، باب ۴۲، ح ۲.

اللَّهُ حَوَائِجَكُمْ عَقِيبَ فَرَائِضِكُمْ.<sup>۱</sup>

خدای عزّ و جل نمازها را در بهترین زمانها نزد خود، بر شما واجب فرمود، پس رفع نیازهای خود را به دنبال نمازهای واجب خود از خداوند بخواهید. البته بنابر بعضی روایات، پس از ادای هر فریضه‌ی دیگر غیر از نماز هم، خداوند وعده‌ی اجابت دعا داده است.<sup>۲</sup> اما بحث ما فعلاً در خصوص دعا پس از نماز می‌باشد. تعقیب نماز به دعا، ذکر، تلاوت قرآن و هر عمل خوب دیگری مانند گریه برای خدا گفته می‌شود که بلافاصله پس از ادای نماز انجام شود. نباید کار دیگری بین نماز و تعقیب آن فاصله بیندازد به صورتی که در نگاه بیننده، مشغول به غیر نماز و تعقیب تلقی شود. بنابراین اگر در حال سفر نیست، باید در محل نماز خود بنشیند و به دعا و امثال آن پردازد. اگر مصلاّی خود را ترک کند و سپس دعا نماید، تعقیب صدق نمی‌کند. البته لازم نیست حتماً دعاهای مأثور خوانده شود، بلکه هر دعایی به هر زبانی می‌توان کرد، اما خواندن دعاهای منقول از ائمه علیهم‌السلام افضل می‌باشد.<sup>۳</sup>

علاوه بر تشویق‌های فراوانی که نسبت به خواندن تعقیبات نماز صورت گرفته، در برخی احادیث دعا نکردن پس از ادای نماز مذمت شده است. به عنوان نمونه از نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده که فرمودند:

إِذَا فَرَغَ الْعَبْدُ مِنَ الصَّلَاةِ وَلَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ تَعَالَى حَاجَتَهُ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ انظروا إلى عبدي فقد أدى فریضتی ولم یسأل حاجتہ منی كأنه قد استغنی عني خذوا صلاته فاضربوا بها وجهه.<sup>۴</sup>

اگر بنده از نماز فارغ شود و (رفع) نیاز خود را از خدای متعال درخواست نکند، خداوند متعال به فرشتگانش می‌گوید: نگاه کنید به بنده‌ی من، واجب مرا ادا

۱. بحارالانوار، ج ۸۵، ح ۱۵، به نقل از عدّة الدّاعی.

۲. همان، ص ۳۲۲، ح ۱۰، به نقل از المحاسن.

۳. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۰۳.

۴. بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۳۲۵، ح ۱۸.

کرده و (رفع) حاجت خود را از من نخواسته است، گویی خود را از من بی‌نیاز احساس می‌کند. نمازش را بگیرد و آن را به صورتش بزنید.

زدن نماز به صورت نمازگزار کنایه از پذیرفته نشدن آن نماز است. این حدیث هشدار می‌دهد که انسان نباید نسبت به دعا کردن پس از نماز بی‌اعتنا باشد. حداقل آن فرستادن صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان علیهم السلام است که دعای بسیار مهم و شریفی است و نباید از خواندن آن بعد از نماز غفلت نمود. اما دوستان امام عصر علیه السلام از این موقعیت ویژه که به‌طور عادی روزی پنج بار برایشان پیدا می‌شود، فرصت مغتنمی می‌یابند تا برای بزرگ‌ترین و مهم‌ترین حاجت خود و دیگران - که در رأس آنها وجود مقدس امام زمان علیه السلام است - دعا کنند. حیف است که مؤمنان این همه فرصت طلایی را از دست بدهند و کاری برای تعجیل فرج مولایشان انجام ندهند.

در احادیث ائمه علیهم السلام تعقیبات متعدّد مفصّلی در همین خصوص نقل شده که ما در این کتاب به برخی از آنها اشاره می‌کنیم و علاقمندان به مطالعه‌ی بیشتر را به کتاب شریف «مکیال المکارم» رجوع می‌دهیم.<sup>۱</sup>

### تعقیب اول برای نماز واجب

۱- اولین مورد دعایی است که از حضرت جواد الائمه علیه السلام نقل شده و شامل دعاهای مفصّلی در حق امام زمان علیه السلام می‌باشد:

رَضِيتُ بِاللّٰهِ رَبًّا، وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَ بِالْقُرْآنِ كِتَابًا، وَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَبِيًّا، وَ بِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلِيًّا، وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أئِمَّةً، اللَّهُمَّ وَلِيُّكَ الْحُجَّةُ، فَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنِ يَمِينِهِ وَ عَنِ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ، وَ امدُدْ لَهُ فِي عُمُرِهِ، وَ اجْعَلْهُ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ،

۱. مکیال المکارم، ج ۲، باب ششم، ص ۲ تا ۱۴.



الْمُسْتَنْصِرَ لِدِينِكَ، وَ أَرِهِ مَا يُحِبُّ، وَ تَقَرَّبْ بِهِ عَيْنُهُ، فِي نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ فِي  
أَهْلِهِ وَ مَالِهِ، وَ فِي شَيْعَتِهِ وَ فِي عَدُوِّهِ، وَ أَرِهِمْ مِنْهُ مَا يَحْذَرُونَ، وَ أَرِهِ  
فِيهِمْ مَا يُحِبُّ، وَ تَقَرَّبْ بِهِ عَيْنُهُ، وَ اشْفِ بِهِ صُدُورَنَا وَ صُدُورَ قَوْمِ مُؤْمِنِينَ.<sup>۱</sup>

به خداوند به عنوان پروردگار و اسلام به عنوان دین و قرآن به عنوان کتاب  
(آسمانی) و حضرت محمد ﷺ به عنوان پیامبر و حضرت علی ﷺ به عنوان  
ولی (خدا) و به حضرات حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و  
جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن  
محمد و حسن بن علی و حجت بن الحسن بن علی ﷺ به عنوان امامان (از  
جانب خدا) راضی و خشنود شدم. خداوندا ولی خود حضرت حجت ﷺ را از  
پیش رو و از پشت و از راست و چپ و بالا و پایین (یعنی از هر جهت) حفظ  
فرما و عمر ایشان را طولانی گردان و او را قیام کننده به امرت و یاری  
جوینده برای دینت قرار ده و به او آنچه دوست دارد و باعث چشم  
روشنی اش - در مورد خودش و فرزندان و اهل و مال و شیعیان و دشمنانش -  
می شود، نشان بده و به دشمنان حضرت از ایشان چیزی را که از آن  
می ترسند، نشان بده و به خود آن حضرت در مورد دشمنانش چیزی را که  
مورد علاقه ی او و باعث چشم روشن اش هست، بنما و به سبب آن حضرت  
دل های ما و دل های اهل ایمان را شفا ببخش.

ملاحظه می شود که در این دعا چه دعاهای زیبایی در حق امام عصر ﷺ از زبان  
امام نهم ﷺ صادر شده است.

### تعقیب دوم برای نماز واجب

۲ - مورد دوم تعقیبی است که مداومت بر خواندن آن آثار و برکات خاصی دارد.  
یکی از این برکات، تشریف پیدا کردن خدمت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه  
الشریف) می باشد. اصل حدیث مطابق نقل مرحوم ابونصر طبرسی چنین است:

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۳۲۷، ح ۹۶۰.

رَوِيَ أَنَّ مَنْ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ عَقِيبَ كُلِّ فَرِيضَةٍ وَ وَاظَبَ عَلَى ذَلِكَ عَاشَ حَتَّى يَمَلَّ الحَيَاةَ وَ يَتَشَرَّفَ بِإِلْقَاءِ صَاحِبِ الأَمْرِ عَجَّلَ اللهُ فَرَجَهُ وَ هُوَ: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ إِنَّ رَسُوكَ الصَّادِقَ المُصَدِّقَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ: إِنَّكَ قُلْتَ: مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدُّدِي فِي قَبْضِ رُوحِ عَبْدِي المُؤْمِنِ يَكْرَهُ المَوْتَ وَ أَنَا أَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ لِأَوْلِيَائِكَ الفَرَجَ وَ النَّصْرَ وَ العَافِيَةَ وَ لَا تَسُوْنِي فِي نَفْسِي وَ لَا فِي ...» قَالَ: وَ تَذَكَّرْ مَنْ شِئْتَ. ۱

روایت شده که هر کس این دعا را بعد از هر نماز واجب بخواند و نسبت به آن مراقبت داشته باشد، چندان زندگی کند که از زنده بودن ملول گردد و به دیدار صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه) مشرف شود و دعا این است: خدایا بر محمد و آل محمد صلوات فرست، خداوندا همانا فرستاده‌ی راستگو و مورد تأیید تو - که صلوات تو بر او و خاندانش باد - فرمود که تو فرموده‌ای: من - در اموری که خودم انجام دهنده‌اش هستم - (از اراده‌ی خود) برنگشته‌ام (صرف نظر نکرده‌ام) آن چنان که در مورد قبض روح بنده‌ی مؤمنم (از اراده‌ی خود) بر می‌گردم (صرف نظر می‌کنم)، او از مرگ کراهت دارد در حالی که من از ناراحتی او کراهت دارم. خداوندا پس بر محمد و آل محمد صلوات فرست و هر چه زودتر گشایش و یاری و عافیت را برای اولیای خود برسان و مرا در مورد خودم و ... ناراحت مگردان. فرمود: و (غیر از خودت) هر که را می‌خواهی ذکر کن.

در این دعای شریف، یک حدیث قدسی از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که احترام و ارزش بنده‌ی مؤمن را نزد خداوند به خوبی روشن می‌سازد. خدای متعال می‌فرماید: گاهی اراده‌ی من به قبض روح بنده‌ی مؤمنم تعلق می‌گیرد، اما خود او از مرگ کراهت دارد. در این صورت چون من هم از ناراحتی او کراهت دارم، از اراده‌ی

خود بر می‌گردم.<sup>۱</sup> ولذا او را - با حال کراهت از مرگ - قبض روح نمی‌کنم. بنابراین خداوند - مطابق آنچه در احادیث دیگر بحث «تردد» آمده است - یا فعلاً مرگ او را به تأخیر می‌اندازد و یا این که کراهت او را با ارسال گل‌های خوشبویی - که آنها را استشمام می‌کند - از بین می‌برد و با میل و رغبت خودش، او را می‌میراند.

با توجه به این حدیث قدسی، وقتی می‌گوییم: «لا تَسُوْنِي فِي نَفْسِي» مقصود این است که: «خداوندا مرا - با وجود کراهت از مرگ - قبض روح مکن چون خودت فرمودی که از ناراحتی مؤمن کراهت داری» و وقتی می‌گوییم: «لا تَسُوْنِي فِي نَفْسِي وَلَا فِي ...» یعنی همین کار (قبض روح نکردن با وجود کراهت از مرگ) را در حق شخص یا اشخاص دیگری که در این دعا ذکر می‌کنم، انجام بده. به همین جهت است که فرموده‌اند: اگر کسی مواظبت بر خواندن این دعا کند، از زنده ماندن خسته و ملول می‌شود. مقصود این است که در هنگام قبض روحش، از مرگ کراهت ندارد بلکه با میل و رغبت خودش از دنیا می‌رود. همچنین چون بنده‌ی مؤمن آرزوی درک محضر امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) و یاری رساندن به ایشان را دارد، از خدا تعجیل در فرج آن حضرت را تقاضا می‌کند و خدای متعال هم لطف فرموده و او را - اگر هنوز زمان ظهور نرسیده باشد - قبل از مرگ به شرف لقای محبوبش می‌رساند و این دعا در حق هر کس که مستجاب شود، همین آثار و برکات را خواهد داشت.<sup>۲</sup>

۱. «تَرَدَّد» بر وزن «تَفَعَّل» و به معنای مطاوعه و پذیرش «رَدَّ» است. یعنی کراهت مؤمن از مرگ به عنوان «رَدَّ = برگرداندن» تلقی می‌شود که خداوند این رَدَّ را می‌پذیرد و مؤمن را با وجود کراهتش از مرگ قبض روح نمی‌کند. در کتاب‌های لغت در معنای تردد، «تَرَجَّعَ» تعبیر کرده‌اند. (لسان العرب، ج ۶، ص ۱۳۳ و المعجم الوسيط، ص ۳۳۸) و «تَرَجَّعَ الْقَوْمُ: رَجَعُوا إِلَى مَحَلِّهِمْ» (لسان العرب، ج ۶، ص ۱۰۷) به همین جهت در ترجمه‌ی حدیث، «تردد» را به «برگشتن و صرف‌نظر کردن از اراده‌ی خود» معنا نمودیم.

۲. راز پنهانی و رمز پیدایی، ص ۱۱۶ و ۱۱۷.

### تعقیب سوم در نمازهای واجب

۳- سومین تعقیب نماز که شامل دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام می باشد، در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده که، فرمودند:

إِنَّ مِنْ حُقُوقِنَا عَلَى شِيعَتِنَا أَنْ يَضَعُوا بَعْدَ كُلِّ فَرِيضَةٍ أَيْدِيَهُمْ عَلَى  
أَذْقَانِهِمْ وَيَقُولُوا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ عَجَلْ فَرَجَ آلِ  
مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ أَحْفَظْ غَيْبَةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ انْتَقِمْ  
لِابْنَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ .<sup>۱</sup>

یکی از حقوق ما بر شیعیانمان این است که پس از ادای هر نماز واجب  
دستان خود را بر چانه‌هایشان بگذارند و سه بار بگویند: ای پروردگار  
محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرج آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را زودتر برسان، ای پروردگار محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
غیبت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را حفظ فرما، ای پروردگار محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ انتقام دختر  
محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را بگیر!

دعاهای مختصر زیبایی است که در آن تعجیل فرج امام زمان علیه السلام به تعبیر مختلف  
درخواست شده است. انتقام حضرت صدیقه‌ی اطهر علیه السلام که مظلومانه به شهادت  
رسیدند، به دست مبارک فرزندش امام مهدی علیه السلام صورت خواهد پذیرفت؛ پس دعا  
برای انتقام خون شهیده‌ی مظلومه حضرت زهرا علیه السلام در حقیقت دعا برای  
فرج امام زمان علیه السلام می باشد.

### تجدید عهد با امام عصر علیه السلام بعد از نماز واجب

۴- تعقیب دیگری که پس از ادای نمازهای واجب خوانده می شود، تجدید عهدی  
است با امام عصر علیه السلام که شامل دعاهای زیبایی در حق آن حضرت، و برای خود دعا  
کننده می باشد. متن کامل این دعا مطابق نقل مرحوم علامه مجلسی از امام صادق علیه السلام  
چنین است:

۱. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۷، ح ۱۰۴۸، به نقل از کتاب جمال الصالحین.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَيْنَمَا كَانَ وَ حَيْثُمَا كَانَ مِنْ مَشَارِقِ  
 الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا عَنِّي وَ عَن وَالِدَيَّ وَ عَن وُلْدِي وَ  
 إِخْوَانِي التَّحِيَّةَ وَ السَّلَامَ عَدَدَ خَلْقِ اللَّهِ وَ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ  
 وَ أَحَاطَ عِلْمُهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ هَذَا الْيَوْمِ وَ مَا عِشْتُ فِيهِ  
 مِنْ أَيَّامِ حَيَاتِي عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أُزُولُ  
 اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ نُصَارِهِ الدَّائِينَ عَنْهُ وَ الْمُتَمَثِّلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَ  
 نَوَاهِيهِ فِي أَيَّامِهِ وَ الْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ اللَّهُمَّ فَإِنْ خَالَ بَيْتِي وَ بَيْتَهُ  
 الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي  
 مُؤْتَزِرًا كَفَنِي شَاهِرًا سَيْفِي مُجَرِّدًا قَنَاتِي مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ  
 وَ الْبَادِي اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَ الْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَ الْكَحْلَ بَصْرِي  
 بِنَظْرَةٍ مِنِّي إِلَيْهِ وَ عَجَلُ فَرْجِهِ وَ سَهْلُ مَخْرَجِهِ اللَّهُمَّ اشْدُدْ أَرْزُهُ وَ قَوِّ  
 ظَهْرَهُ وَ طَوِّلْ عُمُرَهُ اللَّهُمَّ اعْمُرْ بِهِ بِلَادَكَ وَ أَحْيِ بِهِ عِبَادَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ  
 قَوْلُكَ الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ فَأَظْهِرِ  
 اللَّهُمَّ لَنَا وَ لِيكَ وَ ابْنِ بَيْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ  
 آلِهِ حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَرَّقَهُ وَ يُحَقِّقَ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَ  
 يُحَقِّقَهُ اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْغُمَّةَ عَن هَذِهِ الْأُمَّةِ بِظُهُورِهِ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَ  
 قَرَاهُ قَرِيبًا وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

از حضرت صادق عليه السلام نقل شده که فرمودند:

هر کس بعد از هر نماز واجب این دعا را بخواند، حضرت امام «م ح م د» بن

الحسن - علیه و علی آباءه السلام - را در بیداری یا در خواب خواهد دید.<sup>۱</sup>

دیدن آن حضرت در خواب یا در بیداری باعث از دیاد معرفت و محبت انسان به

۱. بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۶۱، ح ۶۹، به نقل از اختیار ابن الباقی.

آن بزرگوار می‌گردد.

این چهار نمونه از تعقیبات مشترکه است که پس از هر نماز واجب برای تعجیل فرج مولا یمان خوانده می‌شود. علاوه بر اینها تعقیبات مخصوصه‌ای هم از اهل بیت علیهم السلام نقل شده که اختصاص به بعضی از نمازهای واجب یومیّه دارد. ما به نمونه‌هایی از این دعاها هم اشاره می‌کنیم:

### تعقیب نماز ظهر

۵- یکی از این تعقیبات مخصوص نماز ظهر است که امام صادق علیه السلام بعد از ادای نماز ظهر در حالی که دستان خود را به سوی آسمان بلند کرده بودند، چنین دعا فرمودند:

أَيُّ سَامِعٍ كُلِّ صَوْتٍ أَيْ جَامِعٍ كُلِّ قَوْتٍ أَيْ بَارِي كُلِّ نَفْسٍ بَعْدَ الْمَوْتِ  
أَيْ بَاعِثُ أَيْ وَارِثُ أَيْ سَيِّدَ السَّادَةِ أَيْ إِلَهَ الْآلِهَةِ أَيْ جَبَّارَ الْجَبَابِرَةِ أَيْ  
مَلِكَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَيْ رَبَّ الْأَرْبَابِ أَيْ مَلِكَ الْمُلُوكِ أَيْ بَطَّاشُ أَيْ ذَا  
الْبَطْشِ الشَّدِيدِ أَيْ فَعَالًا لِمَا يُرِيدُ أَيْ مُحْصِيَ عَدَدِ الْأَنْفَاسِ وَ نَقْلِ  
الْأَقْدَامِ أَيْ مِنَ السَّرِّ عِنْدَهُ عِلَانِيَةً أَيْ مُبْدِي أَيْ مُعِيدُ أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَى  
خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ بِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَى نَفْسِكَ أَنْ تُصَلِّيَ  
عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ السَّاعَةَ بِفِكَاكِ رَقَبَتِي  
مِنَ النَّارِ وَ أَنْجِزْ لَوْلِيكَ وَ ابْنِ نَبِيِّكَ الدَّاعِي إِلَيْكَ بِإِذْنِكَ وَ أَمِينِكَ فِي  
خَلْقِكَ وَ عَيْنِكَ فِي عِبَادِكَ وَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ عَلَيْهِ صَلَوَاتُكَ وَ  
بَرَكَاتُكَ وَ عِدَّةَ اللَّهِمَّ أَيَّدَهُ بِنَصْرِكَ وَ أَنْصُرْ عَبْدَكَ وَ قَوِّ أَصْحَابَهُ وَ صَبِّرْهُمْ  
وَ افْتَحْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ أَمْكِنَهُ مِنْ أَعْدَائِكَ وَ  
أَعْدَاءِ رَسُولِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ<sup>۱</sup>

۱. همان، ص ۶۲، ح ۱، به نقل از فلاح السائل.

ای شنونده‌ی هر صدا، ای جمع‌آورنده‌ی همه‌ی فوت شدگان،<sup>۱</sup> ای  
 آفریننده‌ی هر کس بعد از مرگ، ای مبعوث‌کننده، ای ارث‌برنده، ای آقای  
 آقاها، ای معبود معبودان،<sup>۲</sup> ای قدرتمندی که بر همه‌ی جباران مسلط  
 هستی، ای پادشاه دنیا و آخرت، ای صاحب اختیار همه‌ی صاحب‌اختیاران،  
 ای پادشاه پادشاهان، ای قدرتمند بسیار توانا، ای آنکه می‌توانی (هر کس و  
 هر چه را بخواهی) با قدرت اخذ کنی، ای انجام‌دهنده‌ی هر چه را بخواهی،  
 ای احاطه‌کننده بر تعداد نفوس‌ها و جابجایی قدم‌ها، ای آنکه رازها برای او  
 آشکار و عیان است، ای به وجود آورنده، ای خلق‌کننده‌ی مجدد (در قیامت)،  
 از تو به حقی که بر برگزیدگان از آفریدگانت داری و به حقی که برای آنان بر  
 خودت واجب کرده‌ای، می‌خواهم که بر محمد و آل محمد که اهل بیت او  
 هستند درود بفرستی و در همین ساعت با آزاد کردن گردن من از آتش منت  
 گذاری و وعده‌ی (ظهور) او را برای ولایت و پسر پیغمبرت - که به اجازه‌ی تو  
 به سوی تو دعوت می‌کند - و امانت دار تو در میان آفریدگانت و چشم تو در  
 بین بندگانت و حجت تو بر آفریدگانت - که صلوات و برکات تو بر او باد -  
 محقق فرمایی. خدایا او را با یاری کردن خود تأیید نما و بندهات را یاری کن و  
 یارانش را قوی گردان و به آنان صبر عطا فرما و برای آنان از جانب خودت  
 راه سلطه‌ی پیروز‌کننده‌ای را باز گردان و در فرج او تعجیل فرما و او را بر  
 دشمنانت و دشمنان پیامبرت مسلط کن، ای ارحم الراحمین.

راوی وقتی دعای حضرت را شنید، پرسید:

فدایتان شوم، آیا برای خودتان دعا نکردید؟

حضرت فرمودند:

قَدْ دَعَوْتُ لِنُورِ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ سَابِقِهِمْ وَ الْمُسْتَقِيمِ بِأَمْرِ اللَّهِ مِنْ  
 أَعْدَائِهِمْ.

۱. به نظر مرحوم شیخ بهایی منظور از «فوت» در عبارت دعا، «فائت» است و ما در ترجمه چنین  
 معنایی را در نظر گرفتیم. (بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۶۳، به نقل از بیان علامه‌ی مجلسی)  
 ۲. مقصود چیزهایی هستند که به غلط به عنوان معبود گرفته شده‌اند.

برای نور آل محمد علیهم السلام و سبقت گیرنده‌ی آنان و آنکه به امر خداوند از دشمنان آنان انتقام می‌گیرد، دعا کردم.

با این تعابیر راوی متوجه می‌شود که مقصود امام صادق علیه السلام، آخرین وصی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله بوده که منتقم خون همه‌ی اهل بیت علیهم السلام است. لذا می‌پرسد که ظهور ایشان چه وقت خواهد بود. امام می‌فرماید:

إِذَا شَاءَ مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ<sup>۱</sup>

هر وقت کسی که آفرینش و امر کردن به دست اوست، بخواهد.

ملاحظه می‌شود که امام صادق علیه السلام برای معرفی امام عصر علیه السلام چه تعابیر زیبا و عمیقی به کار برده‌اند. «نور آل محمد علیهم السلام» بسیار تعبیر عجیبی است. آل محمد صلی الله علیه و آله همگی نورند و نور همه‌ی آفرینش هم از ایشان است. آن چه وجود مقدس و مطهری است که نور این انوار نامیده شده است؟ ما از درک عظمت این نور الهی قطعاً عاجزیم اما می‌دانیم که هر چه بر معرفت ما نسبت به آن حضرت افزوده شود، به ادراک مقام نورانی ایشان یک قدم نزدیک‌تر می‌شویم. هرچند که هیچ‌گاه ایشان را چنانچه هستند، نخواهیم شناخت اما از آنچه می‌توانیم برسیم - البته به لطف و عنایت خودشان - هم نباید چشم پوشیم.

تعبیر «سابقهم» نیز برای ما - به طور قطعی - قابل درک نیست. حضرتش بر سایر آل محمد صلی الله علیه و آله در چه چیزی سبقت گرفته‌اند؟ شاید مراد این باشد که ایشان اولین فرد از آل محمد صلی الله علیه و آله هستند که وعده‌های الهی - که در آیه‌ی ۵۵ سوره‌ی نور<sup>۲</sup> آمده است - به دست ایشان محقق خواهد شد و بقیه‌ی اهل بیت علیهم السلام پس از ایشان در هنگام رجعت، ادامه دهندگان راهشان خواهند بود. این احتمالی است که به ذهن ما می‌رسد، اگر معنای دیگری مورد نظر امام صادق علیه السلام بوده است، نمی‌دانیم. صفت سومی که برای امام زمان علیه السلام به کار برده‌اند معنایش روشن است که توضیح داده شد. می‌بینیم که امام

۱. بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۶۲، به نقل از فلاح السائل.

۲. وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ ....



صادق علیه السلام در تعقیب نماز ظهر خود، برای تعجیل در فرج امام دوازدهم علیه السلام به صراحت دعا فرموده‌اند.

### تعقیب نماز عصر

۶- تعقیب دیگر اختصاص به نماز عصر دارد که از زبان مبارک امام هفتم علیه السلام درباره دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام صادر شده است. متن دعا این است:

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِلَيْكَ زِيَادَةُ الْأَشْيَاءِ وَنُقْصَانُهَا وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَلَقْتَ خَلْقَكَ بِغَيْرِ مَعُونَةٍ مِنْ غَيْرِكَ وَلَا حَاجَةَ إِلَيْهِمْ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مِنْكَ الْمَشِيئَةُ وَإِلَيْكَ الْبَدَاءُ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ قَبْلَ الْقَبْلِ وَخَالِقُ الْقَبْلِ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بَعْدَ الْبَعْدِ وَخَالِقُ الْبَعْدِ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ تَمَحُّو مَا تَشَاءُ وَتَثْبُتُ وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ غَايَةُ كُلِّ شَيْءٍ وَوَارِثُهُ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَا يَعْزُبُ عَنْكَ الدَّقِيقُ وَلَا الْجَلِيلُ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَا تَخْفَى عَلَيْكَ اللُّغَاتُ وَلَا تَتَشَابَهُ عَلَيْكَ الْأَصْوَاتُ كُلَّ يَوْمٍ أَنْتَ فِي شَأْنٍ لَا يَشْغَلُكَ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ عَالِمُ الْغَيْبِ وَأَخْفَى دِيَانُ يَوْمِ الدِّينِ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ بَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ مُحْيِي الْعِظَامِ وَهِيَ رَمِيمٌ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ الَّذِي لَا يُخَيَّبُ مَنْ سَأَلَكَ بِهِ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ الْمُتَّقِمِ لَكَ مِنْ أَعْدَائِكَ وَأَنْجِزْ لَهُ مَا وَعَدْتَهُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.<sup>۱</sup>

تو خدایی هستی که جز تو - که اول و آخر و ظاهر و باطنی - معبودی نیست و تو خدایی هستی که جز تو معبودی نیست، زیادی و کمی همه چیز تنها به

۱. بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۸۱، ح ۸، به نقل از فلاح السائل.

دست توست و تو خدایی هستی که جز تو معبودی نیست، آفریدگان خود را بدون کمک گرفتن از غیر خودت و بدون نیازی به آنها خلق کردی و تو خدایی هستی که جز تو معبودی نیست، خواستن (مشیت) از تو است و اختیار بداء هم با تو است. تو خدایی هستی که جز تو معبودی نیست، پیش از قبل بوده‌ای و خالق قبل هستی. تو خدایی هستی که جز تو معبودی نیست، پس از بعد خواهی بود و خالق بعد هستی. تو خدایی هستی که جز تو معبودی نیست، آنچه را که بخواهی محو و (آنچه را بخواهی) اثبات می‌کنی و ام کتاب نزد تو است.

تو خدایی هستی که جز تو معبودی نیست، غایت هرچیز و وارث آن هستی، تو خدایی هستی که جز تو معبودی نیست، ریز و درشتی از تو پوشیده نمی‌باشد. تو خدایی هستی که جز تو معبودی نیست، زبان‌ها (ی مختلف) از تو مخفی نمی‌ماند و صداها (ی گوناگون) برایت اشتباه نمی‌شود. هر روز در کار (جدید) هستی که هیچ کاری تو را از کار دیگر باز نمی‌دارد، دانای به غیب و (امور) مخفی‌تر هستی، حاکم روز جزا، تدبیر کننده‌ی امور، برانگیزاننده‌ی اهل قبور، زنده کننده‌ی استخوان‌های پوسیده هستی. از تو می‌خواهم به اسم پوشیده و محفوظ خودت که (آن اسم) حتی قیوم است، همان (اسمی) که هر کس به آن از تو بخواهد، دست خالی نمی‌ماند، از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم درود بفرستی و در فرج انتقام گیرنده‌ی خودت از دشمنانت تعجیل فرمایی و آنچه را به او وعده داده‌ای، محقق فرما ای صاحب جلال و اکرام.

راوی می‌گوید در بغداد خدمت امام هفتم علیه السلام رسیدم که پس از اتمام نماز عصر، در حالی که دستان خود را به سوی آسمان بلند کرده بودند، این دعا را خواندند. از ایشان پرسیدم:

برای چه کسی دعا فرمودید؟

فرمودند:

ذَٰكَ الْمَهْدِيُّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ... بِأَبِي الْمُسْتَدْحِ الْبَطْنِ الْمَقْرُونِ  
الْحَاجِبِينَ أَحْمَشُ السَّاقِينَ بَعِيدًا مَا بَيْنَ الْمَنْكِبَيْنِ أَسْمَرُ اللَّوْنِ يَعْتَوِرُهُ مَعَ

سُمِّرَتْهُ صُفْرَةٌ مِنْ سَهْرِ اللَّيْلِ بِأَبِي مَنْ لَيْلَهُ يَرْعَى النَّجُومَ سَاجِدًا وَ  
رَاكِعًا بِأَبِي مَنْ لَا يَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ مِصْبَاحِ الدُّجَى بِأَبِي الْقَائِمِ  
بِأَمْرِ اللَّهِ<sup>۱</sup>.

او مهدی از آل محمد صلی الله علیه و آله است ... پدرم فدای آن کشیده شکم، پیوسته  
ابرو، باریک ساق، چهار شانه، گندمگونی که زردی ناشی از شب زنده‌داری به  
آن آمیخته شده است. پدرم فدای آنکه شب خود را در حال سجود و رکوع به  
مراقبت از ستارگان می‌گذراند. پدرم فدای کسی که در راه خدا ملامت هیچ  
ملامت کننده‌ای در او اثر نمی‌گذارد. چراغ تاریکی‌ها، پدرم فدای قیام کننده  
به امر خداوند.

در این چند سطر امام هفتم علیه السلام چهار بار تعبیر «بأبی ...» را در مورد فرزندشان  
حضرت بقیه الله ارواحنا فداه به کار برده‌اند. بسیار قابل تأمل است که حجّت معصوم  
خداوند که خود مقام امامت عظمی داشته‌اند، در حقّ یک امام دیگر چنین سخن  
بگویند. یعنی پدرشان را - که ایشان هم امام بوده‌اند - فدای آخرین وصی پیامبر  
خاتم صلی الله علیه و آله بدانند. او صافی هم که برای معرفّی این تنها باقیمانده‌ی الهی به کار برده‌اند،  
قابل توجه است. گویی حضرتش را می‌دیدند که با چه سیمای زیبایی به عبادت  
می‌پردازند. آنچه امام موسی بن جعفر علیه السلام فرموده‌اند، بیان حال فعلی امام زمان  
ماست که سال‌های سال بلکه قرن‌های طولانی چنین بوده‌اند. اکنون ۱۱۶۸ سال<sup>۲</sup> از این  
حالات مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله می‌گذرد که شب زنده‌داریش صورت مبارکش را به  
رنگ گندمی مایل به زرد در آورده و هر شب در حال عبادت خدا از ستارگان آسمان  
مراقبت و محافظت می‌فرماید. آری آسمان و ستارگانش، بلکه همه‌ی ساکنان آسمان،  
بالاخر، همه‌ی عالم هستی تحت رعایت و عنایت آن وجود گرامی اداره می‌شود. اگر  
عنایت او نباشد، کیان هستی به هم می‌ریزد و سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. آیا عالم

۱. همان.

۲. اکنون سال ۱۴۲۸ هجری قمری است که از سال ۲۶۰ هجری قمری که حضرتش به امامت

رسیده‌اند، ۱۱۶۸ سال می‌گذرد.

هستی به طفیل او نیست؟ پس همه‌ی زمینیان باید فدای او گردند، چون همگان طفیلی او زنده‌اند و از نعمت‌های الهی به واسطه‌ی او بهره می‌برند. چقدر زییاست که وقتی این تعقیب نماز عصر را می‌خوانیم، به یاد داشته باشیم که گوینده‌ی آن پدرش را فدای حضرت ولّی عصر علیه السلام می‌دانست. آن موعود منتظر چه عظمتی دارد که جدّ شریفش این‌گونه در حقش سخن می‌گوید؟! اما جان ناقابل ما در مقایسه با نفس شریف امام صادق علیه السلام ارزشی ندارد که قابل ذکر باشد. باید از حضرتش ملتسمانه بخواهیم که به فضل و کرم خویش لیاقت فدا شدن در آستان مقدّسش را عطایمان فرماید و آرزوی شهادت در رکابشان را به دل‌هایمان نگذارد.

سال‌های سال است که وقتی یاد و خاطره‌ی اصحاب با وفای سیدالشهداء علیهم السلام را می‌خوانیم و می‌شنویم، آرزو می‌کنیم که: ای کاش همراه آنان بودیم و به رستگاری عظیم نائل می‌شدیم. فرمایش امام هشتم علیه السلام را به ریّان بن شیبب خوانده‌ایم و باور کرده‌ایم که فرمود:

إِنْ سَرَّكَ أَنْ يَكُونَ لَكَ مِنَ الثَّوَابِ مِثْلُ مَا لِمَنْ اسْتُشْهِدَ مَعَ الْحُسَيْنِ علیه السلام  
فَقُلْ مَتَى مَا ذَكَرْتَهُ: يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً.<sup>۱</sup>

اگر خوشحال می‌شوی از اینکه پاداش کسانی را که در رکاب حسین علیه السلام به شهادت رسیده‌اند، ببری، هرگاه او را یاد کردی بگو: ای کاش من با آنان بودم، پس به رستگاری بزرگ می‌رسیدم.

هر بار که این جمله را به زبان آوریم، وارث حسین علیه السلام در نظرمان مجسم شد که همچون جدّ شریفش در زمان غیبت، غریب و تنها مانده و «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي» سر می‌دهد. پیش خود گفتیم: آیا می‌شود جان ناقابل ما لیاقت فدا شدن در پیش روی نور آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را بیابد؟ آیا ممکن است آن عزیز زهرا علیها السلام ما را در زمره‌ی فدائیان‌ش بپذیرد؟ هر چه به خود می‌نگریم، هیچ‌گونه شایستگی برای آنکه در درگاهش پذیرفته شویم، نمی‌بینیم. از خود ناامید می‌شویم اما از کرم و بزرگواری مولایمان نه، به این

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۶، ح ۲۳، به نقل از عیون اخبار الرضا علیه السلام.

دلخوشیم که مولا یمان همان گونه که جدش با حرّین یزید ریاحی رفتار کرد، دست رد بر سینه‌ی ما نزند و توبه‌مان را بپذیرد. حرّ وقتی خود را میان بهشت و جهنّم مخیر دید و تصمیم گرفت که خود را از جهنّم نجات داده و بهشتی شود، در حالی که دستانش را بر سر گذارده بود، سوار بر اسب به سوی مولا یش آمد و بادل شکسته و تائب عرضه داشت:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَتَيْتُ قَتَبَ عَلَيَّ فَقَدْ أَرَعَيْتُ قُلُوبَ أَوْلِيَاءِكَ وَ أَوْلَادِ بِنْتِ نَيْكَ.

خدایا به سوی تو بازگشتم، پس توبه‌ام را بپذیر که من دل‌های دوستانت و فرزندان دختر پیامبرت را لرزاندم.

آنگاه به امام حسین علیه السلام عرضه داشت:

جَعَلْتُ فِدَاكَ أَنَا صَاحِبِكَ الَّذِي حَبَسَكَ عَنِ الرَّجُوعِ وَ جَعَجَعَ بِكَ وَمَا ظَنَنْتُ أَنَّ الْقَوْمَ يَبْلُغُونَ مِنْكَ مَا أَرَى وَ أَنَا تَائِبٌ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فَهَلْ تَرَى لِي مِنْ تَوْبَةٍ؟

فدایت کردم، من همان کسی هستم که در کنارت قرار گرفت و مانع بازگشت شما شد و کار را بر شما تنگ کرد و من گمان نمی‌کردم که این قوم نسبت به شما به این جا که می‌بینم، برسند (قصد جان شما را بکنند) و من اکنون به سوی خدا بازگشته‌ام، آیا جای توبه برای من می‌بینی؟!

حرّ چنان خود را شرم‌منده و سرافکننده می‌دید که با نگاه به گذشته‌اش، کاملاً از خود ناامید بود، لذا گفت من توبه‌کارم، اما آیا جای توبه برای من وجود دارد؟! این اظهار، نشانگر کمال ناامیدی او از خودش بود که دقیق‌ترین معنای توبه همین است. گاهی انسان به زبان توبه می‌کند، اما از خودش ناامید نیست و در برخی زوایای قلبش هنوز اتکای به خود وجود دارد؛ این توبه‌ی کامل نیست. توبه‌ی کامل وقتی است که انسان هیچ امید - بله واقعاً هیچ امید - به خودش و کارهایش نداشته باشد. در این حالت است که اتکای انسان فقط و فقط به فضل و لطف خدای متعال خواهد بود و در چنین حالی مشمول رحمت و اسعه‌ی الهی واقع می‌گردد. حرّ به همین نقطه رسیده بود که از

همه چیز خود ناامید بود حتی توبه اش! پیش خود نمی گفت که چون توبه کرده ام، پس لیاقت این را دارم که خدا مرا ببخشد و امام حسین علیه السلام مرا بپذیرد. لذا به بهترین بیان به حضرت عرضه داشت که آیا جای توبه برای من می بینید؟

این جا بود که آقای مولا روح تازه ای در کالبد حرّ دمید و او را برای جانفشانی در رکاب سرور جوانان بهشت مهیا نمود. حضرت با مهربانی و رأفت تمام به او فرمودند:

**نَعَمْ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْكَ.**

آری، خداوند توبه ی تو را می پذیرد.

آنگاه حرّ اجازه خواست که چون نخستین کسی بود که راه بر امام علیه السلام بست، اولین شهید پیش روی آن حضرت باشد. حسین علیه السلام اجازه فرمودند و حرّ پس از جهادی زیبا که گروهی از شجاعان و پهلوانان دشمن را به هلاکت رساند، به شهادت رسید و بدن شریفش را خدمت ابی عبدالله علیه السلام آوردند. حضرت در حالی که خاک را از روی صورت او پاک می کردند، فرمودند:

**أَنْتَ الْحُرُّ كَمَا سَمَّيْتُكَ أُمَّكَ حُرّاً فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.<sup>۱</sup>**

تو آزاد هستی همان طور که مادرت تو را حرّ نامید در دنیا و آخرت.

اینچنین بود که حرّ به آرزویش که فدا کردن جان به پیشگاه حجّت زمان بود، رسید. ما هم با ناامیدی کامل از گذشته ی خود به امام زمان عرضه می داریم: آقا جان ما هر چند که راه به روی شما بستیم و در مقابل شما علناً جبهه نگرفتیم، امّا می دانیم که با گناهان خود و ناشکری هایی که نسبت به همه ی نعمت های الهی - و در صدر آنها نعمت وجود و معرفت خود شما - داشته ایم، دل پاک و مقدّس شما را آزرده خاطر نمودیم و برخلاف انتظار شما عمل کردیم. به همین جهت لیاقت فدا کردن جان های خود را در رکاب شما نداریم. امّا هر بار که خاطره ی شهدای کربلا را می خوانیم یا می شنویم و غربت و مظلومیّت شما مهدی آل محمد علیهم السلام را می بینیم، دلمان به درد می آید و آرزو می کنیم که همچون حرّ بتوانیم با فدا کردن جان ناقابل

خود، مرهمی بر درد بی کسی و غربت شما باشیم و به این وسیله از شرمندگی گذشته‌های خود به در آییم، آیا شما ما را می‌پذیرید و اجازه‌ی دفاع از وجود مقدّستان را به ما می‌دهید؟ آیا توبه‌ی ما به پیشگاه خداوند مقبول است؟ به زبان حال و مقال خدمتتان عرضه می‌داریم:

### هَلْ تَرَى لِي مِنْ تَوْبَةٍ؟

و از حضورتان انتظار داریم که همچون جدّ بزرگوارتان - که از گذشته‌ی حرّ صرف نظر کردند - اعمالی را که موجبات آزرده‌گی خاطر شما را در گذشته فراهم کرده است، به روی ما نیاورید و بزرگوارانه اجازه‌ی جانفشانی در پیشگاهتان را عطایمان فرمایید. این بزرگ‌ترین آرزوی ما در زندگی مان است.

### تعقیب نماز صبح و ظهر

۷ - یکی دیگر از تعقیبات نمازهای واجب که در آن دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام مطرح شده، دعای بسیار مهمّ صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان علیهم السلام به همراه درخواست تعجیل فرج برای آنان است. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ بَعْدَ صَلَاةِ الظُّهْرِ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يُدْرِكَ الْقَائِمَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله.<sup>۱</sup>  
 هر کس بعد از نماز صبح و نماز ظهر بگوید: «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم» نمی‌میرد مگر آنکه قائم آل محمد صلی الله علیه و آله را درک نماید.

این دعای شریف را در هر زمانی می‌توان خواند و در عین کوتاهی، فضیلت فوق العاده‌ای دارد، اما در مورد تعقیبات نماز صبح و ظهر، به خصوص وارد شده است. بنابراین در این دو حالت به نیت ورود هم می‌توان این دعا را خواند. وعده‌ای که امام

۱. بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۷۷، ح ۱۱، به نقل از جنّة الامان.

صادق علیه السلام برای این عمل ارزشمند فرموده‌اند، همان آرزویی است که همه‌ی اولیای الهی در طول تاریخ از خداوند درخواست می‌کرده‌اند. درک زمان ظهور امام زمان علیه السلام و توفیق یاری ایشان بزرگ‌ترین پاداشی است که منتظران آن حضرت از خدا می‌طلبند و از فضل پروردگار بعید نیست که به خاطر انجام یک عمل به ظاهر ساده و آسان (گفتن اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم پس از نماز صبح و ظهر) این پاداش عظیم و آرزوی بسیار مهم را برآورده سازد. ارزش یک عمل به حجم ظاهری آن مربوط نمی‌شود.

### تعقیب دو رکعت اول نماز شب

۸- علاوه بر تعقیبات نمازهای واجب، پس از نمازهای مستحبی هم دعا برای تعجیل مولایمان بسیار پسندیده و مطلوب است. در این جا به ذکر یک نمونه از تعقیبات نمازهای نافله اکتفا می‌کنیم. این دعا پس از دو رکعت اول نماز شب (یا هر دو رکعت نماز شب<sup>۱</sup>) خوانده می‌شود. متن دعا مطابق نقل مرحوم علامه مجلسی این است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَ لَمْ يُسْأَلْ مِثْلَكَ، أَنْتَ مَوْضِعُ مَسْأَلَةِ السَّائِلِينَ، وَ  
مُتَّهَى رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ، أَدْعُوكَ وَ لَمْ يُدْعَ مِثْلَكَ، وَ أَرْغَبُ إِلَيْكَ وَ لَمْ يُرْغَبْ  
إِلَى مِثْلِكَ، أَنْتَ مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، وَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، أَسْأَلُكَ  
بِأَفْضَلِ الْمَسَائِلِ وَ أَنْجَحِهَا وَ أَعْظَمِهَا، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ، بِأَسْمَاءِكَ  
الْحُسْنَى، وَ بِأَمْثَالِكَ الْعُلْيَا، وَ نِعْمِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى، وَ بِأَكْرَمِ أَسْمَاءِكَ  
عَلَيْكَ، وَ أَحَبِّهَا إِلَيْكَ، وَ أَقْرَبِهَا مِنْكَ وَ سِبْطَةَ، وَ أَشْرَفِهَا عِنْدَكَ مَنْزِلَةَ، وَ  
أَجْزَلِهَا لَدَيْكَ ثَوَابًا، وَ أَسْرَعِهَا فِي الْأُمُورِ إِجَابَةً، وَ بِاسْمِكَ الْمَكْتُونِ  
الْأَكْبَرِ الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَعْظَمِ الْأَكْرَمِ، الَّذِي تُحِبُّهُ وَ تَهْوَاهُ، وَ تَرْضَى عَمَّنْ  
دَعَاكَ بِهِ، فَاسْتَجِبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَ حَقُّ عَلَيْكَ أَنْ لَا تَحْرِمَ سَائِلَكَ، وَلَا

۱. بنا به نقل علامه‌ی مجلسی از مرحوم کفعمی در المصباح، ص ۵۱.



تَرُدَّهُ، وَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ  
 الْعَظِيمِ، وَ بِكُلِّ اسْمٍ دَعَاكَ بِهِ حَمَلَةٌ عَرْشِكَ، وَ مَلَائِكَتِكَ وَ أَنْبِيَاءِكَ وَ  
 رُسُلِكَ وَ أَهْلُ طَاعَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ  
 أَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَ ابْنِ وَلِيِّكَ، وَ تُعَجِّلَ خِزْيَ أَعْدَائِهِ.<sup>۱</sup>

ملاحظه می شود که پس از حمد و ثنای خداوند و خواندن او به اسامی مختلف،  
 تعجیل در فرج ولی خدا و فرزند ولی خدا که همانا وجود مقدس بقیة الله الاعظم  
 ارواحنا فداه است را از پروردگار متعال طلب می نماییم.

ما این هشت نمونه از تعقیبات نمازهای واجب و مستحب را که شامل دعا بر  
 تعجیل فرج امام عصر علیه السلام می باشد، نقل کردیم تا میزان اهتمام ائمه ی طاهرین علیهم السلام به  
 این امر روشن شود.

#### ۴ - دعا در زمان های مناسب

علاوه بر دعاهایی که در قنوت و سجده ی نماز و تعقیبات آن در حق امام عصر علیه السلام  
 وارد شده، مناسبت های زمانی خاصی هم وجود دارد که باید در آنها به دعا برای آن  
 وجود مقدس اهمیّت خاصی قائل شویم.

#### دعا در صبح و شام

۱ - اولین مناسبت زمانی برای دعا در حق امام زمان علیه السلام، ابتدا و انتهای هر روز  
 است. مرحوم میرزا محمد تقی فقیه احمد آبادی مؤلف کتاب ارزشمند «مکیال  
 المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام» تعبیر زیبایی در بیان ضرورت این دعا دارند.  
 می فرماید:

ایا غلامان و خادمان را نمی بینی که هر صبح و شام برای اظهار خدمت و  
 شکر نعمت نزد ارباب و آقای خود حاضر می شوند؟ ما سزاوارتر از آنان به این

۱. در «جمال الصالحین» دنباله ی دعا چنین است: وَ تَجْعَلْنَا مِنْ أَصْحَابِهِ وَ أَنْصَارِهِ، وَ تَرْزُقْنَا بِهِ  
 رِجَاءَنَا وَ تَشْتَجِبَ بِهِ دُعَاءَنَا. بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۲۴۵، ح ۵۵، به نقل از مصباح المتبهجد.

عمل هستیم، چون می دانیم که همه‌ی انواع نعمت‌ها و احسان‌هایی که خدای عزّ و جل بر ما ارزانی داشته تنها و تنها به برکت مولایمان صاحب الزّمان علیه السلام می باشد. پس شایسته است که خود را با همه‌ی وجود در هر صبح و شام در محضر ایشان حاضر نمایی و بدانی که او تو را می بیند و صدایت را می شنود، هر چند که تو او را نمی بینی و بر امور کسانی که دوستشان دارد، اهتمام خاص دارد.<sup>۱</sup>

آری دور از رسم انصاف و شکر نعمت است که ما صبح و شام از ولیّ نعمت خود یاد نکنیم، با اینکه می دانیم او همواره به ما توجّه دارد و از یادمان نمی برد و دعایمان می کند. اگر دعاها و رعایت‌های ایشان در حقّ ما نبود، قطعاً به گرفتاری‌های سخت مبتلا می شدیم یا دشمنان ریشه کنمان می کردند. این حقیقتی است که در متن فرمایش خود امام علیه السلام به صراحت آمده است.<sup>۲</sup> همچنین در توقیع شریف خود به دوستانشان اطمینان داده‌اند که با دعا‌های خود از آنان محافظت می فرمایند.<sup>۳</sup> پس آیا رسم انسانیت و مروّت نیست که ایشان را از یاد نبریم و ابتدا و انتهای هر روز برای حضرتش دعا کنیم؟

ائمّه‌ی طاهرین علیهم السلام از روی لطف و عنایتی که به شیعیان خود داشته‌اند، رسم وفا و شکرگزاری را به آنان آموخته‌اند و دعا برای امام مسلمانان را - در هر زمان - مورد تأکید قرار داده‌اند. نمونه‌ای از آن دعایی است که امام صادق علیه السلام تعلیم فرموده و در ابتدای آن چنین تأکید کرده‌اند:

مَهْمَا تَرَكْتَ مِنْ شَيْءٍ فَلَا تَتْرُكْ اَنْ تَقُولَ فِي كُلِّ صَبَاحٍ وَ مَسَاءٍ.

هرچه را ترک کردی، این را ترک مکن که در هر صبح و شام بگویی.

ملاحظه می شود که اهتمام زیادی نسبت به این دعا به خرج داده‌اند. در این جا به

---

۱. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۷، آنچه ذکر شد ترجمه‌ی متن کتاب است.  
۲. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۲۳، مراجعه کنید به فصل اوّل از بخش دوم همین کتاب ذیل عنوان: دعا برای امام عصر علیه السلام به خاطر تلافی کردن احسان ایشان.  
۳. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۲۴ و ۳۲۵.

قسمت‌هایی از آن اشاره می‌کنیم و متن کامل آن را در بخش پایانی کتاب نقل می‌کنیم:

اللَّهُمَّ احْفَظْ إِمَامَ الْمُسْلِمِينَ بِحِفْظِ الْإِيمَانِ وَأَنْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا وَاجْعَلْ لَهُ وَ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا اللَّهُمَّ الْعَنْ فُلَانًا وَ فُلَانًا وَ الْفِرْقَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى رَسُولِكَ وَ وِلَاةِ الْأَمْرِ بَعْدَ رَسُولِكَ وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ وَ شِيعَتِهِمْ ...<sup>۱</sup>

خدایا امام مسلمانان را با حفظ ایمان محافظت فرما و او را چنان یاری کن که پیروز گردد و برایش فتح آسانی قرار ده و او و ما را به سلطنت حمایت شده‌ای برسان. خدایا فلانی و فلانی (غاصبان خلافت) و فرقه‌هایی که (از مسیر صحیح خلافت) پراکنده شده و با پیامبرت و صاحبان امر (امامت) پس از پیامبرت و امامان بعد از او و شیعیانشان مخالفت کردند، همگی را از رحمت خود دور کن.

می‌بینیم که حضرت صادق علیه السلام دعا در حق امام زمان علیه السلام و تعجیل فرج ایشان را همراه با لعن بر اولین کسانی که با رسول خدا صلی الله علیه و آله در امر خلافت اختلاف کردند، تعلیم فرموده‌اند. این دعای شریف به سفارش امام صادق علیه السلام یک بار ابتدای روز و یک بار هم انتهای آن باید خوانده شود. شایسته است که دوستان امام عصر علیه السلام قرائت این دعا را به همراه دعای شریف عهد - که آن هم از امام صادق علیه السلام روایت شده است - پس از ادای نماز صبح و خواندن تعقیباتش، ترک نکنند.

### پیدا کردن فرصت برای دعا

ممکن است انسان تصور کند که فرصت خواندن این دعا را دو بار در روز ندارد، در این صورت باید به سه نکته توجه کند: اول اینکه اگر انسان به انجام کاری اهتمام داشته باشد، در عمل می‌بیند که وقتش را پیدا می‌کند. ما اگر اوقاتی را که در شبانه روز بدون توجه و برنامه‌ریزی به بطالت می‌گذرانیم، حساب کنیم؛ روشن می‌شود که زمان

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب القول عند الاصبح و الإمساء، ح ۲۳.

زیادی برای دعا کردن در اختیار داریم که از آن استفاده‌ی کامل نمی‌بریم. بنابراین با برنامه‌ریزی دقیق و صحیح خواهیم توانست که از اوقات تلف شده‌ی خود استفاده‌های بهتر ببریم. یکی از راه‌های آن خواندن همین نوع دعاهاست که در عمل بیش از ۳ تا ۵ دقیقه طول نمی‌کشد. آیا در شبانه روز به اندازه‌ی دو تا پنج دقیقه یعنی ده دقیقه زمان تلف شده نداریم تا آن را به دعای برای امام زمان علیه السلام اختصاص دهیم؟!

نکته‌ی دوم: در این دعا و امثال آن خیرات زیادی برای خود می‌خواهیم و از قضا و قدر شر به خدا پناه می‌بریم. اگر حقیقتاً دعا به پیشگاه الهی را در جلب خیرات و رفع شرور مؤثر می‌دانیم، باید چنین بیندیشیم که خواندن این ادعیه ما را از صرف وقت و امکانات زیادی که ممکن است صرف معالجه‌ی بیماری‌ها و رفع گرفتاری‌ها شود، بی‌نیاز می‌کند. کسی که به این دعاها اعتقاد دارد، یقین پیدا می‌کند که با خواندن آنها می‌تواند خود را از بسیاری بلاها بیمه کند و به این وسیله از عمر گرانقدر خود استفاده‌ی بیشتری بنماید.

نکته‌ی سوم اینکه اگر حقیقتاً وقت کافی برای خواندن همه‌ی دعاها در هر روز - صبح و شام - نداریم، به کلی آنها را کنار نگذاریم. اگر در صبح وقت دعا خواندن داریم و شب فرصت نداریم، دعای صبح را ترک نکنیم. یا اگر در شب این فرصت را داریم و صبح وقت نداریم، دعای شب را بخوانیم. همچنین اگر یک یا چند روز فرصت دعا خواندن پیدا نکردیم، در یک روز که این فرصت را پیدا می‌کنیم، از خواندن آن غفلت نورزیم. به این ترتیب قطعاً در طول هفته فرصت حداقل یک یا چند بار دعا خواندن را پیدا خواهیم کرد و هرگز چنین نمی‌شود که هفته‌ها و ماه‌ها بگذرد و یک بار هم دعای سفارش شده‌ی امام صادق علیه السلام - در صبح و شام - را نخوانده باشیم.

### دعای عهد روزانه

دعای دیگری که صبح هر روز به عنوان تجدید بیعت با وجود مقدس امام عصر علیه السلام خوانده می‌شود، دعایی است که به دعای عهد معروف می‌باشد. این دعا سفارش شده‌ی

امام صادق علیه السلام است که در فضیلت خواندن آن فرموده‌اند:

هر کس چهل صبح با این عهد به پیشگاه خداوند دعا کند، از یاوران قائم ما خواهد بود. پس اگر پیش از قیام ایشان بمیرد، خدای متعال او را از قبرش بیرون می‌آورد و به ازای هر کلمه‌ی (این دعا ثواب) هزار کار خوب به او عطا می‌فرماید و هزار بدی را از او محو می‌سازد.<sup>۱</sup>

این دعای شریف در کتب مختلف دعا از جمله کتاب گرانقدر «مفاتیح الجنان» اثر ماندگار مرحوم حاج شیخ عباس قمی نقل شده است. باید توجه داشت که خواندن این دعا باید جزء برنامه‌ی روزانه‌ی دوستداران حضرت باشد که در هر صبحگاه پیمان خود را با امام زمانشان تازه و نو می‌کنند. برخی تصور می‌کنند که با خواندن چهل روز این دعا، وظیفه‌شان را نسبت به آن انجام داده‌اند، چنین نیست. حقوق امام زمان علیه السلام بسیار بزرگ‌تر از آن است که ما در طول عمر خود فقط چهل روز با ایشان تجدید عهد کنیم و در حق آن حضرت دعا نماییم. درست است که پس از خواندن چهل روز - البته به شرط قبولی آن - امید داریم که بشارت امام صادق علیه السلام نصیب ما بشود، اما از طرف دیگر به خاطر خطاها و گناهانی که هر روز در معرض انجامش هستیم، از حبط شدن اثر آن می‌ترسیم.<sup>۲</sup> بنابراین هر روز صبح آن را تکرار می‌کنیم بلکه لا اقل یکی از دعاهای چهل روزه‌ی ما مورد قبول درگاه الهی قرار بگیرد و آثار و برکات آن به طور کامل شامل حالمان بشود.

### دعا در شب و روز جمعه

۲- دومین مناسبت زمانی برای دعا در حق امام عصر علیه السلام شب‌ها و روزهای جمعه هر هفته است. اگر بیشتر افراد - به خصوص آقایان - در طول روزهای میانی هفته، مشغول کار و تلاش هستند و باید با اهتمام ورزیدن به امر دعا فرصت لازم را برای آن به وجود آورند، اما در تعطیلی آخر هفته این فرصت به سادگی فراهم است. شب و روز

۱. بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۱ و ۱۱۲، به نقل از مصباح الزائر.

۲. درباره‌ی حبط اعمال و جدی بودن خطر آن رجوع کنید به کتاب «در ضیافت ضریح».

جمعه بهترین وقت برای عبادت و بندگی خداست. دعا هم یکی از بهترین مصادیق عبادت می باشد که در این زمان باید حَقِّش ادا گردد. احادیث زیادی در فضیلت شب و روز جمعه وارد شده که به برخی از آنها اشاره می کنیم. از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمودند:

مَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ يَوْمٍ أَفْضَلَ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ.<sup>۱</sup>

خورشید در روزی بهتر از روز جمعه طلوع نمی کند.

از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز نقل شده که در فضیلت روز جمعه چنین فرمودند:

يَوْمُ الْجُمُعَةِ سَيِّدُ الْأَيَّامِ وَأَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ يَوْمِ الْأَضْحَى وَ يَوْمِ الْفِطْرِ.<sup>۲</sup>

روز جمعه آقای همه ی روزهاست و نزد خدای عز و جل از روز (عید) قربان و روز (عید) فطر بزرگ تر است.

همچنین از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ الْجُمُعَةَ فَجَعَلَ يَوْمَهَا عِيدًا وَاخْتَارَ لَيْلَهَا فَجَعَلَهَا مِثْلَهَا ... فَلَيْلَةُ الْجُمُعَةِ أَفْضَلُ اللَّيَالِي وَ يَوْمُهَا أَفْضَلُ الْأَيَّامِ.<sup>۳</sup>

خداوند جمعه را برگزید پس روزش را عید قرار داد و شبش را برگزید پس آن را همچون روزش قرار داد ... پس شب جمعه بهترین شبها و روزش بهترین روزهاست.

با این فضیلتی که شب و روز جمعه دارد، باید انسان حدّا کثر بهره برداری را از برکات آنها بکند و حق آنها را به خوبی ادا نماید. هر چه معرفتمان به برکات شب و روز جمعه بیشتر شود، استفاده ی بهتری از آنها خواهیم برد. عالم بزرگوار مرحوم آیه الله حاج میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی (فقیه احمد آبادی) سال ها پیش از

۱. بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۷۳، ح ۱۹، به نقل از عذّة الذّاعی.

۲. همان، ص ۲۶۷، ذیل ح ۵، به نقل از الخصال.

۳. همان، ص ۲۸۲، ذیل ح ۲۸.

تألیف مکیال المکارم، کتاب مفصلی به زبان فارسی تألیف نموده‌اند که نام آن را «ابواب الجنات فی آداب الجمععات» نهاده‌اند. ایشان انگیزه‌ی خود را در این کار در ابتدای مقدمه‌ی آن چنین بیان داشته‌اند:

چون حضرت رسول الله ﷺ از جانب حضرت پروردگار غفار از فرط شفقت و رحمت در هر هفته یک شب و یک روز را که شب و روز جمعه باشد از برای امت خود عید قرار دادند و آن شب و روز را سید روزها و شبها خواندند که بندگان در آن تهیة‌ی سفر آخرت نمایند و از اعمالی که در شش شبانه روز سابق مرتکب شده‌اند استعفا و استغفار جویند و به ارتکاب اعمال شایسته مشغول شوند نه آنکه بیش از پیش مشغول عصیان و نافرمانی شوند (و در این زمان امر بر عکس شده، بعضی مردم ایام هفته را به کسب مشغول و شب و روز جمعه را به جهت معاصی می‌گذرانند، غافل از آنکه عقابش مضاعف است و بعضی دیگر لااقل به بیهوده می‌گذرانند و به کارهای لغو طی می‌کنند) لهذا این حقیر سراپا تقصیر، تصمیم عزم نمودم که کتابی تألیف نمایم جامع که مشتمل باشد بر فضایل و خصایص شب و روز جمعه و اعمال آن، شاید مؤمنی بدان عمل نماید و آن موجب آمرزش گناهان این عاصی و ذخیره‌ی روز تنگدستی و درماندگی بوده باشد.<sup>۱</sup>

آنچه از ایشان نقل کردیم مستند به احادیث ائمه‌ی طاهرین علیهم‌السلام است. به‌عنوان نمونه از امام صادق علیه‌السلام چنین نقل شده است:

اجْتَنِبُوا الْمَعَاصِيَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فَإِنَّ السَّيِّئَةَ مُضَاعَفَةٌ وَ الْحَسَنَةَ مُضَاعَفَةٌ وَ مَنْ تَرَكَ مَعْصِيَةَ اللَّهِ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ كُلَّ مَا سَلَفَ فِيهِ وَ قِيلَ لَهُ: إِسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ وَ مَنْ بَارَزَ اللَّهَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ بِمَعْصِيَتِهِ أَخَذَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِكُلِّ مَا عَمَلَ فِي عُمُرِهِ وَ ضَاعَفَ عَلَيْهِ الْعَذَابَ بِهَذِهِ الْمَعْصِيَةِ.<sup>۲</sup>

۱. ابواب الجنات فی آداب الجمععات (آیین جمعه)، ص ۱۰ و ۱۱. خوب است بدانیم که مؤلف گرانقدر، این کتاب ۵۰۰ صفحه‌ای را در سن ۲۵ سالگی نوشته‌اند (رحمة الله علیه).

۲. بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۲۸۳، ذیل ح ۲۸.

شب جمعه از گناهان بپرهیزید زیرا (عقاب) گناه (در آن) چند برابر و (پاداش) کار خوب هم چند برابر است. و هرکس در شب جمعه نافرمانی خدا را ترک نماید، خداوند هرچه در گذشته‌اش مرتکب شده را می‌بخشاید و به او گفته می‌شود: عمل را از نو شروع کن و هرکس در شب جمعه با گناهش به مخالفت با خدا برخیزد، خدای عزّ و جل او را به خاطر همه گناهانی که در طول عمرش انجام داده، مؤاخذه می‌کند و به سبب همین گناه (شب جمعه) چند برابر عذابش می‌نماید.

با این توضیحات باید قدر شب و روز جمعه را بیشتر بدانیم و بار سفر آخرت خود را در این اوقات ببندیم. حال که کار خوب در این زمان‌ها چند برابر حساب می‌شود، دعا برای تعجیل فرج مولای مهربانان هم فضیلت فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کند. خوب است بدانیم که روز جمعه را در برخی احادیث، روز ظهور امام زمان علیه السلام دانسته‌اند. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

يَخْرُجُ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ ... وَمَا مِنْ عَمَلٍ أَفْضَلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ  
مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.<sup>۱</sup>

قائم ما اهل بیت علیهم السلام در روز جمعه ظهور می‌کند ... و هیچ عملی در روز جمعه از فرستادن صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آل ایشان بهتر نیست.

البته چون وقت ظهور امام عصر علیه السلام از امور بداء پذیر است، به طور قطعی نمی‌توانیم روز آن را پیش‌بینی نماییم؛ اما آنچه طبق این حدیث شریف مقدر شده، ظهور در روز جمعه است که اگر در آن بداء صورت نپذیرد، همان واقع می‌گردد. در روزی که این قدر فضیلت دارد، هیچ عملی مهم‌تر از فرستادن صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و عترت ایشان علیهم السلام نیست. حال اگر این عبادت گرانقدر با دعا برای تعجیل فرج ایشان همراه شود، عظمت بی‌نظیری پیدا خواهد نمود. از امام صادق علیه السلام منقول است که فرمودند:



در روز قیامت، خدای متعال همه‌ی روزها را مبعوث می‌فرماید و روز جمعه را همچون عروس دارای کمال و جمال پیشاپیش همه‌ی آنها مبعوث می‌فرماید ... آنگاه جمعه برای هر کس که در آن بر محمد و آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زیاد صلوات فرستاده باشد، شفاعت می‌کند.

راوی می‌پرسد: منظور از زیاد چه تعداد است و در چه وقت از اوقات روز جمعه صلوات فرستادن بهتر است؟ حضرت فرمودند:  
بعد از عصر صد بار صلوات بفرستد.

مرحوم سیدبن طاووس منظور از عصر را در فرمایش امام عَلَيْهِ السَّلَام نماز عصر دانسته‌اند. راوی می‌پرسد: چگونه این صلوات را بفرستم، می‌فرمایند:

صد بار می‌گویی: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.<sup>۱</sup>

به این ترتیب یکی از بهترین عبادت‌های روز جمعه برای دوستداران امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام انجام همین عمل شریف در فرمایش امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌باشد. شبیه همین تکلیف برای شب‌های جمعه نیز وارد شده است. مرحوم شیخ الطائفه ابو جعفر طوسی در کتاب «مختصر المصباح» در بیان وظایف شب جمعه می‌فرماید:

صد بار یا هر تعداد که می‌توانی در صلوات بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌گویی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَاهْلِكَ عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ.<sup>۲</sup>

یکی دیگر از دعا‌های وارد در روز جمعه، دعای ندبه است که مضامین آن شامل اظهار شوق دیدار امام غایب و درخواست تعجیل فرج ایشان با تعبیر مختلف می‌باشد. البته دعا‌های شب و روز جمعه در حق امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام و تعجیل فرج ایشان فراوان است. ما در این جا به معرفی یک دعای دیگر اکتفا کرده و علاقمندان را به منابع

۱. جمال الاسبوع، فصل ۴۷، ج ۷، ص ۲۷۷.

۲. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۱.

مفصل‌تر در این خصوص ارجاع می‌دهیم.<sup>۱</sup>

این دعا را جناب شیخ عثمان بن سعید عمروی اولین نایب امام عصر علیه السلام املا فرموده است که با توجه به مقام نیابت خاصه‌ی ایشان می‌توانیم آن را دعای ماثور از معصوم علیه السلام تلقی کنیم. مرحوم سیدبن طاووس در خصوص این دعا می‌فرماید:

اگر نسبت به خواندن همه‌ی آنچه در تعقیبات عصر روز جمعه آوردیم، عذری داشتی، مبادا در خواندن این دعا سستی بورزی. هرآینه این امر را از فضیلت‌های اختصاصی خداوند در حق خود می‌دانیم، پس بر آن اعتماد کن.<sup>۲</sup>

البته در سند دعا اشاره‌ای به اینکه در روز جمعه خوانده شود، وجود ندارد و خود مرحوم سید این دعا را جزء اعمال روز جمعه قرار داده است. متن کامل این دعا مطابق نقل مرحوم سیدبن طاووس در بخش سوم کتاب آمده است.

آخرین فرصت دعا در روز جمعه مربوط به دقایق پایانی آن می‌شود که به فرموده‌ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هر کس در آن وقت از خدا طلب خیری نماید، دست خالی نمی‌ماند. حضرت صدیقه‌ی طاهره علیها السلام از پدر بزرگوارشان نقل فرموده‌اند که فرمود:

إِنَّ فِي الْجُمُعَةِ لَسَاعَةً لَا يُرَاقِبُهَا (لَا يُؤَافِقُهَا) رَجُلٌ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللَّهَ عِزًّا وَ  
جَلًّا فِيهَا خَيْرًا إِلَّا أَعْطَاهُ إِيَّاهُ.

در روز جمعه زمانی است که هیچ مسلمانی از آن مراقبت نمی‌کند (یا با آن هماهنگ نمی‌شود) که از خدای عز و جل در آن زمان خیری طلب نماید، مگر آنکه (خدا) آن را عطایش فرماید.

حضرت زهرای اطهر علیها السلام می‌پرسند:

آن زمان کدام ساعت است؟

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

إِذَا تَدَلَّى نِصْفُ عَيْنِ الشَّمْسِ لِلْغُرُوبِ.

هنگامی که نیمی از قرص خورشید در افق مغرب ناپدید می‌شود.

۱. به‌عنوان نمونه کتاب نجم الثاقب، باب ۱۱ و جمال الاسبوع.

۲. جمال الاسبوع، ص ۳۱۵.

به همین جهت حضرت فاطمه علیها السلام به غلام خویش می فرمودند که از روی بلندی‌ها مراقب باشد، هرگاه نیمی از قرص خورشید در افق مغرب ناپدید می شود، ایشان را خبر نماید تا حضرتش دعا فرمایند.<sup>۱</sup>

زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله معین فرمودند، چند دقیقه بیشتر نیست، اما به قدری اهمیت دارد که حضرت زهرای مرضیه علیها السلام غلام خود را برای تعیین آن به روی بلندی می فرستادند تا این فرصت از دستشان نرود. این چند دقیقه درست پیش از زمان غروب کامل خورشید است که می توان از خداوند طلب خیر نمود. کدام خیری از تعجیل فرج مولایمان بالاتر است که در این زمان محدود از پیشگاه الهی درخواست شود؟

#### دعا در عصر روز دوشنبه و پنجشنبه

۳- از دیگر زمان‌های مناسب دعا در حق امام عصر علیه السلام به خصوص برای تعجیل فرج ایشان، عصر روز دوشنبه و روز پنجشنبه هر هفته است. این دو وقت، زمان‌هایی هستند که اعمال امت خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه‌ی طاهرين علیهم السلام و به طور خاص محضر بقیة الله الاعظم ارواحنا فداء عرضه می شود. این حقیقت در قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم السلام به صراحت مطرح شده است. در این جا نیاز به بحث تفصیلی نیست.<sup>۲</sup> به اجمال اشاره می شود که قرآن کریم از اینکه اعمال بندگان به رؤیت خدا، رسول و مؤمنان خاص می رسد، به صراحت خبر می دهد و می فرماید:

وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ.<sup>۳</sup>

و (ای پیامبر) بگو عمل کنید که خدا و رسولش و مؤمنان، عمل شما را می بینند.

۱. معانی الاخبار، ص ۳۹۹ و ۴۰۰، ح ۵۹.

۲. تفصیل این بحث در کتاب «آفتاب در غربت»، بخش دوم، فصل دوم، تحت عنوان «۷- شاهد خدا بر خلق» آمده است.

۳. براءت / ۱۰۵.

در تفسیر این آیه‌ی شریفه احادیث متعددی دلالت می‌کند بر اینکه همه‌ی اعمال بندگان در فواصل مختلف بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه‌ی طاهرین علیهم السلام - که مقصود از مؤمنان در آیه‌ی فوق هستند - عرضه می‌شود. از زمان‌های عرضه‌ی اعمال روزهای دوشنبه و پنجشنبه‌ی هر هفته است. مرحوم سیدبن طاووس از جدّ شریفش شیخ ابو جعفر طوسی در تفسیر آیه‌ی فوق چنین نقل کرده است:

رُويَ فِي الْخَبَرِ أَنَّ الْأَعْمَالَ تُعْرَضُ عَلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فِي كُلِّ اثْنَيْنِ وَ خَمِيسٍ فَيَعْلَمُهَا وَ كَذَلِكَ تُعْرَضُ عَلَى الْأَئِمَّةِ علیهم السلام فَيَعْرِفُونَهَا وَ هُمْ الْمَعْنِيُّونَ بِقَوْلِهِ «وَ الْمُؤْمِنُونَ»<sup>۱</sup>

در حدیث آمده است که همه‌ی اعمال در هر دوشنبه و پنجشنبه خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه می‌گردد و ایشان از آنها آگاه می‌شوند و همچنین بر امامان علیهم السلام عرضه می‌شود، پس آنها هم از اعمال آگاه می‌گردند و منظور از «المؤمنون» در آیه‌ی قرآن تنها ائمه علیهم السلام هستند.

احادیث متعددی بر وقوع این مطلب دلالت می‌کند که در ذیل آیه‌ی ۱۰۵ سوره‌ی براءت و آیات دیگری از قرآن - از جمله آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی انفال - آمده است. جالب این جاست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جانشینانش به خاطر رأفت و لطف شدید به امت خویش، وقتی از پرونده‌ی اعمال آنان آگاه می‌شوند، برای بدی‌هایشان از خدا طلب مغفرت می‌کنند. حضرت باقر العلوم علیه السلام از خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل فرموده‌اند که ایشان چنین فرمودند:

... لِأَنَّ أَعْمَالَكُمْ تُعْرَضُ عَلَيَّ كُلِّ اثْنَيْنِ وَ خَمِيسٍ فَمَا كَانَ مِنْ حَسَنٍ حَمِدْتُ اللَّهَ عَلَيْهِ وَ مَا كَانَ مِنْ سَيِّئٍ اسْتَغْفَرْتُ لَكُمْ.<sup>۲</sup>

... چون در هر دوشنبه و پنجشنبه اعمال شما بر من عرضه می‌شود. پس به خاطر کارهای خوبتان خداوند را می‌ستایم و برای کارهای بدتان (از خدا) طلب مغفرت می‌نمایم.

۱. محاسبة النفس، ص ۱۶ و ۱۷.

۲. تفسیر کنز الدقائق، ج ۵، ص ۳۳۴.

مرحوم سیدبن طاووس این مطلب را از منابع اهل سنت نیز نقل کرده و آن را مورد اتفاق فریقین دانسته است.<sup>۱</sup> چون ائمه‌ی طاهرین علیهم‌السلام در همه‌ی شوون - به جز نبوت - جانشین پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستند، همین استغفار برای امت گناهکار برای آنان نیز اثبات می‌شود، علاوه بر اینکه بعضاً تصریحاتی نسبت به این مطلب دارند. به عنوان نمونه امام هشتم علیه‌السلام به شخصی به نام موسی بن سیار فرمودند:

ای موسی بن سیار! آیا نمی‌دانی که اعمال شیعیان ما در هر صبح و شام بر همگی ما امامان عرضه می‌شود؟ آنگاه اگر تقصیری در رفتار آنها باشد، از خداوند می‌خواهیم که از سر تقصیراتشان بگذرد و اگر کار خوبی داشته باشند، از خدا می‌خواهیم که از آنها قدردانی فرماید؟<sup>۲</sup>

البته هیچ منافاتی بین این حدیث و احادیث گذشته وجود ندارد. عرضه‌ی اعمال بر امامان علیهم‌السلام می‌تواند به صورت‌های مختلف و در زمان‌های مختلف باشد و همه‌ی آنها با هم قابل جمع هستند. قدر مسلم این است که ائمه علیهم‌السلام به پیروی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، چنان محبتی به امت خویش - یعنی شیعیان - دارند که وقتی اعمال بد آنان را در پرونده‌ی اعمالشان می‌بینند، برای آمرزش گناهانشان دست به دعا بلند می‌کنند و برای آنها طلب مغفرت می‌نمایند. این کاری است که امام عصر علیه‌السلام نیز درباره‌ی دوستانش انجام می‌دهد. یعنی یا هر روز و یا حداقل روزهای دوشنبه و پنجشنبه وقتی نامه‌ی اعمال ما به دست مبارکشان می‌رسد و کارهای بدمان ایشان را ناراحت می‌کند، برایمان طلب مغفرت می‌فرمایند.

مرحوم سیدبن طاووس می‌فرمایند:

شیعه روایت کرده است که زمان عرضه‌ی اعمال در این دو روز (دوشنبه و پنجشنبه) هنگام پایان یافتن روز (یعنی پیش از غروب) است.<sup>۳</sup>

با این ترتیب ما اطمینان داریم که حداقل هفته‌ای دو روز - روزهای دوشنبه و

۱. محاسبة النفس، ص ۱۸ و ۱۹.

۲. بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۹۹.

۳. جمال الاسبوع ص ۱۱۷.

پنجشنبه - پیش از غروب، پرونده‌ی اعمال ما خدمت مولایمان عرضه می‌گردد و ایشان از حال یک یک ما آگاه می‌شوند. سپس برای پاک شدن ما از آلودگی گناہانی که در چند روز گذشته مرتکب شده‌ایم، به پیشگاه الهی دعا می‌کنند.

حال که چنین است، آیا رسم جوانمردی و مروّت نیست که ما هم - حدّاقل در این دو وقت - به یاد ولیّ نعمتمان باشیم و چون ایشان را به خاطر کارهای زشت خود ناراحت کرده‌ایم، در صدد جلب رضایت حضرتش برآییم؟ ما می‌دانیم چه چیزی مولایمان را بیش از هر چیز دیگر خوشحال می‌کند، آری هیچ چیز به اندازه‌ی مژده‌ی ظهور، امامان را مسرور و شاد نمی‌کند. پس آیا بهترین عمل در آن زمان‌ها، دعا برای سلامتی و تعجیل فرج ایشان نیست؟ پس چرا به این فکر نیستیم و فراموشمان می‌شود؟! به این فرمایش حضرت امام صادق علیه السلام توجه فرماید:

إِذَا كَانَ يَوْمُ الْخَمِيسِ عِنْدَ الْعَصْرِ أَهْبَطَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَلَائِكَةً مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ مَعَهَا صَخَائِفٌ مِنْ فِضَّةٍ بِأَيْدِيهِمْ أَقْلَامٌ مِنْ ذَهَبٍ تَكْتُبُ الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عِنْدَ غُرُوبِ الشَّمْسِ.<sup>۱</sup>

در روز پنجشنبه هنگام عصر، خدای عزّ و جلّ فرشتگانی را از آسمان به زمین فرو می‌فرستد که با آنها برگ‌هایی از نقره و در دستانشان قلم‌هایی از طلاست، (با این قلم‌های طلایی روی آن برگ‌های نقره‌ای) هنگام غروب خورشید صلوات بر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را می‌نویسند.

بنابراین آیا شایسته نیست که این صلوات‌ها را با دعای بر تعجیل فرج اهل بیت علیهم السلام قرین کنیم تا به این وسیله قدمی کوتاه در راه شکر نعمت ولایت و محبت ائمه‌ی طاهرین به خصوص امام غریب و غایبمان برداشته باشیم؟ این دعا در هنگام غروب روز پنجشنبه به خصوص وارد شده است. مطابق نقل مرحوم سیدبن طاووس جزء تکالیف مستحبّی انسان در روزهای پنجشنبه این است که هزار بار این گونه صلوات بفرستد:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.

و در روایت دیگری فرموده‌اند که صد بار به این صورت صلوات بفرستد:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ أَهْلِكَ عَدُوَّهُمْ مِنَ  
الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ.<sup>۱</sup>

این همان دعای شریفی است که برای روز جمعه به خصوص پس از نماز عصر به آن سفارش شده است.

اهتمام به دعای صلوات همراه با درخواست تعجیل فرج اهل بیت علیهم‌السلام در روزهای پنجشنبه‌ی آخر هر ماه قمری تأکید بیشتری دارد، زیرا مطابق روایات، پرونده‌ی اعمال هر ماه در آخرین پنجشنبه‌ی آن به پیشگاه خداوند عرضه می‌شود تا مورد بررسی قرار گیرد و مورد قبول یا رد واقع شود. از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که فرمودند:

أَخِرُ كُلِّ خَمِيسٍ فِي الشَّهْرِ تُرْفَعُ فِيهِ أَعْمَالُ الشَّهْرِ.<sup>۲</sup>

پایان هر پنجشنبه در ماه، اعمال آن ماه (به درگاه خداوند) بالا می‌رود.

از این روایت و شبیه آن بر می‌آید که اعمال هر کس به صورت ماهانه بالا می‌رود تا نسبت به پذیرفته شدن یا نشدن کارهای خوب و آمرزیده شدن یا نشدن کارهای بد مورد رسیدگی قرار گیرد. کسی که در طول یک ماه گناهایی مرتکب شده و نمی‌داند که خداوند آنها را آمرزیده است یا خیر، همچنین نمی‌داند که کارهای خوبش در این ماه مقبول درگاه الهی قرار گرفته یا خیر، می‌تواند با جلب رضایت امام انس و جان حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا فداء خود را رو سپید کند و همه‌ی کوتاهی‌های یک ماه گذشته را جبران نماید و چه کاری بهتر از دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه‌السلام در جلب خشنودی ایشان؟!!

البته چه خوب است که همراه با این دعا صیغه‌ی استغفار را - به صورتی که دستور داده‌اند - از اعماق جاننش به زبان جاری کند به این امید که این استغفار با استغفار امام

۱. جمال الاسبوع، ص ۱۲۱.

۲. محاسبة النفس، ص ۲۴، به نقل از علل الشرایع.

زمان علیه السلام برای او - یا آمین آن بزرگوار - همراه شده و به آبروی آن عزیز به هدف اجابت برسد. مستحب است انسان در پایان روز پنجشنبه این گونه استغفار نماید:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ تَوْبَةً عَبْدٍ خَاشِعٍ  
خَاضِعٍ مُسْكِنٍ مُسْكِنٍ مُسْتَجِيرٍ لَا يَسْتَطِيعُ لِنَفْسِهِ صَرْفًا وَلَا عَدْلًا وَلَا  
نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا حَيَاةً وَلَا مَوْتًا وَلَا نُشُورًا وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ  
عِزَّتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَبْرَارِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا.<sup>۱</sup>

### دعا در روز عید غدیر

۴ - چهارمین مناسبت زمانی برای دعا در حق امام عصر علیه السلام به خصوص تعجیل فرج ایشان روز عید غدیر است. این عید به یقین بزرگ‌ترین عید مسلمانان است که آن را به حق «عید الله الاکبر» نامیده و امام صادق علیه السلام قسم خورده‌اند که خداوند روزی که حرمتش بالاتر از روز غدیر باشد، نیافریده است.<sup>۲</sup>

عظمت این روز به خاطر آن است که در آن عهد و پیمان الهی - که همان عهد امامت و ولایت ائمه‌ی طاهریین علیهم السلام است - به همه‌ی جهانیان تا روز قیامت اعلام گردیده و از همه‌ی انسان‌ها در هر نسلی بر عمل به آن پیمان الهی، بیعت خواسته شده است. همه‌ی مخاطبان غدیر تا روز رستاخیز موظفند که با قول و عمل خویش بر وفا به این عهد خداوند، پیمان ببندند و مولویتی موالی خویش را با جان و دل گردن نهند. هر چند پیمان غدیر به همه‌ی امامان - اعم از گذشتگان و امام حاضر - مربوط می‌شود، اما از یک جهت می‌توان گفت که عصاره و نتیجه‌ی ولایت و مولویتی همه‌ی امامان پیشین در وجود مقدس آخرین باقی مانده از خاندان عصمت و طهارت متجلی شده است. بنابراین بیعت با ایشان در روز عید غدیر، بیعت با همه‌ی جانشینان پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم به شمار می‌آید. لذا می‌توانیم مهم‌ترین عمل را در عید غدیر بیعت با امام

۱. محاسبه النفس، ص ۲۳.

۲. اقبال الاعمال، ص ۴۷۶.



زمان عجله به عنوان ولی امر و صاحب اختیار مطلق از جانب پروردگار بشماریم و آن را روز تجدید عهد با آن حضرت بنامیم. با این توضیح مختصر روشن می شود که دعا در حق امام عصر عجله در روز غدیر و به خصوص درخواست تعجیل فرج ایشان - که فرج همه ی اهل بیت عجله است - از خداوند چه اهمیّت خاصی دارد. اگر نگاهی به دعاهای ماثور در این روز شریف بیندازیم به این اهمیّت بیشتر پی خواهیم برد.

یکی از زیباترین دعاها در عید غدیر دعایی است که مرحوم سیدبن طاووس از جناب شیخ مفید رضوان الله علیه نقل فرموده است. اوّل دعا چنین است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَعَلِيٍّ وَلِيِّكَ وَالشَّانِ وَالْقَدْرِ الَّذِي خَصَّصْتَهُمَا بِهِ دُونَ خَلْقِكَ ....

خدایا به حق محمد صلی الله علیه و آله پیامبرت و علی و ولیت و شأن و منزلتی که در بین خلایقت به ایشان اختصاص داده ای، از تو می خواهم ....

در آخر دعاهم آمده است:

اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنِ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَاکْشِفْ عَنْهُمْ وَبِهِمْ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ الْكُرْبَاتِ. اللَّهُمَّ اَمْلَأِ الْأَرْضَ بِهِمْ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا وَانْجِزْ لَهُمْ مَا وَعَدْتَهُمْ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِعَادَ. ۱

خدایا بر خاندان محمد صلی الله علیه و آله پیامبرت فرج و گشایش ده و از آنها و از مؤمنان به سبب آنها، محنتها و غمها را برطرف ساز. خداوندا زمین را به وسیله ی آنها پر از عدل کن همچنان که از ظلم و جور پر شده است و آنچه به ایشان وعده فرموده ای تحقق بخش، همانا که تو خلف وعده نمی کنی.

ملاحظه می شود که در این فراز از دعا، درخواست فرج اهل بیت عجله - و به واسطه ی آنان فرج همه ی مؤمنان - از خدای متعال مطرح شده است. عمل دیگری که در روز عید غدیر بر انجام آن تأکید شده، شامل دعایی از قول امام صادق عجله است که در آن تقاضای یاری کردن امام منتظر و قائم آل محمد صلی الله علیه و آله مطرح می باشد. متن

فرمایش امام ششم علیه السلام چنین است:

صَوْمُ يَوْمِ غَدِيرِ خُمٍّ يَعْدِلُ صِيَامَ عُمْرِ الدُّنْيَا لَوْ عَاشَ إِنْسَانٌ عُمَرَ الدُّنْيَا ثُمَّ لَوْ صَامَ مَا عَمَرَتِ الدُّنْيَا لَكَانَ لَهُ ثَوَابُ ذَلِكَ وَ صِيَامُهُ يَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِائَةَ حَجَّةٍ وَ مِائَةَ عُمْرَةٍ وَ هُوَ عِيدُ اللَّهِ الْأَكْبَرُ وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ نَبِيًّا إِلَّا وَ تَعَيَّدَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ عَرَفَ حُرْمَتَهُ وَ اسْمُهُ فِي السَّمَاءِ يَوْمَ الْعَهْدِ الْمَعْهُودِ وَ فِي الْأَرْضِ يَوْمَ الْمِيثَاقِ الْمَأْخُودِ وَ الْجَمْعِ الْمَشْهُودِ ...

روزه‌ی عید غدیر خم معادل روزه‌ی عمر دنیاست. اگر انسانی به اندازه‌ی عمر دنیا می‌زیست سپس همه‌ی عمر دنیا را روزه می‌گرفت، همان قدر ثواب داشت و روزه‌ی عید غدیر نزد خدای عزّ و جل با صد حج و صد عمره برابری می‌کند و آن بزرگ‌ترین عید خداوند است و خدای عزّ و جل هیچ پیامبری را مبعوث نکرده، مگر آنکه این روز را عید گرفته است و برای آن احترام خاصّ قائل بوده است. نام آن در آسمان روز عهد شناخته شده و در زمین روز پیمان ستانده شده و جمع مشهود است.

سپس اضافه فرمودند:

هر کس نیم ساعت پیش از ظهر دو رکعت نماز به‌خاطر شکر خدای عزّ و جل بجا آورد و در هر رکعت آن ده بار سوره‌ی حمد و ده بار سوره‌ی قدر و ده بار آیه‌الکرسی را بخواند، نزد خدای عزّ و جل با صد هزار حج و صد هزار عمره برابری می‌کند و هیچ حاجتی از حاجت‌های دنیا و آخرت را از خدای عزّ و جل درخواست نمی‌کند - هر حاجتی باشد - مگر آنکه خدای عزّ و جل به برآورده شدن آسان و بی‌دردسر آن حکم می‌فرماید.

آنگاه در پایان فرمایشات خود، دعایی را تعلیم فرمودند که پس از آن دو رکعت نماز خوانده شود. قسمت پایانی این دعا چنین است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَ بِالَّذِي فَضَّلْتَهُمْ عَلَي الْعَالَمِينَ جَمِيعاً أَنْ تُبَارِكَ لَنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا الَّذِي أَكْرَمْتَنَا فِيهِ بِالْوَفَاءِ لِعَهْدِكَ الَّذِي عَاهَدْتَ إِلَيْنَا وَ الْمِيثَاقِ الَّذِي وَاثَقْتَنَا بِهِ مِنْ مَوْلَاةِ أَوْلِيَائِكَ وَ

الْبِرَاثَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ وَ تَمَنَّ عَلَيْنَا بِنِعْمَتِكَ وَ تَجْعَلَهُ عِنْدَنَا مُسْتَقَرًّا ثَابِتًا وَلَا تَسْلُبْنَا أَبَدًا وَلَا تَجْعَلَهُ عِنْدَنَا مُسْتَوْدَعًا فَإِنَّكَ قُلْتَ: «فَمُسْتَقَرٌّ وَ مُسْتَوْدَعٌ» فَاجْعَلَهُ مُسْتَقَرًّا ثَابِتًا وَارزُقْنَا نَصْرَ دِينِكَ مَعَ وَلِيِّ هَادٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ قَائِمًا رَشِيدًا هَادِيًا مَهْدِيًّا مِنَ الضَّلَالَةِ إِلَى الْهُدَى وَاجْعَلْنَا تَحْتَ رَايَتِهِ وَ فِي زُمْرَتِهِ شُهَدَاءَ صَادِقِينَ مَقْبُولِينَ فِي سَبِيلِكَ وَ عَلَى نَصْرَةِ دِينِكَ.<sup>۱</sup>

خداوندا از تو می‌خواهم به حقی که نزد آنان (خاندان پیامبر) قرار داده‌ای و به آنچه بر تمام جهانیان برتریشان بخشیده‌ای که این روز را بر ما مبارک گردانی، همان روزی که ما را در آن گرمی داشته‌ای، به خاطر وفا به عهدی که از ما خواسته‌ای و پیمانی که از ما گرفته‌ای - پیمان دوستی و پیروی اولیایت و بیزاری از دشمنانت... و [از تو می‌خواهم] با لطف خود بر ما منت نهی و آن را نزد ما ماندنی و ثابت بداری و هرگز از ما نگیری و نزد ما امانت قرار ندهی که تو فرموده‌ای: «پس [ایمانی] ماندنی است و [ایمانی] به ودیعه گذاشته شده» پس آن را ماندنی و ثابت بدار و یاری رساندن به دینت را روزی ما فرما به همراه ولی هدایت کننده‌ای از خاندان پیغمبرت، آن هنگام که به ارشاد قیام کند و هدایتگر هدایت شده از گمراهی به سوی راه راست باشد. و ما را زیر پرچم و در گروه او، شهیدان راستینی قرار بده که در راه تو و به خاطر یاری دینت، پذیرفته‌ی درگاهت می‌شوند.

پس از اتمام دعا فرمودند:

سپس حاجت‌های دنیوی و اخروی خود را بخواه که قسم بخدا، قسم بخدا، قسم بخدا، قسم بخدا همه‌ی آنها در این روز برآورده می‌شود.<sup>۲</sup>

ملاحظه می‌شود که در این دو دعای روز غدیر، فرج اهل بیت علیهم‌السلام و توفیق یاری و همراهی با قائم آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و شهادت در این راه مسألت شده است. معلوم می‌شود که روز غدیر، روز یاد کردن از حضرت مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و قیام

۱. اقبال الاعمال، ص ۴۸۰.

۲. اقبال الاعمال ص ۴۸۰، متن کامل این دعا در بخش سوم کتاب آمده است.

ایشان و درخواست فرج آن حضرت از خداست.

### دعای ندبه در عید غدیر

شاهد دیگر بر این امر آن است که دعای ندبه جزء اعمال این روز مبارک شمرده می شود. این دعا - همان طور که از نامش پیداست - نشانگر حال گریه و ناله در فراق حضرت مهدی علیه السلام و اظهار شوق برای دیدار ایشان و دعا برای تعجیل در فرجشان می باشد. این دعای شریف در روز جمعه نیز - که عید بزرگ مسلمانان است - خوانده می شود. به نظر مرحوم صدر الاسلام همدانی:

از جمله خواص خواندن این دعای مبارک آن است که در هر مکانی و موضعی که خوانده شود با حضور قلب و اخلاص کامل و ملتفت مضامین عالیه‌ی فائقه و عبارات و اشارات نامیه‌ی رائقه‌ی آن بودن، توجه و التفات مخصوص حضرت صاحب العصر و الزمان (ارواحنا فداه) در آن مکان و محل، بلکه حضور به هم رسانیدن آن حضرت است در آن مجلس. چنانچه در بعض مواضع و موارد اتفاق افتاده.<sup>۱</sup>

آری با شرایطی که این بزرگوار فرمودند، تشرّف به محضر حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه در هنگام خواندن دعای ندبه بعید نیست. این دعا شامل زیارت امام علیه السلام نیز هست، لذا پس از خواندن آن نماز زیارت وارد شده است.

نمونه‌ای از تشرّفات به محضر امام عصر علیه السلام در هنگام زیارت و دعای ندبه، داستانی است که جناب حجّة الاسلام و المسلمین حاج آقا محمود میردامادی از مرحوم آقای میرجهانی نقل فرموده است. ایشان می گوید:

من از مرحوم عالم متقی و وارسته آقای میرجهانی رحمتهم الله شنیدم که فرمودند: یک سالی از طرف آیه الله اصفهانی (رحمة الله علیه) برای شیعیان سامراء کمک‌هایی بردم. شبها در حرم مطهر می ماندم و اذان صبح به سرداب امام زمان (عج) مشرف می شدم. آن روزها برق نبود، چراغهای مختصری بود که

انسان به سختی می‌توانست از آن استفاده کند.

پله‌های سرداب و داخل سرداب هم نور خیلی کمی داشت، شب جمعه‌ای در حرم مطهر به دعا و زیارت مشغول بودم، و اذان صبح که هنوز هوا تاریک بود به طرف سرداب حرکت نمودم. ولی آن روز برخلاف روزهای گذشته پله‌های سرداب را روشن یافتم، تعجب کردم، این نور از کجاست؟

داخل سرداب شدم، دیدم مثل روز روشن است، اصلاً سابقه نداشت سرداب این اندازه روشن باشد، بر شگفت من افزوده شد. در این حال متوجه شدم، آقای جوانی که بسیار نورانی هستند، مشغول نماز می‌باشند. من هم در کناری مشغول نافله شدم. گویا محلی که من ایستاده بودم کمی جلوتر از محل نماز ایشان بود، لذا وقتی از نماز فارغ شدند، به من فرمودند: «جلوی امامت نایست نماز بخوان»، من بی‌اختیار در حالی که جذب این جوان نورانی شده بودم خودم را به کناری کشیدم و عقب ایستادم.

نماز صبح را خواندم، و با شوق به دعای ندبه پرداختم رسیدم به جمله‌ی: «عَرَجْتَ بِرُوحِهِ إِلَى سَمَائِكَ» آقا فرمودند: «عرجت به» بخوان - عرجت بروحه - از معصوم نرسیده است.

بدون چون و چرا و بحث طلبگی، خواندم «عرجت به الی» و بعد کم‌کم رسیدم به جملات مربوط به امام زمان (عج) و آباء ایشان، این الحسن، این الحسین، این ابناء الحسین صالح بعد صالح ... این بقیة الله ... حال خوشی داشتم، اشک می‌ریختم و در طلب امام زمان می‌سوختم، اما نمی‌دانستم در جوار او نشسته‌ام و خدمتش مشرف شده‌ام و به زیارتش نائل گشته‌ام. بعد از دعا به نماز ایستادم، در نماز به فکرم رسید، این آقا امام زمان هستند، به دلیل:

- ۱ - نوری که سرداب را احاطه کرده است و این نور از ایشان است.
- ۲ - فرمودند: جلوی امامت نایست نماز بخوان، و این صراحت دارد بر اینکه ایشان امام زمان بوده‌اند.
- ۳ - فرمودند: «عرجت به بخوان» و من بدون چون و چرا پذیرفتم، و این احاطه ولایت حضرت بود بر قلب من که مباحثه نکردم.

خلاصه در نماز یقین کردم که ایشان امام زمان (عج) می باشند، نماز را تمام کردم و قصد کردم به پای ایشان بیفتم و دامنشان را بگیرم و عرض ادب و محبت نمایم ولی تا رو بر گرداندم ایشان را ندیدم.

گریه کردم، آقا را صدا زدم، دیگر خبر نیافتم از پلّه‌ها آمدم بالا، از خادم پرسیدم، سید را ندیدی؟

گفت: کدام سید؟ اولین کسی که وارد سرداب شده تو هستی و من از دیگری خبر ندارم.

فهمیدم او امام زمان (عج) را ندیده است، و زیارت حضرت فقط نصیب من شده است.<sup>۱</sup>

#### دعای عید فطر و قربان

۵ و ۶- دو مناسبت دیگر برای دعا در حقّ امام عصر علیه السلام و تعجیل فرج ایشان، دو عید بزرگ دیگر مسلمانان یعنی عید فطر و عید قربان است. به طور کلی مسلمانان چهار عید بزرگ دارند که عبارتند از: غدیر، جمعه، فطر و قربان. محور و قطب همه‌ی این اعیاد وجود مقدّس بقیّة الله الاعظم ارواحنا فداه است که جای خالی ایشان در زمان غیبت، در این چهار مناسبت بیشتر حس می شود. خواندن دعای شریف ندبه نیز در هر چهار روز مستحب است.<sup>۲</sup> ممکن است این سؤال به ذهن خطور نماید که روز عید چه مناسبتی با ندبه و گریه دارد و چرا خواندن دعایی که سراسر سوز و آه و ناله است، در اعیاد بزرگ اسلامی توصیه شده است؟

خوب است پاسخ این پرسش را از بیان امام صادق علیه السلام بشنویم که فرمودند:

مَا مِنْ عِيدٍ لِلْمُسْلِمِينَ أَضْحَى وَلَا فِطْرٍ إِلَّا وَهُوَ يُجَدِّدُ لِيَّالٍ مُحَمَّدٍ فِيهِ حُزْنًا.

هیچ عید قربان و فطری برای مسلمانان نیست مگر اینکه برای آل محمد علیهم السلام غم و اندوهی را تازه می کند.

۱. سه رساله درباره‌ی حجة بن الحسن العسکری (عج)، ص ۳۴ و ۳۵.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۰۴.

راوی می گوید: پرسیدم چرا چنین است؟ فرمودند:

لَا نَهُمْ يَرَوْنَ حَقَّهُمْ فِي يَدِ غَيْرِهِمْ<sup>۱</sup>

چون ایشان حق خود را در دست غیر خود می بینند.

حق اهل بیت علیهم السلام این است که همه ی اهل دنیا (نه فقط شیعیان بعضی کشورهای خاص) - اعم از مسلمان و غیر مسلمان - ایشان را به عنوان ولی نعمت خود بشناسند و به آنان در همه ی امورشان - به خصوص مسائل دینی - رجوع نمایند. اعیاد بزرگ اسلامی بهترین فرصت برای تجلی ولایت و محبت مردم دنیا با امام زمانشان و تجدید بیعت با آن بزرگوار است. اما در زمان غیبت آن حضرت نه فقط مردم جهان بلکه اکثریت مسلمانان هم - که به دلیل عدم آشنایی با تشیع، معرفتی نسبت به امام زمانشان ندارند - هیچ گونه حقی برای ایشان قائل نیستند و هیچ یادی هم از آن بزرگوار نمی کنند. خود اهل بیت علیهم السلام هم از این بابت - البته به خاطر امتشان نه خودشان - ناراحت و غمگین می شوند و این روزهای عید زنده کننده ی غم و اندوه حضرات معصومین علیهم السلام می باشد. از همین جهت است که به تعبیر مرحوم صاحب مکیال شایسته است مؤمنان در این اعیاد ظهور امام عصر علیه السلام را با اصرار و الحاح از خداوند طلب نمایند تا به این وسیله حزن و اندوه را از دل های پاک اهل بیت علیهم السلام بزدایند.<sup>۲</sup>

### عدم توفیق کامل مسلمانان برای عید فطر و قربان

جهت دیگری که دعا برای تعجیل فرج مولای غریبان را در عید فطر و قربان مؤکد می سازد، توجه به این حقیقت است که طبق روایات متعدد از اهل بیت عصمت و طهارت، تا منتقم خون ابی عبدالله الحسین علیه السلام ظهور نفرماید هیچ عید فطر و قربانی برای همه ی مسلمانان منشأ خیر و برکت کامل نخواهد شد. به نمونه ای از این احادیث در بیان امام صادق علیه السلام توجه فرماید:

۱. اصول کافی، ج ۴ (فروع)، ص ۱۷۰، باب التوادر، ح ۲.

۲. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۵.

لَمَّا ضَرَبَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام بِالسَّيْفِ ثُمَّ ابْتَدَرَ لِيَقْطَعَ رَأْسَهُ نَادَى مُنَادٍ  
مِنْ قِبَلِ رَبِّ الْعِزَّةِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ فَقَالَ: أَلَا أَيُّهَا الْأُمَّةُ  
الْمُتَحَيِّرَةُ الظَّالِمَةُ بَعْدَ نَبِيِّهَا: لَا وَفَّقَكُمُ اللَّهُ لِأَضْحَى وَلَا فِطْرٍ.

وقتی حسین بن علی علیه السلام با شمشیر ضربه خوردند، سپس (قاتل ایشان) آمد  
تا سر (مقدس) آن بزرگوار را (از تن) جدا نماید، ندا دهنده‌ای از جانب  
پروردگار عزت تبارک و تعالی از داخل عرش ندا در داد و گفت: آگاه باشید ای  
امت سرگردان ستمگر پس از پیامبرشان: خداوند شما را برای (عید) قربان و  
فطر موفق نگرداند.

آنگاه امام صادق علیه السلام فرمودند:

لَا جَرَمَ وَاللَّهِ مَا وَفَّقُوا وَلَا يُوفَّقُونَ أَبَدًا حَتَّى يَقُومَ نَائِرُ الْحُسَيْنِ عليه السلام.

قسم به خدا یقیناً موفق نشده‌اند و هرگز موفق نخواهند شد، تا اینکه خونخواه  
حسین علیه السلام قیام فرماید.

علامه‌ی بزرگوار مجلسی رحمته الله در بیان معنای عدم توفیق مسلمانان برای فطر و قربان  
چند احتمال مطرح فرموده‌اند. یک احتمال که برداشت اکثریت علما بوده این است که  
در بسیاری از زمان‌ها هلال ماه شوال و ذیحجه به صورت قطعی تشخیص داده نمی‌شود  
و به همین جهت روز عید فطر و قربان مشتبه می‌گردند.

احتمال دیگری که خود علامه مجلسی آن را ظاهرتر دانسته‌اند این است که این  
حکم به عامه (اهل سنت) اختصاص دارد.<sup>۲</sup>

این عدم موفقیت هر معنایی داشته باشد، قدر مسلم این است که در سطح دنیا  
همه‌ی مسلمانان جهان از بهره‌برداری کامل از برکات این عیدهای مبارک محروم  
می‌مانند تا اینکه منتقم خون ابی‌عبدالله الحسین علیه السلام ظهور فرماید و انتقام آن خون  
پاک را بگیرد. از این رو مهم‌ترین و بزرگ‌ترین عبادت در روز عید فطر و قربان دعا

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۱۷، ح ۴۲، به نقل از الامالی صدوق.

۲. همان، ص ۲۱۷ و ۲۱۸.



برای تعجیل فرج خونخواه سید الشهداء علیه السلام می باشد تا با ظهورش عید واقعی را برای مسلمانان - بلکه همه ی مردم دنیا - به ارمغان آورد. بسیار دور از انصاف است که این اعیاد گرامی بر مسلمانان بگذرد و یاد مناسب امام منتظرمان در این روزها صورت نپذیرد. راستی مسلمانان در این ۱۱۶۸ سال غیبت آن عزیز در عید فطر و قربان چقدر به یاد امامشان بوده و برای تعجیل فرج ایشان دعا کرده اند؟!

### دو نمونه از دعاهای مأثور در روز عید

توجه به مضامین برخی از دعاهای مأثور در این اعیاد شریف تذکر دهنده ی خوبی برای این موضوع است. از حضرت باقرالعلوم علیه السلام نقل شده که فرمودند: وقتی آماده ی خارج شدن (برای ادای نماز جمعه یا عید) شدی، این دعا را بخوان.

ابتدای دعا طبق نقل مرحوم سیدبن طاووس چنین است:

اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ فِي هَذَا الْيَوْمِ ...

در فراز بعدی دعا ذکر صلوات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اوصیای ایشان علیهم السلام - با ذکر اسامی هر کدام - مطرح می شود تا اینکه به حضرت صاحب الزمان علیه السلام منتهی می گردد، آنگاه در دعا برای ایشان چنین می گوئیم:

اللَّهُمَّ افْتَحْ لَنَا فَتْحًا يَسِيرًا وَانصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَ سُنَّةَ رَسُولِكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةً أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ.  
خدایا ما را به آسانی پیروز بفرما و او را به گونه ای یاری کن که شکست پیدا نکند. خدایا دینت و سنت پیامبرت را به سبب او آشکار گردان تا اینکه هیچ حقی را به خاطر ترس از خلق مخفی نگه ندارد.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُدِلُّ بِهَا التَّفَاقُ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ ...

خدواندا ما به سویت رغبت می‌جوئیم در دولت کریمه‌ای که به سبب آن اسلام و اهلش را عزیز می‌گردانی و نفاق و اهلش را ذلیل می‌فرمایی و ما را در آن (دولت) در زمره‌ی دعوت‌کنندگان به سوی فرمانبرداریت و هدایت‌کنندگان به راهت قرار می‌دهی و به سبب آن (دولت) کرامت دنیا و آخرت را روزی ما می‌فرمایی ....

اینها بهترین دعاهایی است که برای خودمان در دولت کریمه‌ی حضرت بقیة الله ارواحنا فداء می‌توانیم داشته باشیم. آنگاه فرمودند:

ثُمَّ تَدْعُو اللَّهَ لَهُ وَ عَلَىٰ عَدُوِّهِ وَ تَسْأَلُ حَاجَتَكَ.<sup>۱</sup>

سپس به پیشگاه خداوند برای او دعای خیر می‌کنی و دشمن او را نفرین می‌کنی و حاجت خود را درخواست می‌نمایی.

دعای دیگری که در روز عید فطر هنگام رفتن برای ادای نماز وارد شده از حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام است. قسمتی از این دعای شریف که در خصوص حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد، چنین است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ وَلِيِّكَ الْمُتَنَبِّئِ أَمْرَكَ الْمُتَنَبِّئِ لِفَرَجِ أَوْلِيَاءِكَ اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ وَ ارْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ وَ أَمِثْ بِهِ الْجَوْرَ وَ أَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَ زَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ وَ أَيْدُهُ بِنَصْرِكَ وَ أَنْصُرْهُ بِالرُّعْبِ.<sup>۲</sup>

خداوندا بر ولایت که منتظر امرت و منتظر فرج دوستانت است، درود بفرست. خدایا اختلاف و شکاف را به وسیله‌ی او اصلاح و ترمیم فرما و ظلم را به دست او بمیران و عدل را به وجود او آشکار گردان و زمین را با ماندن طولانی‌اش مزین کن و او را با یاری خود، تأیید و با ترس و وحشت یاری فرما.

می‌بینیم که امام هشتم علیه السلام با این دعاها یاد امام عصر علیه السلام را از همان زمان تا کنون زنده نگه داشته‌اند.

۱. اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۲۸۰، متن کامل دعا در بخش سوم کتاب آمده است.

۲. همان، ص ۲۸۴، متن کامل دعا در بخش سوم کتاب آمده است.

دعا در روز عرفه

۷- یکی از روزهای سال که دعا در آن بسیار سفارش شده، روز عرفه یعنی نهم ذیحجه بخصوص عصر آن است. امام صادق علیه السلام این روز را یکی از اعیاد مسلمانان و «یومُ دعاءٍ و مسأله» خوانده‌اند<sup>۱</sup> و مهم‌ترین عمل در آن دعا کردن است به گونه‌ای که روزه‌ی آن هم در صورتی مستحب است که شخص از دعا کردن ناتوان نشود.<sup>۲</sup> در این روز دعاهای متعددی از ائمه‌ی طاهرین علیهم السلام وارد شده که دارای مضامین بسیار بلند و پرمحتوایی است و در بیشتر آنها دعاهای زیبایی در حق امام عصر علیه السلام وارد شده است. ما به چند نمونه از این دعاها اشاره می‌کنیم.

در یکی از این دعاها که از زبان حضرت سید الساجدین علیه السلام نقل شده، چنین می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ فَرِّجْ عَنِ آلِ مُحَمَّدٍ ... وَ أَنْجِزْ لَهُمْ  
مَا وَعَدْتَهُمْ وَ بَلِّغْنِي فَتْحَ آلِ مُحَمَّدٍ ... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ  
مُحَمَّدٍ وَ أَصْلِحْ لَنَا إِمَامَنَا وَ اسْتَصْلِحْهُ وَ أَصْلِحْ عَلَيَّ يَدِيهِ وَ آمِنْ خَوْفَهُ وَ  
خَوْفَنَا عَلَيْهِ وَ اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ الَّذِي تَنْصِرُ بِهِ لِدِينِكَ ...

خداوندا بر محمد و آل محمد علیهم السلام درود بفرست و برای آل محمد علیهم السلام فرج و گشایش برسان ... و آنچه را به ایشان وعده فرموده‌ای محقق کن و مرا به (زمان) پیروزی آل محمد علیهم السلام برسان ... خدایا بر محمد و آل محمد علیهم السلام درود بفرست و (امر فرج) امام ما را برای ما اصلاح بفرما و او را (برای انجام رسالت‌هایش) شایسته قرار ده و به دستان او صلاح را جاری فرما و ترس او و ترس ما را بر او، به امنیت مبدل ساز و او را همان کسی قرار بده که به سبب او دینت را پیروز می‌کنی ...

اللَّهُمَّ امْلَأِ الْأَرْضَ بِهِ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا وَ آمِنْ بِهِ

۱. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۲۴، به نقل از مجالس الشیخ.

۲. همان، ص ۲۱۲، به نقل از مجالس الشیخ.

عَلَىٰ فُقَرَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَأَرْامِلِهِمْ وَمَسَاكِينِهِمْ وَأَجْعَلْنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيهِ وَ  
شِيعَتِهِ أَشَدَّهُمْ لَهُ حُبًّا وَأَطْوَعِهِمْ لَهُ طَوْعًا وَأَنْفَذِهِمْ لِأَمْرِهِ وَأَسْرَعِهِمْ إِلَيَّ  
مَرْضَاتِهِ وَأَقْبَلِهِمْ لِقَوْلِهِ وَأَقْوَمِهِمْ بِأَمْرِهِ وَأَرْزُقْنِي الشَّهَادَةَ بَيْنَ يَدَيْهِ حَتَّى  
الْفَاكِ وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ.<sup>۱</sup>

خدایا زمین را به سبب او پر از عدل و داد فرما همان طور که از ظلم و جور پر شده است و به وسیله‌ی او بر مسلمانان فقیر و نیازمند (یا بیوه زنان) و بیچارگان آنها منت بگذار و مرا از بهترین پیروان و شیعیان او قرار ده که بیشترین محبت را نسبت به او دارند و مطیع‌ترین کس در برابر اویند و امر او را بهتر از دیگران اطاعت می‌کنند و سریع‌تر (از دیگران) به (کسب) خشنودی او می‌شتابند و نسبت به سخن او پذیرنده‌تر (از دیگران) و در برابر امرش عامل‌تر هستند و شهادت پیش روی او را روزیم بفرما تا تو را در حالی که از من راضی و خشنود هستی، ملاقات نمایم.

ملاحظه فرمایید که چه دعاهای زیبایی از زبان مبارک امام سجاد علیه السلام نسبت به خود امام عصر علیه السلام و دستداران ایشان صادر شده است. ابتدا فرج آل محمد علیهم السلام را از خدا طلب کرده و آرزو نموده‌اند که پیروزی آل محمد علیهم السلام را درک نمایند. تحقق این آرزو می‌تواند در زمان رجعت ائمه‌ی طاهرین علیهم السلام - از جمله حضرت سجاد علیه السلام - باشد که ادامه دهنده‌ی حکومت عدل جهانی امام عصر علیه السلام هستند. سپس از آخرین وصی پیامبر خاتم علیهم السلام به عنوان «امامنا» یاد کرده‌اند. این تعبیر عظمت مقام حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را نشان می‌دهد که حجت معصوم خداوند ایشان را پیشوای خود خوانده‌اند.

در فراز بعدی دعا پس از درخواست پر شدن زمین از عدل و داد به دست امام عصر علیه السلام و منت گذاشتن خداوند بر بیچارگان و نیازمندان به وسیله‌ی آن حضرت، از خدا خواسته‌اند که در زمره‌ی بهترین شیعیان و دستداران ایشان باشند و در پایان هم

شهادت در پیش روی آن حضرت را از خداوند درخواست نموده‌اند. این دعاها بهترین و زیباترین آرزوهای یک مؤمن منتظر را بیان می‌دارد که در روز عرفه از خدایش طلب نماید.

دعای دیگری که در روز عرفه از وجود مبارک امام صادق علیه السلام نقل شده، دعای مفصلی است که مرحوم سیدبن طاووس آورده است. این دعای شریف دارای مضامین بسیار عالی و پرمحتواست که دو قسمت از آن شامل دعا در حق حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد. یکی از این موارد چنین است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الَّذِينَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً اللَّهُمَّ افْتَحْ لَهُمْ فَتْحاً يَسِيراً وَ انصُرْهُمْ نَصْراً عَزِيزاً وَ اجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَاناً نَصِيراً اللَّهُمَّ مَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ اجْعَلْهُمُ أُمَّةً وَ اجْعَلْهُمُ الْوَارِثِينَ اللَّهُمَّ أَرْهِمِ فِي عَدُوِّهِمْ مَا يَأْمَلُونَ وَ أَرْ عَدُوَّهُمْ مِنْهُمْ مَا يَحْذَرُونَ اللَّهُمَّ اجْمَعْ بَيْنَهُمْ فِي خَيْرٍ وَ عَافِيَةِ اللَّهُمَّ عَجِّلِ الرُّوحَ وَ الْفَرْجَ لِآلِ مُحَمَّدٍ ...<sup>۱</sup>

در پایان همین دعا چنین می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ يَا رَبِّ نَشْكُو غَيْبَةَ نَبِيِّنَا عَنَّا وَ قِلَّةَ نَاصِرِنَا وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَ شِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَ وَقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا وَ تَظَاهُرَ الْخَلْقِ عَلَيْنَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْرُجْ ذَلِكَ بِفَرْجٍ مِنْكَ تَعْجِلهُ وَ ضُرِّ تَكْشِفُهُ وَ حَقِّ تَظْهِرُهُ اللَّهُمَّ ابْعَثْ بِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام لِلنَّصْرِ لِدِينِكَ وَ اِظْهَارِ حُجَّتِكَ وَ الْقِيَامِ بِأَمْرِكَ وَ تَطْهِيرِ أَرْضِكَ مِنْ أَرْجَاسِهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ...<sup>۲</sup>

در این قسمت دعا هم به طور مشخص از قائم آل محمد علیه السلام یاد شده و فرج کلی و

۱. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۴۵، به نقل از اقبال الاعمال.

۲. همان، ص ۲۵۵، به نقل از اقبال الاعمال.

نهایی به دست مبارک ایشان برای پاک شدن زمین از هر آلودگی درخواست شده است. سومین دعایی که در این جا از آن یاد می‌کنیم، از زبان حضرت زین العابدین علیه السلام در روز عرفه صادر شده و دعای چهل و هفتم از صحیفه‌ی مبارکه‌ی سجّادیه می‌باشد. قسمتی از این دعا اختصاص به امام حقّ و حاضر در هر زمان دارد که در عصر ما بر وجود مبارک حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء منطبق می‌گردد. این فراز دعا چنین آغاز می‌شود:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ يَا إِمَامَ أَقَمْتَهُ عَلَمًا لِعِبَادِكَ وَ مَنَارًا فِي بِلَادِكَ بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ وَ جَعَلْتَهُ الذَّرِيعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ وَ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ وَ حَذَرْتَ مَعْصِيَتَهُ وَ أَمَرْتَ بِامْتِثَالِ أَوْامِرِهِ وَ الْإِنْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ وَ إِلَّا يَتَقَدَّمَهُ مُتَقَدِّمٌ وَ لَا يَتَأَخَّرُ عَنْهُ مُتَأَخِّرٌ فَهُوَ عِصْمَةُ اللَّائِذِينَ وَ كَهْفُ الْمُؤْمِنِينَ وَ عُرْوَةُ الْمُتَمَسِّكِينَ وَ بَهَاءُ الْعَالَمِينَ.<sup>۱</sup>

خدایا تو دینت را در هر زمانی با امامی تأیید فرمودی که او را برای بندگانت به عنوان نشانه و در سرزمین‌هایت به عنوان راهنما اقامه نمودی، پس از آنکه ریسمان او را به ریسمان خود وصل کردی و او را وسیله‌ی (کسب) خشنودی خود قرار دادی و فرمانبری از او را واجب نمودی و از نافرمانی او برحذر داشتی و به اطاعت از دستوراتش و پرهیز از منهیاتش امر فرمودی و به اینکه هیچکس از او جلو نیفتد و عقب نماند (امر کردی) پس او پناه دهنده به پناهندگان و مامن اهل ایمان و دستاویز محکم چنگ زندگان و نور با شکوه جهانیان است.

به دنبال این قسمت دعاهایی در حقّ این امام گرانقدر و بی‌نظیر مطرح فرموده‌اند که بیشتر آنها درخواست فرج برای ایشان است. سپس دعا در حقّ دوستان و پیروان ایشان آغاز می‌شود که آنها هم بسیار پر محتوا و نغز است. ما برای رعایت اختصار از نقل و ترجمه‌ی فرازهای دیگر این دعای شریف خودداری می‌کنیم و خوانندگان

محترم را به صحیفه‌ی مبارکه‌ی سجّادیه ارجاع می‌دهیم.

نتیجه‌ای که از نقل این سه نمونه‌ی دعا برای امام عصر علیه السلام در روز عرفه می‌گیریم، این است که مؤمنان در ایّام عرفه - به خصوص در دوران غیبت امامشان - نباید از خواندن این دعاها غفلت نمایند. بسیار دور از انصاف است که در روز عرفه - که این همه تأکید بر دعا به پیشگاه الهی صورت گرفته - دعا برای امام زمان را فراموش کنیم و تنها به فکر خودمان باشیم. هر چند که اگر خیر و صلاح دنیا و آخرت خودمان را هم می‌خواهیم بهترین راهش دعا در حق امام غریبان است. به هر حال توجه به اهمّیت دعا برای امام علیه السلام در روز عرفه توفیق انسان را در انجام آن بیشتر و بهتر می‌سازد.

#### دعا در ماه مبارک رمضان

۸- در بین ماه‌های قمری، ماه مبارک رمضان برتری خاصی بر دیگر ماه‌ها دارد. به همین جهت است که این ماه به خداوند منسوب و «شهر الله» نامیده شده است. از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل است که فرمودند:

شَهْرُ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ هُوَ شَهْرٌ يُضَاعَفُ اللَّهُ فِيهِ الْحَسَنَاتِ وَ  
يَمْحُو فِيهِ السَّيِّئَاتِ ... وَلَا يَكُونَنَّ شَهْرُ رَمَضَانَ عِنْدَكُمْ كَغَيْرِهِ مِنَ الشُّهُورِ  
فَإِنَّ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ حُرْمَةً وَ فَضْلًا عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ.<sup>۱</sup>

ماه رمضان ماه خدای عزّ و جل است و آن ماهی است که خداوند در آن (پاداش) خوبی‌ها را چند برابر می‌کند و بدی‌ها را در آن از بین می‌برد ... و نباید ماه رمضان نزد شما مانند سایر ماه‌ها باشد، زیرا آن (ماه) نزد خداوند احترام و فضیلتی خاص بر سایر ماه‌ها دارد.

روشن است که در یک چنین ماهی دعا در حق امام عصر علیه السلام که عبادت بسیار بزرگی است، فضیلت فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کند و آثار و برکات آن چندین برابر ماه‌های

۱. بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۴۰، ح ۵، به نقل از فضائل الاشهر الثلاثة.

دیگر می شود. از فضایل خاص ماه مبارک رمضان فرمایش امام هشتم علیه السلام است که فرمودند:

مَنْ أَعَانَ فِيهِ مُؤْمِنًا أَعَانَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى الْجَوَازِ عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزَلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ ... وَ مَنْ نَصَرَ فِيهِ مَظْلُومًا نَصَرَهُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ مَنْ عَادَاهُ فِي الدُّنْيَا وَ نَصَرَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ الْحِسَابِ وَ الْمِيزَانِ.<sup>۱</sup>

هر کس در ماه رمضان مؤمنی را کمک کند، خدای متعال در روزی که قدم‌ها روی صراط می لغزد، برای عبور از آن کمکش می کند... و هر کس در آن (ماه) مظلومی را یاری کند، خداوند در دنیا بر همه‌ی کسانی که با او دشمنی می کنند، یاریش می نماید و در روز قیامت هنگام محاسبه و سنجش اعمال نیز یاریش می کند.

نکته‌ای که - با الهام از فرمایش مرحوم صاحب مکيال در کتاب ارزشمندشان - از این حدیث شریف استفاده می توان کرد این است که دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام از مصادیق اعانت (کمک) و نصرت (یاری) ایشان است. وقتی کمک کردن به مؤمن چنان فضیلتی دارد، کدام مؤمن از وجود مقدس امام عصر علیه السلام بالاتر یافت می شود که بتوان با دعا در حق ایشان یاریش کرد؟ همچنین اگر یاری مظلوم، پاداش‌های عظیم دنیوی و اخروی دارد، کدام مظلومی از مولای غریبان حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام مظلوم‌تر یافت می شود که بتوان به یاری ایشان شتافت؟ این جاست که برخی از برکات دعا در حق آن عزیز در ماه مبارک رمضان برایمان روشن‌تر می گردد.

اگر کسی بخواهد از این فرصت طلایی برای دعا در حق مولایش بهره‌مند گردد، می تواند از خواندن دعاهای ماثور در این ماه شریف کمال استفاده را ببرد. ما در این جا به بیان فهرستی از مهم‌ترین ادعیه ماه مبارک رمضان که شامل دعا برای امام عصر علیه السلام است، اکتفا می کنیم و خوانندگان محترم را به کتب و منابع خاص آنها ارجاع می دهیم. اولین دعایی که در ابتدای ماه مبارک از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده شامل



مناجات‌هایی با خدای متعال است و قسمتی از آن هم دعا در حق امام زمان علیه السلام و درخواست خدمتگزاری در دولت کریمه‌ی آن بزرگوار می‌باشد، عرضه می‌داریم:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ ... اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُرُ إِلَيْكَ غَيْبَةَ نَبِيِّنَا وَ  
كَثْرَةَ عَدُوِّنَا ...<sup>۱</sup>

این عبارات بسیار شبیه عبارات دعای افتتاح است که از وجود مقدس امام عصر علیه السلام صادر شده است.

در قسمت دیگری از این دعای شریف، نام مقدس چهارده معصوم علیهم السلام به صراحت ذکر شده و از آخرین وصی حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله تحت عنوان «الحجّة القائم بالحق» یاد شده است.<sup>۲</sup>

دومین دعایی که خواندن آن در ماه مبارک رمضان بسیار مورد تأکید قرار گرفته، دعای افتتاح می‌باشد. این دعایی است که نایب دوم امام عصر علیه السلام جناب محمدبن عثمان بن سعید عمروی در دفتری نوشته و به خواندن آن مقید بود. راوی دعا می‌گوید: در ابتدای آن چنین نوشته بود:

تَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَإِنَّ الدُّعَاءَ فِي هَذَا الشَّهْرِ  
تَسْمَعُهُ الْمَلَائِكَةُ وَتَسْتَغْفِرُ لِصَاحِبِهِ.<sup>۳</sup>

این دعا را در هر شب ماه رمضان می‌خوانی، زیرا در این ماه فرشتگان دعا را می‌شنوند و برای صاحب آن طلب مغفرت می‌نمایند.

ظاهر عبارت دلالت می‌کند بر اینکه این عبارت فرمایش امام زمان علیه السلام به نایب خاص خود باشد و اصل دعا هم از خود حضرت است. این دعا را مرحوم محدث قمی اعلی الله مقامه الشریف در کتاب مستطاب مفاتیح الجنان ذکر فرموده و شامل دعا‌های

۱. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۳۳۲، به نقل از اقبال الاعمال.

۲. این دعای شریف را مرحوم علامه‌ی مجلسی در کتاب گرانقدر بحار الانوار، ج ۹۷، از ص ۳۲۶ تا ص ۳۴۰، به نقل از اقبال الاعمال سیدبن طاووس نقل فرموده است.

۳. اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۵۸.

زیبایی در حق امام زمان علیه السلام از جمله درخواست تعجیل فرج ایشان می‌باشد. سومین دعا مربوط به روزهای ماه مبارک رمضان است. این دعای شریف هم در کتاب مفاتیح الجنان به‌طور کامل - البته با مختصر اختلافی در برخی از تعابیر - نقل شده و با این عبارت آغاز می‌گردد:

اللَّهُمَّ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ.

برخی از عبارات دعا که به وجود مقدس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مربوط می‌شود، این است:

يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اغْضَبِ الْيَوْمَ لِمُحَمَّدٍ وَ لِأَبْرَارِ عِترته ... أَنْتَ خَلِيفَةُ مُحَمَّدٍ وَ نَاصِرُ مُحَمَّدٍ وَ مُفَضَّلُ مُحَمَّدٍ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَنْصُرَ خَلِيفَةَ مُحَمَّدٍ وَ وَصِيَّ مُحَمَّدٍ وَ الْقَائِمَ بِالْقِسْطِ مِنْ أَوْصِيَاءِ مُحَمَّدٍ ...<sup>۱</sup>

ای پروردگار محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و آل محمد امروز به‌خاطر محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و نیکان از عترتش غضب فرما ... تو جانشین محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و یاری کننده‌ی محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و برتری دهنده‌ی محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستی، از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و جانشین محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و وصی محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و به‌پادارنده‌ی عدل از اوصیای محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را یاری فرمایی.

روشن است که نتیجه‌ی غضب خداوند به‌خاطر پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و عترت پاکش، اذن ظهور به آخرین وصی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشد و اینکه خداوند را خلیفه و جانشین محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌خوانیم، به این جهت است که انتقام‌گیرنده از دشمنان او و عترت پاکش خود خداست و این انتقام به ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداء واقع می‌شود. چهارمین دعا در ماه مبارک رمضان که در حق حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد، مربوط به شب ششم این ماه شریف است. قسمتی از دعا این است:

۱. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۱۰۴، به نقل از اقبال الاعمال.

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ  
فَرَجَنَا بِفَرَجِهِمْ.<sup>۱</sup>

پنجمین دعا در ماه رمضان، به روز هشتم این ماه مبارک مربوط است که قسمتی از آن چنین است:

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ  
فَرَجِي مَعَهُمْ وَ فَرَجَ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ.<sup>۲</sup>

ششمین دعا در ماه مبارک مربوط به شب دوازدهم ماه رمضان است. در این دعا تعجیل فرج آل محمد عليهم السلام همراه با عافیت از خداوند درخواست شده است.<sup>۳</sup> هفتمین دعا در ماه مبارک اختصاص به روز سیزدهم این ماه دارد. این دعا در کتاب شریف بحار الانوار علامه‌ی مجلسی و نیز کتاب مکیال المکارم به طور کامل از کتاب اقبال الاعمال مرحوم سیدبن طاووس نقل شده است.<sup>۴</sup> دعای دیگری هم برای روز سیزدهم ماه مبارک نقل شده که علاقمندان می‌توانند به کتاب اقبال الاعمال مرحوم سیدبن طاووس رجوع نمایند.<sup>۵</sup>

دعای هشتم در این خصوص مربوط به روز هجدهم ماه مبارک رمضان است که مرحوم علامه‌ی مجلسی از کتاب اقبال الاعمال نقل فرموده است.<sup>۶</sup> پس از روز هجدهم ماه مبارک رمضان، از شب نوزدهم بحث مربوط به شب قدر مطرح می‌شود که بهترین شب سال است و اختصاص تام به وجود مقدس امام عصر عليه السلام

۱. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۴.

۲. همان، ص ۲۸، به نقل از اقبال الاعمال.

۳. همان، ص ۳۴.

۴. همان، ص ۳۷ و مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۳ و ۴۴.

۵. متن این دعا در کتاب صحیفه‌ی مهدیه، باب پنجم، عنوان دهم، به نقل از کتاب اقبال الاعمال

آمده است.

۶. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۴۹ و صحیفه‌ی مهدیه، باب پنجم، عنوان یازدهم، به نقل از اقبال

الاعمال.

دارد. ما در این کتاب قصد توضیح این مطلب را نداریم و از خدای منان توفیق انجام این خدمت را در مجالی مستقل طلب می‌کنیم. در این جا می‌خواهیم توجه خوانندگان محترم را به وسعت ادعیه‌ی مربوط به امام زمان علیه السلام در روزها و شب‌های ماه مبارک رمضان جلب نماییم تا انشاء الله همگی با ایمان و انگیزه‌ی قوی‌تری به این عبادت شریف (دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام) به خصوص در ماه رمضان پردازیم. به همین جهت فهرست و ارگزارشی از برخی دعاهای مربوط به امام زمان علیه السلام در این ماه ارائه می‌دهیم.

دعای نهم در ماه مبارک رمضان، دعایی است که امام صادق علیه السلام در صبح روز بیست و یکم آن ماه خوانده‌اند. حماد بن عثمان نقل می‌کند که نماز صبح روز بیست و یکم ماه رمضان را به آن حضرت اقتدا نمودیم. ایشان در رکعت اول سوره‌ی حمد و سوره‌ی قدر را تلاوت فرمودند و در رکعت دوم، حمد و قل هو الله احد را خواندند. پس از ادای نماز و تعقیبات آن به سجده رفتند و زمان طولانی در سجده بودند و دعایی خواندند که در ضمن آن از خداوند به اسامی مختلف، فرج قائم آل محمد صلی الله علیه و آله را درخواست نمودند. این دعا را مرحوم صاحب مکمال در کتاب شریف خود به طور کامل نقل فرموده<sup>۱</sup> و ما در بخش سوم کتاب متن آن را مطابق نقل مرحوم علامه‌ی مجلسی خواهیم آورد.

دهمین و آخرین دعایی که در ماه مبارک رمضان نقل می‌کنیم، مربوط به شب بیست و سوم این ماه است که به تصریح برخی روایات، شب قدر می‌باشد. دعایی که در این شب گرانقدر بسیار مورد تأکید قرار گرفته، دعای معروف اللهم کن لولیک ... می‌باشد، این دعا در سندهای متعدد شیعی، با اختلاف اندکی در برخی الفاظش ذکر شده و ما آن را مطابق نقل مرحوم علامه‌ی کلینی در کتاب شریف کافی در این جا می‌آوریم.<sup>۲</sup> محمد بن عیسی با اسناد خود از ائمه‌ی طاهریں علیهم السلام نقل

۱. مکمال المکارم، ج ۲، ص ۴۴ و ۴۵.

۲. لازم به تذکر است که مقاله‌ی بسیار خوبی درباره‌ی بررسی سندی این دعا در فصل‌نامه‌ی

کرده که فرمودند:

تُكْرَرُ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَعَشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ هَذَا الدُّعَاءَ سَاجِدًا وَ قَائِمًا وَ قَاعِدًا وَ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ فِي الشَّهْرِ كُلِّهِ وَ كَيْفَ أَمَكَّنَكَ وَ مَتَى حَضَرَكَ مِنْ دَهْرِكَ تَقُولُ بَعْدَ تَحْمِيدِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ: اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ فَلَانَ بْنِ فَلَانَ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ قَائِدًا وَ عَوْنًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.<sup>۱</sup>

در شب بیست و سوم ماه رمضان این دعا را در حال سجده و ایستاده و نشسته و در هر حالتی تکرار می‌کنی، همچنین در همه‌ی ماه (رمضان) و هر طور که برایت امکان‌پذیر بود و در هر زمانی از عمرت، پس از بیان حمد خدای تبارک و تعالی و درود فرستادن بر پیامبر ﷺ، می‌گویی: اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ ....

ملاحظه می‌شود که در نقل کافی اسم مبارک امام زمان عجل الله فرجه ذکر نشده و روشن است که این امر چه از ناحیه خود ائمه علیهم السلام باشد یا از جانب راویان، به خاطر مصالحی همچون تقیه و امثال آن بوده است و در بعضی نقل‌های دیگر - همچون نقل مرحوم کفعمی در المصباح - به نام مبارک امام عجل الله فرجه و نام پدرشان و لقب «المهدی» تصریح شده است. به هر حال این امر هیچ اشکالی در دلالت حدیث بر وجود مقدس حضرت مهدی عجل الله فرجه وارد نمی‌سازد.

همچنین اختلاف مختصری که در برخی کلمات دعا یا ترتیب بیان آنها با آنچه مشهور است وجود دارد نیز، اصل اعتبار آن را مخدوش نمی‌سازد. ما می‌توانیم این دعا را به هر یک از صورت‌هایی که نقل شده، به قصد ورود بخوانیم.<sup>۲</sup>

انتظار، شماره‌ی ۱۸، از آقای حمید احمدی جلفایی به چاپ رسیده که مطالعه‌ی آن مفید است.

۱. کافی، ج ۴، ص ۱۶۲، ح ۴.

۲. طرق مختلف نقل این دعا در مقاله‌ی «بررسی سندی دعای سلامت امام زمان عجل الله فرجه» در

با رجوع به منابع مختلفی که این دعا را نقل کرده‌اند روشن می‌شود که بهترین وقت خواندن آن، شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان در حالات مختلف است که بر تکرار آن نیز تأکید فرموده‌اند. البته همان‌طور که از متن حدیث برمی‌آید، در هر زمان دیگری نیز می‌توانیم این دعا را بخوانیم.

قابل ذکر است که همین دعا به صورت کامل‌تری هم در برخی منابع نقل شده که عمل به آن می‌تواند بهره‌ی دعاکننده را در شب قدر و زمان‌های دیگر بیشتر و بهتر گرداند. ما این متن را در بخش سوم کتاب مطابق آنچه مرحوم علامه‌ی مجلسی از اقبال الاعمال سیدبن طاووس نقل کرده،<sup>۱</sup> ذکر خواهیم کرد.

این ده مورد از دعا برای امام عصر علیه السلام را در ماه مبارک رمضان به صورت بسیار فشرده نقل کردیم تا روشن شود که یک مؤمن منتظر چگونه می‌تواند از برکات این ماه خدا برای تقریب بیشتر به پروردگارش از طریق انجام بهترین عبادت (دعا در حق مولای غریبش) استفاده‌ی کامل ببرد.

### دعا در شب و روز نیمه‌ی شعبان

۹- شب نیمه‌ی شعبان یادآور میلاد اولین و آخرین امید همه‌ی انبیا و اولیای الهی است، علاوه بر آنکه به خودی خود دارای فضایل خاصی می‌باشد. امام صادق علیه السلام فرمودند که از پدرشان درباره‌ی فضیلت شب نیمه‌ی شعبان پرسیدند. ایشان چنین اظهار فرمودند:

هِيَ أَفْضَلُ لَيْلَةٍ بَعْدَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ فِيهَا يَمْنَحُ اللَّهُ تَعَالَى الْعِبَادَ فَضْلَهُ وَ يَغْفِرُ لَهُمْ بِمَنْنِهِ فَاجْتَهِدُوا فِي الْقُرْبَةِ إِلَى اللَّهِ فِيهَا فَإِنَّهَا لَيْلَةٌ أَلَى اللَّهِ تَعَالَى عَلَى نَفْسِهِ أَنْ لَا يَرُدَّ سَائِلًا لَهُ فِيهَا مَا لَمْ يَسْأَلْ مَعْصِيَةً...<sup>۲</sup>

۱۲ شماره‌ی ۱۸ فصل‌نامه انتظار آمده است.

۱. بحار الانوار ج ۹۷ ص ۳۴۹.

۲. همان، ص ۸۵، ح ۵، به نقل از امالی طوسی.

آن شب بهترین شب پس از شب قدر است که خدای متعال فضل خویش را به بندگان عنایت می‌فرماید و آنها را از روی منت خویش می‌آمرزد. پس در تقرب جستن به سوی خداوند در آن بکوشید، زیرا آن شبی است که خدای متعال به ذات مقدّسش سوگند خورده است که هیچ سؤال کننده‌ای را در آن رد نکند مادام که معصیتی را درخواست نکند....

و عده‌ای که در این حدیث شریف مطرح شده این است که هیچ سائلی مادام که از خدا معصیتی را درخواست نکند، دست خالی نمی‌ماند. اگر قرار باشد که در شب نیمه‌ی شعبان دعای ما رد نشود و از درگاه خداوند ناامید برنگردیم، چه درخواستی مهم‌تر از رفع غیبت امام غایمان وجود دارد که آن را از پروردگار طلب نماییم؟ اگر در هیچ شب و روزی در سال به یاد مولایمان نیستیم، لااقل در سالگرد میلادش جای خالی‌اش را حس کنیم و در کنار جشن و سرورها به خود آییم و از خود سؤال کنیم: چرا تا کنون کاری برای تعجیل فرجش انجام نداده‌ایم؟ آیا نقل و شیرینی تنها درد غیبت امامان را التیام می‌بخشد؟ آیا چراغانی‌ها غم هزار و صد و هفتاد ساله‌ی مولایمان را از بین می‌برد؟! به چه دل خوش کرده‌ایم که اینقدر غافل هستیم؟! چرا دردمان نمی‌آید؟! چرا فکری برای اینکه خداوند زودتر امامان را برساند، نمی‌کنیم؟

اگر به تک‌تک ما علاقمندان به امام عصر علیه السلام - که در نیمه‌ی شعبان به خاطر سالروز میلادش جشن می‌گیریم - بگویند که خداوند تصدّق سرّ آن آقای مهربان، در شب میلادش یک دعای هر کدام از شما را مستجاب می‌فرماید و این همان وعده‌ی امام باقر علیه السلام است، در این صورت چند درصد از ما دوستان آن حضرت این دعای مستجاب را برای تعجیل فرج ایشان می‌خواهیم؟ آیا این امر را بر درخواست منافع شخصی خود ترجیح می‌دهیم؟ اگر واقعاً چنین است، خوشا به حالمان و گوارای وجودمان! ولی اگر چنین نیست و ای به حالمان و آف بر ما به خاطر این همه ناسپاسی از مهربانی‌های مولایمان که هر چه داریم از اوست ولی فراموشش می‌کنیم و آنگاه که در رحمت الهی به سوی ما گشوده می‌شود، به یاد فرج او نیستیم. به هر حال واقعاً مصداق قطعی ناشکری این است که در شب نیمه‌ی شعبان هم برای تعجیل در فرج مولایمان دعا

و اصرار نکنیم. این دعا می تواند به هر زبانی و بیانی مطرح شود، اما دعای بسیار زیبایی از بزرگان محدّثین شیعه برای شب نیمه شعبان نقل شده که باید با تأمل و حضور قلب کافی خوانده شود. خواندن این دعا به تصریح مرحوم شیخ طوسی در شب نیمه‌ی شعبان مستحب است.<sup>۱</sup> متن دعا در کتاب‌های متعدّدی از جمله مفاتیح الجنان مرحوم شیخ عبّاس قمی اعلی الله مقامه الشریف آمده و در سال‌های اخیر شرح نسبتاً جامعی بر آن نگاشته شده است.<sup>۲</sup> ابتدای آن چنین است:

اللَّهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنَا هَذِهِ وَ مَوْعُودِهَا.

### دعای روز دحو الارض

۱۰- یکی از مناسبت‌های مهمّ زمانی برای دعا در حقّ حضرت ولیّ عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، روز بیست و پنجم ماه ذیقعد می باشد که آن را روز «دحو الارض» می نامند. «دحو» به معنای بسط و گسترش دادن است و مراد از دحو الارض گسترش دادن زمین از زیر خانه‌ی کعبه است که نشانگر ابتدای خلقت زمین می باشد. فضایی برای این روز نقل شده از جمله اینکه روزه‌ی آن ثواب روزه‌ی شصت ماه را دارد.<sup>۳</sup> دعای بسیار پر محتوایی در این روز وارد شده که شامل درخواست تعجیل فرج حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه می باشد. قسمتی از این دعای شریف چنین است:

اللَّهُمَّ وَ عَجَّلْ فَرَجَ أَوْلِيَاءِكَ وَ ارْزُدْ عَلَيْهِمْ مَظَالِمَهُمْ وَ أَظْهِرْ بِالْحَقِّ قَائِمَهُمْ  
وَ اجْعَلْهُ لِدِينِكَ مُتَّصِراً وَ بِأَمْرِكَ فِي أَعْدَائِكَ مُؤْتَمِراً اللَّهُمَّ اخْفَفْهُ  
بِمَلَائِكَةِ النَّصْرِ وَ بِمَا أَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مِنَ الْأَمْرِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مُتَّقِماً لَكَ حَتَّى  
تَرْضَى وَ يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ جَدِيداً غَضّاً وَ يَمْحَضَ الْحَقُّ

۱. المصباح المتهجد، ص ۷۷۳.

۲. کتاب «سوگند به نور شب تاب» اثر محقق دانشمند جناب آقای سید مجتبی بحرینی.

۳. بحار الانوار، ج ۹۷، باب ۶۳، ح ۱.



مَحْضاً وَ يَرْفِضُ الْبَاطِلَ رَفْضاً.<sup>۱</sup>

و خدایا در فرج اولیای خود تعجیل فرما و حقوق از دست رفته‌ی آنان را به ایشان بازگردان و قائم ایشان را با حق آشکار گردان و او را پیروز کننده‌ی دینت قرار ده و امر خود را به سبب او در حق دشمنانت نافذ قرار ده. خدایا او را با فرشتگان یاری دهنده و اموری که در شب قدر به او القا فرموده‌ای احاطه فرما، تا انتقام تو را (از دشمنانت) بگیرد تا اینکه راضی و خشنود شوی و دینت به واسطه‌ی او و به دست او تازه و نو شود و حق را خالص گرداند و باطل را برای همیشه کنار گذارد.

چه خوب است که دوستداران حضرت از خواندن این دعای شریف در این روز عزیز غفلت ننمایند.

دعا در روز عاشورا

۱۱- از روزهایی که تعلق خاص به وجود مقدس امام زمان علیه السلام دارد، روز دهم محرم الحرام یعنی عاشورای حسینی علیه السلام است. در حدیثی از حضرت باقر العلوم علیه السلام نقل شده که فرمودند: مؤمنان در روز عاشورا وقتی یکدیگر را ملاقات می‌کنند، با این عبارات به هم تسلیت بگویند:

عَظَّمَ اللهُ أَجُورَنَا بِمُضَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ جَعَلْنَا وَ آيَاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِنَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله.<sup>۲</sup>  
 خداوند پاداش‌های ما را به خاطر مصیبتمان به جهت (امام) حسین علیه السلام بزرگ بدارد و ما و شما را از خونخواهان آن حضرت به همراه ولیش امام مهدی علیه السلام از آل محمد صلی الله علیه و آله قرار دهد.

«نار» به معنای خون است و «طلب نار» یعنی خونخواهی. وقتی کسی به ناحق

۱. البلد الامین، ص ۲۴۳.

۲. کامل الزیارات، باب ۷۱، ح ۹.

کشته می شود، اولیای دم او صاحبان خورش هستند که از طرف خداوند حق انتقام گرفتن از قاتل ظالم را دارند. خدای متعال در قرآن کریم می فرماید:

مَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا.<sup>۱</sup>

هر کس مظلوم کشته شود، برای ولی او (نسبت به قاتل) سلطه قرار دادیم. نکته ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که انتقام خون ابی عبدالله الحسین علیه السلام یک امر الهی است و جنبه ی تصفیه حساب و تشفی خاطر شخصی برای هیچکس ندارد، یعنی این انتقام گرفتن مانند انتقام هایی که بعضی افراد در دنیا - به خاطر بغض و کینه ی مادی شخصی - از یکدیگر می گیرند، نیست و صرفاً جنبه ی الهی دارد و در حقیقت یک کار خدایی است نه بشری.

#### خداوند: طالب خون حسین علیه السلام

با این توضیح می توانیم ادعا کنیم که اولین ولی دم سید الشهداء علیه السلام در حقیقت خود خداوند است. ما به معنای واقعی کلمه خدای متعال را طالب حقیقی خون ابی عبدالله الحسین علیه السلام می دانیم. در برخی از احادیث قدسی هم به این معنا تصریح شده که انتقام گیرنده از قاتل آن حضرت خود خداوند است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

وقتی حضرت موسی علیه السلام برادرش هارون را از دست داد، از خدا برای او طلب مغفرت نمود. خداوند متعال در پاسخ به موسی علیه السلام وحی فرمود:

يَا مُوسَى لَوْ سَأَلْتَنِي فِي الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ لَأَجَبْتُكَ مَا خَلَا قَاتِلَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام فَإِنِّي أَنْتَقِمُ لَهُ مِنْ قَاتِلِهِ.<sup>۲</sup>

ای موسی اگر در باره ی اولین و آخرین از من چیزی بخواهی، تو را اجابت می کنم جز قاتل حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام که من از قاتلش انتقام می گیرم.

ملاحظه می شود که خداوند متعال خود را انتقام گیرنده خون ابی عبدالله

۱. اسراء / ۳۳.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۷، ح ۱۷۹.

با این عنایت تعبیر «ثار الله» یعنی خونی که صاحب و مالکش خداست، همان معنایی که از ولّی دم اراده می‌شود. البتّه تعبیر «ابن ثاره» هم دلالت دارد بر اینکه مالک و ولّی خون به ناحق ریخته امیرالمؤمنین علیه السلام هم خود خداست. با این ترتیب اضافه‌ی کلمه «ثار» به «الله» از قبیل اضافه یک چیز به مالک و صاحب اختیار آن است و لذا در ترجمه‌ی فارسی آن به «خون خدا» باید توجه شود که معنای نادرستی از آن برداشت نشود. پس خدای متعال اولین طالب خون مطهر سیدالشهداء علیه السلام است.

#### امام عصر علیه السلام: خونخواه ابی عبدالله الحسین علیه السلام

دومین خونخواه، آن کسی است که خداوند به دست او از کشتندگان سیدالشهداء علیه السلام خونخواهی می‌فرماید. این وجود مقدّس را خدای متعال در زمان‌های مختلف معرفی کرده است. یکی از این مواقع، عصر روز عاشورای سال ۶۱ هجری بود که امام صادق علیه السلام در این مورد چنین فرمودند:

لَمَّا كَانَ مِنْ أَمْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام مَا كَانَ ضَجَّتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى اللَّهِ بِالْبُكَاءِ وَ  
 قَالَتْ يَا رَبِّ هَذَا الْحُسَيْنُ علیه السلام صَفِيكَ وَابْنُ بِنْتِ نَبِيِّكَ ... فَأَقَامَ اللَّهُ ظِلًّا  
 الْقَائِمِ علیه السلام وَ قَالَ بِهِذَا أَنْتَقِمُ لَهُذَا.<sup>۳</sup>

۱. این نکته را مرحوم صاحب مکیال المکارم در جلد دوم کتابش، ص ۴۵۸، تذکر فرموده‌اند رحمة الله عليه.

۲. کامل الزیارات، باب ۷۱، ح ۹.

۳. اللّهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۲۷.

دعای مأثور و غیر مأثور برای امام زمان علیه السلام \* ۴۳۷

وقتی کار حسین علیه السلام تمام شد (به شهادت رسید) فرشتگان گریه کنان به ضجّه در آمدند و عرضه داشتند: پروردگارا این حسین علیه السلام برگزیده‌ی تو و پسر دختر پیامبرت است! ... پس خداوند نور قائم علیه السلام را اقامه فرمود و گفت: به این (قائم) انتقام این (شهید) را می‌گیرم.

طبق این حدیث شریف و امثال آن که مکرّر در فرمایشات اهل بیت علیهم السلام آمده است، حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از جانب خدای متعال طالب خون جدّ شهیدش می‌باشد و خداوند عمل این بنده‌ی برگزیده و معصومش را به خود نسبت داده است.

**مؤمنان: طلب کنندگان خون امام حسین علیه السلام**

اما طالب خون مقدّس سید الشهداء علیه السلام فقط خدا و امام زمان علیه السلام نیستند، بلکه در مرتبه‌ی سوم، یاران و اصحاب قائم علیه السلام می‌باشند که به همراه مولایشان به خونخواهی از سرور شهیدان عالم قیام می‌کنند. مطابق آنچه در احادیث آمده، شعار امام عصر علیه السلام در هنگام ظهور و شعار یاران ایشان «یا لثارات الحسین» است. امام صادق علیه السلام در توصیف یاران حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء فرمودند:

يَتَمَنُّونَ أَنْ يُقْتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ شِعَارُهُمْ يَا لثَارَاتِ الْحُسَيْنِ علیه السلام ... بِهِمْ  
يَنْصُرُ اللَّهُ إِمَامَ الْحَقِّ.<sup>۱</sup>

آرزو می‌کنند که در راه خدا کشته شوند، شعارشان «یا لثارات الحسین» است ... خداوند بوسیله‌ی ایشان امام حق را یاری می‌فرماید.

شعار «یا لثارات الحسین» نشانگر این حقیقت است که طلب خون امام حسین علیه السلام در رأس اهداف قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد. حال اگر کسی توفیق طلب خون مطهر سید الشهداء علیه السلام را پیدا کند، می‌تواند خود را پس از خدا و ائمه‌ی طاهرين علیهم السلام ولی دم امام حسین علیه السلام بداند. چنین کسی می‌تواند

خون آن حضرت را به خود منسوب کرده و بگوید: «ثاری» و مقصودش این باشد که او خود صاحب و ولی دم مولای شهیدش حضرت حسین بن علی علیه السلام است. به این عبارت زیبا از زیارت عاشورا توجه فرماید:

أَسْأَلُهُ ... أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِي مَعَ إِمَامٍ مَهْدِيٍّ ظَاهِرٍ نَاطِقٍ مِنْكُمْ.<sup>۱</sup>

از او (خداوند) درخواست می‌کنم ... که طلب خون خودم را همراه با امام مهدی (یا هدایت شده) آشکار و ناطق از شما (اهل بیت علیهم السلام) روزیم نماید.

اینکه کلمه‌ی «ثار» به یاء متکلم اضافه شده می‌تواند به این معنا باشد که زائر امام حسین علیه السلام، خود را صاحب خون آن حضرت و یکی از اولیای دم ایشان می‌شناسد و از خداوند می‌خواهد که آرزوی خونخواهی آن حضرت را نصیبش فرماید.

حقیقت مهمی که به ما مؤمنان اجازه می‌دهد خود را ولی دم ابی عبد الله الحسین علیه السلام بدانیم، این است که طبق بیانات نورانی ائمه‌ی طاهرین، امام علیه السلام پدر واقعی همه‌ی مؤمنان هستند و کسی که پدرش مظلومانه به قتل رسیده است، می‌تواند خود را صاحب خون به ناحق ریخته‌ی پدر بداند. با چنین اعتقادی است که هر مؤمن امام شناس می‌تواند خون مطهر سیدالشهداء علیه السلام را به خود منسوب نماید و تعبیر «طلب ثاری» را در زیارت عاشورا به کار ببرد.

اکنون سؤال این است که: آیا این خونخواهی به زمان ظهور امام عصر علیه السلام اختصاص دارد یا تحقق آن در زمان غیبت ایشان هم امکان‌پذیر است؟

نکته‌ی زیبا و لطیفی که در کتاب ارزشمند «مکیال المکارم» مطرح شده، پاسخ خوبی به این پرسش می‌باشد. خلاصه فرمایش ایشان این است که انجام هر عملی که اسباب خونخواهی سیدالشهداء علیه السلام را فراهم نماید، مصداق طلب کردن خون آن حضرت است و با این همه تأکیدی که بر دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام و تأثیر آن در جلو افتادن ظهور ایشان صورت گرفته، قطعاً این دعا مصداق طلب خون سیدالشهداء علیه السلام خواهد بود.<sup>۲</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۹۵.

۲. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۴۹۵.

با این توضیحات روشن می شود دعایی که - به تعلیم امام باقر علیه السلام - مؤمنان در روز عاشورا به عنوان تسلیت به یکدیگر می گویند، چه دعای با عظمت و عجیبی است. وقتی می گوئیم: **عَظَّمَ اللَّهُ أُجُورَنَا بِمُضَابِنَا بِالْحُسَيْنِ علیه السلام** ... در حقیقت خود را به خاطر آنچه بر ابی عبدالله الحسین علیه السلام گذشته است، مصیبت زده و صاحب عزا می دانیم، لذا هر مؤمنی دیگری را در تحمل این مصائب مأجور دانسته و از خداوند بزرگداشت این اجر را طلب می کند. و وقتی اضافه می کنیم:

**وَ جَعَلْنَا وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله**.

بزرگ ترین آرزوی خود را در زمان ظهور امام عصر علیه السلام از خداوند مسألت می کنیم. اما با توجه به نکته ی پیش گفته می توانیم در همین روز عاشورا طلب کردن خون سیدالشهداء علیه السلام را جامه ی عمل بپوشانیم و این کار با دعا بر تعجیل فرج منتقم ابی عبدالله الحسین علیه السلام محقق می شود.

به فرمایش صاحب کتاب مکیال المکارم، اگر دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام هیچ ثوابی جز همین فضیلت نداشته باشد، از جهت فضل و شرف کفایت می کند و چگونه چنین نباشد، در حالی که فضیلت طلب خون سیدالشهداء علیه السلام قابل احصا و پاداش آن قابل محاسبه نیست؟!<sup>۱</sup>

### بهترین عمل در روز عاشورا

علاوه بر این خوب است بدانیم که بنابر برخی از روایات روز عاشورا به عنوان روز ظهور امام زمان علیه السلام مشخص شده است. از امام صادق علیه السلام منقول است که فرمودند:

**يَقُومُ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ علیه السلام**.<sup>۲</sup>

۱. همان، ص ۴۵۷.

۲. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۷۹.

قابل تغییر می‌باشد. با این وجود امید ما به قیام حضرت مهدی علیه السلام در روز عاشورا به خاطر این حدیث شریف زیاد است و این خود انگیزه‌ی دیگری برای دعا در حق آن حضرت و در خواست تعجیل در فرجشان می‌باشد.

با مراجعه به اعمالی که ائمه‌ی طاهرین علیهم السلام برای روز عاشورا تعیین فرموده‌اند، می‌بینیم که تأکید زیادی بر دعای تعجیل فرج با بیانی که حاکی از سوز دل آن بزرگواران است، به چشم می‌خورد. ما در این جا به نمونه‌ای از این دعاها اشاره می‌کنیم. عبدالله بن سنان می‌گوید: روز عاشورا به محضر آقا امام جعفر صادق علیه السلام شرفیاب شدم. ایشان را با رنگ و رویی گرفته و ظاهری غمگین یافتم در حالی که از چشمان مبارکشان اشک همچون دُر سرازیر بود. عرض کردم: ای پسر رسول خدا! گریه‌ی شما به خاطر چیست؟ خداوند چشمانتان را گریان نکند. ایشان به من فرمودند:

آیا غافل هستی؟ نمی‌دانی که در یک چنین روزی حسین بن علی علیه السلام به شهادت رسید؟!

آنگاه پس از بیان مطالبی فرمودند:

در یک چنین ساعتی از روز عاشورا جنگ از خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله بر طرف گردید و آتش آن خاموش شد در حالی که سی نفر از آنها در میان عزیزانشان به زمین افتاده بودند که این امر بر رسول خدا صلی الله علیه و آله گران و سخت بود و اگر ایشان آن روز در دنیا زنده بودند، به خاطر آنان عزادار بودند.

این جا امام صادق علیه السلام چنان گریستند که محاسن شریفشان به اشک‌های چشمان تر شد. سپس در ادامه‌ی فرمایشات خود به عبدالله بن سنان فرمودند:

بهترین عملی که می‌توان در این روز انجام دهی این است که لباس‌های پاک بیوشی و دکمه‌های آن را نبندی و آستین‌های آن را تا آرنج بالا بزنی، درست

مانند مصیبت دیدگان؛ سپس به یک زمین خالی و متروکه یا جایی که کسی ترا نبیند یا به یک منزل خالی یا مکان خلوتی می‌روی در اواسط روز (حوالی ظهر)؛ آنگاه چهار رکعت نماز با رکوع و سجود نیکو می‌خوانی که پس از هر دو رکعت آن سلام می‌دهی. در رکعت اول سوره‌ی حمد و «قل یا ایها الکافرون» و رکعت دوم حمد و «قل هو الله احد»، دو رکعت بعدی، رکعت اول حمد و سوره‌ی احزاب و رکعت دوم حمد و سوره‌ی «إذا جاءك المنافقون» یا هرچه از قرآن میسر شد، می‌خوانی. سپس سلام می‌دهی و رو به سوی قبر و مرقد شریف حسین علیه السلام می‌کنی و قتلگاه ایشان و فرزندان و نزدیکانش را در نظر خود مجسم می‌کنی و به ایشان سلام می‌دهی و درود می‌فرستی و کشندگان او را لعنت می‌کنی و از کارهایشان بیزار می‌جویی. خدای عز و جلّ به سبب این اعمال، تو را به درجات بالای بهشت می‌رساند و گناهانت را می‌ریزد. سپس از مکانی که هستی - هر جا که باشد - قدم‌هایی بر می‌داری و در حال حرکت می‌گویی:

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ رَضِيَ بِقَضَائِهِ وَتَسْلِيمًا لِأَمْرِهِ.

و باید در این کارها حالت غم و اندوه داشته باشی و ذکر خدای سبحان و کلمه‌ی استرجاع (إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ) را زیاد داشته باشی، پس وقتی همه‌ی این کارها را انجام دادی، در محلی که نماز خواندی بایست و بگو:

اللَّهُمَّ عَذِّبِ الْفَجْرَةَ الَّذِينَ شَاقُّوا رَسُولَكَ ....

در چند قسمت از این دعا، درخواست تعجیل فرج برای آل محمد علیهم السلام مطرح شده که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

اللَّهُمَّ وَ عَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ ... وَ افْتَحْ لَهُمْ فَتْحًا يَسِيرًا وَ اَنْخِ لَهُمْ رَوْحًا وَ فَرَجًا قَرِيبًا ....

آنگاه دست‌هایت را بالا بگیر و به حال قنوت بخوان:

... اللَّهُمَّ إِنَّ سُنَّتَكَ ضَائِعَةٌ وَ أَحْكَامَكَ مُعْطَلَةٌ وَ عِثْرَةَ نَبِيِّكَ فِي الْأَرْضِ



هَائِمَةً اللَّهُمَّ فَأَعِنِ الْحَقَّ وَ أَهْلَهُ وَ اقْضِ الْبَاطِلَ وَ أَهْلَهُ وَ مَنْ عَلَيْنَا  
بِالنَّجَاةِ ... وَ عَجِّلْ فَرَجَنَا وَ انْظِمَّهُ بِفَرَجِ أَوْلِيَاءِكَ ....

خدایا به سنت تو عمل نمی شود و احکامت تعطیل است و عترت پیامبرت در  
زمین سرگردانند، خدایا پس حق و اهلش را یاری فرما و باطل و اهلش را  
ریشه کن نما و با نجات دادن (ما) بر ما منت بگذار ... و در فرج ما تعجیل  
فرما و آن را با فرج دوستان مرتب کن (یعنی با فرج ما فرج دوستان را هم  
برسان) ....

اللَّهُمَّ وَضَاعِفْ صَلَوَاتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ عَلَى عِتْرَةِ نَبِيِّكَ الْعِتْرَةِ  
الضَّائِعَةِ الْخَائِفَةِ الْمُسْتَذَلَّةِ ... وَ اجْعَلْ لَهُمْ أَيَّاماً مَشْهُودَةً وَ أَوْقَاتاً  
مَحْمُودَةً مَسْعُودَةً يُوشِكُ فِيهَا فَرَجُهُمْ وَ تُوجِبُ فِيهَا تَمْكِينَهُمْ وَ نَصْرَهُمْ  
كَمَا ضَمِنْتَ لِأَوْلِيَاءِكَ فِي كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ: وَ عَدَّ  
اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ...<sup>۱</sup>

خدایا و صلوات و رحمت و برکات خود را بر عترت پیامبرت، همان عترتی که  
حقشان ادا نمی گردد و در حال ترس زندگی می کنند و نزد دیگران ذلیل  
انگاشته می شوند ... و برای ایشان روزگاری که شاهدش باشند و زمان های  
نیکو و سعادت مند را قرار بده که فرج آنها در آن ایام نزدیک باشد و آنها را  
(برای اجرای دین) قدرت بدهی و یاری فرمایی همان طور که به اولیای خود  
در کتاب نازل شده ات ضمانت فرموده ای و گفته ای در حالی که گفتارت حق  
است: وَ عَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا ...

پس از اتمام دعای در حال قنوت، فرمودند:

صورت خود را بر زمین (خاک) بگذار و بگو:

... فَعَجِّلْ يَا مَوْلَايَ فَرَجَهُمْ وَ فَرَجَنَا بِهِمْ فَإِنَّكَ ضَمِنْتَ إِعْزَاذَهُمْ بَعْدَ  
الذِّلَّةِ ....

پس ای مولای من در فرج ایشان (عترت پیامبرت) و فرج ما به سبب ایشان  
تعجیل فرما چرا که تو عزیز داشتن ایشان را پس از ذلت ضمانت فرموده‌ای.

سپس فرمودند:

سَرَّتْ رَا بَه سَوَى اَسْمَانِ بَلَنْدِ كُنْ وَ بَگُو:

أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَكُونَ مِنَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَكَ فَأَعِذْنِي يَا إِلَهِي  
بِرَحْمَتِكَ مِنْ ذَلِكَ.

به تو پناه می‌برم از اینکه جزء کسانی باشم که امید به روزگارت (روزگار  
غلبه‌ی اولیای خدا بر دشمنانش) ندارند، پس با رحمت خود مرا از اینکه  
این‌گونه باشم، پناه بده.

امام علیه السلام در پایان فرمایش خویش فضایل فراوانی برای کسی که این نماز و دعا را  
بخواند، بیان فرمودند،<sup>۱</sup> مرحوم علامه‌ی مجلسی پس از نقل این حدیث شریف  
می‌فرماید: مرحوم سیدبن طاووس عین آن را در «مصباح الزائر» نقل فرموده اما در  
کتاب «اقبال الاعمال» حدیث عبدالله بن سنان را به صورت دیگری نقل کرده است.  
سپس ایشان نقل دوم را هم از سید آورده است تا هر کس بتواند به هر کدام که خواهد  
عمل کند یا به خاطر رعایت احتیاط به هر دو عمل نماید.<sup>۲</sup>

نقل دوم مرحوم سید شامل هزار بار لعن قاتل سیدالشهداء علیه السلام است که در نقل اول  
چنین چیزی نبود. اما دعاهایی که شامل درخواست تعجیل فرج قائم آل محمد علیهم السلام  
هست یا عیناً و یا با عباراتی شبیه نقل اول، در آن آمده است. یکی از تعبیری که در این  
نقل دوم متفاوت با اولی است، این است که وقتی تعجیل فرج اهل بیت علیهم السلام را از خدا  
خواسته‌اند، چنین دعا کرده‌اند:

وَعَجَّلْ فَرَجَنَا بِالْقَائِمِ علیه السلام ...<sup>۳</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۰۳ تا ۳۰۷، به نقل از المصباح شیخ طوسی.

۲. همان، ص ۳۰۹.

۳. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۱۱، به نقل از اقبال الاعمال.

به هر حال هر دو نقل مستند و معتبر است و به هر یک عمل شود مناسب است، کسی هم که اهل احتیاط باشد، می‌تواند به هر دو عمل کند. ما اعمال مربوط به هر دو را در بخش سوم به‌طور کامل ذکر خواهیم کرد.

نکات مهمی در این حدیث شریف وجود دارد که برای دوستداران حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا فداه قابل تأمل می‌باشد. یکی از این نکات اوصافی است که برای عترت پاک پیامبر اکرم ﷺ به کار رفته است. یکجا «عِثْرَةَ نَبِيِّكَ فِي الْأَرْضِ هَائِمَةً» تعبیر کرده‌اند، یعنی سرگردان بودن عترت در زمین. جای دیگر عبارت «الضَّائِعَةُ الْخَائِفَةُ الْمُسْتَدَلَّةُ» را به کار برده‌اند، یعنی عترتی که حقوقشان تضییع شده و با ترس زندگی می‌کنند و دیگران آنان را ذلیل می‌انگارند. اینها اوصاف اهل بیت پاک پیامبر ﷺ پیش از ظهور قائم ایشان علیهم السلام است و خود امام زمان علیهم السلام که تنها باقی مانده از این عترت برگزیده‌ی الهی هستند، بیش از ۱۱۷۰ سال است که با این وضعیّت روزگار می‌گذرانند. شاید بتوان گفت که ایشان در هر عاشورای این سال‌های طولانی به فرمایش جدشان امام صادق علیهم السلام عمل کرده و از خداوند با همین عبارات سوزناک تعجیل فرجشان را درخواست کرده‌اند. در حقیقت در هر روز عاشورا مصیبت‌های آن حضرت تازه شده و غم و غصه‌های قلب مبارکشان بیشتر و شدیدتر می‌گردد. با این وضعیّت آیا دوستان ایشان نباید هم و غم خود را در مناسبت‌های مختلف سال به خصوص ایّام عاشورای حسینی، بر دعا برای تعجیل فرج محبوبشان متمرکز کنند و مجالس عزاداری حضرت ابی‌عبدالله الحسین علیهم السلام را به مجالس گریه و ضجّه برای رفع حزن و اندوه امام خائف خود تبدیل نمایند؟ راستی اگر ذرّه‌ای از غم جانسوزی که مولایمان در عاشورای حسینی متحمّل می‌شود را درک می‌کردیم، همه‌ی خواسته‌های خود را فراموش می‌کردیم و با دل‌های داغدار در مصیبت شهدای کربلا فقط برای ظهور منجی عالم دعا می‌کردیم!

## ۵ - دعا در مکان‌های مناسب

همان‌طور که در بخش اول کتاب گذشت، همه مکان‌ها از جهت امکان استجاب دعا یکسان نیستند و برخی از آنها به خاطر شرافتی که دارند، بر دیگر مکان‌ها برتری دارند. ما در این جا به ذکر نمونه‌های محدودی از این امر اکتفا می‌نماییم.

### دعا در مسجد الحرام

۱ - یکی از بهترین مکان‌ها برای استجاب دعا مسجد الحرام در کنار خانه کعبه می‌باشد. در این مکان مقدس مولای غریبان فرج خود را از خداوند درخواست نموده است. از نایب دوم آن حضرت جناب محمد بن عثمان عمروی نقل شده که ایشان آخرین بار امام علیه السلام را در کنار کعبه مشاهده نموده در حالی که این‌گونه دعا می‌فرمودند:

اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي.<sup>۱</sup>

خدایا آنچه وعده‌ام فرموده‌ای، برایم محقق فرما.

چنانچه در گذشته بیان گردید، از بهترین موقعیت‌های کنار کعبه، گرفتن پرده‌ی آن همراه با چسباندن خود به «مستجار» یا «ملتزم» می‌باشد که حضرت رضاء علیه السلام درباره‌ی آن فرمودند:

... قِفْ عِنْدَ الْمُسْتَجَارِ وَ تَعَلَّقْ بِأَسْتَارِ الْكَعْبَةِ وَ ادْعُ اللَّهَ كَثِيرًا وَ أَلِحَّ عَلَيْهِ وَ سَلْ حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فَإِنَّهُ قَرِيبٌ مُجِيبٌ.<sup>۲</sup>

نزد مستجار بایست و خود را به پرده‌های کعبه بیاویز و بسیار خدا را بخوان و بر آن اصرار کن و نیازهای دنیا و آخرت را طلب کن که او (خداوند) نزدیک و اجابت کننده است.

طبق این فرمایش، کنار مستجار محلّ دعای کثیر و اصرار بر آن است که امکان

۱. کمال الدین، باب ۴۳، ح ۹.

۲. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۹۶، ح ۸، به نقل از فقه الرضا علیه السلام.

اجابت آن بسیار بالاست. نایب خاص حضرت، جناب محمد بن عثمان عمروی می گوید:

امام زمان علیه السلام را - در حالی که خود را در مستجار به پرده های کعبه آویخته بودند - دیدم که چنین دعا می کردند:

اللَّهُمَّ اِنْتَقِمْ لِي مِنْ اَعْدَائِي.<sup>۱</sup>

خدایا انتقام مرا از دشمنانم بگیر.

این نایب بزرگوار حضرت که دو بار ایشان را در حال دعا برای تعجیل فرج کنار کعبه مشاهده نموده، قبل از سال ۲۶۷ هجری قمری به سفارت امام علیه السلام منصوب شده و تا حدود ۴۰ سال این مقام را واجد بوده است.<sup>۲</sup> از آن سال ها تا کنون که نزدیک به ۱۱۰۰ سال می گذرد علی القاعده این امر استمرار داشته و می توان با احتمال قریب به یقین ادعا کرد که آن امام بزرگوار در این یازده قرن مکرر در کنار کعبه برای تعجیل فرجشان دعا کرده اند. چه خوب است که اگر برای یکی از دوستان ایشان امکان تشرّف به بیت الله الحرام پیدا شد، در کنار مستجار با تأسی به خود امام علیه السلام، برای جلو افتادن ظهور ایشان با حالت اصرار و الحاح دعا کند و ولی نعمت خویش را فراموش ننماید. نقطه ی دیگری از مسجد الحرام که بر دعا در آن تأکید زیادی صورت گرفته، حجر اسماعیل به خصوص زیر ناودان کعبه است که امام هشتم علیه السلام درباره ی آن فرموده اند:

... تَعَمَّدُ تَحْتَ الْمِيزَابِ وَاذَعُ عِنْدَهُ كَثِيرًا.<sup>۳</sup>

... زیر ناودان را قصد کن و نزد آن زیاد دعا کن.

پیش از هر کس، نواده ی بزرگوار امام رضا علیه السلام یعنی وجود مقدّس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به این سفارش عمل کرده اند. ابو نعیم انصاری ایشان را داخل حجر اسماعیل زیر ناودان در حال سجده مشاهده نموده که چنین دعا می کردند:

۱. کمال الدین، باب ۴۳، ح ۱۰.

۲. حدیث دو سفیر، ص ۸۱.

۳. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۳۰، ح ۴، به نقل از فقه الرضا علیه السلام.

عَيْدُكَ بِفِنَاءِكَ سَائِلُكَ بِفِنَاءِكَ مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ غَيْرُكَ.<sup>۱</sup>

بنده‌ی کوچکت به درگاهت آمده، گدای تو به درگاهت آمده، از تو چیزی را می‌خواهد که غیر تو بر انجام آن قدرت ندارد.

ببینید با چه لحن خاکسارانه و زیبایی از خداوند طلب ظهورش را کرده است. آنچه هیچکس جز خداوند قدرت بر انجامش را ندارد، در درجه‌ی اوّل اذن ظهور خود ایشان می‌باشد. این اجازه فقط در ید قدرت خداوند است و تا او نخواهد، امام علیه السلام اقدام به قیام نمی‌فرماید. پس اگر از خدا چیزی را می‌خواهیم که فقط به دست او انجام شدنی است، باید بدانیم که اجازه‌ی ظهور حضرت از اهمّ مصادیق آن است.

امیدواریم خداوند منان به لطف خویش به همه‌ی ما توفیق دعای بر تعجیل فرج - با همین الفاظی که خود حضرت دعا کرده‌اند - زیر ناودان حجر اسماعیل عطا فرماید تا همنوا با آن گرامی به استقبال قیام با شکوهش به در خانه‌ی کعبه برویم.

#### دعا در سرزمین عرفات

۲ - مکان دیگری که برای استجابت دعا بسیار مناسب و مطلوب است، سرزمین مقدّس عرفات می‌باشد که حجّاج بیت‌الله الحرام در روز نهم ذیحجه از ظهر تا غروب در آن وقوف می‌کنند. این مکان به خصوص در عصر روز عرفه مناسبت کاملی با دعا بر تعجیل فرج امام عصر علیه السلام دارد. به برخی از این دعاها پیش از این (در مناسبت روز عرفه) اشاره کردیم. آنچه اکنون یادآوری می‌کنیم این است که بنابر برخی احادیث، وجود مقدّس امام علیه السلام در مواقع حج (از جمله عرفات) حضور دارند<sup>۲</sup> و در این صورت دعای حاجیان در حضور مولایشان برای تعجیل در فرج ایشان با حال و هوای خاصی همراه می‌شود. نقل ماجرای تشرّف یکی از شیفتگان حضرت به محضرشان در عرفات بسیار شنیدنی است:

۱. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۹۵، ح ۷، به نقل از کمال الدین.

۲. اصول کافی، کتاب الحجّة، باب فی الغیبة، ح ۱۲ (نحوه‌ی دلالت این حدیث شریف بر مدّعی

مورد بحث در کتاب «راز پنهانی و رمز پیدایی»، ص ۳۰ آمده است).

جناب حجة الاسلام آقای قاضی زاهدی گلپایگانی گفت: من در تهران از جناب آقای حاج محمد علی فشنیدی که یکی از اخیار تهران است، شنیدم که می‌گفت: من از اول جوانی مقید بودم که تا ممکن است گناه نکنم و آن قدر به حج بروم تا به محضر مولایم حضرت بقیة الله روحی فداه مشرف گردم. لذا سالها به همین آرزو به مکه معظمه مشرف می‌شدم.

در یکی از این سالها که عهده‌دار پذیرایی جمعی از حجاج هم بودم، شب هشتم ماه ذیحجه با جمیع وسائل به صحرای عرفات رفتم تا بتوانم یک شب قبل از آنکه حجاج به عرفات می‌روند، من برای زواری که با من بودند جای بهتری تهیه کنم. تقریباً عصر روز هفتم وقتی بارها را پیاده کردم و در یکی از آن چادرهایی که برای ما مهیا شده بود مستقر شدم (و ضمناً متوجه گردیده بودم که غیر از من هنوز کسی به عرفات نیامده) یکی از شرطه‌هایی که برای محافظت چادرها آنجا بود نزد من آمد و گفت: تو چرا امشب این همه وسایل را به این جا آورده‌ای، مگر نمی‌دانی ممکن است سارقین در این بیابان بیایند و وسایلت را ببرند؟! به هر حال حالا که آمده‌ای باید تا صبح بیدار بمانی و خودت از اموالت محافظت بکنی.

گفتم: مانعی ندارد، بیدار می‌مانم و خودم از اموالم محافظت می‌کنم. آن شب در آنجا مشغول عبادت و مناجات با خدا بودم و تا صبح بیدار ماندم تا آنکه نیمه‌های شب بود که دیدم سید بزرگواری که شال سبز به سر دارد، به در خیمه‌ی من آمد و مرا به اسم صدا زد و گفت: حاج محمد علی سلام علیکم، من جواب دادم و از جا برخاستم. او وارد خیمه شد و پس از چند لحظه جمعی از جوانها که هنوز تازه مو از صورتشان بیرون آمده بود مانند خدمتگزار به محضرش رسیدند. من ابتدا مقداری از آنها ترسیدم ولی پس از چند جمله که با آن اقا حرف زدم، محبت او در دلم جای گرفت و به آنها اعتماد کردم، جوانها بیرون خیمه ایستاده بودند ولی آن سید داخل خیمه شده بود. او به من رو کرد و فرمود: حاج محمد علی خوشا به حالت، خوشا به حالت. گفتم: چرا؟ فرمود: شبی در بیابان عرفات بیتوته کرده‌ای که جدم حضرت سیدالشهداء

ابا عبدالله الحسین علیه السلام هم در این جا بیتوته کرده بود. گفتم: در این شب چه باید بکنیم؟

فرمود: دو رکعت نماز می خوانیم، پس از حمد یازده قل هو الله بخوان. لذا بلند شدیم و این کار را با آن آقا انجام دادیم، پس از نماز آن آقا یک دعایی خواند، که من از نظر مضامین مثلش را نشنیده بودم. حال خوشی داشت، اشک از دیدگانش جاری بود، من سعی کردم که آن دعا را حفظ کنم، آقا فرمود: این دعا مخصوص امام معصوم است و تو هم آن را فراموش خواهی کرد. سپس به آن آقا گفتم ببینید من توحیدم خوب است؟ فرمود: بگو. من هم به آیات آفاقیه و انفسیه به وجود خدا استدلال کردم و گفتم: معتقدم که با این دلایل خدایی هست. فرمود: برای تو همین مقدار از خداشناسی کافی است. سپس اعتقادم را به مسئله‌ی ولایت برای آن آقا عرض کردم. فرمود: اعتقاد خوبی داری. بعد از آن سؤال کردم که: به نظر شما الآن امام زمان علیه السلام در کجاست؟ حضرت فرمود: الآن امام زمان در خیمه است.

سؤال کردم روز عرفه که می‌گویند حضرت ولی عصر علیه السلام در عرفات است در کجای عرفات می‌باشند؟ فرمود: حدود جبل الرحمة. گفتم: اگر کسی آنجا برود آن حضرت را می‌بیند؟ فرمود: بله او را می‌بیند ولی نمی‌شناسد.

گفتم: آیا فردا شب که شب عرفه است حضرت ولی عصر علیه السلام در فرجه الشریف به خیمه‌های حجاج تشریف می‌آورند و به آنها توجهی دارند؟

فرمود: به خیمه‌ی شما می‌آید، زیرا شما فردا شب به عمویم حضرت ابوالفضل علیه السلام متوسل می‌شوید. در این موقع آقا به من فرمودند: حاج محمد علی چایی داری؟ (ناگهان متذکر شدم که من همه چیز آورده‌ام ولی چایی نیاورده‌ام). عرض کردم: آقا اتفاقاً چایی نیاورده‌ام و چقدر خوب شد که شما تذکر دادید زیرا فردا می‌روم و برای مسافرین چایی تهیه می‌کنم.

آقا فرمودند: حالا چایی با من و از خیمه بیرون رفتند مقداری که به صورت ظاهر چایی بود ولی وقتی دم کردیم به قدری معطر و شیرین بود که من یقین کردم آن چایی از چایی‌های دنیا نمی‌باشد آوردند و به من دادند. من از



آن چایی خوردم. بعد فرمودند: غذایی داری بخوریم؟ گفتم: بلی نان و پنیر هست. فرمودند: من پنیر نمی‌خورم. گفتم: ماست هم هست. فرمودند: بیاور، من مقداری نان و ماست خدمتش گذاشتم. او از آن نان و ماست میل فرمود. سپس به من فرمود: حاج محمد علی به تو صد ریال (سعودی) می‌دهم، تو برای پدر من یک عمره بجا بیاور.

عرض کردم: چشم. اسم پدر شما چیست؟ فرمود: اسم پدرم سید حسن است. گفتم: اسم خودتان چیست؟

فرمودند: سید مهدی (پول را گرفتم) و در این موقع آقا از جا برخاست که برود، من بغل باز کردم و او را به عنوان معانقه در بغل گرفتم، وقتی خواستم صورتش را ببوسم، دیدم خال سیاه بسیار زیبایی روی گونه‌ی راستش قرار گرفته، لبهایم را روی آن خال گذاشتم و صورتش را بوسیدم.

پس از چند لحظه که او از من جدا شد، من در بیابان عرفات هر چه این طرف و آن طرف را نگاه کردم کسی را ندیدم. یک مرتبه متوجه شدم که او حضرت بقیة الله ارواحنا فداه بوده بخصوص که او اسم مرا می‌دانست، فارسی حرف می‌زد، نامش مهدی بود پسر امام حسن عسکری بود!

بالاخره نشستم و زار زار گریه کردم، شرطه‌ها فکر می‌کردند که من خوابم برده و سارقین اثاثیه‌ی مرا برده‌اند، دور من جمع شدند؛ به آنها گفتم شب است، مشغول مناجات بودم گریه‌ام شدید شد.

فردای آن روز که اهل کاروان به عرفات آمدند من برای روحانی کاروان قضیه را نقل کردم، او هم برای اهل کاروان جریان را شرح داد، در میان آنها شوری پیدا شد.

اول غروب شب عرفه نماز مغرب و عشا را خواندیم بعد از نماز با آنکه من به آنها نگفته بودم که آقا فرموده‌اند: فردا شب من به خیمه‌ی شما می‌آیم زیرا شما به عمویم حضرت عباس علیه السلام متوسل می‌شوید، خود به خود روحانی کاروان روضه‌ی حضرت ابوالفضل علیه السلام را خواند، شوری بر پا شده و اهل کاروان حال خوبی پیدا کرده بودند ولی من دائماً منتظر مقدم مقدس حضرت

بقیة الله روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفدا بودم.  
بالآخره نزدیک بود روزه تمام شود که من حوصله‌ام سر آمد. از میان  
مجلس برخاستم و از خیمه بیرون آمدم، دیدم حضرت ولی عصر روحی فداه  
بیرون خیمه ایستاده‌اند و به روزه گوش می‌دهند و گریه می‌کنند، خواستم  
داد بزنم و به مردم اعلام کنم که آقا این جاست. با دست اشاره کردند که  
چیزی نگو و در زبان من تصرف فرمودند که من نتوانستم چیزی بگویم، من  
این طرف در خیمه ایستاده بودم و حضرت بقیة الله روحی فداه آن طرف  
خیمه ایستاده بودند و هر دومان بر مصائب حضرت ابوالفضل علیه السلام گریه  
می‌کردیم و من قدرت نداشتم که حتی یک قدم به طرف حضرت ولی  
عصر علیه السلام حرکت کنم. وقتی روزه تمام شد آن حضرت هم تشریف بردند.<sup>۱</sup>

#### دعا در حرم مطهر سامرا و سرداب

۳- سومین مکان مقدس برای دعا در حق حضرت ولی عصر علیه السلام فرجه الشریف  
حرم مطهر شهر مقدس سامرا است. این صحن و سرای ملکوتی منزل شخصی و خانه‌ی  
ملکی امام غریبان است که از پدران گرامی‌شان به ارث برده‌اند. هر چند که جای جای  
کره‌ی خاک‌ی ملک طلق آن حضرت می‌باشد و همه‌ی ساکنان زمین مهمانان آن کریم به  
شمار می‌آیند، اما حرم مطهر سامرا اختصاص بیشتری به آن عزیز دارد. این اختصاص  
از چند جهت است: یکی اینکه آنجا خانه‌ی پدری آن بزرگوار می‌باشد که در آن به دنیا  
آمده و بزرگ شده‌اند و طبیعتاً خاطرات زیادی از دوران کودکی خود در آن منزل  
دارند که تعلق خاطر ایشان را به آن مکان مقدس بیشتر می‌کند. دوم اینکه مرقد مطهر  
پدر و جد بزرگوار و نیز مادر گرامی‌شان در آن حرم شریف می‌باشد که به همین جهت  
قطعاً می‌توان گفت حضرتش برای زیارت قبور پدر و جد و مادرشان در آن مکان  
مکرر حاضر شده و می‌شوند. سوم اینکه سرداب مطهر ایشان در آن صحن و سراسر است

که در منابع تاریخی معتبر به عنوان یکی از محل‌های عبادت آن بزرگوار به ثبت رسیده و مورد علاقه‌ی خاص ایشان بوده و هست.

یکی از شیفتگان و دلدادگان آن عزیز سفر کرده که مقتدای بسیاری از امام‌شناسان زمان غیبت محسوب می‌شود، عالم بزرگوار شیعه و آن یگانه‌ای است که به سبب انس با حضرت بقیة الله ارواحنا فداه، صدای ایشان برایش آشنا بود. او نقل می‌کند که در شب چهارشنبه سیزدهم ماه ذی‌قعدة سال ۶۳۸ هجری قمری در سامرا، به هنگام سحر، صدای دعای امام خود را شنیدم و آنچه به خاطرم ماند، این دعا بود:

وَأَبْقِهِمْ (أَخِيهِمْ) فِي عِزِّنا وَ مُلْكِنَا وَ سُلْطَانِنَا وَ دَوْلَتِنَا.<sup>۱</sup>

و آنان را در روزگار عزت و پادشاهی و سلطنت و دولت ما باقی (زنده) بدار. مرحوم سیدبن طاووس عبارات قبل از این دعا را نقل نکرده تا روشن شود حضرت درباره‌ی چه کسانی دعا فرموده‌اند، اما علی‌القاعده مرجع ضمیر «هم» در عبارات ایشان، برخی یا همه‌ی دوستانشان هستند. نقل دیگری هم از مرحوم سید مشهور است که علامه میرزا حسین نوری آن را چنین حکایت فرموده است:

در ملحقات کتاب «انیس العابدین» مذکور است که نقل شده از ابن طاووس که او شنید در سحر در سرداب مقدس از صاحب الامر علیه السلام که آن جناب می‌فرمود:

اللَّهُمَّ إِنَّ شِيعَتَنَا خُلِقَتْ مِنْ شُعَاعِ أَنْوَارِنَا ... وَ قَدْ فَعَلُوا ذُنُوباً كَثِيراً اتَّكَالاً عَلَى حُبِّنَا وَ وِلَايَتِنَا ....

اما مؤلف بزرگوار کتاب «نجم الثاقب» پس از این نقل، می‌فرماید: مؤلف گوید: عبارت این دعا در مصنفات جمله از متأخرین از علامه مجلسی و معاصرین به نحو دیگر نقل شده و در رساله‌ی «جنة المأوی» اشکال کردم در صحت نسبت اصل این واقعه به جهت نبودن آن در مصنفات صاحب

واقعه و مؤلفات متأخرین از او و کتب علامه‌ی مجلسی و محدثین معاصرین او بلکه احتمال دادم در آنجا این کلام مأخوذ باشد از کلام شیخ رجب بررسی در «مشارق الانوار» ... و عصر او قریب عصر سید است و چنانچه از سید چنین عبارتی شایع بوده، او اولی بود به نقل از آن به جهت کثرت حرص او بر این مطالب و اطلاع او بر شواهد بر آنها، اگرچه این نسبت بعید نیست از مقام سید.<sup>۱</sup>

برخی از عبارات دعای منقول در این حکایت با مضامین احادیث ائمه علیهم السلام تطبیق می‌کند و برخی جملات آن به معنای ظاهرش مطابقت کامل با فرمایشات اهل بیت علیهم السلام ندارد،<sup>۲</sup> اما صرف نظر از این امر با توجه به تشکیک علامه‌ی نوری رحمته الله در اسناد حکایت به جناب سید، دلیل کافی برای صحت این نقل به طور قطعی وجود ندارد. البته همان طور که خود علامه فرموده است، شنیدن دعای امام عصر علیه السلام از جناب سید بن طاووس استبعادی ندارد، بنابراین در عین آنکه به طور قطعی نمی‌توانیم انتساب این حکایت را به مرحوم سید نفی کنیم، اما دلیل معتبری هم برای این اسناد نداریم. آنچه خود آن بزرگوار در کتاب «مهج الدعوات» آورده همان است که نقل شد و از آن کثرت و شدت علاقه‌ی پدر دلسوز امت امام عصر علیه السلام به دوستان و شیعیانشان به خوبی فهمیده می‌شود.

اکنون سخن در این است که ما به دعا کردن امام عصر علیه السلام در حق دوستانشان یقین داریم و از مکان‌هایی که قطعاً محلّ دعای ایشان می‌باشد، سرداب مقدّس و حرم مطهر عسکریین علیهم السلام است. پس آیا شکر نعمت‌های بیکران امام زمان علیه السلام بر ما - که دعای حضرت تنها یکی از این نعمت‌هاست - اقتضا نمی‌کند که اگر روزی به آن صحن و سرای ملکوتی راه یافتیم، بیشترین هم خود را برای دعا در حق ایشان به خصوص تعجیل

۱. نجم الثاقب، ص ۴۵۴ تا ۴۵۶.

۲. نکته‌ی محلّ تأمل این است که شیعیان معمولاً به خاطر ا تکال به محبت و ولایت اهل بیت علیهم السلام دست به ارتکاب گناه نمی‌زنند، هرچند که در صورت انجام گناه امیدشان به شفاعت ائمه علیهم السلام است اما نه اینکه از ابتدا به سبب تکیه بر ولایت ایشان مرتکب گناه شوند، این دو نکته با هم تفاوت دارند!

فرجشان اختصاص دهیم؟

دعاهایی که به خواندن آنها در حرم و سرداب مطهر سامرا نقل شده، به خوبی شدت اهتمام به این موضوع را می‌رساند. یک نمونه از این دعاها در پایان زیارتی است که برای هر دو امام بزرگوار - امام هادی و امام عسکری علیهما السلام - با هم نقل شده است. در این زیارت که از معصومین علیهم السلام نقل شده پس از درخواست انتقام الهی از ستمکاران در حق آل محمد صلی الله علیه و آله:

اللَّهُمَّ الْعَنْ ظَالِمِي آلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ وَأَنْتَقِمْ مِنْهُمْ ....

خدایا ستمکاران به حقوق آل محمد صلی الله علیه و آله را از رحمت خود دور کن و از آنان انتقام بگیر ....

عرضه می‌داریم:

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ وَاجْعَلْ فَرَجَنَا مَعَ فَرَجِهِمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.<sup>۱</sup>

خدایا فرج ولیت و پسر ولیت را نزدیک فرما و فرج ما را با فرج ایشان (اهل بیت علیهم السلام) قرار بده، ای ارحم الراحمین.

نمونه‌ی دیگر در اواخر زیارت حضرت نرجس خاتون علیها السلام آمده است که عرضه می‌داریم:

اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ لَهُمْ بِأَنْتِقَامِكَ.<sup>۲</sup>

خدایا بحق محمد و آل محمد بر محمد و آل محمد درود بفرست و انتقام گیری خود برای ایشان (از دشمنانشان) را تعجیل فرما.

انسان وقتی خود را در کنار قبر پدر و مادر امام زمانش می‌بیند، حیفش می‌آید که برای تعجیل فرج یگانه فرزندشان که سال‌ها - بلکه قرن‌ها - در انتظار اذن خداوند

۱. کامل الزیارات، باب ۱۰۳، ج ۱.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۷۱، به نقل از مصباح الزائر.

برای ظهورش است، دعا نکند. ما یقین داریم که پاها و بدن مطهر آن یگانه امام و ذخیره‌ی خداوند روی زمین بارها و بارها - در طول بیش از یازده قرن - کنار مرقد مطهر حضرت نرجس خاتون را مبارک کرده است و چه فرصت خوبی است برای عاشقان ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف که به آن مکان مقدس تبرک جویند و سر و صورت خود را به زمینی که عطر مولا از آن به مشام می‌رسد، معطر نمایند.

راستی چه زیباست که انسان بتواند جای پاهای امامش را بوسه زند و حال که از دیدار روی نازنینش محروم است، روح و بدن خود را با عطر و بوی محبوبش در کنار قبر مادرش صیقل دهد. اما و هزار اما، اکنون بیش از یک سال است که دست‌های پلید و خبیث دشمنان امام عصر علیه السلام قبور جد و پدر و مادر ایشان را به مخروبه تبدیل کرده و در حقیقت منزل شخصی امام علیه السلام را ویران ساخته است.<sup>۱</sup>

چقدر تلخ است تحمل این مصیبت برای دوستان حضرت و چقدر غریب است این بزرگواری که محل زیارت خودش و مشتاقانش به این حالت اسفبار در آمده است. راستی می‌توان باور کرد که نقطه‌ی دلخوشی امام غریبمان - که برای زیارت و خواندن فاتحه و قرآن و نماز هر سال و هر ماه و چه بسا هر هفته و هر روز به آن رفت و آمد داشته و دارند - چنین بی‌رحمانه تخریب شود و اشک از چشمان آن غایب مصیبت دیده سرازیر نگردد؟ جایی که دوستان از ایشان به خاطر این غم، گریان و نالان شوند، خود آن بزرگوار چه حالی دارند؟!

---

۱. این حادثه فجیع و جانگداز در صبح روز چهارشنبه ۲۳ محرم الحرام سال ۱۴۲۷ هجری قمری مصادف با سوم اسفند ۱۳۸۴ هجری شمسی رخ داده و همه‌ی مسلمانان واقعی را به عزا نشانده است. و با کمال تأسف همان دستان خبیث و ناپاک، گلدسته‌های باقیمانده از آن حرم شریف را در روز چهارشنبه ۲۷ جمادی الاولی سال ۱۴۲۸ قمری مصادف با ۲۳ خرداد ماه ۱۳۸۶ شمسی تخریب نمودند و به فاصله‌ی اندکی (در ماه جمادی الثانی ۱۴۲۸ مصادف با تیر ماه ۱۳۸۶) مناره‌ی ساعت آن صحن مقدس را نیز با موشک هدف قرار دادند تا به گمان باطل خود، هیچ اثری از آن حریم ملکوتی باقی نگذارند! خداوندا به کوری چشمان این دشمنان قسم خورده، هر چه زودتر با ظهور صاحب این بارگاه قدس، شکوه و عظمتی بیش از پیش به آن جا ببخش. الهی آمین.

بیش از یک سال است که دیگر پابوسی حرم شریف سامرا برای دوستان امام عصر علیه السلام میسر نیست و آرزوی زیارت قبور شریف امام هادی علیه السلام و حضرت عسکری علیه السلام و حضرت نرجس خاتون و حکیمه خاتون - که هر چهار قبر در یک ضریح شش گوشه جای داشتند - داغی بر دل شیعیان گذاشته و پس از گذشت این مدت هنوز بازسازی آن حرم شریف امکان پذیر نشده است.

اما همین جا متذکر می شویم که اگر در مصیبت تخریب حرم مطهر سامرا عزادار هستیم - که باید باشیم - فراموش نکنیم که امام زمان علیه السلام به خاطر تخریب ایمان یک جوان شیعه نیز عزادار و غمناک می شوند. اگر یکی از دوستان آن حضرت در این وانفسای زمان غیبت، از مسیر دین خارج شود و به انحراف عقیدتی یا فساد اخلاقی مبتلا گردد، قطعاً مولا و پدر مهربانش مصیبت زده می گردد و چه بسا در غم از دست رفتن ایمان او چشمان مبارکشان گریان شود!

آری گوهر ایمان چنان نزد خدا و امام زمان علیه السلام ارزشمند است که بعید نیست غصه‌ی از دست رفتن یک مؤمن به اندازه‌ی تخریب حرم شریف عسکری علیه السلام - بلکه بیش از آن - آقایمان را رنج بدهد! پس بیاییم و در کنار اقامه‌ی عزا به خاطر ویران شدن حرم سامرا، برای برخی از جوانانی که به دلایل مختلف ایمانشان سست و گاهی از مسیر ولایت اهل بیت علیهم السلام خارج می شوند، عزا بگیریم و آنها که می توانند، کاری و تلاشی و اقدامی برای دستگیری از این یتیمان امام عصر علیه السلام در دوران دوری از پدرشان انجام دهند. بگذریم.

پس از زیارت حرم مطهر نوبت به انجام اعمال سرداب مقدس می رسد که مشحون از زیارت و دعا در حق امام زمان علیه السلام به خصوص درخواست تعجیل فرج ایشان می باشد. البته سرداب هم از آسیب ویرانگری دست‌های آلوده‌ی دشمنان حضرت در امان نمانده و امکان داخل شدن و انجام اعمالش هنوز پیدا نشده است.

اما اگر انشاء الله به زودی زود این امکان فراهم شود، خواهیم توانست اذن دخول ورود به داخل سرداب را بخوانیم و سپس از آستانه در و پله‌های آن بوسه زنان پایین

برویم و خود را به عرصه‌ی آن برسانیم و پس از ادای دو رکعت نماز، دعای زیبایی را که مرحوم محدث قمی در کتاب شریف مفاتیح الجنان نقل فرموده، بخوانیم و به خدای خود عرضه بداریم:

... اللَّهُمَّ طَالَ الْإِنتِظَارُ وَ شَمِتَ بِنَا الْفُجَّارُ وَ صَعَبَ عَلَيْنَا الْإِنتِصَارُ ...<sup>۱</sup>

... خدایا انتظار به طول انجامید و بدکاران ما را شماتت نمودند و پیروزی بر ما مشکل شد ...

این دردهای دل را فقط باید به خداوند گفت، آن‌هم در زمانی که توفیق زیارت سرداب مطهر پیدا شده است و هم از او خواست تا هر چه زودتر به درد دوری ما از امامان و تحمل شماتت‌های دشمن پایان بخشد. آخرین عملی که مرحوم محدث قمی برای سرداب مقدس بیان فرموده، خواندن دعای: «اللَّهُمَّ عَظُمَ الْبَلَاءُ» است که از منتهای بزرگی بلا و شدت مصیبت دعاکننده حکایت می‌کند. به هر حال از بهترین مکان‌ها برای دعا در حق حضرت ولّی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، حرم مطهر عسکریین علیهم السلام و سرداب مقدس امام عصر علیه السلام می‌باشد.

#### دعا در حرم مطهر رضوی

۴ - یکی دیگر از مکان‌های مقدس که دعا در حق امام زمان علیه السلام مورد تأکید می‌باشد، حرم مطهر رضوی علیه السلام است. ثواب‌های عجیبی برای زیارت امام هشتم علیه السلام در مشهد مقدس نقل شده که تنها به یکی از آنها اشاره می‌کنیم. احمد بن محمد بن ابونصر بزنطی می‌گوید:

در نوشته‌ی ابوالحسن الرضا علیه السلام دیدم که فرموده بود:

أَبْلَغُ شِيعَتِي أَنَّ زِيَارَتِي تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ أَلْفَ حَجَّةٍ.

به شیعیانم ابلاغ کنید که زیارت من نزد خداوند با هزار حج برابری می‌کند.

خدمت امام جواد علیه السلام عرض کردم: هزار حج؟ ایشان فرمودند:

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۰۳، به نقل از مصباح الزائر.



إِی وَاللّٰهِ وَالْفَ الْفِ حَجَّةٍ لِمَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ.<sup>۱</sup>

آری، قسم به خدا و هزار هزار حج برای هر کس که او را با معرفت به حقیقت زیارت کند.

در یکی از زیارت‌های امام هشتم علیه السلام که از زیان معصومین علیهم السلام نقل شده، به چهارده معصوم علیهم السلام درود می‌فرستیم و در صلوات بر آخرین وارث نبی صلی الله علیه و آله خاتم صلی الله علیه و آله چنین می‌خوانیم:

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی حُجَّتِكَ وَ وَلِيِّكَ وَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ صَلَاةً نَامِيَةً بَاقِيَةً  
تُعَجِّلُ بِهَا فَرَجَهُ وَ تَنْصُرُهُ بِهَا وَ تَجْعَلُنَا مَعَهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.<sup>۲</sup>

خدایا بر حجت و ولایت و قیام‌کننده در میان آفریدگانت درود بفرست، درودی بالنده و پایدار که به سبب آن فرج ایشان را تعجیل فرمایی و یاریش نمایی و ما را در دنیا و آخرت با او همراه گردانی.

همین عبارات دعا شامل بهترین درخواست‌ها از خداوند برای خودمان است. همراهی با امام عصر علیه السلام در دنیا و آخرت بالاترین آرزوی همه‌ی منتظران و دوستداران ایشان می‌باشد و کسی که امام هشتم علیه السلام را زیارت می‌کند، باید به مضامین این دعاها توجه کرده و قدر آنها را بداند.

دعا در زیر قبّه‌ی سیدالشهداء علیه السلام

۵- در بخش اول کتاب جایگاه منحصر به فرد حاتر حسینی علیه السلام را در استجابات دعا روشن ساختیم و دانستیم که گاهی خود ائمه‌ی طاهرین (همچون امام صادق علیه السلام) کسی را اجیر می‌کردند تا برای برآوردن حاجتشان (مثلاً شفای بیماریشان) در کنار قبر سیدالشهداء علیه السلام دعا کند.<sup>۳</sup> با این ترتیب زائر امام حسین علیه السلام باید از فرصت به دست آمده

۱. کامل الزیارات، باب ۱۰۱، ح ۹.

۲. همان، باب ۱۰۲، ح ۲.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۲۱ و ۴۲۲، ح ۲.

در سفر زیارت کربلا حدّا کثر بهره برداری را برای دعا در حقّ مولای مظلوم و غریبش بنماید و در آن حائر شریف، دعای بر تعجیل فرج امام عصر علیه السلام را در رأس خواسته‌هایش قرار دهد.

اگر بخواهیم حقیقت مطلب را بدانیم، باید بگوییم همه‌ی ما همچون اجیرانی هستیم که با خرج مولایمان به زیارت جدّ شریفش مشرف شده‌ایم. در این ادّعا هیچ‌گونه مسامحه و مجامله‌ای نیست. همه‌ی امکانات ما برای سفر به کربلا معلّی به یمن وجود مبارک امام عصر علیه السلام مهیا شده و اگر الطاف خاصّ آن بزرگوار بر ما نبود، توفیق زیارت مرقد شریف سیدالشّهداء علیه السلام را پیدا نمی‌کردیم. از سلامت و عافیت جسمانی گرفته تا امنیت جانی و تمکّن مالی و بسیاری از شرایط دیگر که اگر یکی از آنها نبود، موفق به این سفر زیارتی نمی‌شدیم؛ همه‌ی اینها را مدیون عنایت ویژه‌ی مولای محبوبمان هستیم. پس ما باید خود را اجیرانی از جانب آن حضرت بدانیم که با امکاناتی که خود ایشان در اختیارمان نهاده، به کربلا معلّی مشرف می‌شویم.

در این صورت آیا حقّ مضاعف ایشان بر ما این نیست که برای رفع گرفتاری‌ها و پایان یافتن آلام و مصیبت‌های آن بزرگوار، در کنار قبر جدّش سیدالشّهداء علیه السلام دست به دعا بلند کنیم؟ ما که می‌دانیم تحمل رنج غیبت برای ایشان چقدر سخت و ناگوار است، آیا مجازیم که با بی‌تفاوتی از کنار غم‌های عزیز زهرا علیه السلام بگذریم و از فرصت به‌دست آمده در حائر حسینی، برای دعا در حقّ ایشان استفاده نکنیم؟ آری باید غیرت به خرج دهیم و حاجات مولایمان - که در رأس آنها تعجیل فرج ایشان است - را بر نیازهای شخصی خودمان مقدم کنیم و از خداوند به هر زبانی که می‌دانیم، رفع نگرانی‌های تنها باقی مانده‌ی الهی - بَشْبَةَ اللَّهِ الْأَعْظَمِ علیه السلام - را درخواست نماییم. هر دعایی - چه مأثور و چه غیر مأثور - در کنار قبر مطهر سیدالشّهداء علیه السلام طبق وعده‌هایی که انقدهی طاهرین علیه السلام داده‌اند، مستجاب است. پس چه به عربی و چه فارسی می‌توانیم در آن مکان مقدّس برای مولای پنهان از دیدگان خود دعا کنیم.

جالب این است که در متن زیارت‌ها و دعا‌های مأثور در حائر حسینی، جملاتی یافت می‌شود که شامل دعا برای تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام با عباراتی بسیار گویا و

عمیق است. به عنوان نمونه زیارتی را جناب ابو حمزه ی شمالی از آقا امام صادق علیه السلام برای جد بزرگوارش سیدالشهداء علیه السلام نقل کرده که شاید در بین زیارت‌های مأثور از ائمه علیهم السلام طولانی‌ترین آنها باشد. این زیارت به‌طور کامل در کتاب شریف «کامل الزیارات» نقل شده و اعمالی را معرفی نموده که زائر امام حسین علیه السلام از هنگامی که در وطن خود قصد زیارت کربلا را می‌کند، می‌تواند انجام دهد.<sup>۱</sup>

در اواخر این زیارت معتبر، امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

سپس گونه‌های صورت خود را روی قبر می‌گذاری و می‌گویی:

اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ اِشْفِ صَدْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام.

خدایا ای پروردگار حسین علیه السلام، قلب حسین علیه السلام را شفا بخش.

اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ اُطْلُبْ بِدَمِ الْحُسَيْنِ علیه السلام.

خدایا ای پروردگار حسین علیه السلام از حسین علیه السلام خونخواهی کن.

اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ اِنْتَقِمْ مِمَّنْ رَضِيَ بِقَتْلِ الْحُسَيْنِ علیه السلام.

خدایا ای پروردگار حسین علیه السلام از هر کس که به کشته شدن حسین علیه السلام راضی شده، انتقام بگیر.

اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ اِنْتَقِمْ مِمَّنْ خَالَفَ الْحُسَيْنَ علیه السلام.

خدایا ای پروردگار حسین علیه السلام از هر که با حسین علیه السلام مخالفت نموده انتقام بگیر.

اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ اِنْتَقِمْ مِمَّنْ فَرِحَ بِقَتْلِ الْحُسَيْنِ علیه السلام.<sup>۲</sup>

خدایا ای پروردگار حسین علیه السلام از هر کس که از کشته شدن حسین علیه السلام خوشحال شده انتقام بگیر.

روشن است که اجابت همه‌ی این دعاها تنها و تنها با ظهور ولی دم سیدالشهداء علیه السلام

۱. از خدای منان به ابروی سیدالشهداء علیه السلام می‌خواهیم که توفیق معرفی کامل این حدیث ابو حمزه شمالی را در کتابی مستقل به نویسندگان در آینده نزدیک عنایت فرماید.

۲. کامل الزیارات، باب ۷۹، ح ۲۳.

- امام عصر علیه السلام - محقق می‌گردد. پس هر یک از این دعاها در حقیقت درخواست تعجیل در فرج مولای مظلوممان است. امیدواریم اکنون که به لطف و عنایت ائمه‌ی طاهرین علیهم السلام، طاغوت عراق سرنگون و راه کربلا برای مشتاقان زیارت سیدالشهداء علیه السلام باز شده است، زائران با معرفت با دعاهايشان در آن حرم مطهر، ظهور مولای غریبان را به جلو بیندازند و به زودی شاهد تحقق وعده‌ی خداوند در این خصوص باشیم.

### دعا در مشاهد مشرفه

۶- علاوه بر حرم امام رضا علیه السلام در مشهد مقدس و حائر شریف حسینی در کربلای معلی، مشاهد مشرفه‌ی سایر چهارده معصوم علیهم السلام نیز مکان‌های بسیار مناسب برای دعا در حق امام عصر علیه السلام هستند. از مضجع شریف نبوی در مدینه‌ی منوره و قبر ناپیدای حضرت سیده فاطمه علیه السلام در آن حرم شریف گرفته تا کنار قبور ویران شده‌ی چهار امام همام - حضرات امام مجتبی علیه السلام و زین العابدین علیه السلام و امام باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام - همچنین حرم با صفای امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف اشرف و نیز کنار قبور حضرت موسی الکاظم علیه السلام و جواد الائمه علیهم السلام در کاظمین، همگی مصادیق این آیه‌ی مبارکه قرآن کریم هستند که می‌فرماید:

فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ ...<sup>۱</sup>

در خانه‌هایی که خداوند اجازه داده که عالی مقام باشند و در آنها نام او یاد شود ....

در این خانه‌های الهی، دعا برای امام عصر علیه السلام اثر و نتیجه‌ی بیشتری دارد. از اینها گذشته در حرم حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام و حرم حضرت مسلم بن عقیل در کوفه و نیز کنار قبر خواهر گرامی سیدالشهداء علیه السلام عقیله‌ی بنی‌هاشم علیه السلام و همچنین حرم

۱. نور / ۳۶، توضیح اینکه مشاهد مشرفه ائمه‌ی طاهرین علیهم السلام مصادیق این آیه کریمه هستند در کتاب «در ضیافت ضریح» آمده است.

باصفای حضرت رقیه علیها السلام در دمشق و نیز حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام در قم، دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام نباید مورد غفلت و فراموشی قرار بگیرد. در مرتبه‌ی بعد هر مکان مقدّسی که بدن یکی از امام زادگان مدفون است یا کنار قبور علما و بزرگان تشیع که آبرومندان درگاه اهل بیت علیهم السلام هستند، موقعیت‌های خوبی برای دعا در حق امام عصر علیه السلام به شمار می‌آیند.

دعا در مساجد کوفه، سهله و ...

۷- همه‌ی مساجد در روی کره‌ی خاکی، خانه‌های خداوند هستند که عبادت در آنها بسیار مطلوب و مؤثر است و یکی از بزرگ‌ترین عبادت‌ها، دعاست، آن هم در حق تنها باقی مانده از اوصیای پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم. در میان مساجد، برخی انتساب خاصی با امام عصر علیه السلام دارند که لزوم دعا برای ایشان در آن مساجد مؤکد می‌شود. مسجد کوفه و مسجد سهله از مساجدی هستند که افراد شایسته در آنها مکرر خدمت امام زمانشان مشرف شده‌اند. علاقه‌ی خاصّ امام علیه السلام به این دو مکان مقدّس روشن و واضح است. از امیرالمؤمنین علیه السلام در فضیلت مسجد کوفه نقل شده که فرمودند:

لَبَّائِنٌ عَلَيْهِ زَمَانٌ يَكُونُ مُصَلِّي الْمَهْدِيِّ مِنْ وُلْدِي وَ مُصَلِّي كُلِّ  
مُؤْمِنٍ ... تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِالصَّلَاةِ فِيهِ وَ ارْغَبُوا إِلَيْهِ فِي قَضَائِهِ  
حَوَائِجِكُمْ ...<sup>۱</sup>

یقیناً خواهد آمد زمانی که مسجد کوفه مصلاّی (حضرت) مهدی از اولاد من و مصلاّی هر مؤمنی می‌شود ... بانماز خواندن در آن به سوی خدای عزّ و جلّ تقرّب جُسته و برای برآورده شدن نیازهایتان به سوی آن رغبت نمایید.

مطابق احادیث ائمه علیهم السلام ادای هر نماز واجب در مسجد کوفه ثواب یک حج و هر نماز مستحبّی ثواب یک عمره دارد.<sup>۲</sup>

۱. بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۹۰، ح ۱۴، به نقل از امالی صدوق.

۲. همان، ص ۳۹۹، ح ۴۵، به نقل از کامل الزیارات.

علاوه بر نماز، آنچه در بحث دعا اهمیت دارد، عمل به سفارش امیرالمؤمنین علیه السلام است که مسجد کوفه را مکان مناسبی برای برآورده شدن حاجات دانستند. طبیعی است که بزرگ‌ترین حاجت دوستان امام عصر علیه السلام در دوران غیبت، تعجیل فرج ایشان است، بنابراین حق آن است که در پس ادای نمازهای مربوط به هریک از مقام‌ها و ستون‌های مسجد کوفه، مهم‌ترین حاجتی که از خدا درخواست می‌کنیم سلامت و تعجیل فرج امامان باشد.

در فضیلت مسجد سهله نیز احادیث متعددی از ائمه‌ی طاهرین علیهم السلام نقل شده است. ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمودند:

يَا أَبَا مُحَمَّدٍ كَأَنِّي أَرَى نَزُولَ الْقَائِمِ علیه السلام فِي مَسْجِدِ السَّهْلَةِ بِأَهْلِهِ وَ عِيَالِهِ.  
ای ابامحمد گویی فرود آمدن قائم علیه السلام را در مسجد سهله همراه با اهل و عیال خود می‌بینم.

سپس تصریح فرمودند که این مسجد شریف منزل امام عصر علیه السلام - پس از ظهور - خواهد بود همان‌طور که منزل حضرت ادریس و ابراهیم خلیل بوده و خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرده مگر آنکه در این مسجد نماز گزارده است. سپس فرمودند:

وَمَا صَلَّيْتُ فِيهِ أَحَدًا فَدَعَا اللَّهَ بِنَيْتِهِ صَادِقَةً إِلَّا صَرَفَهُ اللَّهُ بِقَضَاءِ حَاجَتِهِ.<sup>۱</sup>

و هیچکس در آن نماز نمی‌گزارد که خدا را صادقانه بخواند، مگر آنکه خداوند او را با برآوردن حاجتش بر می‌گرداند.

منتظران امام عصر علیه السلام اگر روزی توفیق نماز خواندن در مسجد سهله را یافتند، مهم‌ترین حاجت خود که تعجیل در فرج مولایشان می‌باشد را فراموش نمی‌کنند و در آن مکان مقدس بر این خواسته‌ی خویش اصرار می‌ورزند.

دو مسجد دیگر هم در نزدیکی مسجد سهله وجود دارد که به نام دو برادر وفادار به امیرالمؤمنین علیه السلام نامگذاری شده است. یکی از آنها مسجد صعصعة بن صوحان و دیگری مسجد زید بن صوحان است که دعا برای امام عصر علیه السلام در هر دو مکان بسیار

مناسب و بجاست. اعمال مربوط به این مساجد را مرحوم محدث قمی در کتاب شریف مفاتیح الجنان نقل فرموده است. علاوه بر این مساجد، مسجد جمکران در نزدیکی شهر مقدس قم می باشد که مورد عنایت خاص امام عصر علیه السلام بوده و هست. حق این است که اگر انسان موفق به ادای نمازهای این مسجد مقدس شد، مهم ترین حاجت خود را رفع غم و غصه های امام زمان علیه السلام با اذن ظهورش از جانب خداوند، قرار دهد و برای آن حضرت مقدم بر دیگران دعا نماید.

### ۶ - دعاهای غیر مقید به زمان یا مکان خاص

علاوه بر دعاهای ماثوری که در مناسبت های خاص وارد شده، دعاهای بسیار دیگری هم درباره ی امام عصر علیه السلام وجود دارد که مقید به زمان یا مکان خاصی نیستند و در هر موقعیتی می توان با خواندن آنها تعجیل در فرج حضرت ولی عصر علیه السلام را از خدا درخواست نمود. ما در این مجال به سه نمونه از این دعاها اشاره می کنیم و بخش دوم کتاب را با همین بحث خاتمه می دهیم.

### ذکر صلوات بر حضرت زهرا علیها السلام

اولین مورد دعایی است که تحت عنوان صلوات بر حضرت صدیقه ی زهرا علیها السلام از امام حسن عسکری علیه السلام نقل شده و راوی، متن آن را با املا ی آن حضرت نوشته است. این صلوات ها مربوط به هر یک از چهارده معصوم علیهم السلام می باشد که متن هر یک در کتاب شریف «مفاتیح الجنان» به طور کامل آمده است. در قسمتی از صلوات مربوط به حضرت فاطمه ی اطهر علیها السلام چنین می خوانیم:

اللَّهُمَّ كُنِ الطَّالِبَ لَهَا مِمَّنْ ظَلَمَهَا وَ اسْتَخَفَّ بِحَقِّهَا.

خدایا خودت طالب (خون) او از ستمکارانش و سبک شمارندگان حقش باش.

اللَّهُمَّ وَ كُنِ الثَّائِرَ لَهَا بِدَمِ أَوْلَادِهَا.<sup>۱</sup>

خدایا خودت خونخواه او به سبب خون (به ناحق ریخته‌ی) فرزندانش باش. روشن است که خونخواهی خداوند از کسانی که به حضرت زهرا علیها السلام و فرزندان پاکش ستم روا داشتند، جز با ظهور منتقم ایشان - حضرت بقیة الله ارواحنا فداء - محقق نمی‌شود. پس این دعاها در حقیقت دعا برای تعجیل در فرج منجی عالم می‌باشد.

### دعای امام رضا علیه السلام در حق حضرت صاحب الزمان علیه السلام

دومین مورد دعایی است که «یونس بن عبدالرحمن» از حضرت امام رضا علیه السلام نقل کرده که ایشان به خواندن آن در حق حضرت صاحب الزمان علیه السلام سفارش فرموده‌اند. این دعا را مرحوم سیدبن طاووس به دو صورت از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده<sup>۱</sup> و مرحوم محدث قمی هم در «مفاتیح الجنان» به نقل از «المصباح» شیخ آورده است. آنچه محدث قمی نقل فرموده بیشتر با نقل اول مرحوم سیدبن طاووس (در کتاب جمال الاسبوع) هماهنگی دارد هرچند که مطابقت کامل با آن ندارد. ضمناً این دعا در «مفاتیح الجنان» جزء اعمال روز جمعه آمده است ولی در نقل مرحوم سید، دعا اختصاص به زمان خاصی ندارد و در هر موقعیتی خوانده می‌شود. به هر حال چون دعا بسیار دعای جامع و کاملی است، نباید از خیر خواندن آن گذشت و به هر کدام از روایاتی که نقل شده می‌توان عمل کرد. ما در بخش سوم کتاب، نقل دوم مرحوم سید را که مفصل‌تر از نقل اول ایشان است، به‌طور کامل ذکر می‌کنیم تا خوانندگانی که بخواهند علاوه بر آنچه در مفاتیح الجنان مرحوم شیخ عباس قمی آمده، نقل دیگر آن را بخوانند، برایشان امکان‌پذیر گردد و علاقمندان به خواندن نقل اول مرحوم سید را به کتاب ارزشمند «جمال الاسبوع» ارجاع می‌دهیم. ضمناً مؤلف کتاب «مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام» نیز در باب هفتم کتاب، هر دو نقل مرحوم سید را ذکر فرموده است.<sup>۲</sup>

۱. جمال الاسبوع ص ۳۰۷ تا ۳۱۴.

۲. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۷۳ تا ۸۰، علاوه بر منابع ذکر شده، نقل دوم دعا در کتاب «راز و نیاز



صلوات ابوالحسن ضرباب اصفهانی

سومین مورد دعایی است که به صلوات ابوالحسن ضرباب اصفهانی معروف است. راوی حدیث می‌گوید:

در سال دویست و هشتاد و یک هجری قمری با عده‌ای از همشهری‌های اهل تسنن عازم سفر حج شدیم، چون به مکه‌ی مشرفه رسیدیم یکی از آنها پیشقدم شد، و در کوچه‌ای - که میان بازار لیل بود - برای ما خانه‌ای اجاره نمود. آنجا خانه‌ی حضرت خدیجه علیها السلام بود که به خانه‌ی امام رضا علیه السلام مشهور شده بود. در آن خانه پیرزن گندمگونی زندگی می‌کرد، چون فهمیدم که آن خانه معروف به دار الرضا علیه السلام است، از پیرزن پرسیدم: تو چه نسبتی با صاحبان این خانه داری؟ و این خانه چرا دار الرضا علیه السلام نامیده شده؟

گفت: من از دوستان اهل بیت علیهم السلام هستم، و این خانه، خانه‌ی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام است که امام حسن عسکری علیه السلام مرا در این خانه ساکن نموده است، و من از خدمتگزاران آن حضرت بودم.

چون این سخن را از او شنیدم با او مأنوس شدم، و این راز را از رفقای مخالف عقیده‌ی خودم پنهان کردم.

مدتی که در آنجا بودیم برنامه‌ی ما چنین بود که موقعی که شب از طواف خانه‌ی خدا بر می‌گشتیم در ایوان خانه می‌خوابیدیم؛ و درب خانه را می‌بستیم و پشت آن سنگ بزرگی - که از سنگینی آن را می‌غلطانیدیم - می‌گذاشتیم.

در آن ایوانی که ما می‌خوابیدیم شب‌های متعدّد نوری را مثل نور مشعل می‌دیدم، نیز می‌دیدم که درب خانه باز می‌شد بدون اینکه کسی از ما درب را باز کند. شخصی متوسط القامه و گندمگون متمایل به زرد لاغر اندام را دیدم که در چهره‌ی او اثر سجده نمایان بود، دو پیراهن و عبای نازکی روی آن بر تن کرده و نعلینی قوس‌دار پوشیده بود، وارد می‌شد و به اتاقی که پیرزن در

آن بود بالا می‌رفت، و پیرزن به ما می‌گفت: دخترم در اتاق است و به کسی اجازه نمی‌داد که به طرف آن اتاق برود.

هنگامی که از پله‌ها بالا می‌رفت نوری را می‌دیدم که بر ایوان می‌تابید، بعد همان نور را در آن اتاق می‌دیدم بدون اینکه چراغی بینم.

همراهان من هم این نور را می‌دیدند و گمان می‌کردند که آن شخص شوهر موقت دختر پیرزن می‌باشد و می‌گفتند: این علوی‌ها ازدواج موقت را جایز می‌دانند، و این به گمان خودشان حرام بود.

ما او را می‌دیدیم که از آن در داخل و خارج می‌شد ولی سنگ پشت در به همان حالتی بود که ما گذاشته بودیم، و ما از ترس اسباب و اثاثیه‌ی خود، در را می‌بستیم، و کسی نبود که در را باز کند یا ببندد، ولی آن شخص داخل می‌شد و خارج می‌شد و سنگ به همان صورت پشت در بود تا وقتی که می‌خواستیم خارج شویم کنار می‌گذاشتیم.

چون این جریان را دیدم قلبم به طپش افتاد و در وجودم هیبتی احساس کردم. به آن پیرزن ملاحظت نمودم و دوست داشتم قضیه‌ی آن شخص را بدانم، به او گفتم: فلانی! دوست دارم بدون اطلاع دوستانم و محرمانه سوآلی از شما بپرسم اما نمی‌توانم، چون دیدی رفقایم نیستند بیا تا در مورد مسئله‌ای از تو سؤال کنم.

او در جواب من بلافاصله گفت: من هم می‌خواهم رازی را با تو در میان بگذارم، اما تا حال به خاطر رفقای تو فرصتی پیش نیامده است.

گفتم: می‌خواهی چه بگویی؟

گفت: به تو می‌گویم - و کسی را نام نبرد - با رفقا و شرکای خود خشونت و درشتی نکن، و با آنان خصومت و نزاع مکن، زیرا آنها دشمنان تو هستند و با آنان مدارا کن.

گفتم: چه کسی این سخن را می‌گوید؟ گفت: من می‌گویم.

از هیبتی که از او در دلم افتاده بود جرأت نکردم دوباره سؤال را تکرار کنم، گفتم: منظورت کدام رفقای من است؟ خیال می‌کردم منظورش رفقای بود

که با آنها به حج مشرف شده بودم.

گفت: شرکایی که در شهر تو (اصفهان) و با تو در یک خانه هستند.

البته میان من و آنها بگو مگویی در امر دین شده بود که از من سخن چینی و سعایت کرده بودند، و من به همین جهت فرار کردم و مدتی به صورت مخفیانه زندگی می‌کردم، متوجه شدم که منظور آن پیرزن، همان‌ها بودند.

به پیرزن گفتم: تو چه ارتباطی با امام رضا علیه السلام داری؟

گفت: من خدمتگزار حضرت امام حسن عسکری علیه السلام بودم.

چون به این مطلب یقین کردم با خود گفتم: خوب است از حضرت غائب صلوات الله علیه از او سؤال کنم؟ و گفتم: تو را به خدا، آیا با چشمهای خودت او را دیده‌ای؟

گفت: ای برادر! من او را به چشم خود ندیده‌ام، من (از سامرا) خارج شدم در حالی که خواهرم باردار بود و امام حسن (عسکری) علیه السلام به من مژده داد که در آخر عمرم او را خواهم دید و فرمود: برای او چنان خواهی بود که برای من هستی ....

اکنون امام علیه السلام نامه‌ای همراه با سی دینار به دست یک مرد خراسانی - که زبان عربی را خوب نمی‌داند - برایم فرستاده‌اند و به من دستور داده‌اند که امسال به حج مشرف شوم. من به شوق دیدار امام عصر علیه السلام آمده‌ام.

در این لحظه به دلم افتاد که آن شخصی که بعضی از شب‌ها به آن خانه می‌آید خود امام علیه السلام است، ده درهم سالم که یک سگه‌ی رضویه (به نام امام رضا علیه السلام) در بین آنها بود همراه داشتم و نذر کرده بودم که آنها را در مقام ابراهیم علیه السلام بیندازم، آنها را بیرون آورده و به آن پیرزن دادم و با خود گفتم: اگر اینها را به فرزندان حضرت زهرا علیه السلام بدهم بهتر است از اینکه در مقام ابراهیم علیه السلام بیندازم و ثوابش بیشتر است.

به او گفتم: این پول‌ها را به مستحقین از اولاد حضرت فاطمه علیه السلام بده، و نیتم این بود که شخصی را که دیده‌ام خود آقاست و این خانم پول‌ها را به ایشان خواهد داد.

پول‌ها را گرفت و به اتاق بالا رفت، پس از زمانی آمد و گفت: او می‌فرماید: ما در آنها حقی نداریم، در همان مکانی که نیت کرده‌ای (مقام ابراهیم) قرار بده، ولی این سگه‌ی رضویّه نزد ما باشد و عوض آن را از ما بگیر، و در آن مکانی که نذر کرده‌ای بینداز.

همان‌طور که فرموده بود انجام دادم و با خودم گفتم: این همان است که مأمور بودم از طرف او انجام بدهم، یعنی حضرت حجّت صلوات الله علیه است. سپس نسخه‌ای از توقیعی که به سوی قاسم‌بن علاء در آذربایجان صادر شده بود همراه من بود، به او گفتم: این نسخه را به کسی که توقیعات حضرت امام غائب صلوات الله علیه را دیده نشان می‌دهی؟

گفت: بده به من، من می‌شناسم.

نسخه را به او دادم و گمان کردم که آن پیرزن می‌تواند خوب بخواند.

گفت: این‌جا نمی‌توانم بخوانم، رفت به اتاق سپس آمد و گفت: این توقیع صحیح است، و در آن توقیع چنین نوشته شده بود: مژده می‌دهم شما را به مژده‌ای که به کسی نداده‌ام.

آنگاه گفت: او به تو می‌فرماید: هرگاه به پیامبرت صلوات بفرستی چگونه صلوات می‌فرستی؟ گفتم: می‌گویم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،  
كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ  
حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

گفت: نه، چون خواستی صلوات بفرستی به همه‌ی آنها صلوات بفرست و هر کدام را نام ببر، گفتم: آری.

چون فردا شد آن پیرزن آمد همراه خود دفتر کوچکی داشت، گفت: ایشان به تو می‌فرمایند: چون خواستی بر پیامبر صلوات الله علیه صلوات بفرستی طبق این نسخه بر او و بر اوصیای او صلوات بفرست.

نسخه را گرفتم، و اکنون به آن عمل می‌کنم.

چند شب دیدم که او از اتاق پایین می‌آید و نور چراغ همچنان روشن است، و

من در را می‌گشودم و دنبال آن نور می‌رفتم ولی کسی را نمی‌دیدم فقط آن نور را مشاهده می‌کردم، تا اینکه وارد مسجد (الحرام) می‌شد.

گروهی از مردم شهرهای مختلف را می‌دیدم که به در این خانه می‌آمدند، برخی نامه‌هایی به آن پیرزن می‌دادند، و پیرزن نیز نوشته‌هایی به آنها می‌داد، و با همدیگر حرف می‌زدند، ولی من سخنان آنها را نمی‌فهمیدم، و برخی از آنها را هنگام برگشت در راه دیدم، تا اینکه وارد بغداد شدم.<sup>۱</sup>

این دعای زیبا که از ناحیه‌ی خود امام زمان علیه السلام می‌باشد، در کتاب «مفاتیح الجنان» ضمن اعمال روز جمعه ذکر شده ولی چنانچه مرحوم صاحب مکیال فرموده، شایسته است که در هر زمانی بر خواندن آن مراقبت و مداومت صورت گیرد.<sup>۲</sup> اما مرحوم سیدبن طاووس در مورد این صلوات می‌فرماید:

اگر به خاطر عذری تعقیب عصر روز جمعه را ترک کردی، هرگز این صلوات را ترک مکن، به جهت چیزی که خداوند - جلّ جلاله - ما را به آن آگاه نموده است.<sup>۳</sup>

مرحوم صاحب مکیال در خصوص فرمایش سید می‌فرماید:

از سفارش سید استفاده می‌شود که از طرف مولای ما حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه امری در خصوص خواندن این صلوات به ایشان رسیده است و همین نشانه‌ی صحت روایت آن است.<sup>۴</sup>

با وجود این تأکیدها لزوم اهتمام دوستداران امام عصر علیه السلام به خواندن این دعای شریف روشن می‌شود. بهتر است حداقل در عصر روز جمعه، ذکر این صلوات ترک نشود.

۱. صحیفه‌ی مهدیه (با اعمال اصلاحات در ترجمه)، به نقل از مصباح المتبهج، ص ۴۶۰ و البلدالامین ص ۱۲۰ و المصباح ص ۷۲۵ و دلائل الامامة ص ۵۴۹ و جمال الاسبوع ص ۳۰۱.

۲. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۷۳.

۳. جمال الاسبوع، ص ۳۰۱.

۴. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۷۳.

۷ - دعای عهد با امام زمان علیه السلام

آخرین دعایی که در این فصل معرفی می‌کنیم، دعای مأثوری از امام محمد باقر علیه السلام است که به جابر بن یزید جعفی فرمودند:

هر کس در طول عمرش یکبار این دعا را بخواند، دعایش در جلد عبودیت نوشته می‌شود و در دفتر حضرت قائم علیه السلام بالا می‌رود. پس هر زمان که قائم ما (اهل بیت علیهم السلام) قیام کند، او را به نام خودش و نام پدرش می‌خواند. سپس این نوشته به او داده می‌شود و به او گفته می‌شود: این نوشته - همان عهدی که در دنیا با ما بستی - را بگیر و این فرمایش خدای عزّ و جلّ است که:

إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا.<sup>۱</sup>

و دعا را با طهارت می‌خوانی، می‌گویی:

اللَّهُمَّ يَا إِلَهَ الْآلِهَةِ، يَا وَاحِدًا يَا أَحَدًا، يَا آخِرَ الْآخِرِينَ، يَا قَاهِرَ الْقَاهِرِينَ، يَا عَلِيٌّ يَا عَظِيمٌ، أَنْتَ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى، عَلَوْتَ فَوْقَ كُلِّ عُلُوٍّ. هَذَا يَا سَيِّدِي عَهْدِي وَ أَنْتَ مُنْجِزٌ وَعْدِي، فَصِلْ يَا مَوْلَايَ عَهْدِي وَانْجِزْ وَعْدِي، آمَنْتُ بِكَ (وَ) أَسْأَلُكَ بِحِجَابِكَ الْعَرَبِيِّ وَ بِحِجَابِكَ الْعَجَمِيِّ وَ بِحِجَابِكَ الْعِبْرَانِيِّ وَ بِحِجَابِكَ السَّرْيَانِيِّ وَ بِحِجَابِكَ الرَّومِيِّ وَ بِحِجَابِكَ الْهِنْدِيِّ، وَ أَثْبِتْ مَعْرِفَتَكَ بِالْعِنَايَةِ الْأُولَى فَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا تُرَى وَ أَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى.

وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِرَسُولِكَ الْمُنْدِرِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ،

وَ بِعَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ الْهَادِي،

وَ بِالْحَسَنِ السَّيِّدِ وَ بِالْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ سِبْطِي نَبِيِّكَ،

وَ بِفَاطِمَةَ الْبُتُولِ،

وَ بِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ ذِي الثَّنَاتِ،

و مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَنْ عِلْمِكَ،  
 وَ بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ الَّذِي صَدَّقَ بِمِثَاقِكَ وَ بِمِيعَادِكَ،  
 وَ بِمُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْحَصُورِ الْقَائِمِ بِعَهْدِكَ،  
 وَ بِعَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا الرَّاظِي بِحُكْمِكَ،  
 وَ بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَبْرِ الْفَاضِلِ الْمُرْتَضَى فِي الْمُؤْمِنِينَ،  
 وَ بِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ الْأَمِينِ الْمُؤْتَمَنِ هَادِي الْمُسْتَرَشِدِينَ،  
 وَ بِالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الطَّاهِرِ الزَّكِيِّ خَزَانَةِ الْوَصِيِّينَ،  
 وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْإِمَامِ الْقَائِمِ الْعَدْلِ الْمُتَنْظَرِ الْمَهْدِيِّ إِمَامِنَا وَابْنِ إِمَامِنَا  
 صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

يَا مَنْ جَلَّ فَعَظْمٌ وَ [هُوَ] أَهْلٌ ذَلِكَ فَعَفَا وَ رَحِمَ، يَا مَنْ قَدَرَ فَلَطَّفَ،  
 أَشْكُو إِلَيْكَ ضَعْفِي وَ مَا قَصَرَ عَنْهُ أَمَلِي مِنْ تَوْحِيدِكَ وَ كُنْهٍ مَعْرِفَتِكَ، وَ  
 أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِالتَّسْمِيَةِ الْبَيْضَاءِ، وَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ الْكُبْرَى الَّتِي قَصَرَ عَنْهَا مَنْ  
 أَذْبَرَ وَ تَوَلَّى، وَ آمَنْتُ بِحِجَابِكَ الْأَعْظَمِ وَ بِكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ الْعُلْيَا الَّتِي  
 خَلَقْتَ مِنْهَا دَارَ الْبَلَاءِ وَ أَحَلَلْتَ مَنْ أَحْبَبْتَ جَنَّةَ الْمَأْوَى.

وَ آمَنْتُ بِالسَّابِقِينَ وَ الصُّدَيْقِينَ أَصْحَابِ الْيَمِينِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ [وَ] الَّذِينَ  
 خَلَطُوا عَمَلًا ضَالِحًا وَ آخَرَ سَيِّئًا، إِلَّا تَوَلَّيْنِي غَيْرَهُمْ وَ لَا تَفَرِّقْ بَيْنِي وَ  
 بَيْنَهُمْ غَدًا، إِذَا قَدَّمْتَ الرُّضَا بِفَضْلِ الْقَضَاءِ.

آمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَ عَلَانِيَتِهِمْ وَ خَوَاتِيمِ أَعْمَالِهِمْ، فَإِنَّكَ تَخْتِمُ عَلَيْهَا إِذَا  
 شِئْتَ.

يَا مَنْ أَتَحَفَّنِي بِالْإِقْرَارِ بِالْوَحْدَانِيَّةِ وَ حَبَانِي بِمَعْرِفَةِ الرُّبُوبِيَّةِ وَ خَلَّصَنِي  
 مِنَ الشُّكِّ وَ الْعَمَى، رَضِيْتُ بِكَ رَبًّا وَ بِالْأَصْفِيَاءِ حُجَجًا وَ بِالْمَحْجُوبِينَ  
 أَنْبِيَاءَ وَ بِالرُّسُلِ أَدْلَاءَ وَ بِالْمُتَّقِينَ أَمْرَاءَ وَ سَامِعًا لَكَ مُطِيعًا.<sup>١</sup>

بخش سوم

برخی دعایابی مأثور برای امام عصر

عجل الله تعالی فرجه الشریف



در این بخش به ذکر متون برخی از دعاهایی  
می‌پردازیم که در بخش گذشته آنها را معرفی نمودیم.  
هدف از انعقاد این بخش ساده کردن زمینه‌ی دعا برای  
خوانندگانی است که دسترسی آسانی به مراجع و منابع  
اصلی این دعاها ندارند.

## ۱ - دعای عبرات

متن کامل دعای عبرات از خود امام عصر علیه السلام مطابق نقل مرحوم سید بن طاووس در کتاب شریف «مهج الدعوات» چنین است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا رَاحِمَ الْعِبْرَاتِ وَيَا كَاشِفَ الزَّفَرَاتِ، أَنْتَ الَّذِي تَقْشَعُ سَحَابَ الْمِحْنِ وَقَدْ أَمْسَتْ ثِقَالاً وَتَجْلُو ضَبَابَ الْفِتَنِ وَقَدْ سَحَبْتَ أَذْيَالاً، وَتَجْعَلُ زَرْعَهَا هَشِيمًا وَبُنْيَانَهَا هَدِيمًا وَعِظَامَهَا رَمِيمًا، وَتَرُدُّ الْمَغْلُوبَ غَالِبًا وَالْمَطْلُوبَ طَالِبًا وَالْمَقْدُورَ عَلَيْهِ قَادِرًا.

فَكَمْ يَا إِلَهِي مِنْ عَبْدٍ نَادَاكَ: رَبِّ إِنِّي مَغْلُوبٌ فَأَنْتَصِرْ، فَفَتَحْتَ مِنْ نَصْرِكَ لَهُ أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ وَفَجَّرْتَ لَهُ مِنْ عَوْنِكَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قَدِرَ، وَحَمَلْتَهُ مِنْ كِفَايَتِكَ عَلَى ذَاتِ الْوَاحِ وَدُسِرَ.

يَا مَنْ إِذَا وَلَجَ الْعَبْدُ فِي لَيْلٍ مِنْ حَيْرَتِهِ بِهِيمٍ وَلَمْ يَجِدْ لَهُ صَرِيحًا يَصْرُخُهُ مِنْ وَلِيِّ حَمِيمٍ وَجَدَ مِنْ مَعُونَتِكَ صَرِيحًا مُغِيثًا وَوَلِيًّا يَطْلُبُهُ حَثِيثًا، يُنْجِيهِ مِنْ ضَيْقِ أَمْرِهِ وَحَرَجِهِ وَيُظْهِرُ لَهُ أَعْلَامَ فَرَجِهِ.

اللَّهُمَّ فَيَا مَنْ قُدْرَتُهُ قَاهِرَةٌ وَ نِعْمَاتُهُ قَاصِمَةٌ لِكُلِّ جَبَّارٍ دَامِغَةٌ لِكُلِّ كَفُورٍ  
خَتَّارٍ، أَسْأَلُكَ نَظْرَةً مِنْ نَظْرَاتِكَ رَحِيمَةً تُجَلِّي بِهَا ظُلْمَةَ عَاكِفَةِ مُقِيمَةٍ فِي  
عَاهَةِ جَفَّتْ مِنْهَا الضُّرُوعُ وَ تَلِفَتْ مِنْهَا الزُّرُوعُ وَ انْهَلَتْ مِنْ أَجْلِهَا  
الدُّمُوعُ وَ اشْتَمَلَ لَهَا عَلَى الْقُلُوبِ الْيَأْسُ وَ جَرَتْ بِسَبَبِهَا الْأَنْفَاسُ.

إِلَهِي فَحِفْظاً لِعَرَائِسِ غَرَسُهَا وَ شَرْبِهَا بِيَدِ الرَّحْمَانِ وَ نَجَاتِهَا بِدُخُولِ  
الْجِنَانِ أَنْ تَكُونَ بِيَدِ الشَّيْطَانِ تُحَزُّ وَ بِفَأْسِهِ تُقَطَّعُ وَ تُجَزُّ.

إِلَهِي فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِأَنْ يَكُونَ عَنْ حَرِيمِكَ دَافِعاً وَ مَنْ أَجْدَرُ مِنْكَ بِأَنْ  
يَكُونَ عَنْ حِمَاكَ مَانِعاً.

إِلَهِي إِنَّ الْأَمْرَ قَدْ هَالَ فَهَوْنُهُ وَ خَشْنُ فَالِنُهُ وَ إِنَّ الْقُلُوبَ كَاعَتْ فَطَمَّنْهَا وَ  
النُّفُوسَ ارْتَاعَتْ فَسَكَّنْهَا.

إِلَهِي تَدَارَكَ أَقْدَاماً زَلَّتْ وَ أَفْكَاراً<sup>١</sup> فِي مَهَامِهِ الْحَيْرَةَ ضَلَّتْ إِنْ  
رَأَتْ جَبْرَكَ عَلَى كَسِيرِهَا وَ إِطْلَاقَكَ لِأَسِيرِهَا وَ إِجَارَتَكَ لِمُسْتَجِيرِهَا،  
أَجْحَفَ الضُّرُّ بِالْمَضْرُورِ وَ لَبِي دَاعِيَهُ بِالْوَيْلِ وَ الشُّبُورِ. فَهَلْ تَدَعُهُ يَا  
مَوْلَايَ فَرِيْسَةَ لِلْبَلَاءِ وَ هُوَ لَكَ رَاجٍ؟ أَمْ هَلْ يَخُوضُ لُجَّةَ الْغَمَاءِ وَ هُوَ  
إِلَيْكَ لَاجٍ؟

مَوْلَايَ إِنْ كُنْتُ لَا أَشَقُّ عَلَى نَفْسِي فِي التَّقَى وَلَا أَبْلُغُ فِي حَمْلِ أَعْبَاءِ  
الطَّاعَةِ مَبْلَغَ الرِّضَا، وَلَا أَنْتَظِمُ فِي سَبِيلِكَ قَوْمٍ رَفَضُوا الدُّنْيَا، فَهَمْ خُمُصُ  
الْبَطُونِ مِنَ الطَّوِيِّ، ذُبُلُ الشَّفَاهِ مِنَ الظَّمَاءِ، عُمُشُ الْعُيُونِ مِنَ الْبُكَاءِ، بَلْ  
أَتَيْتُكَ بِضَعْفٍ مِنَ الْعَمَلِ وَ ظَهَرَ ثَقِيلٌ بِالْخَطَا وَ الزَّلَلِ وَ نَفْسٌ لِلرَّاحَةِ  
مُعْتَادَةٌ وَ لِدَوَاعِي الشَّرِّ مُنْقَادَةٌ.

أَفَمَا يَكْفِينِي يَا رَبِّ وَسِيلَةَ إِلَيْكَ وَ ذَرِيعَةَ لَدَيْكَ أَنَّنِي لِأَوْلِيَاءِ دِينِكَ مُوَالٍ  
وَفِي مَحَبَّتِهِمْ مُغَالٍ وَ لِجَلْبَابِ الْبَلَاءِ فِيهِمْ لَابِسٌ وَ لِكِتَابِ تَحَمُّلِ الْعَنَاءِ  
بِهِمْ دَارِسٌ؟ أَمَا يَكْفِينِي أَنْ أُرُوحَ فِيهِمْ مَظْلُومًا وَ أَعْدُوَ مَكْظُومًا وَ أَقْضِيَ  
بَعْدَ هُمُومٍ هُمُومًا وَ بَعْدَ وُجُومٍ وُجُومًا؟ أَمَا عِنْدَكَ يَا مَوْلَايَ بِهَذِهِ حُرْمَةٌ  
لَا تَضِيعُ وَ ذِمَّةٌ بِأَذْنَاهَا تُقْتَنَعُ؟ فَلِمَ لَا تَمْنَعُنِي يَا رَبِّ وَهَا أَنَا ذَا غَرِيقٍ، وَ  
تَدْعُنِي هَكَذَا وَ أَنَا بِنَارِ عَدُوِّي<sup>۱</sup> حَرِيقٌ؟

مَوْلَايَ أَتَجْعَلُ أَوْلِيَاءَكَ لِأَعْدَائِكَ طَرَائِدَ وَ لِمَكْرِهِمْ مَصَائِدَ وَ تُقَلِّدُهُمْ مِنْ  
خَسْفِهِمْ قَلَائِدًا؟ وَ أَنْتَ مَالِكٌ نَفُوسِهِمْ لَوْ قَبَضْتَهَا جَمَدُودًا، وَ فِي قَبْضَتِكَ  
مَوَادُّ أَنْفَاسِهِمْ لَوْ قَطَعْتَهَا خَمَدُودًا، فَمَا يَمْنَعُكَ يَا رَبِّ أَنْ تَكْشِفَ بِأَسْهَمٍ وَ  
تَنْزِعَ عَنْهُمْ فِي حِفْظِكَ لِبَاسَهُمْ، وَ تُعْرِيبَهُمْ مِنْ سَلَامَةِ بِهَا فِي أَرْضِكَ  
يَسْرَحُونَ وَ فِي مَيْدَانِ الْبَغْيِ عَلَى عِبَادِكَ يَمْرَحُونَ؟<sup>۱</sup>

إِلَهِي أَدْرِكْنِي وَ لَمَّا يُدْرِكْنِي<sup>۲</sup> الْغَرَقُ وَ تَدَارِكْنِي وَ لَمَّا غَيَّبَ شَمْسِي  
الشَّفَقُ.

إِلَهِي كَمْ مِنْ خَائِفِ التَّجَا إِلَى سُلْطَانِ قَابَ عَنْهُ مَخْضُوفًا بِأَمْنٍ وَ أَمَانٍ!  
أَفَأَقْصَدُ أَعْظَمَ مِنْ سُلْطَانِكَ سُلْطَانًا؟ أَمْ أَوْسَعَ مِنْ إِحْسَانِكَ إِحْسَانًا؟ أَمْ  
أَكْثَرَ مِنْ اقْتِدَارِكَ اقْتِدَارًا؟ أَمْ أَكْرَمَ مِنْ انْتِصَارِكَ انْتِصَارًا؟ مَا عُدْرِي إِلَهِي  
إِذَا حُرِمْتُ فِي حُسْنِ الْكِفَايَةِ نَائِلَكَ؟ وَ أَنْتَ الَّذِي لَا يُخَيِّبُ أَمْلِكَ وَلَا  
يُرَدُّ سَائِلَكَ.

إِلَهِي إِلَهِي أَيْنَ رَحْمَتِكَ الَّتِي هِيَ نُصْرَةُ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْأَنَامِ؟ وَ أَيْنَ  
أَيْنَ كِفَايَتِكَ الَّتِي هِيَ جَنَّةُ الْمُسْتَهْدَفِينَ لِجَوْرِ الْأَيَّامِ؟ إِلَى إِلَهِي يَا رَبِّ،

۱. فی البحار: عدوك.

۲. فی البحار: يدركني.

نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ إِنِّي مَسْنِي الضُّرِّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.  
 مَوْلَايَ تَرَى تَحْيِرِي فِي أَمْرِي وَأَنْطَوَائِي عَلَى حُرْقَةِ قَلْبِي وَحَرَارَةِ  
 صَدْرِي، فَجُدْ لِي يَا رَبِّ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَرَجًا وَمَخْرَجًا وَبَسْرًا لِي نَحْوَ  
 التَّيْسْرِ مِنْهَجًا، وَاجْعَلْ مَنْ يَنْصِبُ الْحِبَالَةَ لِي لِيَصْرَعَنِي بِهَا صَرِيعًا فِيمَا  
 مَكَّرَ، وَمَنْ يَحْفِرُ لِي البِئْرَ لِيُوقِعَنِي فِيهَا واقِعًا فِيمَا حَفَرَ.

وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّهُ وَمَكْرَهُ وَفَسَادَهُ وَضُرَّهُ مَا تَصْرِفُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُتَّقِينَ.  
 إِلَهِي عَبْدُكَ عَبْدُكَ أَجِبْ دَعْوَتَهُ، وَضَعِيفُكَ ضَعِيفُكَ فَرِّجْ غُمَّتَهُ، فَقَدْ  
 انْقَطَعَ بِهِ كُلُّ حَبْلٍ إِلَّا حَبْلَكَ وَتَقَلَّصَ عَنْهُ كُلُّ ظِلٍّ إِلَّا ظِلُّكَ. مَوْلَايَ  
 دَعْوَتِي هَذِهِ إِنْ رَدَدْتَهَا أَيْنَ تُصَادِفُ مَوْضِعَ الإِجَابَةِ وَمَخِيلَتِي هَذِهِ إِنْ  
 كَذَّبْتَهَا أَيْنَ تُلَاقِي مَوْضِعَ الإِصَابَةِ؟ فَلَا تَرُدَّ عَنِّي بِأَبِكَ مَنْ لَا يَعْرِفُ غَيْرَهُ  
 بِأَبًا، وَلَا تَمْنَعْ دُونَ جَنَابِكَ مَنْ لَا يَعْرِفُ سِوَاهُ جَنَابًا.

إِلَهِي إِنْ وَجَّهْتَ إِلَيْكَ بِرَغْبَتِهِ تَوَجَّهَ فَالرَّغِبُ خَلِيقٌ بِأَنْ لَا تُخَيِّبُهُ وَإِنْ جَبِينًا  
 لَكَ بِإِبْتِهَالِهِ سَجَدَ حَقِيقٌ أَنْ يَبْلُغَ المُبْتَهَلُ مَا قَصَدَ، وَإِنْ خَدَا لَدَيْكَ  
 بِمَسْأَلَتِهِ تَعَفَّرَ جَدِيرٌ أَنْ يَفُوزَ السَّائِلُ بِمُرَادِهِ وَيُظْفَرُ. هَذَا (يَا) إِلَهِي تَعْفِيرُ  
 خَدِي وَابْتِهَالِي فِي مَسْأَلَتِكَ وَجِدِّي، فَلَقَّ رَغْبَاتِي بِرَحْمَتِكَ قَبُولًا وَ  
 سَهْلًا إِلَى طَلِبَاتِي بِرَأْفَتِكَ وَصُولًا، وَذَلَّلَ لِي قُطُوفَ ثَمَرَةِ إِجَابَتِكَ  
 تَذْلِيلًا.

إِلَهِي وَإِذَا قَامَ ذُو حَاجَةٍ فِي حَاجَتِهِ شَفِيعًا فَوَجَدْتَهُ مُمْتَنِعَ النَّجَاحِ مُطِيعًا،  
 فَإِنِّي أَسْتَشْفِعُ إِلَيْكَ بِكَرَامَتِكَ وَالصَّفْوَةِ مِنْ أُنَامِكَ<sup>١</sup> الَّذِينَ لَهُمْ<sup>٢</sup> أَنْشَاتُ  
 مَا يَقْلُ وَيُظِلُّ وَنَزَلَتْ مَا يَدِقُّ وَيَجِلُّ.

١. في البحار: أنبياءك.

٢. في البحار: بهم.

أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ يَا أَوَّلَ مَنْ تَوَجَّهَتْ تَاجَ الْجَلَالَةِ وَ أَهْلَتْهُ مِنَ الْفِطْرَةِ مَحَلَّ  
السُّلَالَةِ، حُجَّتِكَ فِي خَلْقِكَ وَ أَمِينِكَ عَلَى عِبَادِكَ مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ صَلَّى  
اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ بِمَنْ جَعَلْتَهُ لِنُورِهِ مَغْرِبًا وَ عَنْ مَكْتُونِ سِرِّهِ مَغْرِبًا، سَيِّدِ  
الْأَوْصِيَاءِ وَ إِمَامِ الْأَتْقِيَاءِ يَعْشُوبُ الدِّينِ وَ قَائِدِ الْغُرِّ الْمُحِبِّينَ أَبِي  
الْأَيْمَّةِ الرَّاشِدِينَ، عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ.

وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِخَيْرَةِ الْأَخْيَارِ وَ أُمِّ الْأَنْوَارِ وَ الْإِنْسِيَّةِ الْحَوَارِئِ الْبَبُولِ  
الْعُذْرَاءِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، وَ بِقُرَّتِي عَيْنِ الرَّسُولِ وَ ثَمَرَتِي فُؤَادِ الْبَبُولِ  
السَّيِّدِينَ الْإِمَامَيْنِ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ.

وَ بِالسَّجَادِ زَيْنِ الْعِبَادِ ذِي الثَّقَاتِ رَاهِبِ الْعَرَبِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَ  
بِالْإِمَامِ الْعَالِمِ وَ السَّيِّدِ الْحَاكِمِ النَّجْمِ الزَّاهِرِ وَ الْقَمَرِ الْبَاهِرِ مَوْلَايَ  
مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ، وَ بِالْإِمَامِ الصَّادِقِ مَيِّنِ الْمَشْكِلَاتِ مُظْهِرِ الْحَقَائِقِ  
الْمُفْجِمِ بِحُجَّتِهِ كُلِّ نَاطِقٍ، مُخْرِسِ أَلْسِنَةِ أَهْلِ الْجِدَالِ مُسَكِّنِ الشَّقَاشِقِ  
مَوْلَايَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ.

وَ بِالْإِمَامِ التَّقِيِّ وَ الْمُخْلِصِ الصَّفِيِّ وَ النُّورِ الْأَحْمَدِيِّ وَ النُّورِ الْأَنْوَرِ وَ  
الضِّيَاءِ الْأَزْهَرِ مَوْلَايَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَ بِالْإِمَامِ الْمُرْتَضَى وَ السَّيْفِ  
الْمُنْتَضَى مَوْلَايَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا، وَ بِالْإِمَامِ الْأَمَّجِدِ وَ الْبَابِ  
الْأَقْصَدِ وَ الطَّرِيقِ الْأَرْشَدِ وَ الْعَالِمِ الْمُؤَيَّدِ يَنْبُوعِ الْحِكْمِ وَ مِضْبَاحِ الظُّلَمِ  
سَيِّدِ الْعَرَبِ وَ الْعَجْمِ الْهَادِي إِلَى الرَّشَادِ وَ الْمُوَفَّقِ بِالتَّأْيِيدِ وَ السَّدَادِ  
مَوْلَانَا مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجَوَادِ.

وَ بِالْإِمَامِ مَنَحَةِ الْجَبَّارِ وَ وَالِدِ الْأَيْمَّةِ الْأَطْهَارِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمَوْلُودِ  
بِالْعَسْكَرِ الَّذِي حَذَّرَ بِمَوَاعِظِهِ وَ أَنْذَرَ، وَ بِالْإِمَامِ الْمُنَزَّهِ عَنِ الْمَائِمِ  
الْمُطَهَّرِ مِنَ الْمَظَالِمِ الْحَبِيبِ الْعَالِمِ بِذُرِّ الظَّلَامِ وَ رَبِيعِ الْأَنَامِ التَّقِيِّ النَّقِيِّ

الطاهر الزكي مولاي أبي محمد الحسن بن علي العسكري.

وَ اتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْحَفِيظِ الْعَلِيمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ وَالْأَبِ  
الرَّحِيمِ الَّذِي مَلَكَتَهُ أَزِمَّةَ الْبَسْطِ وَالْقَبْضِ، صَاحِبِ النَّقِيْبَةِ الْمَيْمُونَةِ وَ  
قَاصِفِ الشَّجَرَةِ الْمَلْعُونَةِ، مُكَلِّمِ النَّاسِ فِي الْمَهْدِ وَالِدَالِّ عَلَى مِنْهَاجِ  
الرُّشْدِ، الْغَائِبِ عَنِ الْأَبْصَارِ، الْحَاضِرِ فِي الْأَمْصَارِ الْغَائِبِ عَنِ الْعُيُونِ  
الْحَاضِرِ فِي الْأَفْكَارِ، بَقِيَّةِ الْأَخْيَارِ الْوَارِثِ لِذِي الْفَقَارِ، الَّذِي يَظْهَرُ فِي  
بَيْتِ اللَّهِ ذِي الْأَسْتَارِ الْعَالِمِ الْمُطَهَّرِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ، عَلَيْهِمْ أَفْضَلُ  
التَّحِيَّاتِ وَ أَعْظَمُ الْبَرَكَاتِ وَ أَتَمُّ الصَّلَوَاتِ.

اللَّهُمَّ فَهَوِّلْ لِي مَعَايِلِي إِلَيْكَ فِي طَلِبَاتِي وَ وَسَائِلِي، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ صَلَاةً  
لَا يَعْرِفُ سِوَاكَ مَقَادِيرَهَا وَلَا يَبْلُغُ كَثِيرَ الْخَلَائِقِ صَغِيرَهَا، وَ كُنْ لِي بِهِمْ  
عِنْدَ أَحْسَنِ ظَنِّي، وَ حَقِّقْ لِي بِمَقَادِيرِكَ تَهَيِّئَةَ التَّمَنِّي.

إِلَهِي لَا رُكْنَ لِي أَشَدُّ مِنْكَ فَأَوْيَ إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ، وَلَا قَوْلَ لِي أَسَدُّ مِنْ  
دُعَائِكَ فَأَسْتَظْهِرُكَ بِقَوْلٍ سَدِيدٍ، وَلَا شَفِيعَ لِي إِلَيْكَ أَوْجَهُ مِنْ هَوِّلَائِي  
فَأَتِيكَ بِشَفِيعٍ وَدِيدٍ. فَهَلْ بَقِيَ يَا رَبِّ غَيْرُ أَنْ تُجِيبَ وَ تَرْحَمَ مِنِّي الْبُكَاءَ  
وَ النَّحِيبَ؟

يَا مَنْ لَا إِلَهَ سِوَاكَ، يَا مَنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ، يَا رَاحِمَ عَبْرَةٍ يَعْتُوبُ،  
يَا كَاشِفَ ضُرِّ أَيُّوبَ، اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي وَ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ  
الْكَافِرِينَ، وَ افْتَحْ لِي وَ أَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ، يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ يَا أَرْحَمَ  
الرَّاحِمِينَ.<sup>١</sup>

۲ - دعای قنوت امام عصر علیه السلام

متن دعای قنوت امام زمان علیه السلام که در آن با سوز دل برای تعجیل فرج خویش دعا کرده‌اند، چنین است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَكْرِمِ أَوْلِيَاءَكَ بِإِنْجَازِ وَعْدِكَ، وَ بَلِّغِهِمْ دَرَكَ مَا يَأْمُلُونَهُ مِنْ نَصْرِكَ، وَ اكْفُفْ عَنْهُمْ بِأَسْ مِنْ نَصَبِ الْخِلَافِ عَلَيْكَ وَ تَمَرَّدِ بِمَنْعِكَ عَلَى رُكُوبِ مُخَالَفَتِكَ، وَ اسْتِعَانِ بِرِفْدِكَ عَلَى فُلِّ حَدِّكَ، وَ قَصْدِ لِكَيْدِكَ بِأَيْدِكَ، وَ وَسِعَتَهُ حِلْمًا لِتَأْخُذَهُ عَلَى جَهْرَةٍ، وَ تَسْتَأْصِلُهُ<sup>۱</sup> عَلَى غَيْرَةٍ.

فَإِنَّكَ اللَّهُمَّ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ: «حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَ أَزْيَنَتْ وَ ظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَمْ تَغْنِ بِالْأَمْسِ. كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»<sup>۲</sup>، وَ قُلْتَ: «فَلَمَّا آسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ»<sup>۳</sup>، وَ إِنَّ الْغَايَةَ عِنْدَنَا قَدْ تَنَاهَتْ، وَ إِنَّا لِعَظِيمِكَ غَاضِبُونَ وَ إِنَّا عَلَى نَصْرِ الْحَقِّ مُتَعَصِبُونَ، وَ إِلَى وُرُودِ أَمْرِكَ مُشْتَاقُونَ، وَ لِإِنْجَازِ وَعْدِكَ مُرْتَقِبُونَ، وَ لِحُلُولِ وَعِيدِكَ بِأَعْدَائِكَ مُتَوَقِّعُونَ.

اللَّهُمَّ فَأُذِنْ بِذَلِكَ وَ افْتَحْ طُرُقَاتِهِ، وَ سَهِّلْ خُرُوجَهُ وَ وَطِئْ مَسَالِكَهُ، وَ اشْرَعْ شَرَايِعَهُ وَ أَيْدِ جُنُودَهُ وَ أَعْوَانَهُ، وَ بَادِرْ بِأَسْكَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، وَ ابْسُطْ سَيْفَ نِقْمَتِكَ عَلَى أَعْدَائِكَ الْمُعَانِدِينَ، وَ خُذْ بِالنَّارِ إِنَّكَ جَوَادٌ مَكَّارٌ.<sup>۴</sup>

۱. فی البحار: او تستأصله.

۲. یونس / ۲۴.

۳. الزخرف / ۵۵.

۴. مهج الدعوات، ص ۱۵۰ و ۱۵۱.



۳ - دعای دیگر امام عصر علیه السلام در قنوت

متن دعای دیگری که امام زمان علیه السلام در قنوت نمازشان خوانده‌اند، چنین می‌باشد:

اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَ  
تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ، بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا  
مَاجِدُ يَا جَوَادُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ، يَا بَطَّاشُ يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ، يَا  
فَعَالًا لِمَا يُرِيدُ، يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ، يَا رَوْوْفُ يَا رَحِيمُ يَا لَطِيفُ، يَا حَيُّ  
حِينَ لَا حَيَّ.

أَسْأَلُكَ<sup>۱</sup> بِاسْمِكَ الْمَخْرُوزِ الْمَكْنُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ الَّذِي اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي  
عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ وَلَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ  
الَّذِي تَصَوَّرُ بِهِ خَلْقَكَ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ تَشَاءُ وَ بِهِ تَسُوقُ إِلَيْهِمْ أَرْزَاقَهُمْ  
فِي أَطْبَاقِ الظُّلُمَاتِ مِنْ بَيْنِ الْعُرُوقِ وَ الْعِظَامِ.

وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَلْفَتْ بِهِ بَيْنَ قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ وَ أَلْفَتْ بَيْنَ الثَّلْجِ وَ  
النَّارِ، لَا هَذَا يُذِيبُ هَذَا وَلَا هَذَا يُطْفِئُ هَذَا، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي  
كَوْنَتْ بِهِ طَعْمَ الْمِيَاهِ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أُجْرِيَتْ بِهِ الْمَاءُ فِي عُرُوقِ  
النَّبَاتِ بَيْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَى، وَ سُقَّتَ الْمَاءُ إِلَى عُرُوقِ الْأَشْجَارِ بَيْنَ الصَّخْرَةِ  
الصَّمَاءِ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَوْنَتْ بِهِ طَعْمَ الثَّمَارِ وَ أَلْوَانِهَا.

وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تُبْدِي وَ تُعِيدُ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْفَرْدِ الْوَاحِدِ  
الْمُتَفَرِّدِ بِالْوَحْدَانِيَّةِ الْمُتَوَحَّدِ بِالصَّمَدَانِيَّةِ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي  
فَجَّرْتَ بِهِ الْمَاءَ مِنَ الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ، وَ سُقَّتَهُ مِنْ حَيْثُ شِئْتَ، وَ أَسْأَلُكَ  
بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ خَلْقَكَ وَ رَزَقْتَهُمْ كَيْفَ شِئْتَ وَ كَيْفَ شَاؤُوا.

يَا مَنْ لَا يُغَيِّرُهُ الْأَيَّامُ وَ اللَّيَالِي، أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ نُوحٌ حِينَ نَادَاكَ،

فَأَنْجَيْتَهُ وَمَنْ مَعَهُ وَ أَهْلَكَتَ قَوْمَهُ، وَ أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ إِبْرَاهِيمُ خَلِيلَكَ حِينَ نَادَاكَ، فَأَنْجَيْتَهُ وَ جَعَلْتَ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَ سَلَامًا، وَ أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ مُوسَى كَلِيمُكَ حِينَ نَادَاكَ، فَفَرَّقْتَ (فَلَقْتَ يَا فَلَاقَتَ) لَهُ الْبَحْرَ، فَأَنْجَيْتَهُ وَ بَنَى إِسْرَائِيلَ وَ أَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَ قَوْمَهُ فِي الْيَمِّ، وَ أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عِيسَى رُوحُكَ حِينَ نَادَاكَ، فَجَبَّيْتَهُ (فَأَنْجَيْتَهُ) مِنْ أَعْدَائِهِ وَ إِلَيْكَ رَفَعْتَهُ، وَ أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ حَبِيبُكَ وَ صَفِيُّكَ وَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَ مِنَ الْأَحْزَابِ نَجَيْتَهُ وَ عَلَى أَعْدَائِكَ نَصَرْتَهُ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أُجِبْتَ.

يَا مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَ (يَا مَنْ) أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا يَا مَنْ لَا تُغَيِّرُهُ الْأَيَّامُ وَ اللَّيَالِي، وَ لَا تَتَشَابَهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ وَ لَا تُخْفِي عَلَيْهِ اللُّغَاتُ، وَ لَا يُبْرِمُهُ الْخَاحُ الْمَلْحِينُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ، وَ صَلِّ عَلَيَّ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ، الَّذِينَ بَلَّغُوا عَنْكَ الْهُدَى وَ عَقَدُوا لَكَ الْمَوَاقِفَ بِالطَّاعَةِ، وَ صَلِّ عَلَيَّ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ.

يَا مَنْ لَا يُخْلِفُ الْمِعَادَ، أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي وَ اجْمَعْ لِي أَصْحَابِي وَ صَبْرَهُمْ، وَ انصُرْنِي عَلَيَّ أَعْدَائِكَ وَ أَعْدَاءِ رَسُولِكَ، وَ لَا تُخَيِّبْ دَعْوَتِي، فَإِنِّي عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أُمَّتِكَ أَسِيرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ.

سَيِّدِي أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ عَلَيَّ بِهَذَا الْمَقَامِ، وَ تَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيَّ دُونَ كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُنْجِزَ لِي مَا وَعَدْتَنِي، إِنَّكَ أَنْتَ الصَّادِقُ وَ لَا تُخْلِفُ الْمِعَادَ، وَ أَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.<sup>۱</sup>

۴ - دعای قنوت نماز وتر

متن دعایی که زرارہ از حضرت باقر العلوم علیه السلام در قنوت نماز وتر نقل کرده، چنین است:

اللَّهُمَّ تَمَّ نُورُكَ فَهَدَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا وَ بَسَطْتَ يَدَكَ فَأَعْطَيْتَ فَلَكَ  
الْحَمْدُ رَبَّنَا وَ عَظَمَ حِلْمُكَ فَعَفَوْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا وَ جِهَتِكَ أَكْرَمَ  
الْوُجُوهِ وَ جِهَتِكَ خَيْرُ الْجِهَاتِ وَ عَطِيَّتِكَ أَفْضَلُ الْعَطِيَّاتِ وَ أَهْنَاهَا تُطَاعُ  
رَبَّنَا فَتَشْكُرُ وَ تُعْصَى رَبَّنَا فَتَغْفِرُ لِمَنْ شِئْتَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَ تَكْشِفُ  
الضَّرَّ وَ تَشْفِي السَّقِيمَ وَ تُنْجِي مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ لَا يَجْزِي بِأَلَيْكَ أَحَدٌ  
وَ لَا يُخْصِي نِعْمَاءَكَ قَوْلٌ قَائِلٍ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ رُفِعَتِ الْأَبْصَارُ وَ نُقِلَتِ  
الْأَقْدَامُ وَ مَدَّتِ الْأَعْنَاقُ وَ رُفِعَتِ الْأَيْدِي وَ دُعِيَتْ بِاللَّسُنِ وَ تُحْكِمَ  
إِلَيْكَ فِي الْأَعْمَالِ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا وَ افْتَحْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ خَلْقِكَ بِالْحَقِّ  
وَ أَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ نَشْكُو غَيْبَةَ نَبِيِّنَا<sup>۱</sup> وَ شِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَ  
وُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا وَ تَظَاهِرَ الْأَعْدَاءِ وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَ قِلَّةَ عَدَدِنَا فَفَرِّجْ ذَلِكَ يَا  
رَبِّ بِفَتْحِ مِنْكَ تَعَجَّلْهُ وَ نَصْرِ مِنْكَ تُعِزُّهُ وَ إِمَامِ عَدْلٍ تُظَهِّرُهُ إِلَهَ الْحَقِّ رَبِّ  
الْعَالَمِينَ<sup>۲</sup>

پس از خواندن دعای فوق ۷۰ بار اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ را در قنوت وتر می‌گویی و از آتش زیاد به خدا پناه می‌بری (به عنوان مثال هفت بار می‌گویی: هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ) و پس از سلام نماز وتر سه بار سُبْحَانَ رَبِّيَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ و سه بار الْحَمْدُ لِرَبِّ الصَّبَاحِ الْحَمْدُ لِفَالِقِ الْاِصْبَاحِ می‌گویی.

۱. در نسخه‌ی جمال الاسبوع، ص ۲۵۷، چنین آمده است: اللَّهُمَّ إِلَيْكَ نَشْكُو فَقَدْ نَبَّيْنَا وَ غَيْبَةَ وَّلِيِّنَا.

۲. بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۱۹۸، ح ۶، به نقل از مجالس صدوق.

## ۵ - دعای صبح و شام

متن دعایی که امام صادق علیه السلام برای خواندن در صبح و شام سفارش اکید فرموده‌اند، مطابق نقل مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی چنین است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أَسْتَغْفِرُكَ فِي هَذَا الصَّبَاحِ وَ فِي هَذَا الْيَوْمِ لِأَهْلِ رَحْمَتِكَ وَ أِبْرَأُ إِلَيْكَ مِنْ أَهْلِ لَعْنَتِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أِبْرَأُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ فِي هَذَا الصَّبَاحِ مِمَّنْ نَحْنُ بَيْنَ ظَهْرَانِيهِمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ مِمَّا كَانُوا يَتَّبِدُونَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاسِقِينَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا أَنْزَلْتَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي هَذَا الصَّبَاحِ وَ فِي هَذَا الْيَوْمِ بَرَكَةً عَلَى أَوْلِيَائِكَ وَ عِقَاباً عَلَى أَعْدَائِكَ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاكَ وَ عَادِ مَنْ عَادَاكَ اللَّهُمَّ اخْتِمْ لِي بِالْأَمْنِ وَ الْإِيمَانِ كُلَّمَا طَلَعَتْ شَمْسٌ أَوْ غَرَبَتْ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ ازْحَمْنِيهِمَا كَمَا رِيَانِي صَغِيراً اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ مُنْقَلَبَهُمْ وَ مَثْوَاهُمْ اللَّهُمَّ احْفَظْ إِمَامَ الْمُسْلِمِينَ بِحِفْظِ الْإِيمَانِ وَ انصُرْهُ نَصراً عَزِيْزاً وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحاً يَسِيراً وَ اجْعَلْ لَهُ وَ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَاناً نَصِيراً اللَّهُمَّ الْعَنْ فُلاناً وَ فُلاناً<sup>۱</sup> وَ الْفِرْقَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى رَسُولِكَ وَ وِلَاةِ الْأَمْرِ بَعْدَ رَسُولِكَ وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ وَ شِيعَتِهِمْ وَ أَسْأَلُكَ الزِّيَادَةَ مِنْ فَضْلِكَ وَ الْإِقْرَارَ بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِكَ وَ التَّسْلِيمَ لِأَمْرِكَ وَ الْمُحَافَظَةَ عَلَى مَا أَمَرْتَ بِهِ لَا أَبْتَغِي بِهِ بَدَلاً وَ لَا أَشْتَرِي بِهِ ثَمَناً قَلِيلاً اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ وَ قِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ إِنَّكَ تَقْضِي وَ لَا يُقْضَى عَلَيْكَ وَ لَا يَذَلُّ مَنْ وَالَيْتَ، تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ، سُبْحَانَكَ رَبَّ الْبَيْتِ تَقَبَّلْ مِنِّي دُعَائِي وَ مَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ مِنْ خَيْرٍ فَضَاعِفُهُ لِي أضعافاً [مضاعفة] كَثِيرَةً وَ آتِنَا مِنْ

۱. به جای فلان و فلان نام اولین و دومین دشمن اهل بیت علیهم السلام برده می‌شود.

لَدُنْكَ [رَحْمَةً وَ] أَجْرًا عَظِيمًا، رَبِّ مَا أَحْسَنَ مَا ابْتَلَيْتَنِي وَ أَعْظَمَ مَا  
أَعْطَيْتَنِي وَ أَطْوَلَ مَا عَافَيْتَنِي وَ أَكْثَرَ مَا سَتَرْتَ عَلَيَّ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي  
كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا عَلَيْهِ؛ مِلءَ السَّمَاوَاتِ وَ مِلءَ الْأَرْضِ وَ مِلءَ مَا شَاءَ  
رَبِّي كَمَا يُحِبُّ وَ يَرْضَى وَ كَمَا يَنْبَغِي لِوَجْهِ رَبِّي ذِي الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ.<sup>۱</sup>

۶ - دعای «اللهم عرفني نفسك...»

این دعا را مرحوم سید بن طاووس با سندهایش از علامه شیخ طوسی نقل فرموده  
که از ناحیه‌ی مقدس خود امام زمان علیه السلام توسط نایب اول ایشان املا شده و اختصاص  
به زمان خاصی ندارد. اما مرحوم سید سفارش اکید به خواندن آن پس از تعقیبات نماز  
عصر روز جمعه فرموده است:

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْكَ وَ لَمْ أَعْرِفْ  
رَسُولَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ  
حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ  
دِينِي، اللَّهُمَّ لَا تُمِتْنِي مِيتَةً جَاهِلِيَّةً وَ لَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي، اللَّهُمَّ  
فَكَمَا هَدَيْتَنِي لِوِلَايَةِ<sup>۲</sup> مَنْ فَرَضْتَ طَاعَتَهُ عَلَيَّ مِنْ وِلَاةِ أَمْرِكَ بَعْدَ  
رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، حَتَّى وَالَيْتُ وِلَاةَ أَمْرِكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ  
الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ جَعْفَرًا وَ مُوسَى وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ  
عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُجَّةَ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، اللَّهُمَّ  
ثَبِّتْنِي عَلَى دِينِكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ، وَ لِيَنَّ قَلْبِي لِوَلِيِّ أَمْرِكَ وَ عَافِنِي  
مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ، وَ ثَبِّتْنِي عَلَى طَاعَةِ وَلِيِّ أَمْرِكَ الَّذِي سَتَرْتَهُ عَنْ  
خَلْقِكَ فَيَاذَنْكَ غَابَ عَنْ بَرِيَّتِكَ، وَ أَمْرِكَ يَنْتَظِرُ وَ أَنْتَ الْعَالِمُ غَيْرُ مُعَلَّمٍ

۱. اصول کافی، کتاب الدعاء، باب القول عند الاصباح و الإمساء، ح ۲۳.

۲. فی اکمال الدین: هدیتنی بولایة.

بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صَلَاحُ أَمْرٍ وَلَيْكَ فِي الْإِذْنِ لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ وَكَشْفِ سِرِّهِ، وَصَبْرِنِي عَلَى ذَلِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ، وَلَا أَكْشِفَ عَمَّا سَتَرْتَ<sup>۱</sup> وَلَا أَبْحَثَ عَمَّا كَتَمْتَ،<sup>۲</sup> وَلَا أَنْزِعَكَ فِي تَذْيِيرِكَ، وَلَا أَقُولَ: لِمَ وَكَيْفَ وَ مَا بَالُ وَلِيِّ الْأَمْرِ<sup>۳</sup> لَا يَظْهَرُ وَقَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ، وَأَفْوَضَ أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُرِينِي وَلِيَّ أَمْرِكَ ظَاهِرًا نَافِذَ الْأَمْرِ<sup>۴</sup>، مَعَ عِلْمِي بِأَنَّ لَكَ السُّلْطَانَ وَالْقُدْرَةَ وَالْبُرْهَانَ وَالْحُجَّةَ وَالْمَشِيئَةَ وَالْحَوْلَ وَالْقُوَّةَ فَافْعَلْ ذَلِكَ بِي وَبِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ حَتَّى نَنْظُرَ إِلَى وَلِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ظَاهِرِ الْمَقَالَةِ، وَاضِحِ الدَّلَالَةِ، هَادِيًا مِنَ الضَّلَالَةِ، شَاقِيًا مِنَ الْجَهَالَةِ، وَأَبْرَزُ يَا رَبِّ مُشَاهِدَتَهُ<sup>۵</sup> وَثَبَّتْ قَوَاعِدَهُ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَقَرُّ عَيْنُهُ بِرُؤْيَتِهِ وَاقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ وَتَوْفِنَا عَلَى مِلَّتِهِ وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ، اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ وَذَرَأْتَ وَأَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَوَصِيَّ رَسُولِكَ ﷺ. اللَّهُمَّ وَ مَدِّ فِي عُمُرِهِ وَزِدْ فِي أَجَلِهِ وَأَعِنِّهُ عَلَى مَا وُلِّيتَهُ<sup>۶</sup> وَاسْتَرْعَيْتَهُ، وَزِدْ فِي كَرَامَتِكَ لَهُ، فَإِنَّهُ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ وَالْقَائِمُ الْمُهْتَدِيُّ، الطَّاهِرُ التَّقِيُّ الزَّكِيُّ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الْمَرْضِيُّ الصَّابِرُ الشَّكُورُ الْمُجْتَهِدُ،<sup>۷</sup> اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطُولِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ وَانْقِطَاعِ خَبَرِهِ عَنَّا، وَلَا

۱ و ۲. فی اکمال الدین: سترته، کتمته.

۳ و ۴. فی اکمال الدین: ولی امر الله، نافذاً لامرک.

۵. فی اکمال الدین: مشاهده.

۶. فی اکمال الدین: أولیتته.

۷. فی اکمال الدین: المجتهد الشکور.

تُسِنَا ذِكْرَهُ وَانْتِظَارَهُ وَالْإِيمَانَ بِهِ وَقُوَّةَ الْيَقِينِ فِي ظُهُورِهِ وَالدُّعَاءَ لَهُ وَ  
 الصَّلَاةَ عَلَيْهِ، حَتَّى لَا يَقْنَطُنَا طَوْلُ غَيْبِهِ مِنْ [ظُهُورِهِ وَ] قِيَامِهِ، وَ يَكُونُ  
 يَقِينُنَا فِي ذَلِكَ كَيْفِينُنَا فِي قِيَامِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ مَا جَاءَ بِهِ مِنْ وَحْيِكَ وَ  
 تَنْزِيلِكَ، وَ قُوَّةَ قُلُوبِنَا عَلَى الْإِيمَانِ بِهِ حَتَّى تَسْلُكَ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجَ  
 الْهُدَى وَ الْمَحَبَّةَ الْعُظْمَى وَ الطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى، وَ قُوَّةَنَا عَلَى طَاعَتِهِ وَ تَبَتُّنَا  
 عَلَى مُتَابَعَتِهِ، وَ اجْعَلْنَا فِي حَزْبِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ وَ الرَّاغِبِينَ بِفِعْلِهِ، وَ  
 لَا تَسْلُبْنَا ذَلِكَ فِي حَيَاتِنَا وَ لَا عِنْدَ وَفَاتِنَا حَتَّى تَتَوَفَّانَا وَ نَحْنُ عَلَى ذَلِكَ  
 لَا شَاكِينَ وَ لَا نَاكِبِينَ وَ لَا مُرْتَابِينَ وَ لَا مُكَذِّبِينَ.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ أَيْدِهِ بِالنَّصْرِ، وَ انصُرْ ناصريه وَ اخذلْ خاذليه، وَ  
 دَمْدِمْ عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ وَ كَذَّبَ بِهِ، وَ أَظْهِرْ بِهِ الْحَقَّ، وَ أَمِثْ بِهِ الْجَوْرَ، وَ  
 اسْتَنْقِذْ بِهِ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الذُّلِّ، وَ انعشْ بِهِ الْبِلَادَ، وَ اقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ  
 الْكُفْرَةِ، وَ اقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ، وَ ذَلِّلْ [بِهِ] الْجَبَّارِينَ وَ الْكَافِرِينَ،  
 وَ أَبْرِزْ بِهِ الْمُنَافِقِينَ وَ النَّاكِبِينَ وَ جَمِيعَ الْمُخَالِفِينَ وَ الْمُلْحِدِينَ، فِى  
 مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا، حَتَّى لَا  
 تَدَعَ مِنْهُمْ دِيَاراً وَ لَا تُبْقَى لَهُمْ آثَاراً، وَ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَ اشْفِ مِنْهُمْ  
 صُدُورَ عِبَادِكَ، وَ جَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ، وَ أَصْلِحْ بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ  
 حُكْمِكَ وَ غَيَّرَ مِنْ سُنَّتِكَ، حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ عَضاً جَدِيداً  
 صَحِيحاً، لَا عِوَجَ فِيهِ وَ لَا بِدْعَةَ مَعَهُ، حَتَّى تُطْفِئَ بَعْدْلِهِ نِيرَانَ الْكَافِرِينَ،  
 فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِى اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَ ارْتَضَيْتَهُ لِنُصْرَةِ دِينِكَ وَ اصْطَفَيْتَهُ  
 بِعِلْمِكَ وَ عَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ بَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ وَ أَطْلَعْتَهُ عَلَى الْغُيُوبِ  
 وَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَ طَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَ نَقَيْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ

وَ عَلَى آبَائِهِ الْأَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ، وَ عَلَى شِيعَتِهِ<sup>۱</sup> الْمُتَّبِعِينَ، وَ بَلَّغُهُمْ مِنْ  
 آمَالِهِمْ أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُونَ، وَ اجْعَلْ ذَلِكَ مِنَّا خَالِصاً مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَ شُبْهَةٍ وَ  
 رِيَاءٍ وَ سُمْعَةٍ، حَتَّى لَا نُرِيدَ بِهِ غَيْرَكَ وَ لَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا وَ غَيْبَةَ وَلِيِّنَا<sup>۲</sup>، وَ شِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَ وَقُوعَ  
 الْفِتَنِ بِنَا وَ تَظَاهَرَ الْأَعْدَاءِ [عَلَيْنَا] وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَ قِلَّةَ عَدَدِنَا، اللَّهُمَّ  
 فَفَرِّجْ<sup>۳</sup> ذَلِكَ بِفَتْحِ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَ نَصْرِ مِنْكَ تُعِزُّهُ وَ إِمَامِ عَدْلٍ تُظَهِّرُهُ، إِلَهَ  
 الْحَقِّ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ أَنْ تَأْذَنَ لَوْلِيِّكَ فِي إِظْهَارِ عَدْلِكَ  
 فِي عِبَادِكَ وَ قَتْلِ أَعْدَائِكَ فِي بِلَادِكَ حَتَّى لَا تَدَعَ لِلْجَوْرِ يَا رَبِّ دِعَامَةً إِلَّا  
 قَصَمْتَهَا، وَ لَا بَقِيَّةَ<sup>۴</sup> إِلَّا أَفْنَيْتَهَا، وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا أَوْهَمْتَهَا، وَ لَا رُكْنَاً إِلَّا هَدَمْتَهُ،  
 وَ لَا حَدّاً إِلَّا فَلَطْتَهُ، وَ لَا سِلَاحاً إِلَّا أَكَلْتَهُ، وَ لَا رَايَةً إِلَّا نَكَّسْتَهَا، وَ لَا  
 شُجَاعاً إِلَّا قَتَلْتَهُ، وَ لَا جَيْشاً إِلَّا خَذَلْتَهُ، وَ أَرْمِهِمْ يَا رَبِّ بِحَجَرِكَ الدَّمِغِ  
 وَ اضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ وَ بِأَسْكَ الَّذِي لَا تَرُدُّهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ، وَ  
 عَذِّبْ أَعْدَائِكَ وَ أَعْدَاءَ دِينِكَ وَ أَعْدَاءَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، بِيَدِ  
 وَلِيِّكَ وَ أَيْدِي عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ، اللَّهُمَّ اكْفِ وَلِيِّكَ وَ حُجَّتَكَ فِي أَرْضِكَ  
 هَوْلَ عَدُوِّهِ وَ كَيْدَ مَنْ كَادَهُ،<sup>۵</sup> وَ امْكُرْ بِمَنْ مَكَرَ بِهِ، وَ اجْعَلْ دَائِرَةَ السُّوءِ  
 عَلَى مَنْ أَرَادَ بِهِ سُوءاً، وَ اقْطَعْ عَنْهُمْ مَا دَتَّهْمُ وَ أَرْعَبْ لَهُ قُلُوبَهُمْ وَ زَلْزِلْ  
 [لَهُ] أَقْدَامَهُمْ، وَ خُذْهُمْ جَهْرَةً وَ بَغْتَةً، وَ شَدِّدْ عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ،<sup>۶</sup> وَ أَخْزِهِمْ  
 فِي عِبَادِكَ وَ الْعَنَّهُمْ فِي بِلَادِكَ، وَ أَسْكِنْهُمْ أَسْفَلَ نَارِكَ، وَ أَحِطْ بِهِمْ أَشَدَّ

۱. فی اکمال الدین: شیعتهم.

۲. فی الاصل: غیبة نبیا و فقد ولینا، آنچه از متن آمده از نسخه‌ی اکمال الدین است.

۳. فی اکمال الدین: فافرج.

۴. فی اکمال الدین: بنیة.

۵. فی اکمال الدین: کد من کاده.

۶. فی البحار: عقابک.



عَذَابِكَ، وَ أَصْلُهُمْ نَاراً وَ أَحْسُ قُبُورَ مَوْتَاهُمْ نَاراً، وَ أَصْلُهُمْ حَرَّ نَارِكَ،  
فَإِنَّهُمْ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ وَ أَضَلُّوا عِبَادَكَ.<sup>۱</sup>

اللَّهُمَّ وَ أَحْيِ بَوْلِيكَ الْقُرْآنَ، وَ أَرِنَا نُورَهُ سَرْمَداً لَا ظُلْمَةَ فِيهِ، وَ أَحْيِ [بِهِ] الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ وَ اشْفِ بِهِ الصُّدُورَ الْوَعْرَةَ وَ اجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى الْحَقِّ، وَ أَقِمْ بِهِ الْحُدُودَ الْمُعْطَلَةَ وَ الْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ، حَتَّى لَا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ وَ لَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ، وَ اجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنْ أَعْوَانِهِ وَ مُقَوِّبِهِ سُلْطَانِهِ وَ الْمُؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ وَ الرَّاظِينَ بِفِعْلِهِ وَ الْمُسْلِمِينَ لِأَحْكَامِهِ، وَ مِمَّنْ لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَى التَّقِيَّةِ مِنْ خَلْقِكَ، أَنْتَ يَا رَبِّ الَّذِي تَكْشِفُ الضُّرَّ وَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ وَ تُنْجِي مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ، فَاكْشِفِ الضُّرَّ عَنِّي وَ لِيكَ وَ اجْعَلْهُ خَلِيفَتَكَ<sup>۲</sup> فِي أَرْضِكَ كَمَا ضَمِنْتَ لَهُ، اللَّهُمَّ وَ لَا تَجْعَلْنِي مِنْ خُصَمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام، وَ لَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام، وَ لَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْحَنْقِ وَ الْغَيْظِ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام، فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ فَأَعِزَّنِي، وَ اسْتَجِيرُ بِكَ فَأَجِرْنِي، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِي بِهِمْ فَائِزاً عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.<sup>۳</sup>

#### ۷ - دعای عید غدیر

دعای مربوط به روز عید غدیر، دعایی است که پس از دو رکعت نماز پیش از ظهر - به ترتیبی که در بخش دوم کتاب آمده است - خوانده می شود. متن کامل دعا مطابق نقل مرحوم سیدبن طاووس در کتاب «اقبال الاعمال» چنین است:

۱. فی اکمال الدین و البحار: أدلوا عبادك.

۲. خلیفة (خ ل).

۳. جمال الاسبوع، ص ۳۱۵ تا ۳۱۹.

رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا  
ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ رَبَّنَا وَ آتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى  
رُسُلِكَ وَ لَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ وَ  
كَفَى بِكَ شَهِيدًا وَ أَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَ سُكَّانَ سَمَاوَاتِكَ وَ  
أَرْضِكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَعْبُودُ الَّذِي لَيْسَ مِنْ لَدُنْ عَرْشِكَ  
إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ مَعْبُودٌ يُعْبَدُ سِوَاكَ إِلَّا بَاطِلٌ مُضْمَجِلٌ غَيْرٌ وَجْهَكَ  
الْكَرِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَعْبُودُ لَا مَعْبُودَ سِوَاكَ تَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ  
الظَّالِمُونَ عُلُوقًا كَبِيرًا وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ وَ أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا  
أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَلِيَّهُمْ وَ مَوْلَاهُمْ وَ مَوْلَايَ رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا النِّدَاءَ وَ صَدَقْنَا  
الْمُنَادِيَ رَسُولَكَ ﷺ إِذْ نَادَى نِدَاءً عَنكَ بِالَّذِي أَمَرْتَهُ أَنْ يُبَلِّغَ عَنكَ مَا  
أَنْزَلْتَ إِلَيْهِ مِنْ مَوَالَاةِ وَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ وَ حَذَرْتَهُ وَ أَنْذَرْتَهُ إِنْ لَمْ يُبَلِّغْ أَنْ  
تَسْخَطَ عَلَيْهِ وَ أَنَّهُ إِذَا بَلَغَ رِسَالَاتِكَ عَصَمْتَهُ مِنَ النَّاسِ فَنَادَى مُبَلِّغًا  
وَ حَيْكَ وَ رِسَالَاتِكَ أَلَا مَنْ كُنْتُ مَوْلَاةَ فَعَلِيٌّ مَوْلَاةَ وَ مَنْ كُنْتُ وَلِيَّةَ فَعَلِيٌّ  
وَلِيَّةَ وَ مَنْ كُنْتُ نَبِيَّةَ فَعَلِيٌّ أَمِيرُهُ رَبَّنَا قَدْ أَجَبْنَا دَاعِيكَ التَّذِيرَ الْمُنْذِرَ  
مُحَمَّدًا عَبْدَكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَ جَعَلْتَهُ مَثَلًا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ رَبَّنَا آمَنَّا وَ  
اتَّبَعْنَا مَوْلَانَا وَ وَلِيَّنَا وَ هَادِيَّنَا وَ دَاعِيَّنَا وَ دَاعِيَ الْأَنَامِ وَ صِرَاطَكَ السَّوِيَّ  
الْمُسْتَقِيمَ وَ حُجَّتَكَ الْبَيْضَاءَ وَ سَبِيلَكَ الدَّاعِيَ إِلَيْكَ عَلَى بَصِيرَةٍ هُوَ وَ مَنْ  
اتَّبَعَهُ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ بِوِلَايَتِهِ وَ بِأَمْرِ رَبِّهِمْ بِاتِّخَاذِ الْوَلَائِحِ مِنْ  
دُونِهِ فَاشْهَدْ يَا إِلَهِي أَنَّ الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمُرْشِدَ الرَّشِيدَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي  
طَالِبٍ عليه السلام أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِي ذَكَرْتَهُ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتَ وَ إِنَّهُ فِي أُمَّ  
الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ بِأَنَّهُ عَبْدُكَ الْهَادِي مِنْ بَعْدِ  
نَبِيِّكَ التَّذِيرِ الْمُنْذِرِ وَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ وَ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَائِدِ الْغُرِّ  
الْمُحَجَّلِينَ وَ حُجَّتِكَ الْبَالِغَةَ وَ لِسَانِكَ الْمُعَبَّرُ عَنكَ فِي خَلْقِكَ وَ الْقَائِمُ

بِالْقِسْطِ بَعْدَ نَبِيِّكَ وَ دِيَانَ دِينِكَ وَ خَازِنُ عِلْمِكَ وَ عَيْبَةُ وَحْيِكَ وَ عَبْدُكَ وَ  
 أَمِينُكَ الْمَأْمُونُ الْمَأْخُودُ مِيثَاقَهُ مَعَ مِيثَاقِكَ وَ مِيثَاقِ رُسُلِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ  
 بَرِيَّتِكَ بِالشَّهَادَةِ وَ الإِخْلَاصِ بِالْوَحْدَانِيَّةِ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ  
 مُحَمَّدٌ عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ وَ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ جَعَلْتَ الإِقْرَارَ بِوِلَايَتِهِ  
 تَمَامَ تَوْحِيدِكَ وَ الإِخْلَاصَ لَكَ بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَ إِكْمَالَ دِينِكَ وَ تَمَامَ  
 نِعْمَتِكَ عَلَيَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ فَقُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ  
 وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الإِسْلَامَ دِينًا فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا  
 مَنَنْتَ بِهِ عَلَيْنَا مِنَ الإِخْلَاصِ لَكَ بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَ جُدْتَ عَلَيْنَا بِمُؤَالَاةِ  
 وَلِيِّكَ الْهَادِي مِنْ بَعْدِ نَبِيِّكَ النَّذِيرِ الْمُنذِرِ وَ رَضِيْتَ لَنَا الإِسْلَامَ دِينًا  
 بِمَوْلَانَا وَ أَتَمَمْتَ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ بِالَّذِي جَدَّدْتَ لَنَا عَهْدَكَ وَ مِيثَاقَكَ وَ  
 ذَكَرْتَنَا ذَلِكَ وَ جَعَلْتَنَا مِنْ أَهْلِ الإِخْلَاصِ وَ التَّصَدِيقِ لِعَهْدِكَ وَ مِيثَاقِكَ وَ  
 مِنْ أَهْلِ الْوَفَاءِ بِذَلِكَ وَ لَمْ تَجْعَلْنَا مِنَ النَّاكِثِينَ الْمُكْذِبِينَ وَ الْجَاهِدِينَ  
 يَوْمَ الدِّينِ وَ لَمْ تَجْعَلْنَا مِنَ الْمُغَيَّرِينَ وَ الْمُبَدَّلِينَ وَ الْمُحَرِّفِينَ وَ الْمُبْسِكِينَ  
 آذَانَ الْأَنْعَامِ وَ الْمُغَيَّرِينَ خَلَقَ اللَّهُ وَ مِنْ الَّذِينَ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ  
 فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ وَ صَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ.

و بسیار بگو:

اللَّهُمَّ الْعَنِ الْجَاهِدِينَ وَ النَّاكِثِينَ وَ الْمُغَيَّرِينَ وَ الْمُبَدَّلِينَ الَّذِينَ يُكْذِبُونَ  
 يَوْمَ الدِّينِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ.

لا

سپس بگو:

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ نِعْمَتِكَ عَلَيْنَا بِالَّذِي هَدَيْتَنَا إِلَى مُوَاةِ وِلَاةِ أَمْرِكَ  
 مِنْ بَعْدِ نَبِيِّكَ وَ الْأَيْمَةَ الْهَادِينَ الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ أَرْكَانًا لِتَوْحِيدِكَ وَ أَعْلَامَ  
 الْهُدَى وَ مَنَارَ التَّقْوَى وَ الْعُرْوَةَ الْوُثْقَى وَ كَمَالَ دِينِكَ وَ تَمَامَ نِعْمَتِكَ وَ  
 مَنْ بِهِمْ وَ بِمُؤَالَاتِهِمْ رَضِيْتَ لَنَا الإِسْلَامَ دِينًا رَبَّنَا فَلَكَ الْحَمْدُ آمَنَّا بِكَ وَ

صَدَقْنَا بِنَبِيِّكَ الرَّسُولِ النَّذِيرِ الْمُنذِرِ وَ اتَّبَعْنَا الْهَادِيَ مِنْ بَعْدِ النَّذِيرِ  
 الْمُنذِرِ وَ وَالْيَنَّا وَلِيَّهُمْ وَ عَادَيْنَا عَدُوَّهُمْ وَ بَرَّئْنَا مِنَ الْجَاهِدِينَ وَ النَّاكِثِينَ  
 وَ الْمُكْذِبِينَ يَوْمِ الدِّينِ اللَّهُمَّ فَكَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ يَا صَادِقَ الْوَعْدِ يَا مَنْ  
 لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ يَا مَنْ هُوَ كُلُّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ إِنْ أَتَمَمْتَ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ  
 بِمُوَالَاةِ أَوْلِيَانِكَ الْمَسْئُولِ عَنْهُمْ عِبَادُكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ ثُمَّ لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ  
 النَّعِيمِ وَ قُلْتَ وَ قِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ وَ مَنَنْتَ بِشَهَادَةِ الْإِخْلَاصِ لَكَ  
 بِوِلَايَةِ أَوْلِيَانِكَ الْهُدَاةِ مِنْ بَعْدِ النَّذِيرِ الْمُنذِرِ السَّرَاجِ الْمُنِيرِ وَ أَكْمَلْتَ لَنَا  
 الدِّينَ بِمُوَالَاةِهِمْ وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِهِمْ وَ أَتَمَمْتَ عَلَيْنَا النَّعْمَ بِالَّذِي  
 جَدَّدْتَ لَنَا عَهْدَكَ وَ ذَكَرْتَنَا مِيثَاقَكَ الْمَآخُودَ مِنَّا فِي مُبْتَدَأِ خَلْقِكَ إِيَّانَا وَ  
 جَعَلْتَنَا مِنْ أَهْلِ الْإِجَابَةِ وَ ذَكَرْتَنَا الْعَهْدَ وَ الْمِيثَاقَ وَ لَمْ تُنْسِنَا ذِكْرَكَ فَإِنَّكَ  
 قُلْتَ وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَى  
 أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا بِمَنْكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ  
 رَبُّنَا وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ نَبِيُّنَا وَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ لِيْنَا وَ  
 مَوْلَانَا وَ شَهِدْنَا بِالْوِلَايَةِ لَوْلِيْنَا وَ مَوْلَانَا مِنْ ذُرِّيَّةِ نَبِيِّكَ مِنْ صُلْبِ وَ لِيْنَا وَ  
 مَوْلَانَا عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَ  
 جَعَلْتَهُ فِي أُمَّ الْكِتَابِ لَدَيْكَ عَلِيًّا حَكِيمًا وَ جَعَلْتَهُ آيَةً لِنَبِيِّكَ وَ آيَةً مِنْ  
 آيَاتِكَ الْكُبْرَى وَ النَّبَأِ الْعَظِيمِ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ وَ النَّبَأِ الْعَظِيمِ الَّذِي  
 هُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ وَ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَسْئُولُونَ وَ تَمَامَ نِعْمَتِكَ الَّتِي عَنْهَا  
 يُسْأَلُ عِبَادُكَ إِذْ هُمْ مَوْقُوفُونَ وَ عَنِ النَّعِيمِ مَسْئُولُونَ اللَّهُمَّ وَ كَمَا كَانَ  
 مِنْ شَأْنِكَ مَا أَنْعَمْتَ عَلَيْنَا بِالْهُدَايَةِ إِلَى مَعْرِفَتِهِمْ فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ أَنْ  
 تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُبَارِكَ لَنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا الَّذِي ذَكَرْتَنَا  
 فِيهِ عَهْدَكَ وَ مِيثَاقَكَ وَ أَكْمَلْتَ لَنَا دِينَنَا وَ أَتَمَمْتَ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ وَ جَعَلْتَنَا  
 بِنِعْمَتِكَ مِنْ أَهْلِ الْإِجَابَةِ وَ الْإِخْلَاصِ بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ وَ

التَّصَدِيقِ بِوِلَايَةِ أَوْلِيَائِكَ وَ الْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ وَ أَعْدَاءِ أَوْلِيَائِكَ  
 الْجَاهِدِينَ الْمُكَذِّبِينَ يَوْمَ الدِّينِ فَاسْأَلُكَ يَا رَبِّ تَمَامَ مَا أَنْعَمْتَ عَلَيْنَا وَ  
 لَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْمُعَانِدِينَ وَ لَا تُلْحِقْنَا بِالْمُكَذِّبِينَ يَوْمَ الدِّينِ وَ اجْعَلْ لَنَا  
 قَدَمَ صِدْقٍ مَعَ الْمُتَّقِينَ وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ  
 الْمُتَّقِينَ إِمَامًا إِلَى يَوْمِ الدِّينِ يَوْمَ يُدْعَى كُلُّ نَاسٍ بِإِمَامِهِمْ وَ اجْعَلْنَا فِي  
 ظِلِّ الْقَوْمِ الْمُتَّقِينَ الْهُدَاةِ بَعْدَ النَّذِيرِ الْمُنذِرِ وَ الْبَشِيرِ الْأَيْمَّةِ الدُّعَاةِ إِلَى  
 الْهُدَى وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الدُّعَاةِ إِلَى النَّارِ وَ هُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ  
 أَوْلِيَاؤُهُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ رَبَّنَا فَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَةِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ وَ أَحْيِنَا  
 مَا أَحْيَيْتَنَا عَلَى الْوَفَاءِ بِعَهْدِكَ وَ مِيثَاقِكَ الْمَأْخُوذِ مِنَّا عَلَى مُوَالَاةِ أَوْلِيَائِكَ  
 وَ الْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ الْمُكَذِّبِينَ يَوْمَ الدِّينِ وَ النَّاكِثِينَ بِمِيثَاقِكَ وَ تَوَفَّنَا  
 عَلَى ذَلِكَ وَ اجْعَلْ لَنَا مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا وَ أَثْبِتْ لَنَا قَدَمَ صِدْقٍ فِي  
 الْهَجْرَةِ إِلَيْهِمْ وَ اجْعَلْ مَحْيَانَا خَيْرَ الْمَحْيَا وَ مَمَاتَنَا خَيْرَ الْمَمَاتِ وَ مُنْقَلَبَنَا  
 خَيْرَ الْمُنْقَلَبِ عَلَى مُوَالَاةِ أَوْلِيَائِكَ وَ الْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ حَتَّى تَوَفَّنَا وَ  
 أَنْتَ عَنَّا رَاضٍ قَدْ أَوْجَبْتَ لَنَا الْخُلُودَ فِي جَنَّتِكَ بِرَحْمَتِكَ وَ الْمَثْوَى فِي  
 جِوَارِكَ وَ الْإِنَابَةَ إِلَى دَارِ الْمَقَامَةِ مِنْ فَضْلِكَ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَ لَا  
 يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ رَبَّنَا إِنَّكَ أَمَرْتَنَا بِطَاعَةِ وِلَاةِ أَمْرِكَ وَ أَمَرْتَنَا أَنْ نَكُونَ مَعَ  
 الصَّادِقِينَ فَقُلْتَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ وَ قُلْتُ  
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ رَبَّنَا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا  
 رَبَّنَا ثَبَّتْ أَقْدَامَنَا وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ مُسْلِمِينَ مُسْلِمِينَ مُصَدِّقِينَ لِأَوْلِيَائِكَ  
 وَ لَا تُزِعْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ  
 الْوَهَّابُ رَبَّنَا آمَنَّا بِكَ وَ صَدَّقْنَا نَبِيَّكَ وَ وَالَيْتَنَا وَ لَيْكَ وَ الْأَوْلِيَاءِ مِنْ بَعْدِ  
 نَبِيِّكَ وَ وَلِيِّكَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ  
 الْإِمَامِ الْهَادِي مِنْ بَعْدِ الرَّسُولِ النَّذِيرِ الْمُنذِرِ وَ السَّرَاحِ الْمُنِيرِ رَبَّنَا فَكَمَا

كَانَ مِنْ شَأْنِكَ أَنْ جَعَلْتَنَا مِنْ أَهْلِ الْوَفَاءِ بِعَهْدِكَ بِمَنْكَ عَلَيْنَا وَ لَطْفِكَ لَنَا  
 فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ أَنْ تَغْفِرَ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ تُكَفِّرَ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوْفِنَا مَعَ الْأَبْرَارِ  
 رَبَّنَا وَ آتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَ لَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ  
 الْمِيعَادَ رَبَّنَا آمَنَّا بِكَ وَ وَفَّيْنَا بِعَهْدِكَ وَ صَدَقْنَا رُسُلَكَ وَ اتَّبَعْنَا وِلَاةَ الْأَمْرِ  
 مِنْ بَعْدِ رُسُلِكَ وَ وَآلَيْنَا أَوْلِيَاءَكَ وَ عَادَيْنَا أَعْدَاءَكَ فَكُتِبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ وَ  
 أَحْشُرْنَا مَعَ الْأَئِمَّةِ الْهُدَاةِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ الرَّسُولِ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ آمَنَّا يَا رَبِّ  
 بِسِرِّهِمْ وَ عَلَانِيَتِهِمْ وَ شَاهِدِهِمْ وَ غَائِبِهِمْ وَ مَشَاهِدِهِمْ وَ بَحِيَّتِهِمْ وَ مَسِيَّتِهِمْ وَ  
 رَضِينَا بِهِمْ أَئِمَّةً وَ سَادَةً وَ قَادَةً لَا نَبْتَغِي بِهِمْ بَدَلًا وَ لَا نَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِمْ  
 وَلَا نَبِجَ أَبَدًا رَبَّنَا فَأَحِينَا مَا أَحْيَيْتَنَا عَلَى مُوَالَاتِهِمْ وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِهِمْ وَ  
 التَّسْلِيمِ لَهُمْ وَ الرَّدِّ إِلَيْهِمْ وَ تَوْفِنَا إِذَا تَوَفَّيْتَنَا عَلَى الْوَفَاءِ لَكَ وَ لَهُمْ بِالْعَهْدِ  
 وَ الْمِيثَاقِ وَ الْمُوَالَاةِ لَهُمْ وَ التَّصْديقِ وَ التَّسْلِيمِ لَهُمْ غَيْرَ جَاحِدِينَ وَ لَا  
 نَاكِبِينَ وَ لَا مُكْذِبِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَ  
 بِالَّذِي فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ جَمِيعًا أَنْ تُبَارِكَ لَنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا الَّذِي  
 أَكْرَمْتَنَا فِيهِ بِالْوَفَاءِ لِعَهْدِكَ الَّذِي عَهَدْتَ إِلَيْنَا وَ الْمِيثَاقِ الَّذِي وَآثَقْتَنَا بِهِ  
 مِنْ مُوَالَاةِ أَوْلِيَائِكَ وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ وَ تَمَنَّ عَلَيْنَا بِنِعْمَتِكَ وَ تَجَعَّلَهُ  
 عِنْدَنَا مُسْتَقْرًا ثَابِتًا وَ لَا تَسْلُبْنَاهُ [تَسْلُبْنَاهُ] أَبَدًا وَ لَا تَجَعَّلَهُ [تَجَعَّلَهُ] عِنْدَنَا  
 مُسْتَوْدَعًا فَإِنَّكَ قُلْتَ فَمُسْتَقَرٌّ وَ مُسْتَوْدَعٌ فَاجْعَلْهُ مُسْتَقْرًا ثَابِتًا وَ ارزُقْنَا  
 نَصْرَ دِينِكَ مَعَ وَلِيِّ هَادٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ قَائِمًا رَشِيدًا هَادِيًا مَهْدِيًا مِنْ  
 الضَّلَالَةِ إِلَى الْهُدَى وَ اجْعَلْنَا تَحْتَ رَايَتِهِ وَ فِي زُمْرَتِهِ شُهَدَاءَ صَادِقِينَ  
 مَقْتُولِينَ فِي سَبِيلِكَ وَ عَلَى نُصْرَةِ دِينِكَ.<sup>۱</sup>

۸ - دعای عید فطر، قربان و جمعه

ابو حمزه ثمالی نقل می‌کند که امام باقر علیه السلام فرمودند: وقتی آماده‌ی خارج شدن (برای ادای نماز جمعه یا عید فطر یا قربان) شدی، این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ فِي هَذَا الْيَوْمِ أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعَدَّ وَ اسْتَعَدَّ لِوِفَادَةٍ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَ جَائِزَتِهِ وَ نَوَافِلِهِ فَالَيْكَ يَا سَيِّدِي كَانَتْ وِفَادَتِي وَ تَهَيَّيْتِي وَ إِعْدَادِي وَ اسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رِفْدِكَ وَ جَوَائِزِكَ وَ نَوَافِلِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَصِيِّ رَسُولِكَ وَ صَلِّ يَا رَبُّ عَلَى أَيْمَةِ الْمُؤْمِنِينَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيِّ وَ مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرٍ وَ مُوسَى وَ عَلِيِّ وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيِّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحَبَّةِ صَاحِبِ الزَّمَانِ عليه السلام.

پس می‌گویی:

اللَّهُمَّ افْتَحْ لَهُ فَتْحاً يَسِيراً وَ انصُرْهُ نَصْراً عَزِيزاً اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَ سُنَّةَ رَسُولِكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُدِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ اللَّهُمَّ مَا أَتَكْرَهُنَا مِنْ حَقٍّ فَعَرِّفْنَاهُ وَ مَا قَصْرُنَا عَنْهُ قَبَلْنَاهُ

آنگاه فرمودند:

و در حق آن حضرت دعا می‌کنی و دشمن او را نفرین می‌نمایی و حاجت خود را می‌خواهی و آخرین کلام تو این عبارت باشد:

اللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يُذَكَّرُ فَيَذُكَّرُ.

متن دعای منقول از امام هشتم علیه السلام که برای روز عید فطر، هنگام رفتن برای ادای نماز عید، وارد شده چنین است:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ وَجْهْتُ وَجْهِي وَإِلَيْكَ فَوَّضْتُ أَمْرِي وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ اللَّهُ  
 أَكْبَرُ كَمَا هَدَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ إِلَيْنَا وَمَوْلَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَيَّ مَا أَوْلَانَا وَحُسْنِ مَا  
 أَوْلَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ وَلَيْسْنَا الَّذِي اجْتَبَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ رَبُّنَا الَّذِي بَرَّأَنَا اللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي  
 أَنْشَأَنَا اللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي بِقُدْرَتِهِ هَدَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي خَلَقَنَا فَسَوَّانَا اللَّهُ أَكْبَرُ  
 الَّذِي بِدِينِهِ حَبَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي مِنْ فَتْنَتِهِ عَافَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي بِالْإِسْلَامِ  
 اصْطَفَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي فَضَّلَنَا بِالْإِسْلَامِ عَلَيَّ مَنْ سِوَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَكْبَرُ  
 سُلْطَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَعْلَى بُرْهَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَجَلُّ سُبْحَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَقْدَمُ  
 إِحْسَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَعَزُّ أَرْكَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَعْلَى مَكَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَسْنَى شَأْنَا  
 اللَّهُ أَكْبَرُ نَاصِرٌ مَنْ اسْتَنْصَرَ اللَّهُ أَكْبَرُ ذُو الْمَغْفِرَةِ لِمَنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهُ أَكْبَرُ  
 الَّذِي خَلَقَ وَصَوَّرَ اللَّهُ أَكْبَرُ أَمَاتَ وَأَقْبَرَ اللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي إِذَا شَاءَ أَنْشَرَ اللَّهُ  
 أَكْبَرُ وَأَعْلَى وَأَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَقْدَسُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَأَطْهَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ رَبُّ  
 الْخَلْقِ وَالْبَرِّ وَالْبَحْرِ اللَّهُ أَكْبَرُ كَمَا يُحِبُّ رَبُّنَا أَنْ يُكَبِّرَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى  
 مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَصَفِيِّكَ وَنَجِيبِكَ وَأَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَ  
 صَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَخَلِيلِكَ وَخَاصَّتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ اللَّهُمَّ  
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ الَّذِي هَدَيْتَنَا بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَعَلَّمْتَنَا  
 بِهِ مِنَ الْجَهَالَةِ وَبَصَّرْتَنَا بِهِ مِنَ الْعَمَى وَأَقَمْتَنَا بِهِ عَلَى الْمَحَبَّةِ الْعُظْمَى وَ  
 سَبِيلِ التَّقْوَى وَكَمَا أَرْشَدْتَنَا وَأَخْرَجْتَنَا بِهِ مِنَ الْغَمَرَاتِ إِلَى جَمِيعِ  
 الْخَيْرَاتِ وَأَنْقَذْتَنَا بِهِ مِنْ شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ  
 آلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ وَأَكْمَلَ وَأَشْرَفَ وَأَكْبَرَ وَأَطْهَرَ وَأَطْيَبَ وَأَتَمَّ وَأَعَمَّ وَ  
 أَزْكَى وَأَنْمَى وَأَحْسَنَ وَأَجْمَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ



شَرَفَ بُنْيَانَهُ وَ عَظَّمَ بُرْهَانَهُ وَ أَعْلَى مَكَانَهُ وَ كَرَّمَ فِي الْقِيَامَةِ مَقَامَهُ وَ عَظَّمَ  
 عَلَى رُؤُوسِ الْخَلَائِقِ حَالَةَ اللَّهِمَّ اجْعَلْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ  
 أَقْرَبَ الْخَلْقِ مِنْكَ مَنْزِلَةً وَ أَعْلَاهُمْ مِنْكَ مَكَانًا وَ أَفْسَحَهُمْ لَدَيْكَ مَنْزِلَةً وَ  
 مَجْلِسًا وَ أَعْظَمَهُمْ عِنْدَكَ شَرَفًا وَ أَرْفَعَهُمْ مَنزِلًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ  
 الْأَيْمَةِ الْمُهْتَدِينَ وَ الْحُجَجِ عَلَى خَلْقِكَ وَ الْأَدْلَاءِ عَلَى سَبِيلِكَ وَ الْبَابِ  
 الَّذِي مِنْهُ تُوتَى وَ التَّرَاجِمَةِ لَوْحِيكَ كَمَا سَنُوا سُنَّتَكَ النَّاطِقِينَ بِحِكْمَتِكَ  
 وَ الشُّهَدَاءِ عَلَى خَلْقِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ الْمُتَنْظِرِ أَمْرَكَ الْمُتَنْظِرِ  
 لِفَرَجِ أَوْلِيَائِكَ اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ وَ ارْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ وَ أَمِثْ بِهِ الْجَوْرَ وَ  
 أَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَ زَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ وَ أَبْدُهُ بِنَصْرِكَ وَ انصُرْهُ  
 بِالرُّعْبِ وَ قَوِّ نَاصِرَهُمْ وَ اخْذُلْ خَازِلَهُمْ وَ دَمِّمْ عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُمْ وَ  
 دَمَّرْ عَلَى مَنْ غَشَّاهُمْ وَ اقْصِمْ بِهِمْ رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ وَ شَارِعَةَ الْبِدْعِ وَ  
 مُمَيِّتَةَ السُّنَّةِ وَ الْمُتَعَزِّزِينَ بِالْبَاطِلِ وَ أَعِزِّ بِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَذِلَّ بِهِمُ  
 الْكَافِرِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ وَ الْمُخَالِفِينَ فِي مَشَارِقِ  
 الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى جَمِيعِ الْمُرْسَلِينَ  
 وَ النَّبِيِّينَ الَّذِينَ بَلَّغُوا عَنْكَ الْهُدَى وَ اعْتَقَدُوا لَكَ الْمَوَاقِفَ بِالطَّاعَةِ وَ  
 دَعَوْا الْعِبَادَ إِلَيْكَ بِالنَّصِيحَةِ وَ صَبَرُوا عَلَى مَا لَقُوا مِنَ الْأَذَى وَ التَّكْذِيبِ  
 فِي جَنْبِكَ اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى ذُرَارِيِّهِمْ وَ أَهْلِ  
 بُيُوتَاتِهِمْ وَ أَزْوَاجِهِمُ الطَّاهِرَاتِ وَ جَمِيعِ أَشْيَاعِهِمْ وَ أَتْبَاعِهِمْ مِنْ  
 الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ  
 الْأَمْوَاتِ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِمْ جَمِيعًا فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ  
 رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ اللَّهُمَّ اخْصُصْ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ الْمُبَارَكِينَ  
 السَّامِعِينَ الْمُطِيعِينَ لَكَ الَّذِينَ أَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا  
 بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَ نَوَامِي بَرَكَاتِكَ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ  
 بَرَكَاتُهُ

ضمناً فرمودند:

اگر نتوانستی قبل از نماز همه‌ی دعا را بخوانی، مقدار باقی‌مانده را پس از نماز قضا کن.<sup>۱</sup>

### ۱۰ - دعای صبح روز بیست و یکم ماه رمضان

امام صادق علیه السلام در صبح روز بیست و یکم ماه مبارک رمضان پس از ادای نماز صبح، در حال سجده این دعا را خواندند:

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُقَلَّبُ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَالِقُ الْخَلْقِ بِلَا حَاجَةٍ فِيكَ إِلَيْهِمْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مَبْدِئُ الْخَلْقِ لَا يَنْقُصُ عَنْ مُلْكِكَ شَيْءٌ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ دِيَانُ الدِّينِ وَ جَبَّارُ الْجَبَابِرَةِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُجْرِي الْمَاءِ فِي الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُجْرِي الْمَاءِ فِي النَّبَاتِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُكُونُ طَعْمِ الثَّمَارِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُحْصِي عَدَدِ الْقَطْرِ وَ مَا تَحْمِلُهُ السَّحَابُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُحْصِي عَدَدِ مَا تَجْرِي بِهِ الرِّيحُ فِي الْهَوَاءِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُحْصِي مَا فِي الْبِحَارِ مِنْ رَطْبٍ وَ يَابِسٍ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُحْصِي مَا يَدِبُّ فِي ظُلُمَاتِ الْبِحَارِ وَ فِي أَطْبَاقِ الثَّرَى أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ وَ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ سَمَّاهُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ مِنْ نَبِيٍّ أَوْ صَدِيقٍ أَوْ شَهِيدٍ أَوْ أَحَدٍ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أُجِبْتَ وَ إِذَا سُئِلَ بِهِ أُعْطِيَ وَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَ بَرَكَاتِكَ وَ بِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَهُ عَلَى نَفْسِكَ وَ أَنْتَهُمْ بِهِ فَضْلَكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ الدَّاعِي إِلَيْكَ بِإِذْنِكَ وَ سِرَاجِكَ السَّاطِعِ بَيْنَ

۱. بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۱۶ تا ۱۸، ح ۴، به نقل از اقبال الاعمال و البلد الامين و الجنة.



حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ مُؤَيِّدًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا وَ عَرْضًا وَ تَجْعَلَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ مِنَ الْأَيْمَّةِ الْوَارِثِينَ اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَ انْتَصِرْ بِهِ وَ اجْعَلِ النَّصْرَ مِنْكَ عَلَى يَدِهِ وَ اجْعَلِ النَّصْرَ لَهُ وَ الْفَتْحَ عَلَى وَجْهِهِ وَ لَا تُوجِّهِ الْأَمْرَ إِلَى غَيْرِهِ اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَ سُنَّةَ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنْ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعَزِّزُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تَذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ وَ اجْمَعْ لَنَا خَيْرَ الدَّارَيْنِ وَ اقْضِ عَنَّا جَمِيعَ مَا تُحِبُّ فِيهِمَا وَ اجْعَلْ لَنَا فِي ذَلِكَ الْخَيْرَةَ بِرَحْمَتِكَ وَ مَنَّكَ فِي عَافِيَةِ آمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ زِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ وَ يَدِكَ الْمَلَأَى فَإِنَّ كُلَّ مُعْطٍ يَنْقُصُ مِنْ مَلِكِهِ وَ عَطَاؤُكَ يَزِيدُ فِي مَلِكِكَ.<sup>۱</sup>

## ۱۲ - دعا در روز عاشورا

حدیثی که عبدالله بن سنان در مورد اعمال روز عاشورا از امام صادق علیه السلام نقل کرده و ما قسمت‌هایی از آن را در بخش دوم کتاب آوردیم، شامل دعاهایی است که متون آنها را در این جا عیناً نقل می‌کنیم. می‌گوید: پس از خواندن چهار رکعت نماز - به ترتیبی که بیان شد - و ابلاغ سلام و درود به حضرت ابی‌عبدالله الحسین علیه السلام و فرزندان و نزدیکان ایشان و پس از لعن کشندگان ایشان، قدم‌هایی به عنوان «سعی» از مکانی که هستی حرکت می‌کنی و اذکاری را که گفته شد به زبان می‌آوری. سپس در مکان نماز خود می‌ایستی و می‌گویی:

اللَّهُمَّ عَذِّبِ الْفَجْرَةَ الَّذِينَ شَاقُّوا رَسُولَكَ وَ حَارَبُوا أَوْلِيَاءَكَ وَ عَبَدُوا غَيْرَكَ وَ اسْتَحَلُّوا مَحَارِمَكَ وَ الْعَنِ الْقَادَةَ وَ الْأَتْبَاعَ وَ مَنْ كَانَ مِنْهُمْ فَخَبَّ وَ أَوْضَعَ مَعَهُمْ أَوْ رَضِيَ بِفِعْلِهِمْ لَعْنَا كَثِيرًا اللَّهُمَّ وَ عَجَّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ

۱. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۳۴۹، به نقل از اقبال الاعمال.

اجْعَلْ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَاسْتَنْقِذْهُمْ مِنْ أَيْدِي الْمُنَافِقِينَ وَالْمُضِلِّينَ وَ  
الْكَفَرَةَ الْجَاهِدِينَ وَافْتَحْ لَهُمْ فَتْحًا يَسِيرًا وَاتَّخِ لَهُمْ رُوحًا وَفَرَجًا قَرِيبًا  
وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ سُلْطَانًا نَصِيرًا.

سپس دو دست خود را بالا بگیر و در حالی که به دشمنان آل محمد صلوات الله علیهم اشاره

می کنی، به حالت قنوت، بخوان:

اللَّهُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأُمَّةِ نَاصَبَتِ الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنَ الْأَئِمَّةِ وَكَفَرَتْ  
بِالْكَلِمَةِ وَعَكَفَتْ عَلَى الْقَادَةِ الظَّلْمَةَ وَهَجَرَتِ الْكِتَابَ وَالسُّنَّةَ وَعَدَلَتْ  
عَنِ الْحَبْلَيْنِ اللَّذَيْنِ أَمَرْتَ بِطَاعَتِهِمَا وَالتَّمَسُّكِ بِهِمَا فَأَمَاتَتِ الْحَقَّ وَ  
حَادَتْ عَنِ الْقَصْدِ وَمَالَتِ الْأَحْزَابَ وَحَرَفَتِ الْكِتَابَ وَكَفَرَتْ بِالْحَقِّ  
لَمَّا جَاءَهَا وَتَمَسَّكَتْ بِالْبَاطِلِ لَمَّا اعْتَرَضَهَا فَضَيَّعَتْ حَقَّكَ وَأَضَلَّتْ  
خَلْقَكَ وَقَتَلَتْ أَوْلَادَ نَبِيِّكَ وَخَيْرَةَ عِبَادِكَ وَحَمَلَةَ عِلْمِكَ وَوَرَثَةَ  
حِكْمَتِكَ وَوَحْيِكَ اللَّهُمَّ فَزَلْزِلْ أَقْدَامَ أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءَ رَسُولِكَ وَأَهْلَ  
بَيْتِ رَسُولِكَ اللَّهُمَّ وَأَخْرِبْ دِيَارَهُمْ وَاقْلُلْ سِلَاحَهُمْ وَخَالَفَ بَيْنَ  
كَلِمَتِهِمْ وَفُتَّ فِي أَعْضَادِهِمْ وَأَوْهِنِ كَيْدَهُمْ وَأَضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ وَ  
ارْمِهِمْ بِحَجَرِكَ الدَّامِغِ وَطُمَّهُمْ بِالْبَلَاءِ طَمًّا وَقُمَّهُمْ بِالْعَذَابِ قَمًّا وَ  
عَذِّبْهُمْ عَذَابًا نُكْرًا وَخُذْهُمْ بِالسِّنِينَ وَالْمَثَلَاتِ الَّتِي أَهْلَكْتَ بِهَا أَعْدَاءَكَ  
إِنَّكَ ذُو نِقْمَةٍ مِنَ الْمُجْرِمِينَ اللَّهُمَّ إِنَّ سُنَّتَكَ ضَائِعَةٌ وَأَحْكَامَكَ مُعْطَلَةٌ وَ  
عِثْرَةُ نَبِيِّكَ فِي الْأَرْضِ هَائِمَةٌ اللَّهُمَّ فَأَعِنِ الْحَقَّ وَأَهْلَهُ وَاقْمَعْ الْبَاطِلَ وَ  
أَهْلَهُ وَمَنْ عَلَيْنَا بِالنَّجَاةِ وَاهْدِنَا إِلَى الْإِيمَانِ وَعَجِّلْ فَرَجَنَا وَانظِمْهُ بِفَرَجِ  
أَوْلِيَانِكَ وَاجْعَلْهُمْ لَنَا وُدًّا وَاجْعَلْنَا لَهُمْ وَفِدَاءَ اللَّهُمَّ وَأَهْلِكَ مَنْ جَعَلَ يَوْمَ  
قَتْلِ ابْنِ نَبِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ عِيدًا وَاسْتَهَلَّ بِهِ فَرَحًا وَمَرَحًا وَخُذْ آخِرَهُمْ  
كَمَا أَخَذْتَ أَوْلَهُمْ وَأَضْعِفِ اللَّهُمَّ الْعَذَابَ وَالتَّكْيِيلَ عَلَى ظَالِمِي أَهْلِ  
بَيْتِ نَبِيِّكَ وَأَهْلِكَ أَشْيَاعَهُمْ وَقَادَتَهُمْ وَأَبْرَ حُمَاتِهِمْ وَجَمَاعَتَهُمْ اللَّهُمَّ وَ

ضَاعِفْ صَلَوَاتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ عَلَى عِثْرَةِ نَبِيِّكَ الْعِثْرَةِ الضَّائِعَةِ  
 الْخَائِفَةِ الْمُسْتَذَلَّةِ بَقِيَّةِ مِنَ الشَّجَرَةِ الطَّيِّبَةِ الزَّكَايَةِ الْمُبَارَكَةِ وَ أَعْلِ اللَّهُمَّ  
 كَلِمَتَهُمْ وَ أَفْلِحْ حُجَّتَهُمْ وَ اكْشِفِ الْبَلَاءَ وَ اللَّأْوَاءَ وَ حَنَادِسَ الْأَبَاطِيلِ وَ  
 أَلْعَمَى عَنْهُمْ وَ ثَبِّتْ قُلُوبَ شِيعَتِهِمْ وَ حِزْبِكَ عَلَى طَاعَتِكَ وَ وِلَايَتِهِمْ وَ  
 نُصْرَتِهِمْ وَ مَوَالِيَتِهِمْ وَ أَعِنَّهُمْ وَ امْنَحْهُمْ الصَّبْرَ عَلَى الْأَذَى فَيْكَ وَ اجْعَلْ  
 لَهُمْ أَيَّاماً مَشْهُودَةً وَ أَوْقَاتاً مَحْمُودَةً مَسْعُودَةً يُوشِكُ فِيهَا فَرَجُهُمْ وَ  
 تُوجِبُ فِيهَا تَمَكِينَهُمْ وَ نُصْرَهُمْ كَمَا ضَمِنْتَ لِأَوْلِيَائِكَ فِي كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ  
 فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ وَ عَدَدَ اللَّهِ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا  
 الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ  
 لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا  
 يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا اللَّهُمَّ اكْشِفْ غُمَّتَهُمْ يَا مَنْ لَا يَمْلِكُ كَشْفَ  
 الضُّرِّ إِلَّا هُوَ يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ وَ أَنَا يَا إِلَهِي عَبْدُكَ الْخَائِفُ  
 مِنْكَ وَ الرَّاجِعُ إِلَيْكَ السَّائِلُ لَكَ الْمُقْبِلُ عَلَيْكَ اللَّاجِي إِلَى فِنَائِكَ الْعَالِمُ  
 بِأَنَّهُ لَا مَلْجَأَ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ فَتَقَبَّلِ اللَّهُمَّ دُعَائِي وَ اسْتَمِعْ يَا إِلَهِي عَلَانِيَتِي وَ  
 نَجْوَائِي وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيَتْ عَمَلُهُ وَ قَبِلَتْ نُسُكَهُ وَ نَجَّيْتَهُ بِرَحْمَتِكَ  
 إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ اللَّهُمَّ وَ صَلِّ أَوَّلًا وَ آخِرًا عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ  
 مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ  
 بِأَكْمَلِ وَ أَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ  
 مَلَائِكَتِكَ وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ بِإِلَهِ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ وَ لَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَ بَيْنَ  
 مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ اجْعَلْنِي يَا مَوْلَايَ مِنْ شِيعَةِ  
 مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ ذُرِّيَّتِهِمُ الطَّاهِرَةَ الْمُتَّجِبَةَ  
 وَ هَبْ لِي التَّمَسُّكَ بِحَبْلِهِمْ وَ الرِّضَا بِسَبِيلِهِمْ وَ الْأَخْذَ بِطَرِيقَتِهِمْ إِنَّكَ  
 جَوَادٌ كَرِيمٌ.

سپس صورت خود را بر زمین (خاک) بگذار و بگو:

يَا مَنْ يَحْكُمُ مَا يَشَاءُ وَيَفْعَلُ مَا يُرِيدُ أَنْتَ حَكَمْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ مَحْمُوداً  
مَشْكُوراً فَعَجَّلْ يَا مَوْلَايَ فَرَجَهُمْ وَفَرَجْنَا بِهِمْ فَإِنَّكَ ضَمِنْتَ إِعْرَازَهُمْ  
بَعْدَ الدُّلَّةِ وَتَكْثِيرَهُمْ بَعْدَ الْقِلَّةِ وَإِظْهَارَهُمْ بَعْدَ الْخُمُولِ يَا أَصْدَقَ  
الصَّادِقِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ فَاسْأَلُكَ يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي مُتَضَرِّعاً إِلَيْكَ  
بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ بَسْطِ أَمْلِي وَالتَّجَاوُزَ عَنِّي وَقَبُولَ قَلِيلِ عَمَلِي وَكَثِيرِهِ وَ  
الزِّيَادَةَ فِي أَيَّامِي وَتَبْلِيغِي ذَلِكَ الْمَشْهَدَ وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدْعَى  
فِيجِيبُ إِلَى طَاعَتِهِمْ وَموالائِهِمْ وَنَصْرِهِمْ وَتُرِينِي ذَلِكَ قَرِيباً سَرِيعاً فِي  
عَافِيَةِ إِنْكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

سپس سرت را به سوی آسمان بلند کن و بگو:

أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَكُونَ مِنَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَكَ فَأَعِدَّنِي يَا إِلَهِي  
بِرَحْمَتِكَ مِنْ ذَلِكَ.

آنگاه فرمودند:

ای ابن سنان این عمل از چقدر حج و چقدر عمره‌ی مستحبی که مال خود را  
برای ادای آنها خرج کنی و بدنت را به زحمت بیندازی و از خانواده و  
فرزندانت جدا شوی، با فضیلت‌تر است!

### ۱۳ - دعای دیگر در روز عاشورا

نقل دیگری از عبدالله بن سنان در مورد اعمال خاص روز عاشورا رسیده که آن را  
نیز در این جا می‌آوریم. می‌گوید: در روز عاشورا خدمت مولایم ابی عبدالله جعفر بن  
محمد علیه السلام رسیدم در حالی که رنگ (چهره‌ی) ایشان تغییر کرده و اشک‌هایشان  
همچون دُر بر گونه‌هایشان سرازیر بود. عرض کردم: ای آقای من! گریه‌ی شما به خاطر

چیست؟ خداوند چشمانتان را گریبان نکند. ایشان به من فرمودند:

آیا نمی‌دانی که در یک چنین روزی حسین علیه السلام به شهادت رسیده است؟!

آنگاه پس از بیان مطالبی فرمودند:

ای عبدالله بن سنان، بهترین عملی که می‌توانی در این روز انجام دهی این است که لباس‌های پاکی بپوشی و دکمه‌های آن را باز نگه داری و آستین‌هایش را تا آرنج بالا بزنی و پاهایت را برهنه کنی. سپس به یک زمین خالی که هیچکس تو را نبیند یا داخل خانه‌ات می‌روی در اواسط روز (حوالی ظهر) و چهار رکعت نماز با دو سلام می‌خوانی. در رکعت اول حمد و «قل یا ایها الکافرون» و رکعت دوم حمد و «قل هو الله احد» و رکعت سوم حمد و سوره‌ی احزاب و رکعت چهارم حمد و منافقین را می‌خوانی. سپس سلام می‌دهی و رو به سوی قبر ابی‌عبدالله علیه السلام می‌کنی و قتلگاه ایشان را پیش روی خود مجسم می‌نمایی و ذهن و بدن خود را (از هر فکر و عمل دیگری) فارغ می‌سازی و حواست را کاملاً جمع می‌کنی. سپس بر قاتل آن حضرت هزار بار لعنت می‌فرستی. به ازای هر لعنتی هزار کار خوب برایت نوشته می‌شود و هزار کار بد از نامه‌ی اعمالت محو می‌گردد و هزار درجه در بهشت بالا می‌روی. سپس از محلی که در آن نماز خواندی، هفت بار سعی می‌کنی (قدم بر می‌داری) و در هر بار از سعی خود، هفت بار می‌گویی:

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ رَضِيَ بِقَضَاءِ اللَّهِ وَتَسْلِيمًا لِأَمْرِهِ.

و حال تو در ضمن انجام این کار حال مادر فرزند مرده غمگین و متأسف باشد که حزن و اندوه در او دیده می‌شود. وقتی از انجام این کار فراغت یافتی، در همان محلی که نماز خوانده بودی، می‌ایستی و هفتاد بار می‌گویی:

اللَّهُمَّ عَذِّبِ الَّذِينَ حَارَبُوا رُسُلَكَ وَ شَاقُّوكَ وَ عَبْدُوا غَيْرَكَ وَ اسْتَحَلُّوا مَحَارِمَكَ وَ الْعِنِ الْقَادَةَ وَ الْأَتْبَاعَ وَ مَنْ كَانَ مِنْهُمْ وَ مَنْ رَضِيَ بِفِعْلِهِمْ لَعْنًا كَثِيرًا.



سپس می گوئی:

اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنِ أَهْلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَ اسْتَنْقِذْهُمْ  
مِنْ أَيْدِي الْمُنَافِقِينَ وَ الْكُفَّارِ وَ الْجَاهِدِينَ وَ امْتِنْ عَلَيْهِمْ وَ افْتَحْ لَهُمْ فَتْحاً  
يَسِيراً وَ اجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ عَلَى عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِمْ سُلْطَاناً نَصِيراً.

آنگاه در حال قنوت بگو:

اللَّهُمَّ إِنَّ الْأُمَّةَ خَالَفتِ الْأُمَّةَ وَ كَفَرُوا بِالْكَلِمَةِ وَ أَقَامُوا عَلَى الضَّلَالَةِ وَ  
الْكُفْرِ وَ الرَّدَى وَ الْجَهَالَةِ وَ الْعَمَى وَ هَجَرُوا الْكِتَابَ الَّذِي أَمَرْتَ بِمَعْرِفَتِهِ  
وَ الْوَصِيَّ الَّذِي أَمَرْتَ بِطَاعَتِهِ فَأَمَاتُوا الْحَقَّ وَ عَدَلُوا عَنِ الْقِسْطِ وَ أَضَلُّوا  
الْأُمَّةَ عَنِ الْحَقِّ وَ خَالَفُوا السُّنَّةَ وَ بَدَّلُوا الْكِتَابَ وَ مَلَكَوا الْأَحْزَابَ وَ  
كَفَرُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ وَ تَمَسَّكُوا بِالْبَاطِلِ وَ ضَيَّعُوا الْحَقَّ وَ أَضَلُّوا  
خَلْقَكَ وَ قَتَلُوا أَوْلَادَ نَبِيِّكَ ﷺ وَ خَيْرَةَ عِبَادِكَ وَ أَصْفِيَاثِكَ وَ حَمَلَةَ  
عَرْشِكَ وَ خَزَنَةَ سِرِّكَ وَ مَنْ جَعَلْتَهُمُ الْحُكَّامَ فِي سَمَاوَاتِكَ وَ أَرْضِكَ  
اللَّهُمَّ فَزَلِّزْ أَقْدَامَهُمْ وَ أَخْرِبْ دِيَارَهُمْ وَ اكْفُفْ سِلَاحَهُمْ وَ أَيْدِيَهُمْ وَ أَلْقِ  
الْإِخْتِلَافَ فِيمَا بَيْنَهُمْ وَ أَوْهِنْ كَيْدَهُمْ وَ اضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الصَّارِمِ وَ  
حَبِّرْكَ الدَّامِغِ وَ طَمِّمْهُمْ بِالْبَلَاءِ طَمًّا وَ ازْمِهِمْ بِالْبَلَاءِ رَمِيًّا وَ عَذِّبْهُمْ عَذَاباً  
شَدِيداً نُكْرًا وَ ازْمِهِمْ بِالْغَلَاءِ وَ خُذْهُمْ بِالسِّنِينَ الَّذِي أَخَذْتَ بِهَا أَعْدَاءَكَ  
وَ أَهْلِكَهُمْ بِمَا أَهْلَكْتَهُمْ بِهِ اللَّهُمَّ وَ خُذْهُمْ أَخْذَ الْقُرَى وَ هِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ  
أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ اللَّهُمَّ إِنَّ سُبُلَكَ ضَائِعَةٌ وَ أَحْكَامَكَ مُعْطَلَةٌ وَ أَهْلَ نَبِيِّكَ  
فِي الْأَرْضِ هَائِمَةٌ كَالْوَحْشِ السَّائِمَةِ اللَّهُمَّ أَعْلِ الْحَقَّ وَ اسْتَنْقِذِ الْخَلْقَ وَ  
امْتِنْ عَلَيْنَا بِالنَّجَاةِ وَ اهْدِنَا لِلْإِيمَانِ وَ عَجِّلْ فَرَجَنَا بِالْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ اجْعَلْهُ لَنَا  
رِذْءاً وَ اجْعَلْنَا لَهُ رِفْداً اللَّهُمَّ وَ أَهْلِكَ مَنْ جَعَلَ قَتْلَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ عِيداً وَ  
اسْتَهْلَ فَرِحاً وَ سُروراً وَ خُذْ آخِرَهُمْ بِمَا أَخَذْتَ بِهِ أَوْلَهُمْ اللَّهُمَّ أضعِفِ  
الْبَلَاءَ وَ الْعَذَابَ وَ التَّنْكِيلَ عَلَى الظَّالِمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ وَ عَلَى

ظالمی آلِ بَیتِ نَبِیکَ صلی الله علیه و آله نکالاً وَ لَعْنَةً وَ أَهْلِکَ شِیعَتَهُمْ وَ قَادَتَهُمْ وَ  
 جَمَاعَتَهُمْ اللَّهُمَّ ارْحَمِ الْعِثْرَةَ الضَّائِعَةَ الْمُقْتُولَةَ الدَّلِيلَةَ مِنَ الشَّجَرَةِ الطَّيِّبَةِ  
 الْمُبَارَكَةِ اللَّهُمَّ أَعْلِ کَلِمَتَهُمْ وَ أَفْلِحْ حُجَّتَهُمْ وَ ثَبِّتْ قُلُوبَهُمْ وَ قُلُوبَ  
 شِیعَتِهِمْ عَلَى مَوالاتِهِمْ وَ انصُرْهُمْ وَ أَعِزَّهُمْ وَ صَبِّرْهُمْ عَلَى الْأَذَى فِی  
 جَنبِکَ وَ اجْعَلْ لَهُمْ أیَّاماً مَشْهُورَةً وَ أیَّاماً مَعْلُومَةً کَمَا ضَمِنْتَ لِأَوْلِیائِکَ  
 فِی کِتَابِکَ الْمُنزَلِ فَإِنَّکَ قُلْتَ وَ عَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوا  
 الصَّالِحَاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ  
 لَیَمَکِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَیَبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا  
 اللَّهُمَّ أَعْلِ کَلِمَتَهُمْ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا  
 أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ فَإِنِّي عَبْدُكَ الْخَائِفُ مِنْكَ وَ الرَّاجِعُ إِلَيْكَ  
 وَ السَّائِلُ لَدَيْكَ وَ الْمُتَوَكِّلُ عَلَيْكَ وَ اللَّاجِئُ بِفِنَائِكَ فَتَقَبَّلْ دُعَائِي وَ  
 اسْمَعْ نَجْوَائِي وَ اجْعَلْنِي مِنْ رَضِيَتِ عَمَلِهِ وَ هَدَيْتِهِ وَ قَبِلَتْ نُسُكَهُ وَ  
 انْتَجَبْتَهُ بِرَحْمَتِكَ إِنَّکَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ أَسْأَلُکَ يَا اللَّهُ بِلا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ  
 أَلَّا تُفَرِّقَ بَيْنِي وَ بَيْنَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْأَئِمَّةِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ  
 أَجْمَعِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنْ شِيعَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

در این قسمت اخیر فرمودند:

آل محمد صلی الله علیه و آله را یکی یکی اسم می بری تا به حضرت قائم علیه السلام برسی.

یعنی به عنوان مثال باید در دعا چنین گفت:

وَ اجْعَلْنِي مِنْ شِيعَةِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ  
 عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ  
 عَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ  
 الْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ علیه السلام.

وَ أَدْخِلْنِي فِيمَا أَدْخَلْتَهُمْ فِيهِ وَ أَخْرِجْنِي مِمَّا أَخْرَجْتَهُمْ مِنْهُ.

سپس گونه‌های خود را بر زمین (خاک) بگذار و بگو:

يَا مَنْ يَحْكُمُ بِمَا يَشَاءُ وَ يَعْمَلُ مَا يُرِيدُ أَنْتَ حَكَمْتَ فِي أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ  
مَا حَكَمْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ مَحْمُوداً مَشْكُوراً وَ عَجَّلْ فَرَجَهُمْ وَ فَرَجْنَا بِهِمْ  
فَإِنَّكَ ضَمِنْتَ إِعْزَازَهُمْ بَعْدَ الذَّلَّةِ وَ تَكْثِيرَهُمْ بَعْدَ الْقِلَّةِ وَ إِظْهَارَهُمْ بَعْدَ  
النُّمُولِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ أَنْ  
تُبَلِّغَنِي أَمَلِي وَ تَشْكُرَ قَلِيلَ عَمَلِي وَ أَنْ تَزِيدَنِي فِي أَيَّامِي وَ تُبَلِّغَنِي ذَلِكَ  
الْمَشْهَدَ وَ تَجْعَلَنِي مِنَ الَّذِينَ دُعِيَ فَأَجَابَ إِلَى طَاعَتِهِمْ وَ مُوَالَاتِهِمْ وَ  
أَرِنِي ذَلِكَ قَرِيباً سَرِيعاً إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

سپس فرمودند:

سَرَت را بلند کن که این عمل از یک حج و یک عمره با فضیلت‌تر است.<sup>۱</sup>

#### ۱۴ - دعای امام رضا علیه السلام

متن دعایی که امام رضا علیه السلام به یونس بن عبدالرحمن درباره‌ی امام عصر علیه السلام تعلیم دادند، مطابق نقل دوم مرحوم سید بن طاووس در کتاب «جمال الاسبوع» چنین است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ادْفَعْ عَنِّي وَلِيِّكَ وَ خَلِيفَتِكَ وَ  
حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَ لِسَانِكَ الْمُعَبِّرِ عَنكَ بِإِذْنِكَ النَّاطِقِ بِحِكْمَتِكَ وَ  
عَيْنِكَ النَّاطِرَةِ فِي بَرِّيَّتِكَ وَ شَاهِدِ<sup>۲</sup> عَلَى عِبَادِكَ الْجَحْجَاحِ الْمُجَاهِدِ  
الْمُجْتَهِدِ عَبْدِكَ الْعَائِدِ بِكَ اللَّهُمَّ وَ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ وَ ذَرَأَتْ وَ  
بَرَأَتْ وَ أَنْشَأَتْ وَ صَوَّرَتْ وَ أَحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَن يَمِينِهِ  
وَ عَن شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ  
وَ أَحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ وَصِيَّ رَسُولِكَ وَ آبَاءَهُ أُنْمَتَكَ وَ دَعَائِمَ دِينِكَ

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۰۹ تا ۳۱۲.

۲. ظاهراً باید الشاهد صحیح باشد.

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَاجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيغُ وَفِي  
 جِوَارِكَ الَّذِي لَا يُحْتَقَرُ<sup>۱</sup> وَفِي مَنَعِكَ وَعِزِّكَ الَّذِي لَا يُقْهَرُ اللَّهُمَّ وَآمِنَهُ  
 بِأَمَانِكَ الْوَثِيقِ الَّذِي لَا يُخَذَلُ مِنْ آمَنَتِهِ بِهِ وَاجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا  
 يُضَامُ مَنْ كَانَ فِيهِ وَانصُرْهُ بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ وَ أَيْدُهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ وَقُوَّةِ  
 بِقُوَّتِكَ وَ أَرْدِفُهُ بِمَلَائِكَتِكَ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ الْبِسْئَةَ  
 دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ وَ حُفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ حَفَا اللَّهُمَّ وَ بَلِّغْهُ أَفْضَلَ مَا بَلَغْتَ  
 الْقَائِمِينَ بِقِسْطِكَ مِنْ أَتْبَاعِ النَّبِيِّنَ اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ وَ ارْتُقْ بِهِ  
 الْفُتْقَ وَ أَمِثْ بِهِ الْجَوْرَ وَ أَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَ زَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ وَ أَيْدُهُ  
 بِالنُّصْرِ وَ انصُرْهُ بِالرُّعْبِ وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا وَ اجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ عَلَى  
 عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِ سُلْطَانًا نَصِيرًا. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الْقَائِمَ الْمُنْتَظَرَ، وَ الْإِمَامَ الَّذِي  
 بِهِ تَنْتَصِرُ وَ أَيْدُهُ بِنَصْرِ عَزِيزٍ وَ فَتْحِ قَرِيبٍ وَ وَرَثَةُ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ  
 مَغَارِبِهَا اللَّاتِي بَارَكْتَ فِيهَا وَ أُخِي بِهِ سُنَّةَ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ  
 حَتَّى لَا يَسْتَخْفَى بِشَيْءٍ مِنْ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ وَ قُوَّةِ نَاصِرِهِ وَ  
 اخْذَلْ خَاذِلَهُ وَ دَمِدِمْ عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ وَ دَمَّرْ عَلَى مَنْ غَشَّه اللَّهُمَّ وَ اقْتُلْ  
 بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَ عُمَدَهُ وَ دَعَائِمَهُ وَ الْقَوَامَ بِهِ وَ اقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ  
 وَ شَارِعَةَ الْبِدْعَةِ وَ مُمَيِّتَةَ السُّنَّةِ وَ مَقْوِيَةَ الْبَاطِلِ وَ أَذِلُّ بِهِنَّ الْجَبَّارِينَ وَ أَبِرْ  
 بِهِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا وَ أَيْنَ كَانُوا مِنْ  
 مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا حَتَّى لَا تَدَعَ  
 مِنْهُمْ دِيَارًا<sup>۲</sup> وَ لَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَارًا اللَّهُمَّ وَ طَهَّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَ اشْفِ مِنْهُمْ  
 عِبَادَكَ وَ أَعِزَّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أُخِي بِهِ سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ وَ دَارِسَ حُكْمِ

۱. در بحار الانوار «لا يُحْتَقَرُ» آمده است.

۲. در بحار الانوار «دِسَارًا» آمده است.

النَّبِيِّنَ وَجَدُّدٍ بِهِ مَا مَحَىٰ مِنْ دِينِكَ وَبُدِّلَ مِنْ حُكْمِكَ حَتَّىٰ تُعِيدَ دِينَكَ  
 بِهِ وَ عَلَىٰ يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا صَاحِبًا مَحْضًا لَا عِوَجَ فِيهِ وَلَا بِدْعَةَ مَعَهُ  
 حَتَّىٰ تُنِيرَ<sup>۱</sup> بِعَدْلِهِ ظُلْمَ الْجَوْرِ وَ تُطْفِئَ<sup>۲</sup> بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ وَ تُظْهِرَ<sup>۳</sup> بِهِ مَعَاقِدَ  
 الْحَقِّ وَ مَجْهُولَ الْعَدْلِ وَ تُوضِحَ بِهِ مُشْكَلاتِ الْحُكْمِ اللَّهُمَّ وَ إِنَّهُ عَبْدُكَ  
 الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَ اضْطَفَيْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ وَ اضْطَفَيْتَهُ عَلَىٰ عِبَادِكَ  
 وَ ائْتَمْتَهُ عَلَىٰ غَيْبِكَ وَ عَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ بَرَأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ وَ طَهَّرْتَهُ  
 مِنَ الرَّجْسِ وَ صَرَفْتَهُ عَنِ الدَّنَسِ وَ سَلَّمْتَهُ مِنَ الرَّيْبِ اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ  
 يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَوْمَ حُلُولِ الطَّامَةِ أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ وَ لَمْ يَأْتِ حُوبًا وَ لَمْ  
 يَزْتَكِبْ لَكَ مَعْصِيَةً وَ لَمْ يُضَيِّعْ لَكَ طَاعَةً وَ لَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً وَ لَمْ  
 يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً وَ لَمْ يُغَيِّرْ لَكَ شَرِيعَةً وَ أَنَّهُ الْإِمَامُ التَّقِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ  
 الطَّاهِرُ النَّقِيُّ الْوَفِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَىٰ آبَائِهِ وَ أَعْطِهِ  
 فِي نَفْسِهِ وَ وُلْدِهِ وَ أَهْلِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ أُمَّتِهِ وَ جَمِيعَ رَعِيَّتِهِ مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ وَ  
 تَسْرُّ بِهِ نَفْسُهُ وَ تَجْمَعُ لَهُ مُلْكُ الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا قَرِيبًا وَ بَعِيدًا وَ عَزِيزًا  
 وَ ذَلِيلًا حَتَّىٰ يَجْرِيَ حُكْمُهُ عَلَىٰ كُلِّ حُكْمٍ وَ يَغْلِبَ بِحَقِّهِ عَلَىٰ كُلِّ بَاطِلٍ  
 اللَّهُمَّ وَ اسْلُكْ بِنَا عَلَىٰ يَدَيْهِ مِنْهَاجَ الْهُدَىٰ وَ الْمَحَجَّةَ الْعُظْمَىٰ وَ الطَّرِيقَةَ  
 الْوَسْطَىٰ الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْغَالِي وَ يَلْحَقُ بِهَا التَّالِي اللَّهُمَّ وَ قَوْنَا عَلَىٰ  
 طَاعَتِهِ وَ تَبَتْنَا عَلَىٰ مُشَايَعَتِهِ وَ ائْتَمْنَا بِمُتَابَعَتِهِ وَ اجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ  
 الْقَوَامِينَ بِأَمْرِهِ الصَّابِرِينَ مَعَهُ الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَاصَحَتِهِ حَتَّىٰ تَحْشُرَنَا  
 يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ مُقَوِّيَةِ سُلْطَانِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ  
 وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ ذَلِكَ كُلَّهُ مِنَّا لَكَ خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَ شُبْهَةٍ وَ رِيَاءٍ

۱. در بحارالانوار «تُبَيِّنَ» آمده است.

۲. در بحارالانوار «تَطْفِئُ» آمده است.

و سُمِعَةَ حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ وَ لَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ وَ حَتَّى تُحِلَّنَا  
 مَجْلَهُ وَ تَجْعَلَنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ وَ لَا تَبْتَلِنَا فِي أَمْرِهِ بِالسَّأْمَةِ وَ الْكَسَلِ وَ  
 الْفِتْرَةِ وَ الْفَشْلِ وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَ تُعِزُّ بِهِ نَصْرَ وَلِيِّكَ وَ لَا  
 تَسْتَبْدِلُ بِنَا غَيْرَنَا فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَا غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَ هُوَ عَلَيْنَا كَبِيرٌ  
 إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى وُلَاةِ عَهْدِهِ وَ بَلِّغْهُمْ آمَالَهُمْ  
 وَ زِدْ فِي آجَالِهِمْ وَ انصُرْهُمْ وَ تَمِّمْ لَهُمْ<sup>۱</sup> مَا أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِ دِينِكَ وَ  
 اجْعَلْنَا لَهُمْ أَغْوَانًا وَ عَلَى دِينِكَ أَنْصَارًا وَ صَلِّ عَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَيْمَّةِ  
 الرَّاشِدِينَ اللَّهُمَّ فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ وَ خُزَّانُ عِلْمِكَ وَ وُلَاةُ أَمْرِكَ وَ  
 خَالِصَتِكَ مِنْ عِبَادِكَ وَ خَيْرَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ أَوْلِيَاؤُكَ وَ سَلَاتِلُ أَوْلِيَاءِكَ وَ  
 صِفْوَتِكَ وَ أَوْلَادُ أَصْفِيَاءِكَ صَلَوَاتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ عَلَيْهِمْ  
 أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ وَ شُرَكَاءُ فِي أَمْرِهِ وَ مُعَاوِنُوهُ عَلَى طَاعَتِكَ الَّذِينَ  
 جَعَلْتَهُمْ حِصْنَهُ وَ سِلَاحَهُ وَ مَفْرَعَهُ وَ أُنْسَهُ الَّذِينَ سَلَوْا عَنِ الْأَهْلِ وَ  
 الْأَوْلَادِ وَ تَجَافَوْا الْوَطْنَ وَ عَطَّلُوا الْوَثِيرَ مِنَ الْمِهَادِ قَدْ رَفَضُوا تِجَارَاتِهِمْ  
 وَ أَضْرَبُوا بِمَعَايِشِهِمْ وَ فَقَدُوا فِي أُنْدِيَتِهِمْ بَغَيْرِ غَيْبَةٍ عَنْ مِصْرِهِمْ وَ حَالَفُوا  
 الْبَعِيدَ مِمَّنْ عَاضَدَهُمْ عَلَى أَمْرِهِمْ وَ خَالَفُوا الْقَرِيبَ مِمَّنْ صَدَّ عَنْ  
 وَجْهِتِهِمْ وَ اتَّخَفُوا بَعْدَ التَّدَابُرِ وَ التَّقَاطُعِ فِي دَهْرِهِمْ وَ قَطَعُوا الْأَسْبَابَ  
 الْمُتَّصِلَةَ بِعَاجِلِ حُطَامٍ مِنَ الدُّنْيَا فَاجْعَلْهُمْ اللَّهُمَّ فِي حِرْزِكَ وَ فِي ظِلِّ  
 كَنَفِكَ وَ رُدِّ عَنْهُمْ بَأْسَ مَنْ قَصَدَ إِلَيْهِمْ بِالْعَدَاوَةِ مِنْ خَلْقِكَ وَ أَجْزَلْ لَهُمْ  
 مِنْ دَعْوَتِكَ مِنْ كِفَايَتِكَ وَ مَعُونَتِكَ لَهُمْ وَ تَأْيِيدِكَ وَ نَصْرِكَ إِيَّاهُمْ مَا  
 تُعِينُهُمْ بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ وَ أَزْهِقْ بِحَقِّهِمْ بَاطِلَ مَنْ أَرَادَ إِطْفَاءَ نُورِكَ وَ صَلِّ  
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اَمْلَأْ بِهِمْ كُلَّ أَفْقٍ مِنَ الْأَفَاقِ وَ قَطْرٍ مِنَ الْأَقْطَارِ قِسْطًا

وَعَدْلًا وَرَحْمَةً<sup>۱</sup> وَفَضْلًا وَاشْكُرْ لَهُمْ عَلَى حَسَبِ كَرَمِكَ وَجُودِكَ وَ مَا  
مَنْنْتَ بِهِ عَلَى الْقَائِمِينَ بِالْقِسْطِ مِنْ عِبَادِكَ وَ اذْخِرْ لَهُمْ مِنْ ثَوَابِكَ مَا تَرْفَعُ  
لَهُمْ بِهِ الدَّرَجَاتِ إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَ تَحْكُمُ مَا تُرِيدُ آمِينَ رَبَّ  
الْعَالَمِينَ<sup>۲</sup>.

---

۱. در بحار الانوار «مَرْحَمَةٌ» آمده است.

۲. این دعای شریف در بحار الانوار، ج ۹۵، از ص ۳۳۲ تا ۳۳۶، به نقل از جمال الاسبوع ذکر شده است.

## فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- البلد الامين، تقى الدين ابراهيم بن على عاملى كفعمى، چاپ سنگى.
- ۳- ابواب الجنات فى آداب الجمعات (آئين جمعه)، سيد محمد تقى موسى اصفهانى، قم: مدرسة الامام المهدي عليه السلام، ۱۳۶۳ شمسى.
- ۴- الاحتجاج، ابو منصور احمد بن ابى طالب الطبرسى، نجف اشرف: دار النعمان، ۱۳۸۶ قمرى.
- ۵- الارشاد، شيخ مفيد، قم: كنز جهره جهانى هزاره‌ى شيخ مفيد، ۱۴۱۳ قمرى.
- ۶- اقبال الاعمال، سيد بن طاووس، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۶۷ شمسى.
- ۷- اقرب الموارد، سعيد شرتونى.
- ۸- البرهان فى تفسير القرآن، سيد هاشم حسيني بحرانى، قم: دارالكتب العلميه، ۱۳۳۴ شمسى.
- ۹- التفسير، ابو نصر محمد بن مسعود بن عياش سمرقندى، تهران: المكتبة العلميه الاسلاميه، ۱۳۸۰ قمرى.
- ۱۰- التوحيد، شيخ صدوق، بيروت: دارالمعرفة.
- ۱۱- التهذيب، شيخ طوسى، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۶۲ شمسى.
- ۱۲- بحار الانوار، محمد باقر مجلسى، تهران: المكتبة الاسلاميه، ۱۳۹۷ قمرى.
- ۱۳- بصائر الدرجات، ابو جعفر محمد بن حسن صفار، بيروت: مؤسسه النعمان، ۱۴۱۲ قمرى.
- ۱۴- پيوند معنوى با ساحت قدس مهدوى، صدر الاسلام همدانى، تهران: انتشارات بدر، ۱۳۶۱ شمسى.



- ۱۵ - تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، شیخ محمد بن محمد رضا قمی مشهدی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۷ شمسی.
- ۱۶ - تفسیر نور الثقلین، عبد علی بن جمعه العروسی الحویزی، قم: المطبعة العلمیة، ۱۳۸۲ قمری.
- ۱۷ - تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، ورام بن ابی فراس، قم: مكتبة الفقيه (افست نسخه دارالتعارف بیروت، ۱۳۷۶ قمری).
- ۱۸ - ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق، قم: انتشارات اخلاق، ۱۳۷۷ شمسی.
- ۱۹ - جمال الاسبوع بكمال العمل المشروع، سید بن طاووس، تهران: آفاق، ۱۳۷۱ شمسی.
- ۲۰ - حدیث بندگی و دلبردگی، عبدالکریم سروش، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۸ شمسی.
- ۲۱ - حدیث دو سفیر، سید مجتبی بحرینی، تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۳ شمسی.
- ۲۲ - راز پنهانی و رمز پیدایی، دکتر سید محمد بنی هاشمی، تهران: انتشارات نیک معارف، ۱۳۸۴ شمسی.
- ۲۳ - سلوک منتظران، دکتر سید محمد بنی هاشمی، تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۳ شمسی.
- ۲۴ - سه رساله دربارهی حجة بن الحسن العسکری (عج)، محمد باقر مجلسی، با مقدمه سید محمود میردامادی، اصفهان: کانون پژوهش، ۱۴۱۶ قمری.
- ۲۵ - شرح فصوص الحکم (متن: ابن عربی، شرح: قیصری)، انتشارات بیدار، ۱۳۶۳ شمسی.
- ۲۶ - صحیفه کامله سجادیه، امام زین العابدین علیه السلام، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۶ شمسی.
- ۲۷ - صحیفه مهدیه، ترجمه ی محمد حسین رحیمیان، قم: دارالثقلین، ۱۳۷۹ شمسی.
- ۲۸ - العروة الوثقی، سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، تهران: المكتبة العلمیة الاسلامیة، ۱۳۵۸ شمسی.
- ۲۹ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق، تهران: انتشارات جهان.
- ۳۰ - غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد آمدی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ شمسی.
- ۳۱ - الغیبة، ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم نعمانی، تهران: مكتبة الصدوق.
- ۳۲ - فرهنگ نوین (ترجمه قاموس العصری)، سید مصطفی طباطبایی، تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۸ شمسی.
- ۳۳ - فلاح السائل. سید بن طاووس، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه ی قم.
- ۳۴ - الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۴۸ شمسی.
- ۳۵ - کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه قمی، قم: نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ قمری.
- ۳۶ - کرامات الحسینیة علیه السلام، جلد ۲، علی میرخلف زاده، قم: انتشارات مهدی یار، ۱۳۷۹ شمسی.

- ۳۷- کمال الدین و تمام النعمة، شیخ صدوق، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ قمری.
- ۳۸- کنز الغنائم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام (همراه با «نور الابصار» و «سراج القبور»)، سید محمد تقی موسوی اصفهانی، اصفهان: انتشارات مشعل، ۱۳۸۰ شمسی.
- ۳۹- لسان العرب، ابن منظور، بیروت: دار صادر، ۲۰۰۰ میلادی.
- ۴۰- اللهوف علی قتلی الطفوف، سید بن طاووس، تهران: انتشارات جهان، ۱۳۴۸ شمسی.
- ۴۱- مثنوی، جلال الدین محمد بلخی رومی، تهران: کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۳۸ شمسی.
- ۴۲- مجمع البحرين، طریحی، تهران: انتشارات المكتبة المرتضویه، ۱۳۹۵ قمری.
- ۴۳- محاسبة النفس، سید بن طاووس، تهران: المكتبة المرتضویه، ۱۳۵۱ شمسی.
- ۴۴- مرآة العقول، محمد باقر مجلسی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۹ شمسی.
- ۴۵- مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ قمری.
- ۴۶- المصباح، کفعمی، قم: انتشارات رضی، ۱۴۰۵ قمری.
- ۴۷- مصباح المتهجد، شیخ طوسی، مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۱ قمری.
- ۴۸- معانی الاخبار، شیخ صدوق، بیروت: دارالمعرفه، ۱۳۹۹ قمری.
- ۴۹- المعجم الوسيط، ابراهیم مصطفی و ...، استانبول: المكتبة الاسلامیه، ۱۳۹۲ قمری.
- ۵۰- مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی.
- ۵۱- المفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی، تهران: المكتبة المرتضویه، ۱۳۷۳ قمری.
- ۵۲- مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۲ قمری.
- ۵۳- مکیال المکارم، سید محمد تقی موسوی اصفهانی، قم: المطبعة العلمیه، ۱۳۹۷ قمری.
- ۵۴- من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۳ قمری.
- ۵۵- منهاج الصالحین، آیه الله سیستانی، قم: انتشارات ستاره، ۱۴۱۶ قمری.
- ۵۶- مهج الدعوات، سید بن طاووس، تهران: مؤسسه آفاق، ۱۳۸۰ شمسی.
- ۵۷- نجم الثاقب، میرزا حسین نوری، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۷ شمسی.
- ۵۸- نهج البلاغه، صبحی صالح، بیروت: ۱۳۸۷ قمری.
- ۵۹- وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۹ قمری.

## دیگر آثار مؤلف

- ۱- گوهر قدسی معرفت، قطع رقعی، ۲۳۲ صفحه
- ۲- معرفت امام عصر علیه السلام، قطع وزیری، ۴۳۲ صفحه
- ۳- شمیم آشنایی، قطع رقعی، ۲۲۴ (خلاصه کتاب معرفت امام عصر علیه السلام)
- ۴- آفتاب در غربت
  - \* شکر نعمت، قطع رقعی، ۱۱۶ صفحه
  - \* نعمت آفتاب قطع رقعی، ۲۴۰ صفحه
  - \* غربت آفتاب قطع رقعی، ۱۳۶ صفحه
  - \* یاری آفتاب قطع رقعی، ۱۷۶ صفحه
- ۵- آشنای غریب، قطع رقعی، ۳۲۰ (خلاصه کتاب آفتاب در غربت)
- ۶- سلوک منتظران، قطع رقعی، ۳۴۴ صفحه
- ۷- راز پنهانی و رمز پیدایی، قطع وزیری، ۳۹۲ صفحه
- ۸- پیمان غدیر، قطع رقعی، ۶۴ صفحه
- ۹- بیعت با مهدی علیه السلام، قطع رقعی، ۱۶۰ صفحه
- ۱۰- کتاب عقل (۱-۳)، قطع وزیری، ۵۵۰ صفحه
- ۱۱- در ضیافت ضریح، قطع وزیری، ۴۷۶ صفحه